

# توقیعات مبارکہ

حضرت ولی امر اللہ

۱۹۲۲-۱۹۲۶

میلادی

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۲۹ بیع

این مجموعه

شامل است بر شصت و یک فقره

از توفیقات مبارکه ولی عزیز امرالله

حضرت شوقی ربانی

که در سالهای ۱۹۲۲ تا آخر ۱۹۲۶ میلادی

صادر شده است

۱۹۲۲ - ۱۹۲۶

# فہرست توقیعات مبارکہ جلد اول

شمارہ صفحات	تاریخ صدور	عنوان توقیعات مبارکہ و مختصرات	شمارہ ردیف
۲ - ۱	۱۹ ک ۲ ۱۹۲۲	طہران - بواسطہ اعضای محترمہ محفل مقدس روحانی اجبای الہی روحی لیم الغداء ملاحظہ فرمائید (اولین توقیع مبارک) اجبای حقیقی جانفشان حضرت عبدالہباراد در عبودیت ...	۱
۸ - ۳	۱۵ شباط ۱۹۲۲	طہران اعضای محترمہ محفل مقدس روحانی روحی فدایم ملاحظہ فرمائید اجبای مخلص جان نثار حضرت عبدالہباراد و برادران ...	۲
۱۲ - ۶	شباط ۱۹۲۲	بواسطہ جناب آقای میرزا محمود زرقانی اعضای محترمہ محفل مقدس روحانی عربی روحی لیم الغداء ملاحظہ فرمائید	۳

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و مناقبین آنها	شماره ردیف
۱۳ - ۱۶	مارچ ۱۹۲۲	روحی و راضی فدا از اجنبه عبد البها ربّ علیم شابد و واقفات ... بواسطه حبیب روحانی بنده مقرب در گاه الهی جناب آقا شاه خلیل الله فازانی علیه بهار الله اجبای الهی و امام الرحمن برادران و خواهران روحانی در فاران و شرویه و امم العری و غیر تقاطع خراسان روحی داشتعالهم الغدا ملاحظه نمایند بهوالمستی الناظر العلیم - حبیبان عبد البها و سخین بر حیاق بهارا ...	۴
۱۷ - ۱۹	مارچ ۱۹۲۲	بواسطه زائران آستان مقدس جنابان هرزدیار و بهرام و ایران و الله الله سرور علیم بهاء الابی حنظله	۵

شماره ردیف	عنوان توقیعات مبارکه و نظمیں انہما	تاریخ صدور	شمارہ صفحات
	فرماندہ - ایران و ہندوستان بندگان صادق مخلص جمال ابی پارسیان ہریان و سایر اجبار ہنہ وامار الرحمن روحی محبتہم الغداء ملاحظہ فرمائید .		
	سادیان امیر آفاق و اشفاقان روی دلجوی دلبریشتاق ...		
۶	عنوان معلوم نیست این عبد پس از واقعہ مولد نصیبت عظمیٰ مسود حضرت عبدالہباء ...	اپریل ۱۹۲۲	۲۰
۷	بواسطہ بعضی مکرّمہ محض روحانی طہران اجبای الہی وامار الرحمن در ایران و قفقاز یا در کستان ہندون واقلم مصر و سایر صفحات	۱۶ دسمبر ۱۹۲۲	۲۱ - ۲۹

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توقیعات مبارکه و معنی بنی آنها	شماره و ردیف
۳۱ - ۳۰	۲۳ دسمبر ۱۹۲۲	شرق طراً ملاحظه نمایند ای حسین عبدالعباس، روحی محترم برچسپ از صدور ... بواسطه حضرات اعضاء محفل روحانی احیاء الله و امانه الرحمن فی مدینه بورسعید علیهم کما یتبه ایہا القائمون علی شرفعات یتبه لقد اتمت قلبی ...	۸
۳۸ - ۳۲	۲۷ دسمبر ۱۹۲۲	بواسطه اعضای محترمہ محفل روحانی عشق آباد برادران و خواہران روانی اجای الہی و امانہ الرحمن مدینہ عشق آباد و ہاشکندہ و مرو و خوقند و قفقہ و بحر قند و سایر نقاط امریہ در صفحات کتبات طراً ملاحظہ نمایند	۹

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه مخاطبین آنها	شماره ردیف
		سندریان امر اقدس جمالِ بهی و یار ثابت با وفای ...	
۳۹ - ۴۵	۱ جنوری ۱۹۲۳	طهران بواسطه اعضای محترمہ محفل مقدس روحانی یاران الهی امام الرحمن در تمام صفحات ایران طرّاً ملاحظه نمایند . ای عزیزان حضرت عبدالبهاء روحی لوفانکم العزاء ...	۱۰
۴۶ - ۴۹	۱ ک ۲ ۱۹۲۳	احبابی الهی و امام الرحمن در مدینه منوره طهران و ابرو طالبان حسن آباد و جعفر آباد و علی آباد حضرت عبدالعظیم و سایر نقاط مجاوره طرّاً نمایند بواسطه اعضای محترمہ محفل روحانی طرّاً	۱۱



شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و مخاطبین آنها	شماره ردیف
۵۲ - ۵۰	۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳	یاران و اماره الرحمن در آن اماکن منوره و صفحات متعدده ... بواسطه اعضای محض روحانی رشت اجبای آئی اماره الرحمن در رشت ولایت سیجان و انزلی و طواش و رشت نشاء و غازیان و خمام و سایر نقاط مجاوره طراً ملاحظه نمایند. گلهای شکفته معرفت الله را در این حدیقه امکان ...	۱۲
۵۵ - ۵۳	۲۳ جمادی الاول ۱۳۴۱	بواسطه اعضای محض روحانی اصفهان اجبای آئی در مدینه اصفهان و نجف آباد و ملخار و فریدن و ارجین در سمنان و کگلویه و اردستان و زواره و دولت آباد و سده و تیران	۱۳

شماره ردیف	عنوان توفیقات مبارکه و مناقبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحات
	<p>وهدی آباد و محله و سایر نقاط مجاور طرا ملاحظه نمایند . روحی محترم و وفایکم الفداء فی الحقیقه دوستان الهی ...</p>		
۱۴	<p>بواسطه اعضای محترمہ محفل روحانی شیراز اجابتی الهی و امام الحرمین در مدینه مبارکه شیراز و آباده ذرقان دوستان و نیز و جهرم و داراب و ساواریستان و اسفندآباد و بو شهر و بند عباس و سایر نقاط مجاوره روح لهم الفداء ملاحظه نمایند یاران و یاوران حضرت عبدالباقی برادران و خواهران ...</p>	<p>۱۲ ک ۲ ۱۹۲۳</p>	<p>۵۶ - ۵۹</p>
۱۵	<p>بواسطه اعضای محترمہ محفل روحانی</p>	<p>۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳</p>	<p>۶۰ - ۶۳</p>

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه مخاطبین آنها	شماره ردیف
		<p>قرودین اجبای الهی و اما، الرحمن  در قرودین و شتبار و سایر نقاط  مجاوره طرّاً مدحظه نمایند  توجهین بمنظر اعلی و تقسین النور  مشرفه جمال ابی ...</p>	
۶۷ - ۶۴	۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳	<p>بواسطه عضای محترمه محفل روحانی  تبریز اجبای الهی و اما، الرحمن  در تبریز و مراغه و میلان و خوی  و اسکو و ایواغلی و نیاب میاندوآب  و ساوجبلاغ و سیان و محقان و  النجی و ارومیه و اردبیل و دمیرجی  زنوز و سایر نقاط امریه در صفحات  آذربایجان طرّاً مدحظه نمایند  فدیکلم بروجی و فوادی یا اجباء</p>	۱۶

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و خاطبین آنها	شماره ردیف
۶۸ - ۷۱	۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳	<p>و انشاء در این مین . . .</p> <p>بواسطه اعضای محترمہ محفل روحانی محمدان اجبای الہی و اماہ الرحمٰن در محمدان و امرا جرد و بہار حسین آباد و تو سیرکان و سایر نقاط مجاورہ طراً ملاحظہ نمایند</p> <p>حدوثنا عنایات و تائیدات غیبیہ جمال اہبی را . . .</p>	۱۷
۷۲ - ۷۴	۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳	<p>بواسطه اعضای محترمہ محفل روحانی بارفروش اجبای الہی و اماہ الرحمٰن در مدینہ بارفروش و آمل و ساری و اشرف و بندر جزو تا کرد و عربیل و ماہ فروجک و سایر نقاط امریہ در در صفحات منورہ نازندان طراً</p>	۱۸

شماره ردیف	عنوان توفیقات مبارکه و خاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحات
۱۹	<p>ملاحظه نمایند  افدیکم بروحی یا اولیاء اللہ و احبابہ  ہر چند این عبدستان ...  بواسطہ اعضای محترمہ محفل روحانی  یزد اجبای الہی و امام الرحمن در پیشہ  یزد و ناین واردکان حسین آباد  و مشاد و ابرقو و بسند آباد و تفت  و محمد آباد و بلوک مجومر و خویدرک و مرست  و دہج و انار و بوانات و سایر نقاط  مجاورہ طرّاً ملاحظہ نمایند  حمد و سپر قوۃ قاہرہ جمال اقدس  ابہی و شکر و ستایش ...</p>	<p>۱۳ ک ۲  ۱۹۲۳</p>	<p>۷۷ - ۷۵</p>
۲۰	<p>بواسطہ اعضای محترمہ محفل روحانی  اجبای الہی و امام الرحمن در</p>	<p>۱۳ ک ۲  ۱۹۲۳</p>	<p>۷۸ - ۸۰</p>

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و مخاطبین آنها	شماره ردیف
		<p>کرمان و زرنجان و سمنان و زرنجان  و سیرجان و راور و تون و سنندج و  و شمیرزاد و سایر نقاط مجاوره در آن  صفحات ظراً ملاحظه نمایند</p> <p>ثابتین بر عهد محکم الهی رادر هر دو می  شامی معطر بنفحات رحمن ...</p> <p>۲۱ بواسطه عسای محمد مصطفی روحانی  کاشان اجبای الهی و امار الرحمن  در کاشان و قمر و مارگان و آرن  و بیدگل و شکان و نوش آباد و  و اردقان و جوشقان و فتح آباد و کش  و سایر نقاط مجاوره ظراً ملاحظه  نمایند</p> <p>روحی محمد بنم الفدا یا اولیا و الله</p>	۲۱
۸۱ - ۸۳	۱۳ ک ۲		
	۱۹۲۳		

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و مخاطبین آنها	شماره ردیف
۸۴ - ۸۶	۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳	<p>واجبات هر چند از محابره ...</p> <p>بواسطه عضای محترمہ محفل روحانی</p> <p>قم احبابی الہی و امامہ الرحمن در قم</p> <p>و امرہ و جاسب و نراق و سایر</p> <p>نقاط مجاورہ طراً ملاحظہ نمایند</p> <p>روحی لوفائکم الضداء فی بحقیقہ</p> <p>در این ایام منظرہ کہ جمال بیخاں ...</p>	۲۲
۸۷ - ۹۰	۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳	<p>بواسطه عضای محترمہ محفل روحانی</p> <p>سلطان آباد احبابی الہی و امامہ</p> <p>الرحمن در سلطان آباد عراق و شاہ آباد</p> <p>و خلیج آباد و شہد زلف آباد و نعرش</p> <p>و گرگان و آستانہ و آستانہ و آستانہ</p> <p>آباد و در قاء حسین آباد و سایر نقاط</p> <p>امرہ مجاورہ طراً ملاحظہ نمایند</p>	۲۳

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و محاسن آنها	شماره ردیف
۹۱ - ۹۳	۲۴ جمادی الاول ۱۳۴۱	<p>ای برادران و خواهران روحانی این عبدانی بریح و مساء ... بواسطه اعضای مکرّمه محفل روحانی شهد اجبای الهی و امام الرحمن در مشهد و شرویه و نامق و حصار و قوچان و شهرود و جندق و سروا و نیشابور و تربت و خیرالقرار و انارک و خوت و سرچاه و ازغند و قاین دوغ آباد و فروغ و بیرجند و کاخ و طبرستان و فاران و جستان و کجورد و سایر نقاط امریه در صفحات خزان ظراً ملاحظه نمایند مستعدان نیار موقده آئینه و سیر تعالیم ربانیه را در آن صفحات ...</p>	۲۴



شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و محاسن آنها	شماره ردیف
۹۴ - ۹۶	۱۱ ک ۲ ۱۹۲۳	<p>بواسطه اعضای مکرّمه محفل روحانی          کرمانشاه اجبای الهی داماد الرحمن          در کرمانشاه و سنقر و گروس و سنندج          و مکنه و کرد و دولت آباد و ملایرو          جراب و آذرمان و نهاوند و بروجرد          و خرم آباد و سایر نقاط مجاوره طرّاً          ملاحظه نمایند          بلبلان طرز این بوستان الهی را          ترنماتی بدیع بر شاخار . . .</p>	۲۵
۹۷ - ۹۸	۱۷ شباط ۱۹۲۳	<p>بواسطه محفل روحانی انزلی          اجبای الهی برادران و خواهران          روحانی در بندر انزلی روحفیدایم          ملاحظه نمایند          یا احبار الله و اولادّه المجدله که</p>	۲۶

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و مناقبین آنها	شماره ردیف
۱۰۷-۹۹	۲۳ ک ۲ ۱۹۲۳	<p>نامہ آن برادران خواہران روحانی ...          بواسطہ اعضای مکرّمہ محفل روحانی          طہران و یاد معنوی حضرت امین علیہ          روحیہ ہم اجبای الہی برادران          و خواہران روحانی در کشور مقدّس          ایران و بلاد ہندوستان و قفقازیا          و ترکستان و بین النہرین و قلم مصر و          برتیا بشام و سایر صفحات شرق طرا          ملاحظہ فرمایند</p>	۲۷
۱۱۳-۱۰۹	۳ ک ۲ ۱۹۲۳	<p>افدیکم بروحی و جنانی یا اجبایہ          آن شہین نغماتہ فی بلادہ ...          اعضای مکرّمہ محفل مقدّس روحانی          طہران خضرم اللہ و ایدہم ملاحظہ          نمایند</p>	۲۸

شماره ردیف	عنوان توقیفات مبارکه و مجاہدین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحات
۲۹	<p>افدیلم بروحی یا اجابہ و مناسبتین عبادہ الحمد لله انار و علام ...</p> <p>بواسطہ اعضای محترمہ محفل مقدس روحانی مدینہ طهران - اجبای لہے</p> <p>برادران و خواہران روحانی در کشور مقدس ایران و بلاد ہندوستان و قفقازیا و ترکستان و بین النہرین و اقصیٰ مصر و برتیا شام و سایر صفحات شرقاً ملاحظہ نمایند</p> <p>افدیلم بروحی یا اہل البہاء المقتبین من سیرہ الآفاق ...</p>	<p>۲۷ شباط ۱۹۲۳</p>	<p>۱۱۴ - ۱۴۰</p>
۳۰	<p>بور سعید حضرات الاعضاء المحفل الروحانی و سایر الاحباء</p> <p>حفظہم اللہ و ایدہم</p>	<p>۱۰ - ایار ۱۹۲۳</p>	<p>۱۴۱ - ۱۴۲</p>

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و مخاطبین آنها	شماره ردیف
۱۴۳-۱۴۶	۱۴ - نو فمبر ۱۹۲۳	<p>روحی و ذاتی لکم القداء ایحسا المقتبون من نار محبتہ ...</p> <p>بواسطه اعضای محرمه محفل مقدس روحانی طهران روحی فدایم احبابی الهی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران روحی فدایم ملاحظه نمایند</p> <p>فدایکم بروحی و راحتی یا اجباء الله مدتیت که بنعید ما توان ...</p>	۳۱
۱۴۷-۱۵۴	۳ - نو فمبر ۱۹۲۳	<p>بواسطه نشی محفل روحانی جناب محب السلطان حضرات اعضا محرمه محفل روحانی مدینه طهران ایدهم الله ملاحظه نمایند</p> <p>روحی لکم القداء یا انساء الله</p>	۳۲

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و مخاطبین آنها	شماره ردیف
۱۵۷-۱۵۵	۲۲ دسامبر ۱۹۲۳	<p>و صفیاء المحمدیه که با ترماییدات ...</p> <p>بواسطه جناب محبت السلطان منشی</p> <p>اعضای محترمه محفل مقدس روحانی</p> <p>طهران ایدیم الله بشید القوی</p> <p>ملاحظه نمایند</p> <p>روحی لکم الفداء یا اولیاء الله و</p> <p>انصاره فی بلادہ نامہ محفل مقدس</p> <p>روحانی ...</p>	۳۳
۱۷۹-۱۵۸	۱۹ دسامبر ۱۹۲۳	<p>اجای الہی برادران و خواہران</p> <p>معنوی در کشور مقدس ایران و صفحات</p> <p>ترکستان و قفقازیا و خطہ ہندوستان</p> <p>و بین النہرین و بلاد عثمانی و ایلم مصر</p> <p>و بریہ شام و سایر صفحات شرق</p> <p>ظراً ملاحظہ نمایند</p>	۳۴

شماره ردیف	عنوان توفیقات مبارکه و فی طین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحات
	ای ساریان و برگزیدگان جمال کبریا و پروان حضرت عبدالعزیز...		
۳۵	بواسطه نشی محفل مقدس روحانی اعضای محترم محفل مقدس روحانی مدینه طهران ایدیم الله بشید العوی ای ساریان ابراهیمی روحی محکم و استقامت الفدا، دو نامه اخیر...	۲۸ ک ۲ ۱۹۲۴	۱۸۰-۱۸۳
۳۶	بهایان عالم در شرق و غرب طراً ملاحظه نمایند در این حین که این مسکین از ارض مقصود موجود در آتش حسرت...	۱۹۲۴	۱۸۴-۱۹۴
۳۷	بواسطه اعضای محترم محفل مقدس روحانی مرکزی ایران احبای	۲۴ سپتمبر ۱۹۲۴	۱۹۵-۲۰۰

شماره ردیف	عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحات
۳۸	<p>الهی و امام الرحمن در قلم مقدس ایران ملاحظه نمایند یا منظر تشبوت و جواهر الوفا و قایم ناگوار این خسته دل مستمند ... اعضای محترم مجله نشر نفحات طهران</p>	۱۹۲۴	۲۰۱
۳۹	<p>برادران روحانی و فاضلات یاران ستمدیده ایران ... بوسیله نشی محض روحانی طهران جناب آقای میرزا علی کبر روحانی ایده الله . طهران اعضای محترم محض مقدس روحانی ایده بهم و خضرم یا انما الله و اصفیاء روحی</p>	۳۰ - کتبر	۲۰۲ - ۲۰۹

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و بیخاطبین آنها	شماره ردیف
		در احقی لکم العزاء نامه محفل روحانی	
۲۱۰ - ۲۱۹	۶ مارچ ۱۹۲۵	بواسطه اعضای محترم محفل مقدس روحانی مرکزی ایران علیم بهاء الله الاهی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران ای عزیزان جس روحی مظلومتکم العزاء چیدیت از آن موطن عزیز ...	۴۰
۲۲۰	—	شرکت نونکسالان ظهور حدیقه بقا طفلان عکوت را از استان بهار توفیقات معنویه ...	۴۱
۲۲۱ - ۲۲۳	۹ می ۱۹۲۵	اعضای محترم محفل مقدس روحانی مرکزی ایران ای هم تبه و حفظکم یا انصار الله و صغیرا روحی ثباتکم	۴۲



شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و مخاطبین آنها	شماره ردیف
۲۲۴	—	ووفائکم الضد ... اعضای مجله نشر نفحات طهران برادران روحانی شایسته نورانی آقا ذکرا الله بار خدی متعده فایز ...	۴۳
۲۲۵	خزیران ۱۹۲۵	اعضای محترمہ محفل مرکزی ایران ایدهم الله یا احباء الله و اصفیاء انعبده در این جوار پر انوار بر یک ...	۴۴
۲۳۷-۲۲۶	۱۹۲۵ ۸ جون	ایران انشاء الله و ذوات محترمہ عضای محافل مکتبه روحانیه بهائیان در اقالیم شرق طهران حفظ نمایند ای سروران جنبد ملکوت حضرت	۴۵

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان تحقیقات مبارک و مخاطبین آنها	شماره ردیف
۲۵۱-۲۳۸	تموز ۱۹۲۵	<p>ارتب الجنود در این کور موعود ...</p> <p>بواسطه محفل مقدس روحانی مدینه حیفه - اجبای الہی و امانہ البرہمن</p> <p>برادران و خواہران روحانی در صفحات شرقاً ملاحظہ نمایند</p> <p>روحی در حقی لکم الفداء یا اہل البہا و اصحاب الوفا ...</p>	۴۶
۲۵۷-۲۵۲	۱۶- اکتبر ۱۹۲۵	<p>بواسطه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران - اجبای الہی برادران و خواہران روحانی در صفحات شرقاً ملاحظہ نمایند</p> <p>ای مستظلمین در ظلّ دوحہ بقا جمال ہی روح من فی الوجود لمضجہ الفداء ...</p>	۴۷

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها	شماره ردیف
۲۵۸ - ۲۶۱	۲۸ - اکتبر ۱۹۲۵	اعضای محترمہ محفل مقدس مرکزی روحانی کشور مقدس ایران ملاحظہ نمایند یا انشاء الرحمن و اوداءہ روحی تعالیم و شبانکم و وفاکم القداء ...	۴۸
۲۶۲ - ۲۶۶	۲۷ نومبر ۱۹۲۵	بر واسطہ اعضای محترمہ محفل مقدس روحانی مرکزی ایران - اجبای الہی در صفحات ایران و قفقازیا و ترکستان طرّاً ملاحظہ نمایند ایہا المحرقون من نار العراق روحی محترمکم و وفاکم القداء ...	۴۹
۲۶۷ - ۲۶۸	۳ نومبر ۱۹۲۵	انشاء اللہ اعضای محترمہ محفل مقدس روحانی مرکزی ایران و فقہم بہ ملاحظہ نمایند	۵۰

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توفیقات مبارکه و مخاطبین آنها	شماره ردیف
		یا افاضه بته و اصفیاء نامه خیر آن محفل مرکزی تاریخ ۱۱ نوامبر...	
۲۸۲-۲۶۹	۳ ک ۲ ۱۹۲۶	بواسطه اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مرکزی اعضای محفل روحانیه در کشور مقدس ایران حفظه ملاحظه نمایند ای سروران لشکر حیات جمال بسمی ربّ آیات البیات ...	۵۱
۲۸۴-۲۸۳	—	از حیفا شیراز - مصیبت زدگان جناب سید احمد روحانی، جناب محمد صدیق، جناب نصرالله آزادگان، جناب پرویز کاویان جناب ابراهیم کاویان علیهم فضل الله	۵۲

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان تقریبات مبارکه و مخاطبین آنها	شماره ردیف
۲۸۵-۲۸۶	-	<p>الملك العزيز المنان ایها الصابرون فی البلاء هر چند نیران ظلم و عدوان شده اش ... اعضای محترمہ مجلہ محض روحانی مرکزی اعضای محترمہ مجلہ محض روحانی مرکزی تاییدی مدیح از ملکوت ...</p>	۵۳
۲۸۷-۲۹۹	۱۹۲۶ خزیران	<p>برادران و خواهران روحانی اجای الہی و امام الزمخدری صفحات ایران و قفقاز یا و ترکستان و اقلیم مصر و ہندوستان و ترکیہ و عراق و سوریہ حفظم اللہ طرہ املہ خلد نمایند ای عشاق و فدائیان نیر آفاق ہدایتدم کہ از مشعل مسیحا پان ...</p>	۵۴

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان تحقیقات مبارک و مخاطبین آنها	شماره ردیف
۳۰۱ - ۳۰۰	تموز ۱۹۲۶	اعضای محترم مجلس مقدس روحانی مرکزی کشور مقدس ایران حضرت فقید و ایدیم ملاحظه نمایند یا امانه الرحمن و اصفیاء چندی قبل نامه ای عمومی مرقوم دارسال گردید ...	۵۵
۳۰۴ - ۳۰۲	تموز ۱۹۲۶	اعضای محترم مجلس مقدس روحانی مرکزی کشور مقدس ایران و فقید ملاحظه نمایند ای جیبان باوفا و خادمان و خارسان ادرجال اقدس این نامه خیر آن مجلس مقدس ...	۵۶
۳۱۷ - ۳۰۵	ایلول ۱۹۲۶	اجتای الهی و امام الرحمن در کشور مقدس ایران و قفقاز و ترکستان	۵۷

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها	شماره ردیف
		و صفحات هندوستان و قلمم مصر و عراق و ممالک ترکیه و برتیه اشام طراً ملاحظه نمایند روحی و ما اعطانی ربی فدا و شاکم یا ایا المؤمنین در تعقیب رسا از خیر...	
۳۲۱-۳۱۸	۱۹ دسامبر ۱۹۲۶	اعضای محترمه محفل معدهس روحانی مرکزی قلمم ایران حفظم ملاحظه نمایند یا اصفیاء الرحمن و اجباء و انساء نامه های اخیر آن محفل	۵۸
۳۲۳-۳۲۲	—	معدهس منتخب مفاصل دواچی روحانی مفاصل روحانی یاران در شرق و غرب عالم باید من دون استیفاء	۵۹

شماره صفحات	تاریخ صدور	عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها	شماره ردیف
۳۲۵ - ۳۲۴	۳ دسامبر ۱۹۲۶	برسالی در یوم اول عید سعید رضوان ... من حیفا الی بغداد اعضای محترم مجلس مقدس روحانی زید اجدالهم اولیای الهی عریضه آن مجلس مقدس در خصوص سخن جناب حضرت شیخ محمد سعید ...	۶۰
۳۲۶ - ۳۲۷	۲۰ ربیع ثانی ۱۳۴۵	از حیفا بطهران أعضاء مجلس مقدس روحانی زید اجدالهم اولیاء الرحمن روحی تقیاً کم الغدا علی اعلاء کلمة الطاعة .....	۶۱



# فہرست مناجاتہای صادرہ در ضمن توقیعات مبارکہ

شمارہ صفحات	عنوان	شمارہ
۲۹۰ تا ۲۸۷	ای حی تو انا و مولای بہیتا تو دادرس ضعیفانی	۱
۸۷	ای خدای مہربان بنا عظیمت را با سبایی غیبی در عالم امکان نصرتی سریع بخش	۲
۹۱	ایرت عزیز قلوب محترود جیبانت را بمرور نام امید و عنایت شاد و مہتر فرما	۳
۱۷۸ - ۱۷۷	ای سمندر نار موقدہ در سینه سینا ( لوح حضرت عبدالہباء خطاب بجناب سمذرات )	۴
۱۵۹	ای عزیزان من محزون مشوید و افسردہ نگردید ( از قول حضرت عبدالہباء )	۵
۱۱۴	ای قوی قدیر و حافظ این غنام تو ہستیم محافظہ نما	۶
۲۶۶ - ۲۶۵	ای مولای جوانا در عالم بالا نظری باین زندگان بنوا نما	۷
۴۶	ای مولای شوق و خون انگلویت بایت نظری باین پودون بدیت مکن	۸
۳۱۷ - ۳۱۶	دبشا و ملاذنا ازل کروشا	۹

# فہرست مطالب توقیعات مبارکہ تہذیب النبیاء

شمارہ مطالب	موضوع	شمارہ صفحات
	حرف الف	
۱	اتباع اراضی حول مقامات مقدّسہ در اراضی آقدس	۲۵۶-۲۵۷-۲۸۱
۲	اتحاد و الفت و لزوم آن و اقتباب از تعصبات	۲۴-۲۵-۱۸۶ تا ۱۸۸ ۱۹۹
۳	اجتماع دو زوجہ	۳۲۴
۴	احصائیہ و اہمیت آن	۱۱-۲۲۵
۵	استنساخ آیات و الواح	۲۴۱ تا ۲۴۳-۲۶۷-۲۶۸ ۳۱۴
۶	اشعار جناب نبیل و لزوم جمع آوری آنها	۱۸۲
۷	اطفال و جوانان و لزوم تربیت و تحصیل آنان	۸۶-۱۷۳

شماره صفحات	موضوع	شماره مطالب
۱۷۵-۱۷۶-۲۲۲-۲۲۳	اماء الرحمن ولزوم ترقی	۸
۲۴۴	آنان	
۲۴۶	اماکن مستبرکه	۹
۴۴-۱۱۲-۱۳۲ تا ۱۳۹	انتخابات	۱۰
۳۱۴-۳۲۲-۳۲۳		
۲۱۳-۲۱۵-۲۹۰ تا	انتشار امر الهی در ممالک	۱۱
۲۹۲	غرب و امریکا	
۲۱۴	انتشار امر الله در استرالی	۱۲
۳۱۵	انجمنهای خیریه - علمی - ادبیه	۱۳
	و شرکت در آنها	
۲۶۸	آواره و عدم توجه باو	۱۴
۳۹-۴۰-۱۴۷	ایران و اهمیت آن و	۱۵
۱۴۸-۱۶۶ تا ۱۶۹	وظائف بهائیان	
۲۰۴-۲۰۷	ایران	

شماره مطالب	موضوع	شماره صفحات
	حرف ب	
۱۶	بلايا و شدت و ازدياد آن	۴ - ۷۹ - ۸۱ - ۸۲
	و صبر و تحمل اجتناب است	۱۱۶ - ۲۰۳ - ۲۹۷ - ۲۹۸
	پشرفت امر الله است	۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۶
۱۷	بلاياي وارده بر جمال اقدس <sup>سبحه</sup>	۲۱۰ - ۲۱۲ - ۲۲۶ - ۲۲۷
	و حضرت اعلي و حضرت عبدالباق	۲۵۸ - ۲۹۵
	و پيروان آنان	۲۹۶
۱۸	بهاييان از همه شيرتريان ملا و دار	۱۶۶
۱۹	بيت اعظم بغداد	۲۷۴ - ۲۷۶ تا - ۲۷۹
		۲۸۰ - ۲۹۶
۲۰	بيت العدل اعظم	۲ - ۴ - ۶ - ۱۰ - ۱۳۲
	و وظائف و اختيارات	۱۳۳ - ۲۳۹ - ۲۴۰
	آن	۲۸۱ - ۲۸۲

شماره مطالب	موضوع	شماره صفحات
	حرف ت	
۲۱	تأیید قلوب و لزوم در اهمیت آن	۱۲۸
۲۲	تدوین تاریخ امر	۲۵۹ - ۳۱۴
۲۳	ترجمه کتاب مستطاب اقدس	۱۸۲
۲۴	تکلیف محفل روحانی در پور تسعید	۳ - ۱۴۱ - ۱۴۲
۲۵	تعیین وظائف طبعه بهائی در	۳۲ تا ۳۸
	ترکستان	
۲۶	تقدیر از خدمات احبّاء	۱۸۵ - ۲۰۲
۲۷	توجه کلیه اهل کجا بکتاب مستطاب	۲۶
	اقدس و الواح و صحایب است	
	حرف ح	
۲۸	حجاب در ایران	۱۲۱ - ۱۷۶
۲۹	خطیره اقدس و اهمیت آن	۷۴۷ - ۲۶۰
	و موقوفات امری	

شماره صفحات	موضوع	شماره مطالب
۲۵۰ - ۲۵۱	حقوق مدنی شرعیہ شخصیت افراد و اہمیت آن حرف خ	۳۰
۷۰	خردانیال اجم بسہ ۱۳۳۵ حرف د	۳۱
۱۲۷ - ۱۷۴ - ۲۵۴	درس تبلیغ و مدارس تبلیغ و اہمیت آن حرف ر	۳۲
۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۶۹ - ۱۹۶	روابط اکابر با اصغر و زین العابدین افراد احباب بانی دیگر حرف ز	۳۳
۳۲۵	زیارت اقطاب مقدسہ حرف س	۳۴
۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۸۵	تائیس و اظہار رضایت از احباب حرف س	۳۵
۲۹۵		

شماره مطالب	موضوع	شماره صفحات
۳۶	ستایش از اجبای جبرم و ذکر حوادث ناگوار عجبم	۲۸۳ تا ۲۸۷
۳۷	سیل فی زین و خسارات وارده بر اجبا و مساعدت بهائیان امریک حرف ش	۲۱۰ - ۲۱۶ - ۲۱۷
۳۸	شرکت نو نخالان	۲۲۰
۳۹	شامل مبارک جمال ابی - حضرت اصلی - حضرت عبدالبهاء	۱۵۱ - ۱۷۲ - ۲۴۹
۴۰	شیراز و اجبای شیراز که منبع فیض الهی بوده حرف ص	۵۶ - ۵۹
۴۱	صندوق خیریه ولزوم تقدیم تبرعات و تقویت آن	۱۳۰ - ۱۳۱ - ۲۳۶ ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۳۰۲ تا ۳۰۴ - ۳۱۳

شماره صفحات	موضوع	شماره مطالب
	حرف ظ	
۲۷۷ - ۱۰۶ تا ۱۰۰ - ۸۸	ظهور آثار اولیه بشارت الهی	۴۲
۲۷۸ - ۳۰۰		
	حرف ع	
۲۰۵ - ۱۹۹ - ۱۲۰ - ۴۲ - ۲۳	عدم مداخله در امور سیاسی	۴۳
۲۲۱ - ۲۳۳ - ۳۱۵ -		
۳۲۶ - ۳۳۰		
۱۷۳ - ۳۲۵ -	عده اعضای محض روحانی -	۴۴
	اهمیت مقام نشی محض	
۲۷۹ - ۲۱۹ - ۲۱۸	عزت ارض طاهر و حکومت ایران	۴۵
۲۶۵ - ۲۶۲ - ۲۱۱	عظمت امر الله	۴۶
۳۱۳ - ۳۱۲ - ۲۸۱ - ۲۸۰		
۱۸۳	عمل شایان تقدیر میرزا علی محمد	۴۷
	خان موافق	



شماره طالب	موضوع	شماره صفحات
۴۸	عنوان (شوقی افندی) حرف ف	۱۱ - ۱۲ - ۱۶
۴۹	فقرا و مستمندان لزوم شکرگری از آنان حرف ق	۱۲۸ - ۱۸۱ - ۲۳۶
۵۰	قیام مخالفت با قضین و مخالفین و مغلوبیت آنان و لزوم جناب از ایشان حرف ل	۲۲ - ۲۳ - ۲۴ ۱۹۵
۵۱	بجند و تشکیلات آنها کلام در تحت نظر محض میباشند	۷ - ۱۴ - ۴۳ - ۱۱۱ - ۱۳۴
۵۲	بجند نشر صفحات حرف م	۱۳۸ - ۱۴۹ - ۱۳۵ ۲۲۴ - ۲۵۹
۵۳	مازندران که صیقل انوار است دبار فروش - آمل - ساری اشرف - تاکر - عربخیل	۷۲

شماره مطالب	موضوع	شماره صفحات
۵۴	مبلغین و شرایط لازم آنان	۲۷ - ۲۸ - ۲۵۵
۵۵	مجلات امری و لزوم اشتراک و تعویب آنها	۴۴ - ۱۲۹ - ۱۷۴ ۲۳۵
۵۶	محافظة امرالله و احب	۱ - ۲ - ۱۸ - ۲۳ - ۴۲ ۱۲۸ - ۶۳ -
۵۷	محافظة آثار ارض اقدس	۲۴۸
۵۸	محافظة آثار امری	۲۴۸ - ۲۶۷
۵۹	مخاض روحانی محلی و مرکزی و اهمیت و مرجعیت و وظائف	۵ - ۶ - ۷ - ۱۰ - ۱۴ - ۱۵ ۱۸ - ۲۶ - ۴۲ - ۴۳
	و اختیارات و لزوم اطاعت از قرارهای آنها	۵۷ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۵ - ۱۲۸ ۱۲۹ - ۱۳۱ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۳
		۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۹ - ۲۰۵ - ۲۰۸
		۲۲۲ - ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۳۷
		۲۳۹ - ۲۴۶ - ۱۷۱ - ۲۷۲
		۳۱۳ - ۳۱۶

شماره صفحات	موضوع	شماره مطالب
۱۵۶	مجلس اقتصاد	۶۰
۳۲۱ - ۳۲۰ - ۳۱۹	مدرسین بنین و بنات طهران	۶۱
۱۵۳ - ۱۵۲	مسافرت اجبای خارج بایران و وظیفه اجبای ایران	۶۲
۲۱ - ۲۰	مسافرت و هجرت حضرت ولی امرته و والگذاری اداره امور امرته بحضرت و رفته علیا	۶۳
۲۷۱ - ۲۷۰ - ۱۰۰ - ۹۹	مشغل حضرت ولی امرالله و کثرت آنها بواسطه اتساع دائره امر در عالم	۶۴
۲۹۵ تا ۲۹۳	طلعه رومانیای (ماری) و توجه	۶۵
۳۰۸ تا ۳۰۵	ایشان بامرالله	
۲۹۳ - ۲۹۲	میس بارشروت و خدمات	۶۶
۳۰۱ - ۳۰۰	شارایها بامراللهی	
۳۰۵		

شماره صفحات	موضوع	شماره مطالب
	حرف ن	
۶۵-۶۱-۶۰-۵۵ تا ۵۵	نجات عالم از وضعیت اشتناک	۶۷
۱۴۶ تا ۱۴۴-۱۰۸-۱۰۷-۶۶	فعلی ممکن نیست مگر با پیروی از تعالیم	
۲۲۸-۲۲۷-۲۰۷-۲۰۶	الهی، بهائیان باید با عمل تعالیم	
۲۵۵-۲۵۴-۲۵۳	الهی با بابل عالم عرضه دارند	
۱۸-۱۷-۱۴-۷-۲	نشر نفحات الله و تقدم	۶۸
۴۷-۲۷-۲۴-۲۳	آن بربر کار و نحوه بیان	
۶۰-۵۹-۵۷-۴۸		
۸۵ تا ۸۳-۷۶-۷۵		
۱۲۴-۱۱۹-۹۲		
۱۴۶-۱۳۹-۱۲۷		
۱۶۷-۱۶۴ تا ۱۶۰		
۳۱۲-۲۱۱-۲۰۱		
۳۱۸		

شماره و صفحات	موضوع	شماره مطالب
۱۷ - ۱۸	حرف ه هندوستان و مستعد بودن آن برای نشر نفحات	۶۹
۱ - ۲	حرف و وظیفه اهل کلبا بعد از صعود حضرت عبدالبها	۷۰
۲۶	حرف ی نیچا جهه جامعه عالم - امریه و جامعه بهائی است	۷۱

# اولین توقع مبارک حضرت ولی امر الله ارواحنا فداه

طهران بواسطه اعضای محترمه محفل مقدس روحانی جناب آئی روحی لم نعذر ملاحظه فرمایند  
بوالله

احبابی حقیقی جانفشان حضرت عبدالبهار را در عبودیت استیانتش سپهیم و شکریم و در  
این مصیبت جانسوز یعنی فرقت و حسرت جمال بمشایش برآنی مؤمن ندیم .

هر چند سیکل شبری مولای خونمان از دیده عنصری متواری گشت ولی چون سحاب از  
وجه شمس مرتفع شد اشراق نایبش قوتی روحون و صون و حمایتش اکل و شدید تر

از قبل خواهد بود . حال باید همگی تقویه خلافت کلماتش نظر نمایم و منتظر آیات  
خفیه اش شویم . وعده های صریح که از قلم مبارکش صادر گشته باید آریم

و بنهایت جدیت و شور و طمینان و حکمت و توجه و محویت و قطع و جهمت  
و ثبات قدم بمیدان خدمت گذاریم . حصن این امر الله را محافظه کنیم و تعالیم

جانپرورش را تقمیم و ترویج دهیم . امید و طمینان بنده شرمند آن است  
که بعون و تائید حضرت عبدالبهار روحی لرمسه الاطرف فدا و بار اذعیه بجایش

که از قلوب محترمه صافیه منیرشان صادر است موفق بخدمتی گردو تا کسب استعدا  
و قابلیت این عنایات بسزوله را نماید و بتعاون و تعاقد پاران و مشورت دوستان

و صلاح دیدیت عدل عمومی که بعضی قاطع مریخ کل امور است موفق باجری  
 نصایح مبارکه شود. از یاران با وفایش لازماً مستدیمیم که دعایمانند تا بر این  
 عزم ثابت مانم تا انشاء الله بفرموده مبارک این نهال ضعیف نالایق قوی یابد  
 و کس استحقاق نماید و ثمر رسد و باین جهت علت سرور و فرح قلوب یاران  
 آرزوی خیر خدمت امرش نداشته و نخواهم داشت انشاء الله بعونه و هدایت  
 بمشورت عامه مقدسه و حضرات افسان در ارض مقصود بحسن و جوه مرتب و منظم  
 خواهد گشت و تمهیدات لازمه کامله از برای انتخاب و تائیس بیت عدل عمومی  
 پس از شورت و وقت تمام ابلاغ بیاران خواهد شد آن وقت کل طالبین  
 بدایت و مطمئنین بتائیداته قیام خواهیم نمود و بقوه مملکتش متحداً متفقاً امر  
 را از هجوم اعدا حفظ خواهیم کرد و عدت بهائی را محافظه خواهیم نمود روابط  
 درین مراکز امریه را مستحکم خواهیم داشت و بر ترویج تبلیغ در شرق و غرب عالم  
 الی همین المات خواهیم کوشید. تا عاقبت در مملکت ابھی با جره ثواب  
 عظیم نائل گردیم و نعمت فوز بقایش فائز شویم. حقوق با الهی امان از قانکت  
 المتهیرین بفرانکت بر حمتک و فضلتک. بنده استانش شوقی ربانی

۲- طران اعضای محترمه محل مقدس روحانی روحیه اہم ملاحظہ نمایند

ہوائے

اجبای مخلص جان نیش حضرت عبدالبہاء و برادران روحانی این بندہ  
 شرمندہ درگاہش را در این جوارسہ روضہ مقدسہ نوراً، صبر و سکون و قرأ  
 در این مصیبت جانسوز و خط و حر است الہیہ و تائیدات قویہ غیبیہ ملکوتیہ  
 و ہدایت رحمانیہ ہرانی طمئین و طالبیم کہ آن ہیات عزیزہ محترمہ را برابر برای رضا  
 خویش در آن استلیم مبارک موفق گرداند و بر محافظہ امرش و تقسیم و نصرت  
 دینش فتویہ فرماید امید و ہیدمان ہر یک آن است کہ بروحی جدید و  
 نفسی بدیع مسوخت فرماید. ابواب خدمت را بزر و جہان گشاید برسی  
 و کوشش و غربت مان بخراید. در سبیل خدمت و شگیری نماید و تائیدتش را  
 شامل گرداند تا بر اجرای این خدمت و طی این سبیل موفق گردیم و از  
 بندگان با وفا شمس محسوب شویم. حق علیم شاہد کل جوارح و ارکانم گوید  
 کہ این بندہ ضعیف لا زال در ایام مبارک علی الخصوص در این سنوآت خیرہ  
 خود مستعد ہر گونہ خدمتی بلکہ قابل ادنی عنایتی از عنایات مولای حسونم  
 نمیدیم چہ رسد بچہ تاج موہبتی و مقام رفیعی کہ آن حضوریت مقدس مرجع



کل امور بیت العدل عمومی الهی است که من دون استحقاق عنایت فرموده  
 ولی یقین دارم که اگر چنانچه در افکار و اقوال و رفتارم ادنی آنقدرانی از رضای  
 مبارکش و تجاویزی از آنچه اراده مبرمه اش است حاصل نشود و از شوق و قیام  
 تعویق و تعطیلی در شمول ناید اش واقع نگردد این مرده پریشان ناتوان را خلعت  
 جدید نسرماید. اطمینان بخش و قوه ملکوتی عنایت فرماید.  
 چه خوش بود اگر چندی اوقات را تنها در نهایت فراغت و آرامی و توجه و تطهیر  
 از برشانی از شوق دنیا در جوار سه تبعه نوراء ایام و یالیم را بتضرع و زاری  
 میگذراندم و روز بروز خود را فارغتر و محبت در منمیدوم تا آنکه آن محویت صرفه  
 و روحانیت الهی در تبسم بر تو افتد و استحقاق قیام بر ایفاء همه وظیفه مقدسی  
 حاصل شود ولی قلباً مطمئنم که نفس قیام برواجبات همه امریه جلب نماید را  
 نماید و روح جدید عنایت فرماید و چون تکلیف شدیم آن است که افکار  
 حصر نموده تمام قوی و مشورت اجبات و جهالیه و مستعداً علیه تمهیدات  
 همه لازم از برای تسخیر آن مرجعی که در مستقبل حلال مشکلات و واضح حکام  
 و شرائع غیر منصوصه و مبسوتین امور مبهمه است حتی المقدور فراهم آرم لذا  
 از یاران باوفای جانفشان حضرت عبدالمجید در تمام نقاط امریه در ایران

بواسطه اعضای محترمه این انجمن مرکزی استعدا دارم که عجات تا این درج  
 لیکن تأسیس گذشته امور اجبا منفره او مجتمعاً در هر بلده فی ارضان درج  
 بمحل روحانی خصوصی آن شهر گردد و اعضای این هیات بحمل مشورت نهیت  
 توجه و تجسد از نفس و هوی تنگت نمایند و آنچه را که اراده مبارک در آن  
 دانش مجری دارند و از هر چه در بلده فی ارضان بیان آید اعضای این  
 انجمن بالاتفاق او با کثرت آراء صلاح دانسته بمحل روحانی مرکزی اعظم  
 که در طهران است مراجعه نمایند و همچنین در اموری که محلل خصوصی  
 بلدان در آن مختلف الرای گردند از راه محل محلل مرکزی طهران نمایند.  
 و هر چه را که این مرکز اجرا نتواند صلاح دانند با عرض مقصود و باین عهدنا لایق  
 اطلاع دهند تا در نهایت خلوص و توجه هدایت مبارک و اراده مقدس را  
 طالب شوم و آنچه را که مروج مصالح امریه و جالب تأییدات الهیه است  
 معلوم و مجری گردد.

جمال قدم جل اسمہ الاعظم می فرماید خیمه نظم عالم بدو ستون قائم  
 و برپا مشورت و شفقت و حضرت عبدالبصیر در لوجی از الواح باین  
 بیان ناطق از مشورت مقصود آن است که آراء نفوس متعدده لمسته

بهتر از رای واحدت نظیر قوت نفوس کثیره البته عظم از قوت شخص واحد است  
 لهذا شور مقبول درگاه برباد امور بود و آن از امور عادی شخصی گرفته تا امور کلیه عمومیه مشا  
 شخصی کاری در پیش البته اگر بعضی بخوان شودت کند تجری و شغله موافقت کرده و حقیقت  
 عال واضح و آشکار شود و پس چنان با فوق آن اگر اهل قریه بی محبت امور  
 خویش بایده گیر مشورت نمایند البته طریق صواب نمودار شود و همچنین هر صنف از  
 از اصناف مشا اهل صنعت در امور خویش بایده گیر مشورت نمایند و تجار در  
 مسائل تجاریه مشورت کنند خلاصه شور معتبر و محبوب در هر خصوص و امور  
 الی خسر بینه الاصلی لذا نظام عالم بهائی و ترتیب تمشیت امور امریه  
 من دون تأخیر و در نهایت اتقان متوقف بر آن است که محافل روحانی بعد  
 امکان در تمام امور امریه راجع باشد و جمع اجابدا کرده و مشاوره نمایند  
 و ترتیب و قرار دهند و مهمات امور را که متعلق با تسلیم ایران است بمجلس مرکزی  
 آن تسلیم مراجع نمایند و آنچه را که آن مرکز صلاح داند و مشورت با ارض  
 اقدس را لازم و واجب شمرد فوراً مجابره نماید و چون بیت العدل عمومی تأسیس  
 شود آنچه مستعد در بدین عند الله است و تحت حیانت و عصمت و حرمت  
 جمال امجی . امور باین نحو مرتباً سر بیا مکنجا مجری گردد و وحدت بهائی

مخفوظ ماند و ارتباط محافل روحانی بسبب عدم تکلم ترشید ترشود و آنچه از محفل  
 و کمپته های متنوعه از برای حفظ و ترویج امر الله در بین احبب در شهری پش  
 گرد کل باید در ظل محفل روحانی آن بلد باشد اطاعت آنرا نماید و بر حسب  
 دستور العمل محفل روحانی حرکت نماید مرجع و مخاطب محفل روحانی باشد  
 نه سایر محافل خصوصی احبب .

ولی آنچه الزم و مستم و اعظم است تبلیغ امر الله است و تولید آن روح  
 و ذوق و شوق ترویج کلمه الله در قلوب افراد احبب . بقدر امکان نظرها  
 باید از ترتیب و تنظیم امور داخله احبب با شتاع دائره امر و انتشار نفحات الله  
 در بین سایرین متوجه نمود و قائل و خبریات امور را تا حدی ترک نمود و در مقام  
 امور که ارتفاع صیت امر و حفظ حصن حصین شریعه الله است و تحسین  
 اخلاق افراد شبر است کوشید تا لطمه ای بر امر الله وارد نگردد و بیلیات  
 و شهادت حضرت رب اعلی و اسیری و زندانی جمال و قدم بیلیات قناب  
 بر حضرت عبد البهسا و دم اهلر شهید اهدر نمود و وعده های صریحه فرموده از  
 قلم میشتاق تحقیق یابد . قوله الاصلی « این موهبت عظمی و این منقبت  
 کبری حال اساش بسید شجرت آیه در عالم امکان در نهایت تنانت

بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویت دور مقدس است ظاهر و آشکار  
 گردد الآن بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بنیات در آخرین قرن  
 و عصر معلوم و واضح گردد که چه کجاست در روحانی بود چه موهبت آسمانی ،،  
 ایدنا الله جمعین علی بئس تعالیمه فی کل الاقطار و حفظ حصن امره من شر الاعداء  
 و التوجه الیه والاستعانة منه فی کل الاحوال .

سنوای از مکتوب عمومی بلسان انگلیزی که بمجموع دوستان حضرت عبدالبهادر  
 در تفصیل آیام اخیر مبارک و وقوعات ارض مقصودا بعد از صعود و منابرات  
 و مراسلات و مقالات جرائد راجع باین مصیبت عظمی و نصائح الهیه و بشارت  
 رحمانیه که در مستقبل آیام تحقق خواهد یافت بمشورت و مساعدت امه الله لیدی  
 بلا مفید ستاره خانم که حال در ارض اقدس مقیم است نگاشته شده نزد  
 جناب آقا میرزا عبدالحمید خان نخل جناب آقا میرزا محمد باقر خان ارسال شد  
 تا ترجمه نموده محض انتشار بین احببتان نزد محفل روحانی طهران ارسال دارند .

بنده استانش شوقی ۱۵ شباط

۳- بواسطه جناب آقا میرزا محسن دوزرقانی

اعضای محترمه محفل روحانی مبسوطی روحی لهم الفداء ملاحظه فرمایند  
هو الله

روحی در حستی فداء ائجه عبدالبهاء ربّ علیم شابد و واقف است که در  
این رزیه کسب می که جهان امکان و قلوب یاران را اطلهانی نموده و رفات  
مقدسات و این عبد فانی کلا در برانی بیاد دوستان آن سامان بوده و هم  
در احیان شرف باستان مقدّسش روحی جدید و تأییدی شدید از ملکوت  
غیب سائل و آلمیم . این عبد از شدت مشاغل و هجوم انکار و غلبه احزان  
در این ایام فرصت نگارش نامه ای علیحده با حسب ای آن دیار نماید نفس احبا  
واقف و آگاهند که این مسوولیت عظمی که من دون استحقاق بر شانه این  
ناتوان گذارده شده چگونه مشاغل فکریه را زیاد نموده که حتی فرصت نگارش  
منفقود . از جهتی تهیه تمهیدات کافیه لازم از برای احب برای وصایای معده  
حضرت عبدالبهاء ، از جهتی دیگر خدمت و پذیرائی حضرات مسافین که  
حال از ایران و اروپا و هند و امریک در ارض اقدس مجتمعند از طرفی دفع  
شرناقصین محمد الهی و تنظیم و ترتیب امور امریه در این ارض و حل مشکلات

موقوفه متعدده و جواب اسأله بعضی از نفوس خارجه که ازین صعود طلعت  
 پیمان بجهان پیمان طالب داشته تعالیم امریه گشته اند از طرفی دیگر معاودت  
 و مساعدت بعضی از اجبا که از نقاط مختلفه ارض بحال شور و همت قصد تأسیس  
 مرکزی امری نموده اند و ترجمه الواح لازمه محمد که از ملک پیمان اخیراً نازل و بصیبا  
 ارسال گشته کُل این امور انجام و اتمامش مشروط بشمول تأییدات خفیه متابعه  
 الهیه است و منوط و موکول بخدمت اجبای الهی است که از قلوب صافیه  
 میره شان منبعث است و الا این شبه ذلیل و عبد حقیر چه تواند و چه استعدای  
 دارد که بامری از این امور کما یسبغی پردازد .

از اجبای الهی در هر دیار هستند حامی چنین است که علی العجاله الی صین تأسس  
 مربع کُل امور بیت العدل عمومی الهی امورا حب منفرداً و مجتمعاً در هر نقطه  
 از نقاط هستند و بر ما راجع محفل روحانی آن مدینه یا قریه گردد و اگر چنانچه  
 امر محتملی که راجع بمصالح امریه در مقام هندوستان است در نقطه ای از نقاط  
 بمیان آید بمصالح دید و تصویب اعضای محفل روحانی آن نقطه راجع به بیت  
 سفیدیه کنونش است لایحه اجبای هندوستان شود و آنچه را این به بیت  
 قرار دهد و صلاح داند بارض اقدس رجوع نماید . چون چنین شود امور مرتبه

و منظم شود و اختلاف بین این سه ادو محافل رفع شود و در تشریح امور تاریخی  
حاصل نمرد چه که در مستقبل آیام امر الله چنان آتساعی یابد که رتق و قس امور در  
در دست یک شخص ممکن نشود و امور متوق و معطل ماند.

از اعضا، محترم و محفل روحانی بمسئول نیز استعدا دارم که بیاتی را مخصوص  
تعیین نمایند و با سرعت مایکن حد و اسامی مؤمنین و مومنات را در هر نقطه  
از نقاط بند و بر ما علیحدہ تعیین ثبت نمایند و بواسطه محفل روحانی بمسئول سربا  
بافرض مقصود ارسال دارند چه که بسیار لازم است ولی بنحوی تعیین گردد  
که برودت و اغیراری بین اجبا و مبتدئین حاصل نشود و ادنی ضرری بامر الله  
وارد نگردد.

رجای اخیرم آن است که در مراسلات و مذاکرات اجبای الهی جز  
شوقی افندی مرا مخاطب سازند فخر و مبامات این عبد باین نام است  
و بس چه که از فم طهر صادر میگشت و در نظرم از برگونه اسم و لقبی عزیز تر و  
دشیرین تر و شریف تر است و سپسچین احترامات فائده و تعظیم و تکریم از امر  
قبیل مخالف و میان حال و تمنای این عبد است. نظر برادرانه نمایند این  
نظر برادر اعمال و اقوالشان نسبت باین فانی ابراز و اظهار نمایند چه که



از برای حال روحانی این عبد بتر است و از برای ترقیات در عوالم معنوی  
 اوفق و انب .

بمنع مرسله اجبای ملبسی و اصل و نیت این عبد چنان است که با تلبیه  
 از اجبای جانفشان آن کلیم قسم موفوری از آن صرف ترین و جلیل  
 مقام مقدس مظهر حضرت عبد الباقا کرد .

از اندوستان و برادران حقیقی روحانیم تمنا و استعدای همواره آن است  
 که دعا نمایند و تضرع و استجسال بدگاه غنی متعال کنند که این عبد را  
 مؤید نسیم باید بر آنچه رضای مقدس است و علت سرور و جهور و نشاط  
 و انبساط اجبای الله است . بنده استانش شوقی

شباط ۱۹۲۲

۴- بواسطه حبیب روحانی بنده مقرب درگاه الهی جناب آقا شاه خلیل الله فارابی

علیه بجا و الله

اجتبابی الهی و امانه الرحمن برادران و خواهران روحانی در فاران و شبرویه  
و امم العری و سایر نقاط خراسان روحی ناشتعالیم الغدا و ملاحظه نمایند

هوالمسکلی انظر العظیم

جیبان عبد البها و انسجین بریشاق بجا را در این سینه فراق هجران کز  
عهد تیر آفاق صبر و شکیبائی و تسلیم حقیقی اتحاد و یگانگی صمیمی و ثبوت و

روح شیدی در امر الهی در این جوار سه روزه مقدسه نوراء همواره به طلبم

و از صمیم فواد آن یاران پر شور و دل خسته مبارکه باریه معطره خراسان را که در فجر

ظهور و ایام مجال موعود و دوره مرکزیشاق رب و دود نجبماتی شایان مفتاح

شده قدمای احبش مورد الطاف مخصوصه صادره از مصدر اعلانی و با اثر

قلم مجال ابھی و کلک میشاق شسته اند مستقبلی با بر و فتوحاتی چون شمس ظاهر

در میدان امر الله طلسم و طالبم .

و بینهایت خجل و مغفلم که غموم و احزان و آثارات شدید و بارگرا نین

مسئولیت عظمی و کثرت و تنوع مشاغل و تراکم مشکلات مانع گشته که با نماندگان

آن مجوران و مسافرین و مسافرات عزیزان تسلیم نمودند خواه و مرام محبت  
و مؤانست بنام و بر احوال و گزارشات و اقدامات و خدمات امریه بان کمیته  
واقف دستخیز کردم.

شبهه ای نبوده نیست که جذب و اشتغال و توجه و سعی و همت جلیل مدون  
آن سامان و خدمات گذشته و محضره شان بعبث به سامیه جلب تأیید  
الهی و هدایت ربانی را خواهد نمود. حصص میثاق جمال الهی را می فله  
خواهند کرد و در تألیف قلوب و ارتباط نفوس با حق و مؤید خواهند شد  
و بیست و یک امر جان پرورش منقطعاً عا سوی الله قیام نموده نار موقده الهیه را  
در صفحات متجاوره شعله در خواهند فرمود.

و اعظم و بهترین وسیله در این ایام آن است که در هر نقطه از نقاط  
ایالت خراسان که عده مؤمنین از نه (۹) تجاوز نموده باشد محفل روحانی تأسیس  
گردد و در نهایت روحانیت انتخاب شود و کل امور روحانی اجبا و مطالب  
امریه منفرداً او جمعاً بان محفل مقدس جمع شود تا با اتحاد و یابا کثرت آراء  
قرار و تریبسی داده شود و اگر چنانچه در نقطه ای از این نقاط بصوابید اجبا  
تأسیس انجمنهای مستقره امریه لازم گردد انتخاب و تمشیت این انجمنها

محول باعضای محفل روحانی آن نقطه است کل باید در ظل محفل مقدس روحانی باشند و مسؤل بآن مطیع و متقاد هر قانون و نظامی که محفل روحانی وضع نماید و ترتیب دهد اگر چنان شود امور مرتب گردد و خلل و تاخیر و اختلافی در مشیت و اجرای امور امریه حاصل نشود و الا وحدت بهائی محفوظ نماند و اختلاف آراء مادم بسبب آن الهی گردد. بجدی اهمیت و مرکزیت محفل روحانی را مرکز میثاق جمال الهی حضرت عبدالبها تعویب نموده و نمایان فرموده که حتی لوح مبارک اشراقات را که یکی از اجزای مصرع بلبلان عربی ترجمه نموده و با ترکیب میثاق تصحیح و تعدیل گشته است طبع و نشر آن ترجمه را مشروط و موقوف بصیوب محفل روحانی مدینه قاهره نموده اند و محفل روحانی باید اطلاعی عمومی بر اقدامات و خدمات تمام جنبه‌های مستطرد در طلبش داشته باشد چه که محفل روحانی بوجهه مخاطب و مرجع و مرکز امور در محرابات ارض اقدس و سایر مراکز امریه در عالم خواهد بود اجبا باید متوجه به محفل روحانی مدینه و یا قریه خود باشند. خدمت بآن نمایند و طرفداران بر ترتیب و نظامی که در آن محفل با کثرت آراء وضع شده نمایند. تعاون و تضام اجبا و ارتباطشان بیک مرکز و تألیف و اتحاد حقیقی صمیمی قلوب و نفوس

از لوازم ضروریه ترویج امر الله است در این ایام  
 و رجای شدید و امید و طیدم از احتیای الهی است که هرگونه اسم و لقبی و نام شرفی  
 و نعت و سمتی را با تنسیب باین عبد ذلیل استیانتش از نظر محو سازند بلکه فراموش نمایند  
 و خبر شوقی افندی چه کتباً و چه شفاهاً مخاطب سازند چه که این نام نامی است که  
 که از لسان پرطلاوت مولای خونم جاری گشت و فخر و فرح و مباهاتم درین نام است  
 و بس . احترامات فائقه و تعظیم و تکریم مفراط را کنار گذارند و در عبودیت عتبه  
 مقدمه اش این عبد را برادر و سهیم خود دانند و آنچه را تصنیف و نظم نمایند در  
 نعت و اوصاف مبارکش باشد . شرح فرقتش را نمایند و در ذکر ایام خیره مبارک  
 و صعودش بر فوق اعلی باشد . این مناسب است و مادون آن مورت خزن و  
 کدر این فانی .

در این جوار پر انوار عنایات پروردگار را از برای آن شفقان روی دلجویش  
 در بر آن دومی مستدعی و سائلم .

حفظکم بته فی حصن جمایتہ و دو عالم من کل شر و بلاء و مکر و ه . بنده استانت شوقی

## بواسطه زائران آستان مقدس

جنابان مسرور دیار و بهرام و ایران و ائمه سرور عظیم البهاره لاهی ملاحظه فرمایند  
ایران و هندوستان بندهکان صادق مخلص همال اهی  
پارسیان عربان و سایر اجداد الله و اماره الرحمن روحی مجتسم العدا ملاحظه فرمایند  
هو الله

منادین امریه آفاق و اشفکان روی دلجویی و برمیشتاق از خلوت  
غیب در این ایام حرمان و مجازن تائیدات متابعه و نقشات قدسیه و  
تسلیتی الهیه رجاء و استدامی نمایم تا هر یک با قلبی مستبشر و قدمی ثابت و زبانی  
ناطق و روحی مطمئن و توجهی کامل در میدان تبلیغ جولانی نمایند و به تمام قوی  
تا نفس اسیر و قابلمر متعشش نموده در جهان الهی متکلماً مظهراً با جبر و ثوابی خیریل  
که نعمت فوز بجایش باشد فائز و مرزوق گردند .

خطه هندوستان چه از حیث اتساع و اقدیت تاریخ و تمدن و چه از حیث احتضار  
مشرب و تنوع ادیان و تعداد اجناس و استعداد نفوس میدانی است حاصل  
و وسیع از برای ترویج کلمه الله و ارتفاع علم بسین دین الله علی الخصوص در  
سنوات اخیره مورد عنایات مخصوصه مرکز میشتاق بوده و بوعده های گوناگون

شاده امیدوار گشته حال که تائیدات خفیه اش بیش از پیش داشته باشد  
شامل احبای ثابت و راضی خواهد گشت امید چنان است که سعی و همت موفقه  
اجباء و اتحاد و یگانگی و تعاون و تعاضدشان در امر الهی سبب گردد که آن  
قدیمه جامعه پر ثروت و وسعت از نار موقده الهیه شعله زند و اقالم تجاوز را  
در شرق اقصی متز و نورانی نماید .

از الطاف الهیه امیدوارم که مبلغین کاملی که متصف بصفات رحمانیه هستند  
در آن تسلیم مبعوث گشته ندای جان نغزای امر الله را بدلائلی قاطعه و بیانی  
نافذ گوشزد قریب و بعید نمایند و وعده های صریحه و بشارات آتیه امریه را  
از خیر غیب تجزیه شود آیدند . و لکن آنچه الان از الزم لوازم و اہم امور است  
صیانت حصن حسین امر الهی و اتحاد و ایستادگی و امر مزاج حقیقی صمیمی قلبی  
اجباء الله است . تائیس محافل روحانی است و تشدید رابطه مشورت در  
امری از امور . نشر نفحات است و تقسیم و از دیاد مرسله و مخابره با تمام نقاط  
امریه عالم . مراعات حکمت است و ترویج و اعلان تعالیم اساسیہ دین  
توجه تام است و استعانه را سا بدون واسطه از مصدر تائید یعنی جمال  
ابلی و حضرت عبدالہما، روحی لمرقدہما الفداء . تعمیم معارف است

وسی و اوستام در مضامین عمومی و منافع خیریه . اگر چنین شود عالم امکان  
 با اثر تعالیم خمال قدم و همت یاران جانفشان حضرت عبدالمجید از  
 ظلمات تعصب و جناب و جدال و حسد و بغض ، راهائی یافته بنور الهی  
 منور و سعادت ابدیه فائز خواهد شد .

در این جوار رفیعین لواء امر الله را در آن خطه مستعد و فتوحاتی کلیه و نجلی  
 با هر طالب و اعلم و مسواره قنطره مقرر شد و در نسیم جانم سپردار از رفیق  
 قلوب دوستان انسانان .

بنده آسانش شوقی

مارج

۱۹۲۲



۶- این عبد پس از واقعه مؤلمه مصیبت عظمی صحو و حضرت عبدلها بیگموت  
 ابھی بجدی بستلا دوچار خدمات اعدای امراند و حزن و الم گشته ام کہ  
 وجودم را در اسپس و قتی در چنین محیطی منافی ایغای و طائف قہر متعدتہ  
 خویش می شمرم لذا چندی ناچار امور امرتہ چہ داخل و چہ خارج را بعدہ  
 عائتہ متعدتہ مبارکہ بریاست حضرت ورقہ علیا روحی لها الفداء میگذازم  
 تا بمتہ تعالی کسب صحت و قوت و طہینان و نشاط روحانی نموده بخو  
 دنخواہ و مراحم رتہ خدماتم را کاغذاً مرتباً بدت گرفته بمنستی آرزو و آمال

روحانیتہ ام فائز و نائل گردم

بندہ ہستانش شوقی

آپریل

سنہ ۱۹۲۲

۷- نسوای مخصوص است که از برای حبیبی الهی و امام، الرحمن ایران و قفقازیا

### ترکیستان

بواسطه اعضای محرمه محفل روحانی طرآن نگاشته شد  
اجتای الهی و امام الرحمن در ایران و قفقازیا و ترکستان و هندوستان  
و تسلیم مصر و سایر صفحات شرق طه آفاظه نمایند

### هو الاهی

ای حبیبان عبدالبهاء روحی لمحتکم العذار بر حید پس از صعودت عزیز  
و افول کوب عیاشق تعذیرات الیه مدته عیدی علم توفیق و عین امر  
امریه نمود و طیبوریل راجری و حبور کرد ولی از توجهات و تعطفات آن مولای  
حافظ و حارسان امید و طیب چنان است که این تسکین را همچنان و فودانی  
شدید در پی باشد و دوری و مجوری این عبد نیستی سب کس قوه و استعدادی  
جدید در ایفای وظائف قلمه متعده خویش کرده و اهل نقص و فتور را دیگر  
شائبه ای از امید و طیبسان در تعزیرت جمع اهل کعبه انگذارد.

بجده الله مبرهن و عیان گشت که همواره غیبی مقتدرش بی ناصر و طیب و عا  
علم مسین را محافظه نماید و اثبات کلمات تا ماتش را کند و آنچه را صیرت نماید

فرموده چه از احق امر است و چه از اذقان و تشیت مثل معین برای این  
 ظاهر و آشکار سازد و هیچ شبهه ای نبوده و نیست که اساس این امرستین  
 ورزین است و در وحش مستمداز حیقتدیر و عاشقان بحیثه و حسابش  
 کل ثابت و جان نشار . ولی اهل موس و اریاب را لکان است چنین  
 بود که وقایت و صیانت حصن امراته منوط بسعی و کوشش نفسی از نفوس بود  
 و یا مشروط بوجود و ترویج اسباب ظاهره بییهات عظام نظیر  
 حال که در میدان متروک جولانی نموده ظن موهوشان معنی طمراز  
 از هر تبدل گشت و اقدامات و مساعی مملکشان بپیشانی و غمورت و کت  
 تجویل گردید . سربیان که در وصایای مبارکه مسطور « و سوف ترا هم هم  
 و اعوانم سرا و چهارانی خسران مسین ، بر هرزدی بصری کثوف و پدیدار  
 و چون حقیقت این فقره قهریه از وصایای مبارکه کاشمرفی  
 رابعه انفار و افغ گشت و وعده های محکم تحقق یافت وقت آن است که  
 باروحی پر فتوح و قلبی مستبشر و قدمی ثابت و جذبی بیع و استمادی جدید  
 بر حسب اتمام و اکمال دطائف و لوازم ضروریه حیات امریه مان هر یک  
 کما یغنی و یطیق قیام نماید تا فقرات اخری و بشارات امنع ابعی که در همان

در قدم فدا، بجهان صراحت و وضوح تأکید شده من دون تأخیر تا محاسبه  
 گردد و آوازه امر الهی پس از آنکه بر سنادهی عنود و حسود را خاموش نموده خاور و باختر  
 را با تبر از آرد. و چون بفرمیستین قدم اول در رسیدن امر الله گذاریم و مقصد  
 تحقق وعده های روح افزایش کردیم این مبادی اساسیه و شرایط ضروری را  
 بیا آورده در جبهه ای هر یک من دون ادنی اهمالی و تمام قوی کوشیم.  
 شرط اول محافظه حصن حصین امر الله است و آن خبر غیبت است کامله و پوشیده  
 و بیداری و نظرد بر در عواقب امور و اعتدال و حکمت در ترویج امر بها  
 و عدم تداخل در امور سیاسیة و صدق و راستی با کل دول و ملل عالم تحقق  
 پذیرد باید کل سیدار باشیم ولی نه متجاسر حقائق امریه را بدین و برهان و ثبات  
 و زانیت و عزت و وقار نظمها را دریم ولی درین اثبات واقفان و محاح  
 و اصرار و مجادله نماییم. میفرماید: « اگر مقبول نیست مقصود حاصل و الا  
 تعرض باطل ». از هجوم اعداء و شبهات اهل ریب و اعتراضات متعصبه  
 بر امر الله مخول و کسالت را بخود راه ندانیم و ایرایس و قنوط نشویم بلکه همواره  
 بیدار و مترصد اینگونه صدمات و لطامات کردیم. هر چه راست و منجبت از  
 اغراض نفسیه دانسته اعتنا نموده در ذریعتم فی خصوص علیون « را

حاصل کردیم و آنچه را بسنی بر تخری حقیقت یا تقسیم بدیسی قطعی و بیانی علی  
 در نهایت ادب و استغنا جواب بر یک را در همیم و صراط مستقیم را بر هر غافل  
 مرتبانی مشکوف سازیم . با جمیع ادیان بروج و در میان معاشرت نمایم و با  
 ملل و فرق مختلفه بر یک مخالطه و مکالمه نمایم و با هر طبعه ای از طبقات نفوس  
 خود را محسوس سازیم . ولی زندها زندها که گریز خود را در وصف افهام آبی  
 راه یابد و محبت بنیان در جمیع اهل بهاد داخل شود و ابرص تقسیم بسبب سلیم امر  
 تقرب یابد . اگر این دو علم محکم که معاشرت و الفت و محبت با ابر  
 از تمام اهل عالم و محبت اشرار و اختیار است کاملاً متاد یا معمول گردد چند  
 نگذرد که ندای جانفرای امر محب را بر مستمع هر شمن در از تمام طبقات و ان  
 اهل عالم جذب نموده هدایت نماید و این جنود نموده امر الله از آفت اختیار و  
 خلل خارجه محفوظ و مصون ماند و چون حصن امر الله از نار شبهات اعدا و تعرضات  
 اشرار و لطافات اغیار محفوظ گردد شرط ثانی اتحاد و الفت تمصین است  
 یعنی حفظ وحدت جمع اهل محب ، و سعی و کوشش در ایجاد و حفظ و تشدید  
 روابط و حانیه که شرق و غرب و جنوب و شمال عالم بهائی را بیکدیگر چون  
 اعضا و جوارح یک تن در تبط و تمد و مساعد و ظمیر یکدیگر میسازد .

الیوم در عالم وجود هیچ قوه ای و هیچ ندائی تا بحال مذاهب و طبقات و  
 اضراب و اجناس متنوعه عالم را بیکدیگر گامی نسبی الفت و اتحاد حقیقی  
 دالمی نداده . ادیان عالم دور و فاضل از حقیقت و اُس اساس یکدیگر  
 و مذاهب مختلفه در هر یک مستباحض و متعدی یکدیگر . دول عالم و ارباب  
 سیاست تا امروز دو قطعه جسمه شرق و غرب را بیکدیگر استیام بلکه مصاحبه  
 نداده که سهل است در اکثر دول عالم و امپراطوریهها اجناس مختلفه کوس  
 استقلال زنند و فصل و تجسری طلبند . نیزان تعصب جنسی بر قوای سیاسی  
 غلبه نموده و بر اختلافات عالم شرافت نهوده .

و همچنین تعصب اقتصادی حزبی بل قوم غفیری الیوم جنگ و جدال  
 بین جمهور سرمایه داران و جمهور رنجبران کل ملل عالم جویند و این تعصب  
 اقتصادی حال بحسدی نارش التهاب یافته که حسی بر وحدت و شعور جمعی  
 غلبه نموده و اکثر دول متقدمه و شعب متمدنه راقیه عالم که در حیث لسان و تاریخ  
 و شرب و دین و حکومت و سیاست یک رنگ و متحد الما کند بر یک در  
 تفریق و تشیت امت متدعه خود لو شدند .

و همچنین تعصب وطنی ، سیاسی تمام این قوی و تعصبات الیوم در عرض

توحید و تالیف قلوب نوع بشر بر جدال و اختلافات داخله اش می افزاید  
 عالم وجود تشنه یک قوه قاهره جامعه ای است که دیان و  
 مذاهب قدیمه و شعب و اجناس مستباینه و حکومت و دول متحاربه و طبقات  
 متباغضه را بسید گیر طوعاً و قلباً مصالحه و امتزاج دهد چه قوه ای ؟  
 مگر قوه قاهره تعالیم که این استیام و امتزاج را فراهم آورد روش  
 عدل مشکلات است و سلطتش مستط بر هر شوکتی در عالم وجود .

و این جهت جامعه که جوهر این امر مبارک است و کافل حفظ وحدت جمع  
 اهل کعبه است نفوذ و تاثیرش منوط : اولاً بتوجه عموم بهائیان شرق  
 و غرب بدو کتاب مستطاب اقدس و وصایای مبارکه حضرت عبدالها  
 و ثانیاً : بتاسیس و تحکیم محافل شور و روحانی در تمام نقاط امریه که در مستقبل  
 ایام چون ممالک هندی گردند به بیوت عدل مستبدل و محول گردد .

هر چند مرجع و مرکز توجه از برای عموم این دو کتاب مبارک است ولی باید  
 در ترویج اسباب اعلای امر الله و حفظ و تعزیز و تاسیس و تکمیلش در میان ملل و  
 دول عالم این محافل روحانیه جهدی بیخ مبذول دارند و مسؤلیت عظیم  
 بر خود گیرند و صل و ربط امور را تا هدی معلوم بر عهده خود گیرند تا در ترویج

و تعمیم امر خلل و تاخیر و فتوری حاصل نمود و اساس بیوت عدل الهی  
در مستقبل ایام مستحکم شود.

و چون صیانت و وحدت امر الله تحقیق یافت دفع شر او شر او شد و نفاق  
و شقاق در امر الله منعدم گردید.

شرط ثالث و اخیر از برای ارتفاع کلمه الله امر مهم تبیین است و این  
امری است بغایت مهم و مشکل و دقیق. شرائط تبیین در الواح مقدسه عیناً  
مسطور و مثبت است باید بدقت کامله و توجه تام آن شرائط را تلاوت  
کرد و سعی و جهد موفور مبذول داشت تا هر یک باین صفات مکتوبه تصفیه  
گشته زبان تبیین دین الله گشویم.

از جمله شرایط منزله تنزیه و تعدیس و اتصاف بصفات ممدوحه و مرفیه است  
و حسن رفتار و گفتار و کردار، مراعات حکمت است و ملاحظه مقتضیات  
زمان و مکان باید اعمال ممدوحه مثبت بیان در تبیین گردد و شخص مستبصر اولاً  
استعداد طالب و نوایای قلبیه و مشرب و محیطش را بدقت ملاحظه  
نموده آغاز صحبت نماید. تحصیل علوم و فنون و معارف از کتاب معلوماً  
هر چند از لوازم ضروریه محسوب نه ولی اثراتش کثرت و اهمیت عظمی خارج



نیت . ایوم تسلیم بشرائط مذونه در الواح اول فریضه هر نفسی است  
 که خدمت بعقبه علیار طالب و آمل باشد و بهترین اسبابی است از برای  
 برشتاقی که مشاهده اشتغال عالم را بنا بر موقده الهیه آرد و نماید .  
 بکرات و مرات از لسان اهلر میثاق شنیده شد که اگر چنانچه مبادی استی  
 و تعالیم صلیه حضرت بهاء الله که در بلاد غرب علی رؤوس الأشهاد اعلان  
 و بیان شد در نهایت وقار و تجرد و توجه و خلوص بطالب مستعد بحمان  
 اسلوب بدیع و لحن جسد و ترتیب کامل که موافق و مطابق مشرب عالم است  
 اتفاقا در چندی نگرده که مستمع منتقلب گردد و نور ایمان در قلبش بر تو افکند

حال بگوئیم تا باین شرایط و صفات فرین و منقحر شده جام

طافح عرفان الهی را بر تشنگان عالمیان برسانیم . هر یک این  
 شیوه فرضیه را پیش فریم و این وظیفه مقدسه را انجام دهیم .

اجرمان در ملکوت ابی عظیم است و ثوابمان جزیل . نیت استعدا

قلبی این عبد از هر یک از حبیبیان و جان نشاران عبد البهاء و

بیچ شک و شبهه ای نداشته که این استعدا و تمای اول و آخرین

عبد استبان را قبول خواهند فرمود و روح مقدس حضرت عبد البهارا

در ملکوت جلال شاد و حسرتم خواهند کرد .

همواره مرقم شد و منتظر اینگونه بیانات از آن صفحات بوده و، مسم

بنده استنش شوقی

۱۶ دسامبر ۱۹۳۳

۱۳۰۲

٨- بواسطة حضرات اخصاء محض الروعاني

احبار الله واماوا الرحمن في مدينة بور سعيد عليهم ببار الله

هو الله

ايها العالمون على شرفات الله لقد اتبنت قلبي طربا بمشاهدة فيتمتعكم لغزا  
الدالة على نشر علم التوية الميثاق في الافاق واستحكاكم لأساس الارض في  
ملك الانحاء والاقطار ولقد سرتني بشارة تأسيس المحض الروعاني في دياركم  
وقيامه ببيت تعاليم الله وتشديد روابط الروحانية بين الاحبار في مشارق  
الارض ومغاربها .

واني في جوار هذه البقاع المقدسة التمس لكم التوفيق من الرب المجيد حتى  
تنتفع دائرة خدامكم الامرية وترفعوا واثموا في مستقبل الايام في تلك المدينة  
التي كانت موطن اقدم مولانا حضرة عبد البهاء بنيران مشرق الازكار و  
بذلك تفوزوا بختي امالك الروحانية وتخدموا خدمته جليلة للعبادة المقدسة  
وقد اطلع بمضمون خطابكم الاحباء من المسافرين والمجاورين في تبعية النور  
وانشروا صدر القياكم واهتمامكم وسعيكم الموفور في هذا السبيل وعليكم  
بالاشتراك بالمجالات الامرية بنجم باختر والبشارة وخورشيد خاورنا نخت

احسن رابطة روحية بين الأخيار ووقفوا لظنهم في مطالعة مقالاتها  
 وارسوا لكل منها ما عندكم من البشارات الأملية لتبشّر القلوب وتمنّش  
 الأرواح بالأطلاع على نفوذ الأمر واهلأ كلمة في هذه الديار .

والى اشتاق للأطلاع على أسماء الأحباء وعددهم من  
 المؤمنين والمؤمنات بغير علم في مدينة يورسييدو اسميلية الباغين  
 من الواحد والعشرين وصاعدا .

ولازال نطقه اخباركم الأملية وبشارتكم الرحمانية من تملك الجلمات  
 وعلكم في كل الشؤون والأحوال مراعاة الحكمة المسطورة في الكتاب

شوقى حيفا

٢٣ ديسمبر ١٩٢٢

۹- بواسطه اعضای متمرده و محض روحانی عشق آباد

برادران و خواهران روحانی اجبای الهی و اماء الرحمن در مدینه عشق آباد  
و طاشکند و مرو و خوقند و قمقه و سمرقند و سایر نقاط امریه در صفحات  
ترکیستان طراً ملاحظه نمایند

بوالله

مناویان امر اقدس جمال ابھی و یاران ثابت با وفای مرکز شتاق حضرت  
عبد البهار ادریس و نهار در این جوار پر انوار ترقیات معنویه و نیاید آ  
متابعه و الطاف نامتناهیہ طلبیم تا انشاء الله بعون و عنایت ربانیہ شد  
امراتی را در تمام اطراف و اکناف آن تسلیم بر افروزید و ندای جانپرد  
یا کعباء الابهی را بسمع هر بصیر و هو شمندی برسانید .

اجبای مدینه عشق در گذشته ایام مورد عنایات باهره از مصدر ابهانی بود  
و با اثر ملک پیمان منقحر بالطاف و توجهات مخصوصه . ارتفاع بنیان  
رفع مشرق الأذکار حبسای آن سامان را منظور نظر عنایت فرمود  
اقدامات وسیعی موفور شان در این سبیل آن جان نشانان عزیز و مقرب  
در گاه کسب یا کرد . حال از عقبه مقدسه بدل جان دعا و تمنا میسایم

که جنود مجتهد تائید فیر و معینان کرد و بر خدمات ماضیه و ترقیات  
روحانیه شان هر دم بنفیراید تا بنهستی آمال و آرزو فائز گردند و آن قطعۀ عظیمه  
ترکستان را باهما بنور معرفت آتد مشور سازند و امالی آن بلاد از قریب و بعید  
و وسیع و شریف را بصراط مستقیم الهی دلالت کنند .

از اخبار و شایعات جدیده که حاکی از فوران نار موقده الهیه در آن بلاد بود  
سرور و حور کلمی حاصل گشت و رفات مقدسات تسلیت یافتند و قلب این  
عبد سرور و شادمان گشت مجاورین و مسافرین ارض اقدس شکر و سپاس  
بدرگاه بی نیای نمودند که آنقدره این شورش و آشوب داخله که در اوایل  
سبب پریشانی و مشقت اجبای الهی گشت عاقبت منتهی بعبود امر الله و  
تغزیر اجبت و توقیر و تحمیل اهل محبت شد و جم غفیری مبادی مضرة و عقاید  
یغمه شان را دور انداخته بقالیم الهی متمسک گشتند و در عوض بهم برشتیان  
اجتماعیه اساس و عدت عالم انسانی را مستحکم ساختند . کل دعا در حق  
آن یاران نمایم تا دایره خدمت انسانی عمیب یابد و وعده های اعلای امر الله  
که از قلم حضرت عبدالبها نازل در آن سامان کلاما سرعیا تحقق یابد .  
در کل احوال و در نهایت اشتیاق منتظر و مترصد هر چه خوب نامم جانپور و شادمان

از آن دیار بوده و هشتم و تضرع را که محبت و الفت و وادار بین اجابیه  
در عتبه مقدمه سائل و اصل .

حال وقت آن است که محافل روحانی در تمام نقاط امریه در صفحات ترکستان  
تأسیس و تحکیم گردد یعنی در هر نقطه چه شهر و چه قریه که قده مؤسین از رجال از  
سن بیت و یک مافوق آن از نه (۹) تجاوز نموده اجبای آن نقطه زعفر  
از جمع خود در نهایت توجه و تجرد و انقطاع کتباً و مستقلاً انتخاب نمایند و  
و نام آن را محفل روحانی گذارند و تمام امور که راجع بصلاح امریه در آن نقطه  
است باعضای آن محفل هر یک از اجبارا جبه نمایند تا پس از شورت قیام  
و مذاکره تمام هر یک از اعضا محفل روحانی در نهایت حریت ابدای رای  
خویش نمایند و با اتفاق آراء یا با اکثریت امور را منطماً تثبیت گردد و شامل حل  
و تصفیه شود و کل اعضا و اجباء در داخل و در خارج محفل مطیع و متعاود رای  
اکثریت گردند و لو آنکه رای اکثریت مخالف واقع باشد و عاری از صواب  
امر مهم تبلیغ، مخابرات رسمیه امریه، ترتیب محافل و مجالس،  
تأسیس و اشترک بجملات امریه، طبع و انتشار الواح مبارکه و کتب و مقالات  
امریه، امور مشرق الاذکار، انشاء و اداره مدارس بهائی و غیره است

خیریه علمیة امریه در هر نقطه از نقاط کل باید در تحت اداره و باطلاع و موافقت محض روحانی باشد و امر هر یک را محض روحانی محول بجنبه ای مخصوص نماید و اعضای آن بجنبه رانفس محض روحانی درصین تشکیل انتخاب نماید و در ظل و اطاعت خود آورد.

و آنچه را محض روحانی با کثرت آراء امری از امور خارج از دایره منطقه محدود و خویش اند و آن امر را مسأله کلی محتم امری شمرده تعلق بمرکز تمام اقلیم دارد آنوقت به محض مرکزی اجبای ترکستان مراجعه نماید و محول بآن است مرکزی کند و تمام محافل روحانی در ظل و مطیع و مسؤل محض مرکزی آن اقلیمند اجبای کل باید این محافل را چه خصوصی و چه مرکزی تقویت نمایند و انس اول بآیند و تصویب قرارهای محض روحانی خود نمایند. اعتماد بآن نفوس کنند و بجای و تعاضد قیام نمایند.

و درصین انتخاب اعضای محض روحانی مؤمنین و مؤمنات هر دو دارند است و یک و مافوق آن حق تصویب یعنی ابدای رأی در انتخابات دارند ولی چون حجاب در شرق مانع است و معمولاً به نساء عجمانه از حق عضویت در محض روحانی ممنوع. منتخبند ولی نه منتخب.



و اما تشکیل محفل مرکزی تسلیم ترکتان باید منتخبتن منتخبین باشد یعنی حسب  
 و اما، الرحمن از سن بیست یک و ما فوق آن بحسب استعداد و قوه شان در هر  
 نقطه از نقاط امریه عده و کلماتی از ما بین خود انتخاب نمایند و این و کلا  
 در نقطه ای مجتمع شده و یا کتبه آنرا انتخاب کنند و آن را نفر اعضای  
 محفل شور مرکزی آن اقلیمند و این بسیت مانند محافل خصوصی بجز در انتخاب  
 در ابتدا بجهت های مخصوص انتخاب نماید و امور تبلیغ و محاربات امریه و  
 ترتیب محافل و مجالس و تاسیس و اشتراک بجهتات امریه و طبع و انتشار الواح  
 و کتب و مقالات امریه و امر مشرق الاذکار و انشاء و اداره مدارس بها  
 و سایر تشکیلات خیریه علمیه امریه که راجع بنقطه ای مخصوص از نقاط امریه باشد  
 بلکه راجع بمصالح عمومی امریه در آن اقلیم است هر یک را بجهت ای  
 مخصوص محول نماید و این بجهت ما تا ما در ظل محفل مرکزی هستند مسئول اعضا  
 آن محفلند و مطیع و منقاد آن. اگر چنین شود امور مرتب و منظم گردد. امریه  
 ترویج شود. وحدت بهائی محفوظ ماند و یگانگی و الفت و اتحاد باقی و برقرار  
 گردد. و این محفل مرکزی آنچه را خود تشکیلات ندهد بارض اقدس مرجع  
 نماید باین نحو اساس بیوت عدل الهی مستحکم گردد و امور امریه کاملاً مرتباً

من دون تأخیر مجری شود و از جریان بازماند .

و اما در خصوص اشترک مجلات امریه یعنی نجم با خرد و البشارة و خورشید خاور  
 امید و طید چنان است که در صورت استطاعت اجبار در تمام نقاط این  
 امر محتمل لازم را اعمال نخواهند نمود و بواسطه محافل روحانی خویش جمعباً  
 اشترک باین مجلات امریه خواهند کرد و محفل روحانی بواسطه بجنه مجازات  
 مجابره با اداره آن مجلات نماید و بشارت امریه خود را ابلاغ کند تا اجبای  
 شرق و غرب عالم واقف و مستحضر بواقعات دوستان در تمام جهات  
 گردند و شبهه ای نیست که اداره کامله خورشید خاور باید ازین بعبداً  
 اداره مجله نجم با خرد در صفحات امریک بجنه محفل مرکزی اقلیم ترکستان  
 گذارده شود و محفل مرکزی آن مجله را تحت اداره بجنه مجلات امریه خود گذارد  
 تا تمام یاران آن صفحات تأیید و معاونت و تقویت این مجله را بنمایند  
 و اهمیت عظیم به ترتیب و تنظیم و توسیع و تحسین و تمهید و آنرا نماینده  
 اجبای آن اقلیم دانند و محصور بنقطه ای از نقاط امریه آن اقلیم .  
 از درگاه الهی درین تشریف سه تبعه نوراء از برای یاران  
 ترکستان عنایات حضرت خفی الاطاف حلیم و تأییدات غیبیه مسئلت

نمایم تا انشاء اللہ خدماتی علیحدہ باستان حضرت بہاء اللہ موفق گردند  
 و برضا و لغای مولای مہربان شان حضرت عبدالمجسب در ملکوت بھی  
 نائل و فائز شوند

۲۷ دسمبر ۱۹۲۲

بندہ استانش

شوقی

۱۰- طهران بواسطه اعضای محترمه محل مقدس روحانی یاران الهی و اما، الرحمن  
در تمام صفحات ایران طسسه اصلاحیه نمایند

هو الله

ای عزیزان حضرت عبدالبهاء روحی لوعالم الهداء در این صین که در دامن  
این کرم الهی بند کرد فکر برادران و خواهران روحانی خویش در شرق و غرب عالم  
مانوس و مالونم آن برگزیدگان الهی و خاصان حق را که در این استیلم تعسک  
تبرین دین آینه مشغولند فوراً بسیا آورده در کمال شوق و شغف قلم را برداشته  
به تحریر و ابدای مافی اضمیر پرداختم .

آن قلم حسیل سرور عالم است و قوه مودعه مکنونه در آن قوه روح الهی .  
ابنائش برگزیده اهل عالمند و یارانش فائق بر فحول رجال دین امم .

رکن کنش امر الهی است و مؤسس بنیانش آئین ربانی . حصن کنش و صایا  
مقدسه است و سیف و سناش تعالیم الهیه . رافع لوایش جمال آفرین  
ابھی است و همواره طیر و ناصرش مرکزیشاق الهی حضرت عبدالبهاء  
شبهه ای نبوده که اجبای الهی و اما، الرحمن در آن سامان تقدیر و تجید  
این نعمت کبری نمایند و از این موهبت عظمی که اهل حسیل و تاج عزت

ابدیه است دقیقه ای غافل نشوند. از ظلمت جهان و غفلت جهانیان  
 طول نگرند و از صدمات متابعه و محظورات متعدد این ایام غموش و شرمه  
 نگرند بلکه هر قدر افق عالم بر ظلماتش بغیراید و لیلۀ آشوب و انقلاب طوئیر گردد  
 امیدشان بطلوع صبح صلح و سلام شدیدتر گردد و اطمینانشان بطلوع شمس  
 معرفت الهی در قلوب خافلان قویتر شود و بشارت الهی که عالی استقبل  
 بامران ایار است در کتاب هر یک منصوص و محتوم است و آثار و علام این  
 تجید روحانی در ارواح و نفوس اهل آن کشور نور الیوم واضح و معلوم  
 از وصول اخبار و وجبات احوال اضطراب و انقلاب آن صفحات ذرا لقمه  
 و راحت و آسودگی مغفود ولی یاران رایگان حصن حصین در میان این شور  
 و آشوب همانا تذکر نضاح آئینه و عمل بموجب تعالیم مقدسه ربانیه است  
 این تعالیم سماویه در جمیع شوون و احوال ضامن صون و حمایت بهایان است  
 و کافل سعادت حقیقی و ترقیات معنوی عالم انسانی. توجه بعالم اخلاق  
 است و جهد و سعی در تهذیب و تثقیف افکار. ازالۀ تعصبات جنسی و  
 وطنی و سیاسی است و تعمیم تربیت در هر طبقه ای از طبقات نفوس.  
 اتساع ساحت افکارات و استمداد عمون و تأیید در بر امری از ساحت

کبریا . یاران در این قسطنطنیه نوری هر یک ناشرین تعالیمند و پیامبر  
این بشارت بطلان و مشتاقان این عالم .

ثبات و استقامت در این عمل مبرور جالب تأیید است و در هر دمی  
توجه و استعانه از حق تعالی کافل فلاح و نجاتی باهر . این بنده ضعیف  
بیلد آن یاران در جوار بقاع علیا باین دعا مشغول و مانوس که :

ای مولای شفیق و خون از غلوت ابهت نظری بحال این پروردگان  
ید عنایت افکن و ضرب مظلومت راقوت و شهرتی ده آتش فرقت و

حرقت بنشان و بما معین هدایت من علی الارض تسکین و تخفیف ده .

قلوب پرورده دوستان را بشارتی جدید مشوف کن و بنیان مجیدارت را

در آن اقلیم مقدس استوار و مرتفع فرما . هر شکلی را بید قدرت رفع کن

و وحشت و اضطراب را باسایش دل و جان تبدیل ده . آشفگان

رویت را تحقق آمال تسلیت بخش و این آوارگان ستمدرد را در کف حرمت

و حمایت محفوظ دار . امید این عبد استخوان چنان است که با دعوی برادران

و خواهران روحانیم که از قلوب محترقه صافیه شان صادر است این تمنا

مقرون با جابت گردد و بتدریج آن بشارت موعوده در حق ایران و ایرانیان

یک یک تحقق پذیرد . ایوم امور عالم منقلب است و ادیان و ملل  
 و احزاب و دول متعدی یکدیگر . حفظ یاران در این همه آشوب منوط  
 و مشروط بعدم مداخله در امور سیاسیة و مشکلات شرعیة دینیة و اقدامات  
 و مساعی احزاب مختلفه قباغضه است باید کل محبت و مهربانی نمود  
 و خدمت عالم انسانی را منظور نظر داشت مراعات حکمت و بردباری لازم  
 و واجب است و هوشیاری و بیداری و ملاحظه تام در عواقب امور تدبیر  
 کامل در اظهار عقاید از شرایط ضروریه محسوب . بیطرفی کامل را نسبت به  
 سیاست باید قلباً و لساناً اظهار داشت و خیرخواهی تمام نوع بشر چه دولت و  
 چه ملت که از اساس مبادی بجا میان است با قوال و اعمال اثبات نمود .  
 اگر چنین شود بدرقه غایت رسد و تأیید و توفیق مترادفاً شامل حال گردد و  
 مصونیت اجباد اعلای امر الله تحقق پذیرد .

و از برای حفظ و حیانت اجبا و حکیم ارکان مشورت که این آیام از الزم لوا  
 محسوب است تقویت و تعمیم محافل شور روحانی است .

یعنی در هر بلده و قریه ای در آن قلم وسیع که عده اجبا از رجال راستن  
 بیت و یک و مانوق آن از نه (۹) تجاوز نماید اجبا محفل روحانی مخصوصی

تأسیس نمایند و در تمام امور روحانی که راجع بمصالح امریه در آن نقطه است مشورت تام کنند و عمل چه در داخل و چه در خارج محفل باید اطاعت و انقیاد با اعضای محفل نمایند و تصویب و تأیید اجراءاتش را نمایند و لو برای اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد .

و اگر چنانچه در نقطه ای از نقاط دایره امراتساعی بایسته امور امریه مانند تبلیغ و محاضرات امریه و تأسیس مدارس کهنسائی و امر مشرق الاذکار و طبع و انتشار الواح و کتب و مقالات امریه و ترتیب و تنظیم محافل و مجالس حساب و سایر تشکیلات روحانیه عمومی علمیه کمال باید محمول بجنبه ای مخصوص گردد و اعضای هر کجبه ای را محفل روحانی خود انتخاب نماید و در ظل و اطاعت و اداره خود آرد . مرجع و مخاطب محفل روحانی است و سایر کجبه ها کمال اجزای آن محفلند و مسؤل و در ظل آن .

اجا باید اعتماد و تقه تام با اعضای محرمه محفل روحانی خویش داشته باشند و بتعاون و تعاضد قیام کنند و همچنین اعضای محفل شور باید بمصالح امریه عمومی نظر باشند . ترویج مقاصد شخصی ننمایند و ناظر با فکار و امیال و مصالح شخصی نگردند و چون مساوات حقوق رجال و نساء در این دور بدیع ارتعاس



اساتیه است درین انتخابات رجال و نساء از تنبیت و یکدلی و موافق  
 آن بر دوقتی تصویب یعنی ابدای رای در انتخابات دارند ولی بموجب تصویب  
 نیستند. اگر خود را نگاه و مطلع بر اوضاع امریه ندانند انتخابات نکنند و ابدای  
 رای ننمایند و چون امر حجاب در شرف مانع است و معمول به مجامع نساء از  
 حق عضویت در محافل روحانی ممنوع و امید چنان است که این قدم اول که  
 در میدان مساوات حقوق رجال و نساء برداشته شد سبب تشیع و تحریک  
 امام الرخمن در آن سامان گردد و بنهایت بحجت و حکمت وسی و همت براید  
 قیام بر ایفای وظائف خود نمایند و در معلومات امریه و اقدامات روحانیه  
 مساوی رجال گردند.

و اما در خصوص اشتراک مجلات امریه از فرائض اجبای الهی آن است که  
 تمام قوی تقویت و معاونت این مجلات بهائی را نمایند و در صورت استطاعت  
 اجبا جمعا و رسما بواسطه محفل روحانی خویش اشتراک باین مجلات کنند و بنا  
 امریه خود را نیز بواسطه محفل روحانی مقرر استمرابا اداره آن مجلات ارسا  
 دارند و همچنین مقالات امریه در نهایت اتقان و متانت و سلاست  
 مرقوم دارند و بواسطه و تصویب و اطلاع محفل روحانی خویش باین مجلات

ارسال دارند تا روابط متعنه مملکه نقاط امریه شرق و غرب عالم را بیکدیگر پیوند  
 بدهد و باطنی از اقدس مرتبط سازد و بشارات اعلاهی امراتہ شام روحانیان را  
 به مردم معطر و قلوب مستبشر دارد ولی باید حکمت را ملاحظه نمود و بنابرین امور  
 در نهایت سکون و قرار و تدبیر و ملاحظه اقدام کرد تا لطمه ای بسبب امراتہ وارد  
 نگردد و از هر ضرری و خطی محفوظ و مصون ماند .

در این جوار از درگاه رب فحشاء عنایات و تأییدات الهیه را از برای ان  
 یاران و امام الرحمن در نهایت تضرع و ابتهال همواره طالب و مستقیم  
 و بشارات روح پرور و اقدامات روحانی آن عزیزان را معطر و مترصد .

۱ جنوری ۱۹۲۳ - ۱۰ جمادی الاولی ۱۳۴۱

بندہ استانش شوقی

اجتای الهی و اما در ضمن در مدینه منوره طهران و ابرو طالقان و حسن آباد  
 و جعفر آباد و علی آباد و حضرت عبد العظیم و سایر نقاط مجاوره طراً ملاحظه نمایند  
 بواسطه اغضای محترمه محفل روحانی طهران

یاران و اما، الرحمن را در آن اماکن منوره و صفحات مقدسه بدل و جان شتام  
 و آنان را مردم بسیار آورده عمن و عنایت و صون و حمایت ربانیه را در  
 جمیع شئون و احوال علی الخصوص در این ایام پر حشمت و انقباب خواهم  
 فی الحقیقه آنچه از مصدر عنایت حضرت جمال اقدس البهی و ملک میثاق  
 حضرت عبد البهار روحی تراب رسما الاطهر فداء در حق آن بنادویان  
 امر الله از بدو ظهور تا کنون نازل گشته از تعداد و احصاء و تقدیر و توصیف  
 و بیانش کمال عاجز و قاصریم. نصیح و مواعظ الهیه در این دور بدیع  
 و این عصر جدید چون غیث باطل در حق آن یاران در گذشته ایام نازل  
 گشته و تعلیمات و تمهیدات کافیه شافیه از اصول و فروع در الواج و مسائل  
 مرکز عهد و میثاق با تقارآن دوستان با کلمها کشف و توضیح شده.  
 و سائط و اسباب حفظ حصن امر الله و وسائط و قایت شریعت همه  
 و انتشار کلمه الله و تحکیم اساس دین الله و الفت و اتحاد احبباء الله

و اضمحلالاً تعین و تدقیق فرموده . اهتیت و مقتضیات حکمت را بیان  
 فرموده و بید قدرتش اساس دستور العلی کامل محض صیانت و ترویج امر  
 الهی در مستقبل ایام نهاده . وسیله دفع شر از شرار را توضیح و تاکید کرده و  
 و شرائط مبتغین و مبادی اساسیه تبلیغ را کاملاً اعلان فرموده . اسرار  
 مشورت را نهاده و اصحاب شور را وظائفی متعدد و فرائضی مقدسه در  
 کتاب مبارکش ثبت نموده . ارکان وحدت بهائی را استحکام ساخته و بوجه  
 تأییدات غیبیه و توفیقات مستابعه قلوب خادمان امرش را شاد و مطمئن فرموده  
 حال در این ایام که شمس جلالش از دینده عنصری پنهان گشته و گوش  
 امکان از ندای جانفزایش محروم و ممنوع شده اجبای الهی در شرق و غرب  
 عالم علی الخصوص بایران آن سامان که پرورده یغماستند و در مشق جهانیان  
 باید در بیع شوون و احوال تمام قوی باین اوامر و نصائح ربانیه توجه شوند  
 و قمتنگ گردند . هر صبح و شامی جهدی جدید و سعی بیخ بندول دارند .  
 تا نیک این تعالیم سماویه را عامل گردند و در حیات شخصی خود و معاملات  
 و شوون دنیوی و روحانی بر دو این روح الهی را اظهار نمایند و این  
 تعلیمات الهیه را اجرا کنند تا فی الحقیقه شخص بهائی با اعمال و کردارش

معلوم و مشهور گردد و امتحان خصوصی و عمومی عالم را بزودی زود کاملاً متوجه  
 بامر الله نماید تا عالم وجود از دول و ظل و احزاب و قبایل و ادیان و اجناس  
 کل گمانه در مان در دو آلام و محن و بلا یابی مهیت اجتماعی را در تعالیم حضرت  
 بهاء الله دانسته بکمال شوق و طمینان اقبال کنند و امر الله را نصرت  
 نمایند و سراپرده وحدت عالم انسانی را بموجب تعالیم مقدسه در قطب آفاق  
 مرتفع سازند و آهنگ یا بهسار الاهی یا قوسی بباد عالم رسانند .  
 این است شرط وفا . این است اول و اعظم وظیفه هر شخص کهبانی  
 که تعمیم امر الهی را آرزو نماید و سرور رضای آن مولای خون را در ملکوت  
 ابلی طالب گردد . اگر بر یک از اجناس فردا شب در روز در این سبیل بکوشد  
 و استمداد نیاید از درگاه رب مجید نماید چندی نگذرد که روح بدیعی ظاهر  
 شود و شور عجیبی در امر الله افتد . و نیز تعالیم حضرت بهاء الله جلوه کاملی در  
 ارواح و نفوس همه اداجبا نموده پرتوی شدید بعالم امکان اندازد و ظلمات  
 حاله تعصبات و منازعات و مخاصمات داخله و خارجه را بطلوع و اشراق  
 شمس صلح عمومی تبدیل سازد . اگر چنین شود این وعده محکم الهی من دون تاخیر  
 تحقق پذیرد و بشارت ربانی جلوه گر گردد . قوله الاصلی : این مهیت

کبری و این منقبت عظمی حال اسماش بید قدرت الهیه در عالم امکان در  
 نهایت مسانت بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویت دور متقدما  
 است ظاهر و آشکار گردد. الان بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات  
 بنیات. در آخرین قرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه مجبوری  
 روحانی بود و چه موهبت آسمانی.

از برای هر یک از یاران آن صفحات که محبوب عالمیاند و چشم جهانیان  
 بآنان متوجه و چنین بشارتی در حقشان نازل ترقیاتی سریع و کلیه معنویه بموا  
 از درگاه الهی مسلت مینمایم و بشارت جانپور که حاکی از نجاح و فوز  
 بایشان در این سبیل است از آن شطر مبارک لا زال ترصد و منتظر.

۲۳ ج ۱، ۴۱، ۱۰ ک ۲، ۱۹۲۳

بندۀ استانش شوقی

## ۱۲- بواسطه اعضای مخفل روحانی رشت

احبتی الہی و اما، رحمن در رشت و لایسجان و انزلی و طوالش رشت  
و نسا، و غازیان تمام سایر نقاط مجاوره طسہ ا ملاحظہ نمایند

ہواللہ

گلمای شگفتہ معرفت اللہ را در این حدیقہ امکان روایح قدسیہ ایمان  
و ایقان و نفحات معطرہ حب و و داد و خلوص و انجذاب از درگاہ حضرت  
خفی الألفاف ہموارہ طلسم و خواہ نام تا بلبیان عالم وجود کہ مستطرب و  
مقصودند از حسن و جمال محبوب کہ در وجوہ آن یاران پر تواند احمہ مجذوب  
گردند و از بوی خوش تنزیہ و تقدیس اجا چنان مشام معطرہ نموده کہ  
ست و مدہوش شوند .

ہدایت نوع بشر و استخلاص سیت اجتماعیہ از ویلات و مضرات عالم ناسوت  
توقف بر روش و سلوک اجبار اللہ است و مشروط بتقدیس و انقضاء  
از متاع و شوون این دنیای فانی . ہر قدر یاران بیشتر بعبودۃ الوتعالی  
تعالیم الہیہ کہ شرق و غرب عالم را در این سنین متوالیہ احاطہ نموده شد  
نمایند و نصیاح و مواعظ قلم اعلی را کہ چندین سال در تعلیم و تربیت نفوس

متحرک

۱۳ **پنجگون** بوده پیش از پیش در حیات شخصی خود با ما محبت نماید چشم عالم  
 زودتر بنور مشرق این ظهور الهی فائز شود و سمع امکان از این رتبه ملکوتیه بهتر  
 و سریعتر متوجه و ملتذ گردد.

ایام چون برق در گذر است و قلوب کل مستعد و تشنه بار معین عرفان  
 الهی گشته پس یاران باید وقت را غنیمت شمرده و همی بکارند تا طالبان  
 مقصود فائز شوند و غافلان براه مستقیم الهی دلالت گردند. این چه  
 وظیفه مقدسه و این چه نعمت کبرائیت که حضرت بهاء الله در این کور  
 عظیم کجسایان را بان مخصص فرموده. باید بشکرانه این الطاف  
 قیام کنیم و در مقابل این موهبت مبذوله می نیایسیم و راحت نینشینیم  
 بحکمت کبری در نهایت اعتماد و انجذاب در میدان خدمت قدم ثابت نماییم  
 و کوی سبقت را از یکدیگر بر باییم. آنچه را ما موریم انجام دهیم و آنچه  
 تقدیرات الهیه حکم فرماید تسلیم و راضی شویم و خیر امر الله را در این دراییم.  
 یأس و قنوط را بخود راه ندیم و تردد و کسالت را از نظر محو سازیم. چنان  
 در اطمینان و دولی بنماییم که اهل شک و ارباب پند گیرند و افسردگان  
 و تدبیر و جان با هزار و حرکت آیند. هر قدر امور مغشوش تر گردد و نور



عالم مضطر تر و خائف تر شوند ثبات و اطمینان قلبی اجتناب ناپذیر  
 نماید و همتشان بلند تر گردد چه که عاقبت را خیر محض دانند و ارتفاع کویته  
 و استقبال جهانیان را که قلم اعلیٰ بآن بشارت داده مؤکد و محتمم شمرند .

این غنیمت کبری و این شرف انسی و عزت بی غنمی بسیاران در این عصر  
 نورانی عنایت گشته اگر خود را بیایس و محمودت متسا کنند و محروم بنمایند  
 لابد قوه مقدر الهیت نفوس دیگر را در زرع خویش مسبوت نماید و بر اتمام  
 این امر برور نموید دارد . پس باید بگوئیم تا از این فوز ابدی خود را ممنوع  
 نسازیم و از این تاج عزت ابدیه محروم نسازیم .

از درگاه رب متعال در حق آن یاران دعا و تضرع نمایم که هر یک را  
 بخدماتی فائده نموید دارد و قسمت نصیبی عظیم از مواهب سماویه در عالم بالا  
 مقدر فرماید . و پس هذا علی الله بغیر ذلک لیسع محیب

۲۷ ج ۱ ، ۱۳۴۱ - ۱۳ ک ۲ ، ۱۹۲۳

بنده استانش شوقی

۱۳- بواسطه اعضای محترمه محفل مقدس روحانی اصفهان

اجتای الہی در مدینہ اصفهان و نجف آباد و بخارا و فریدن و ارجن و سنجی و نجف آباد  
و کلوویہ و اردستان و زوارہ و دولت آباد و سہ دہ و تیران و محمدی آباد  
و قمشہ و سایر نقاط مجاورہ طسراً ملاحظہ نمایند .

روحی لمحبکم و وفایکم العزاء فی الحقیقہ دوستان الہی و امانہ رحمانی دین  
ایام ظلمانی بر چند آتش حرمان مشتعل و پریشانی و انقلابات در تمام نقاط و جہات  
بر عالم امکان مستولی ولی چنان وفائی رطاہر نموده و ہمت و اقدامی فرمود  
کہ این سوختگان آتش فراق تسلیت جستند و این قلوب محرقہ طہیبان  
و تکیس باقیہ اند .

در این ایام عالم وجود در مملکہ عظیم افتادہ و از اعماق قلوب ندای نجات  
و استخلاص از شر این مخاطر متفجع . قلوب پریشان است و نفوس تشنہ  
ماء معین صلح و سلام و ارواح از تاج و خیمہ و مضرات مملکہ ضعیفہ و بغضا  
و ظلم و جفا و حسد مشمزد در عذاب است و عموم از امتداد جنگت و  
جدال و حرب و قتال خستہ و نالان . از حریت مفراطہ و تضعیف  
و تدلیل قوہ دیانت ہرج و مرج راہ یافته و بر مکاید سیاسیہ و منازعات

اقتصادیه و مشکلات غنیه افشوده. جز قوه امر الله بیج امری و هیچ  
 قوه ای این مفاسد قویه را اصلاح نماید و جز تعالیم سماویه که در این ظهور  
 بدیع کاملاً از سما و شیت الهی نازل گشته این عمل و امراض مزمنه را شفا نمیدهد.  
 پس احتیای الهی که نادیمان این امرند و ما شران این  
 تعالیم باید ایوم باعمال و کردار و رفتاری در بین عموم ظاهر شوند که نفس  
 اعمال غافلان را بیسوغ نماید و تشنگان طالبین نجات را بدایت کند  
 چه بار بار این امر حیاق شنیده شد که اگر فردی از امر خدا اجتناب بجوای کند  
 تعلیم از تعالیم الهیه در نهایت توجه و تجرد و همت و استقامت قیام نماید  
 و در تمام شؤون حیات خویش این یک تعلیم را منظور نظر داشته تا باها اجرا  
 نماید عالم عالمی دیگر شود و مساحت غیر اجنت ابھی گردد. ملاحظه نمایند که  
 اگر احتیای الهی کلاً فسر و اجرا و صایا و نصایح قلم اعلی قیام  
 نمایند چه خواهد شد. امید این عبد استان و دعای این بنده ناتوان  
 آن است که آن یاران که چنین الطافی در حقشان در گذشته ایام مندوب  
 گشته و چنین نفوس صلبیه ای از ایشان قیام نموده تبلیغ امر الله نمودند  
 و بمشهد فدا شافتند ایوم بحمان روح الهی مسبوث شوند و بحمان و دل

بگویند تا وعده های کامله و شبارات قلم اعلیٰ یک یک تحقق یابد و این  
 عالم ناسوت از اثر اختلاف و تعصبات رمانی یافته در ظل ظلیل شریعت  
 الهی وارد گردد و براحت و آسایش حقیقی فائز شود .

۲۳ جمادی الاولی ۱۳۴۱ بنده استانش شوقی

بواسطه اعضای محرمه محفل روحانی شیراز

احبتی الهی و اما، رحمن در مدینه مبارکه شیراز و آباده و زرقان و سرتان  
و نیریز و جهرم و داراب و فسا و ارسنجان و اسفندآباد و بو شهر و بندر عباس  
و سایر نقاط مجاوره روحی لهم الفدا ملاحظه نمایند

یاران و یاوران حضرت عبدالمجیب و برادران و خواهران روحانی  
این عبادستان را همواره در جوار این بقاع علیا جلوه ای جدید و استقامتی  
شدید و شور و ولی بدیع در ترویج و خدمت امرالله از عتبه مقدسه مستدعی  
و سائلم و بشارت متواصله را از آن صفحات مبارکه در نامه های آن عزیزان  
مستظرف و مشتاقم .

از آن اماکن مقدسه انوار فجر ظهور الهی دید و اولین ندای امرالله در تفتح  
گشت . آن بلده طیبه بمصدر منبع فیوضات الهیه شد و بید قدرت  
اساس این بنیان رفیع را اول در آن مدینه طیبه بمجسد و از آن شطر  
مبارک بشارت یوم جدید بلبوس قریب و بعید و اصل گردید و علامم ظهور امرالله  
از آن سامان واضح و عیان شد . حضرت بهاءالله روحی لمبصحه الانور  
فداء کردار او مرارا شفاغ و در الواح محکم اشش تقدیر و توصیف آن یاران را

نموده و فتوحات روحانیه و ترقیات کلیه بان عسکریان و عده فرموده و  
 مولای عزیز فرمان حضرت عبدالمعبود، نظر شفقت و عنایتش را از آن  
 جمع بازداشته بتوجهات مخصوصه و تطلقات قلبیه و ترویقات مستتابه  
 محافظه و تربیت فرمود. حال وقت آن است که بحکم نسبتین شجره  
 مبارکه الیه حضرات افغان دوده بقا و قدامت و احبب و جوانان مستعد پر  
 اهتمام آن صفحات و سایر یاران و اما، رحمن آتش محبت الله شعله زند و  
 قوه امر حضرت بهاء الله ظهور و بروز می عجب نماید. آن تگمهای افشاند  
 از اراضی قلوب انبات نماید و آن دما، مسفوکه در سبیل امر الهی نتیجه و ثمری بخشد  
 شبهه ای نیست که در این ایام که آشوب و انقلاب و مرج و مرج  
 آن اقلیم را فرا گرفته اجبای الهی باید در تسلیخ امر الله و انعقاد محافل و  
 مجالس و صحبت و مذاکره بامستدین نهایت حکمت و بردباری و بهبودی  
 و ملاحظه را مجری دارند. پرده دری بسوچه نمایند و از حد اعتدال خارج نگردند  
 امور روحانیه امریه را کل محفل روحانی خویش رجوع نمایند و  
 نهایت ثقه و اعتماد را با اعضای محفل شورداشته باشند و اعضای محفل  
 بهایم قوی و بنهایت تجرد و صفا و خلوص و محبت تمثیت امور پردازند.

بصالح و امیال شخصی خود ناظر نباشند و در محافظه امر الله و توفیر و تحمیل آن  
 در انظار مردم سعی بیخ منظور دارند. این همیجان و اضطراب بیخ  
 شبهه ای نبوده بامن و امان و راحت و اطمینان و ارتفاع امر الهی و عزیز  
 و نصرت اجبا و تدلیل و پریشانی اعدا مبدل خواهد گشت. باید کل  
 در اعتماد و اتکال چون جیل راسخ باشیم و در اظهار عقاید امریه خویش همواره  
 و بیدار. این غموم مظلمه برور ایام متلاشی گردد و حکمتهای بالغه احدیه  
 من بعد طوف و واضح شود.

خطه ایران علی الخصوص مدینه شیراز سراپا روشن و منور گردد روح بعالم  
 امکان دهد. مطاف عالمیان گردد و نائر عشق را بر افروخته در قطب  
 آفاق ندای یا بھاء الالبھی را بسمع جهان و جھانیان رساند.  
 حال وقت استقامت است و عمل بموجب نصایح ربانیه  
 تسلیق و تحریر بر بیخ است و استعانه و استمداد از حق و تدبیر.  
 از الگدورت و اغبرار است و تشدید روابطت و اتحاد حقیقی  
 در بین اجبا.

این است آرزو و تمنا و دعای این عبد از عقبه مقدسه و شبهه ای

نیست که آن یاران این عهد ناتوان را بهترین مساعد و یار در این

امر بسرور خواهند بود

۲۳ ج ۱، ۴۱-۴۲ ک ۲، ۱۹۲۳، ۱۰ بند استانش شوقی



## بواسطه اعضای تحریریه روحانی قرنین

-۱۵-

احبتی الهی و اما، رحمن در قرنین و اشتها و وسایر نقاط مجاوره  
 طرّاً ملاحظه نمایند .

توجهین منظر اعلی و مقتسین انوار مشرقه جمال ابھی در این تقاع علیاً کشفاً  
 جدیده و تجلیاتی بدیعہ و اقداماتی کلیہ در ترویج و تعمیم تعالیم حضرت بہار  
 خواہم و نشاء جدیدی و نمود بروز کاملی در میدان امراتہ طلبیم .

عالم امکان مایوس و ناتوان است باید در این عصر مجیدہ بنیان عالم علیاً  
 یاران شوق بروج ایمان نغمہ امید در جہد امکان دهند و تقوہ روح بعد  
 این ضعف و ناتوانی را بصحت و توانائی تبدیل نمایند .

دول و ملل عالم بجدال و خونریزی و قتال مشہور و مألوف و معتاد گشته  
 بساط صلح و آشتی دائمی حقیقی را بعید المرام بلکہ در این عصر و قرن متعصب و  
 دستگیر ندارند . یوم یوم احستار اندست کہ تقوہ بیان و اعلان  
 و اثبات آثار مبارکہ اولین انوار شفق صبح عمومی را بدیدہ جنگجویان و  
 و مایوسان عالم بنمایند و باظهار و شرح و عدہ های مکملہ و بشارت مبارکہ  
 لزومیت تائیس صلح اعظم را بنگرین و معترضین بدلانی تصنع اثبات نمایند

افراد بشر در شرق و غرب و جنوب و شمال چنان غافلند که محو و از آنجا  
 تنوع مترایده عالم را هیچ وجه قابل الاجراء و ممکن الوقوع ندانند تا  
 عصر طلایی موعود را منطنون و موهوم شمرند. روز روز یاران حضرت  
 عبدالبهات که با اعمال و رفتار و گفتار و کردار تعالیم سماوی را خلاصه  
 در حیات خویش مجسم نمایند و هر یک بشیران عصر مشع نورانی گشته اند تا بقراب  
 وقوع آن یوم مبارک نمایند و تردد و انکار و اعتراض با دین عالم را با یقین  
 و اقبال و توجبه تام تبدیل دهند. این است اولین وظیفه هر شخصی که خود را  
 نسبت بامر حضرت بهاء الله دهد و باین نام مقدس مبارک در میان اهل  
 عالم معروف شود و الا اگر کردار ممد و مثبت گفتار نشود روح الهی از نفوذ  
 و تاثیر بازماند و از جلوه و شکوه ممنوع گردد.

در این بسیل همت موفور شرط اول است و هر صبح و شام بلکه هر دقیقه  
 و آنی مستمر آجد طبع لازم و واجب.  
 اگر سعی و کوشش مبذول گردد و صبر و شکیبایی و بیداری و هوشیاری  
 از نظر منحوشود و بدعا و تضرع و استغاثه و استعانه از ملکوت الهی منتظم گردد  
 شبهه ای نیست که تأییدات پی در پی رسد و بمبانیان من جمیع الوجوه

چنان ممتاز از سایرین و فائق بر رجال عالم گردند که ندای اسم اعظم  
عالمی را مجذوب نموده از وسیع و شریف کل ساجد و خاضع این امر جهانی  
شوند و سلطنت ظاہر و باطنه حقیقیه حضرت بهاء الله را چشم سر و سر بینند  
که چه نخبه بر تمام طبقات عالم مستولی گشته و نشأه حیات حقیقی در روح ابد  
در ارکان عالم دمیده .

چه خوش است اگر این روز فروردیوم موعود بزودی زود بدون فتور و تاخیری  
جلوه گر گردد و چشم روحانیان تحقق و عود الهیه منور شود . هر یک از این ضرب  
مطلوم غریز در عالم شود و سرور جهانیان گردد و حش الهی بفضوحاتی روحانی  
و ابدی فائز گشته منظر و منصور شود .

در حق آن یاران از اعقاب علیا فراغت و آزادی از سوون دنیا خواه هم تاور  
نهایت سکون و رحمت تمام قوی در شرف متعاصر روحانیه و تساع حدیث  
امریه قیام نماید و موفق گردید . نظرش شامل است و الطاف و تائیدش کامل  
تا همت اجبا چه نماید و تمهای افشاند و ید عنایت حضرت عبد البهاء این  
سین متوالیه از ارضی قلوب آن یاران بجه قوت و سرعتی انبات گردد و  
نشود نمالند . شبهه ای نیست که بر یک از آن مدعوین مانده و حسانی

و مختارین ملکوت الهی جمعی را در ظل طلیس کلمه الله وارد خواهند کرد و صیت مبارک را در آفاق مشتهر خواهند ساخت .

ولی آنچه را این عبد استعدا و تمنا نماید همانا وقایت و حفظ امر الله است و مزید موفقیت یاران الهی تا بیج وجه غلطی و فتوری در پشیرفت امر الله حاصل نگردد و من دون تاخیر در نهایت قوت و سرعت و اجتهت و جلال تمام مقاصد و آمال و مآرب بندگان جمال الهی در این عالم وجود تحقق پذیرد و شبهه ای نیست که با شرادعیته خالصه آن وجودات مبارکه و جان نشانان و خادمان عتبه مقدسه این دعا مقرون با جابیت گردد و این غیوم تیرا که روزی تلاشی گشته اشعه تابانید پی در پی اشراقی شدید در ارواح و نفوس نماید و نصرت محتومه امر حضرت بهاء الله را بر عالمیان واضح و ثابت

گرداند . ۱۳ ک ۲ ، ۱۹۲۳ - ۲۵ ج ۱ ، ۱۳۴۱

بنده استانش شوقی

بواسطه اعضای محرمه محفل روحانی تبریز

احبتای الهی و اما، دهن در تبریز و مراغه و میلان و خوی و اسکودا و ایواغلی  
و بناب و میاندوآب و ساوجبلاغ و سیان و ممقان و ایطنجی و اردومیه و ایدک  
و درچی و زوز و سایر نقاط امریه در صفحات آذربایجان

طرا ملاحظه نمایند

فدیتکم بروحی و فوادای یا احبباء الله و امانه در این حسین که بیاد آن نفس  
خالصه مخلصه و مادیان امر روحانی در آن صفحات افتادم بقلبی طافخ فرحت  
و اشتیاق قلم را برداشته تا احساسات و عواطف قلبیه این عبد نسبت  
بان دوستان عزیز که هر یک معین و پیر این فانی در ترویج امر الهی مستند  
ابراز و اظهار نمایم. هر چند در تحریر و مخابره ظاهره تاخیر و فتور حاصل گشته  
ولی همواره قلم بروابطی روحانی مرتبط بان یاران بوده و جان روح  
بذکر و فکر آن حبیبان بخدم و مانوس.

این ایام ایام انقلاب است و علام و بشارت بشارت موعوده در کتاب  
در برز و ظهور. زمان طمینان است و اوقات همت و استقامت  
و خدمت بامر الله. هر قدر افق عالم تاریکتر گردد و نوع بشر بر مخاصات

و منازعات مذهبی و سیاسی و شرادی و اقتصادی خویش سبزیاید اشعه  
 امید پر تومی شدید تر اندازد و قلوب یاران تحقیق آمال و ایفاء اکمال و عده  
 الهی شاد و مطمئن تر گردد ولی این بشارت بر عوده تحقیقش متوقف بر همت  
 یاران است و استقامتشان در سبیل اعلاای امر الله منوط بتوجه و استعانت  
 مستمری آن نفوس از مصدر الطاف است و شروط مبراعات حکمت و  
 و توطید ارکان مشورت و تالیف قلوب در بین اجبا .

الحمد لله که در این ظهور بدیع الواح و آثار الهیه راجع بامور صلیتیه و فرعیه  
 جزئیه و کلیه . علمیة و فنیة . مادیة و ادبیه . سیاسیة و اقتصادیة چنان  
 عالم را احاطه نموده که شبه آن از اول ابداع در هیچ منبری از مطابری قبل  
 و هیچ عصری از اعصار غابره دیده و شنیده نشده . شخص مصلحتی  
 اگر توجیه تام باین آثار مقدسه نماید و خوض و تعمق در بحر این تعالیم سماویة کند  
 و معانی دقیقه و حکمتهای بالغة مودعه در هر یک را بدقت ملاحظه از ان  
 نماید از هر محنت و شستگی و تعب و زحمتی و خطر و وبالی و حزن و کدری  
 حیات مادی و ادبی و روحانی خویش محفوظ و مصون ماند .

وقت آن است که نور این تعالیم کافیه شافیة که کافل نجات و استعلاص

این عالم پر اختلاف و ظلمات است بجهت آن حبیبان و استعانت دستان  
 و حکمت یاران و خلوص و جانفشانی اجبار عالم شبر بر تومی شدید افکند  
 و این سنیات عالم وجود را بحسبات تبدیل نماید و این اضطراب و درهشت  
 و روح انتقام و ضغینه و خوف را که ارکان عالم را متزلزل نموده باطمینان  
 و راحت دل و جان و حب و و داد و الفت و استیام و اخوت حقیقیه  
 مبدل نماید تا امر حلیل حضرت بهاء الله پرده برانداخته و لوله و آشوبی در  
 قلوب و ارواح اندازد و صوت تبلیس و تکبیر و نعت و وصف جمال الهی  
 و قوه حضرت عبدالبهاء عالم کون را باهتر از آرد. اجبای الهی منصور  
 و منظر گردند و اعدای الهی مقهور و معدوم. امر الهی سلطه ای جبار  
 یابد و قوای ملکوت بر ممالک و افراد شبر مستولی گشته این قطعه زمین ظمراً  
 و گلشن گردد. پس باید بایستد همچو روز مبارکی در نهایت شور و همت  
 و توکل و اعتماد قیام بر شتر نغمات نمایم تا بمقصد اصلی فائز گردیم و امر  
 الهی را به تمام قوی نصرت نمایم و بمشاهده جمال اقدس الهی و فوز تقای  
 مولای حسنون حضرت عبدالبهاء، با جبر و ثوابی خیریل در ملکوت الهی  
 فائز و نائل گردیم.

هر دم غنچه شبارات روح انگیز از آن نوحی و صفحات بوده و هشتم و بیاید  
 آن منادیان امر الهی در این جوار مقدس مانوس و مالوف .

۱۳ ک ۲، ۹۲۳ - ۲۵ ج ۱، ۱۳۴۱

بنده استانش شوقی



بواسطه اعضای محترمه محل روحانی همدان

احبتی الهی و اما، رحمن و همسردان و انرا جرد و بهار و حسین آباد و تو سیرگان  
و سایر نقاط مجاوره طرأحا حفظه نمایند

حمد و شاعرانایات و تائیدات غیبیه جمال الهی را که این صریح قشقت و مظلوم را  
در این همسره و آشوب محافظه فرمود و نصرت بخشید. باط اهدای امرش  
را در هم چسبید و لرزه بارکان آن مخربین میان الهی انداخت. اشعه  
ضعیفه امید حسودان را بظلمات یاس تبدیل کرد و جنبش و حرکت مذبحه  
اهل نقص و فساد را بجمودت و موت ابدی تبدیل داد. آنچه را در حق آنان  
و عده فسر بود ظاهر و عیان کرد و نور هدایت و قوه مستمره روح تقدیرش  
را بر مرتبایی مگسوف و مبرهن فسر نمود.

پس چرا خاموش نشینیم و خزن و اندوه بخود راه دهیم. هنگام خدمت و  
و نصرت است و ایام ایام استقامت و جانفشانی در پیل امر است.  
تقدیرات الهیه را جز آن عالم غیب و شهود دیگری نداند و آنچه را آینده از  
خیز غیب بخیز شود رساند هیچ نفسی از پیش واقف نگردد ولی شکر آن مولای  
حافظ و ناصر را که بوعده های روح بخش چنان قلوب این خسته دلان را

شاد و مطمئن فرمود که هر قدر محن و بنایا و مشکلات و رزایا از دست ملت فاضل  
 و احزاب قباغض و اعدای مجامع و رجال ظالم غدار و اعدا گردانی بخار  
 بر خاطر نورانی یاران حضرت عبدا بهائشیند و غیوم مظلمه حیرت و افسردگی  
 انوار امید و طمینان را از ظهور و اشراق در قلوب صافیة اجناسخ نماید .

حضرت بهاء الله در این معرکه عظمی که عالم وجود را بمرکت آورده  
 ارافق بهیاش نظری انداخته با شکی مملوئی سادیان امرش را خطاب  
 می فرماید : **و نرکم من افقی الابهی و نصر من قام علی نصرت امری**  
**بجنود من الملاء الاعلی و قبیل من الملائکه المقربین .**

آن جيش عمرم تايد ممد و ناصر و ظير اين آوارگان است و قواي ماديہ  
 عالم از تايدات جنود ملا اعلی محسوم و ممنوع . هیچ بنیانی اسش  
 استوار نگردد و باقی و برقرار نماند طربیان الهی و هیچ امری در عالم امکان  
 ترویجی ابدی و تمسیمی دائمی نیابد طرآنکه مستمد از قوای روحانیت گردد  
 و اساسش منی بر تعالیم امر الهی باشد لذا بر سطوت و سلطنتی روز بروز است  
 و هر شوکت و جلالی عنقریب محو و فراموش گردد .

ولی این عده معدوده اجبا که تا بحال کلام و بیانشان از حوزه محدود

خویش خارج نگشته و بر افکار عمومی عالم مستولی نشده چون مستند بر تعلیمات روحانیه اند و مصدر اقدامات و خدماتشان فیوضات الهیه است در مستقبل ایام تمام و اکید آرزوی گوی سبقت را از میدان تمام ارجاع عالم خواهند برد و سلطنتی ابدیه الی ممر القرون و الاعصار تسلسل و تالیف خواهند نمود

حال وقت تخم افشانی است و استحکام اساس مستین الهی .

بماء حکمت باید بذر محبت الهی که در ارضی قلوب کشته شده سعایت کرد و از عواصف شدیدة این ایام و بادهای مخالف نفس و هوی محافظه شود . واضحی منبر ماید و تالیف مینماید . قوله الاعز الاعلی :

و اما ما سئلت من الآیه الموجودة فی سفر انیال "طوبی لمن یری لیل و ثلاث مائة و خمسة و ثلاثین" بذانته شمسیه لیت بقمریه لان بذک التاريخ نقضی قرن من طلوع شمس الحقیقه و تعالیم الله تکلم فی الارض حق تکلم و تملاً الانوار مشارق الارض مغارها یومئذ یفرح المؤمنون

این کلمات محدود مبارکه که اوضح من شمس است و مصرح و مؤکد فی الحقیقه اهل کسبارا کافی است که شعده امید و طمینان در قلوبشان بغوران آرد و آن روز فیروز را در انظار جلوه تام دهد

روح جدیدی بنفوس نخبند و قوه کمالی در تهنیت و تدارک این بوم مبارک  
 بآن یاران نخبند.

حال وقت همت است و زمان استقامت و تمسک بحبل تعالیم الهی

در جمیع شؤون و احوال

۱۳ ک ۲، ۹۲۳ - ۲۵ ج ۱، ۱۳۴۱

بنده استعانتش شوقی

بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی بارفروش

احبتی الهی و اما در ضمن در مدینه بارفروش و آمل و ساری و اشرف و بندر  
و تاکر و عرب خیل و ماه فروجک و سایر نقاط امریه در صفحات منوره مازندران

طراً ملاحظه نمایند

افدیلم بروحی یا اولیاء اللہ و احبائه هر چند این عبد آستان در این حجاب  
متبجیر و از آن اماکن منوره دور و مجبور ولی چه بسا اوقات که قلب در روان  
بیاد دوستان آن قطعه نورا، قهتر و بندگرو فکر محبوبان آن سامان بلوف  
و مشغولم. نهایت آمال و آرزوی دل و جانم زیارت آن مہبط انوار است  
و طواف مستطراہس مبارک جمال اقدس ابھی. تشریف بان خال تابناک  
است و سیر و مرور بر آن اودیہ و جبال و اتقال مبارکہ آن خطہ علیا.  
استنشاق روائح قدس از اندیاری است و شرب ماء معین از انہر جاریہ صفات  
آن صفحات. آن یاران کہ بچنین نعمتی فائز و در، سپحو مقاماتی ساکن  
و مقیمند باید ہر دم در آن موطن مبارک جمال قدم از آن سر چشمہ فیوضات استغفا  
نمایند و پرتوی از این مہر بہت کبری بر ایران و ایرانیان بکشدند در  
حب و وداد و روحانیت و اشتعال فی تحقیقہ سرور جہانیان گردند

در تقدیس و تزیین و تجرد از تسامع و شوق دنیا سر مشق عالمیان شوند .  
 محافل چنان مجلل و مکل در حوالی آن مقامات مقدسه بیارایند که  
 نفحات کبکبیرش شام این مشتاقان را معطر و منبرین نماید بنیان  
 مشید رفیع مشرق الاذکار را کاظمه در قلب صفحات مازندران مرتفع سازد  
 و صوت تهلیل و تکبیر در لیلی و اسحار چنان مرتفع گردد که موجات روحانی  
 باین شواطمی مقدسه واصل گردد و عالمی را بطرب و اهتزاز آرد .

و بخدمات و اقداماتی در بسیل تحسین احوال و ترقی و پیشرفت وطن خویش و  
 عالم انسانی قیام نمایند که افکار کل مسوجه بآن نقطه مبارکه گردد و اشعه  
 هدایت بر آن تسلیم مگردد تمام اقالیم عالم منتشر شود . همچو یوم مبارکی محسوم قوس  
 است و بشارات منزله در حق آن خطه مطهره حکم بد از آن مرفوع پس حمید  
 نایم و تبصرع و ابتهال از جهال قدم و اسم عظیم مسلت نایم که مارا  
 بنفحات روح القدس روحی جدید بخشد و در آن انحاء و الکاف مسووث  
 نماید و مقدر فرماید که باین تأسیسات موفق گردیم و تمهیدات پنجمه روز قیوم  
 مخصص نموده شویم . هر چند در این ایام ظاهرآ اسباب مفعودولی آنچه  
 مهم و الزم است تقویت ارکان امرالدرد در آن سامان است و لزومیلو

و اوله و روحانیت و انجذاب و الفت و اتحاد و تسلیع و خدمت درین  
 اجزاء الله تا بتدریج آن جوهر استوار شود و آن یوم موعود بمیان آن  
 عنایات خاصه خفیه جمال قدم و حضرت عبدالبهاء، روحی لرمسها الا لفرذا  
 شامل آن یاران بوده و حال پیش از پیش بد عنایتش معین و نادی آن  
 نفوس مقربه در گاه الهی است. پس باید بکمرانه این الطاف در نهایت  
 توکل و اعتماد و ابر بهدایت نفوس از تمام طبقات چه اعلی و چه ادنی قیام  
 کنیم و ترصد تا یسایات متواصله اش گردیم. این است سمت آن خامان  
 الهی و این است رویه مجاورین آن مقامات مقدسه. امیدم چنان است  
 که باین شیوه مرضیه مزین گردید و ما دین عالم انسانی شوید.

۹۲۳، ۲ ک ۱۳ - ۱۳۴۱ - ج ۲۶، ۱

بندہ استانش شوقی

بواسطه اعضای محترمه مخلص روحانی یزد

احبابی الهی و امان رحمن در مدینه یزد و نایبین و اردوکان حسین آباد و نسا و بروجرد  
و اسفند آباد و تفت و محمد آباد و بلوک مجمر و خویدرک و مروست و دوج و انار

و بوانات و سایر نقاط مجاوره طراً ملاحظه نمایند

عهد و سپاس قوه قاهره جمال اقدس الهی و شکر و ستایش عنایات موفوره  
و توجهات کامله حضرت عبدالبهار که در آن سامان هم غفیری را بشاطی  
بحر ایقان و عرفان دلالت فرمود و ندای امر رحمن را گوشزد آن نفوس  
زکیه طیبه کرد. جمعی را از مدعوین و مختارین در ظل لوایش محسوس نمود و بغور  
شهادت کبری و اکیس حسیل جانفشانی فائز و مکلل فرمود. بدعا منقوله  
شهداء شجره امرش راستیست کرد و بخدمات فائده آن یاران با وفایش  
اساس بنیان متین را بنهاد. در عبودیت آستان مقدسش آن یاران  
و یاورانش را سهم و شریک خود دانست و عنایات لاتعد و لا تحصى در حق  
این جمعیان مبذول داشت. حال وقت آن است که در مقابل این  
لطف و تعظیفات و عزت و افتخار و حنود و تعلق قلبی که من دون استحقاق  
شامل حال این ضعیفانسته هر یک با جرای نصیاح و تعالیمش قیام نمایم



و آنچه را آلتی قلبی در رضای او بوده تمام قوی در تحصیل و اجرای آن بگوئیم  
 و آن خدمت امر الله است و عمل بموجب نصایح الهیه و تعالیم سماویه .  
 تألیف قلوب است و تهذیب اخلاق . انقطاع از ماسوی الله است  
 و ترویج امور خیریه و مصالح عمومیّه عالم انسانی . بدم بنیان جنگ و قتال است  
 و تأسیس بنیان شدید صلح عمومی . از آله تعصبات است و تعمیم علوم و معارف  
 باید بهائیان طراد تمام احیان این حکم الهیه و مبادی سامیه را در اعمال و  
 کردار و رفتار و گفتار خویش چه خرنیات و چه کلیات بر دو اهلار و اثبات نمایند  
 تا این امر عظیم افکار عالم را که حال در نهایت پریشانی و حیرانی خفیه است  
 متوجه بقوای معنویّه گشته جذب نموده بر آن بناها مستولی گردد و اجای  
 الهی علل متزاید و فرمونه عالم را باین دریاق عظیم شغالی سریع و کامل  
 بخشند . این چه نعمت و موهبتی است که در حق یاران مختارین ملکوت ایش  
 مبذول گشته و این چه تاج عزت و افتخاری است که بر سر آن نجات دهندگان  
 این عالم ظلمانی نهند . حال وقت تاسیس و نیایش است و طلب و  
 استمداد نماید و عون و صیانت جمال ابجی تا توفیق رفیق گردد و روح مطویه  
 امر الهی جلوه نموده بر قوای عالم طبیعت و سیات بناها غلبه نماید

بساط امراتہ در شرق و غرب در انظار مالک و شوب گسترده شود و ندای  
جان نغزای یا کعبا، الایچی آشوب و لولہ ماد یون و سیاسیون قصبان  
نشانند و بغوری حقیقی و سعادتی سردی رسانند.

حال وقت همت است و زمان خدمت. بومایای مبارکہ رجوع نمایند و  
اہمیت تبلیغ و ترویج و تحریص اجابہ خدمت این امر عظیم در این ایام مظلومہ  
ملاحظہ و رقت فرمائید کہ چقدر محکم و لازم است و بر ہر امری فائق و مقدم  
ولی حکمت را باید منظور داشت علی الخصوص این ایام کہ آن قلم پریشان و  
بیجان است و احراب مسلط و مکاید و مفساد قویہ در میان.

اجابہ بیدعیل المستین تعالیم الہی متمک گردند و بذیل مشورت تشبث نمایند و الا  
مشکلات تراید یابد و در امر تبلیغ و ہدایت نفوس فسور و تاخیر حاصل شود.

در لیالی و ایام و در احیان مناجات بیاد آن خادمان جان نثار  
امر الہی بودہ و ہم الطاف و تائیدات و عون و صیانتش را لازال در حق

آن برادران و خواہران روحانی طمطمس و طالبم

۲۵ ج ۱، ۱۳۴۱ - ۱۲ ک ۲، ۱۹۲۳

بندہ استانش شوقی

بواسطه اعضای محترمین داخل روحانی

-۶۰

احبتی الهی و اما، رحمن و کرمان و زرخان و سمنان و فرسخان و سیرجان  
و راور و تون و سنگسر و شیمیرزاد و سایر نقاط مجاوره در آن صفحات طراً ملاحظه نمایند

هو الله

ثابتین بر عهد محکم الهی را در هر دو می شامی معطر بنفحات رحمن خواهم  
و قیام و اقدامی بدیع در این ایام آرزو نمایم . هر چند امور در بعضی از نقاط  
در آن صفحات منقلب و پریشان گشت و یاران مظلوم دوباره بچنگ اهل سوء  
و عدوان و معرضین گمراه افتادند ولی غیبی دوستان را نصرت میفرماید  
و اهل ظلم و ستم را عنقریب مقهور و مغلوب خواهد نمود . ادعیه قلبیه مستمره  
برادران و خواهران آن مظلومان در قطعات اروپ و امریک و آسیا و افریقا  
باحت قدس آن مولای جنون رسیده و مقبول و بجز اجابت مقرون خواهد  
گشت و این فتنه ضعیفه را محافظه فرموده مسلط بر دشمنان و حواریان خواهد  
فرمود . ثمرات این طغیات و صدمات در مستقبل ایام چون شمس ظاهر و  
معلوم گردد و نتیجه این پریشانی و ویرانی اجاب بعد از این بر وجه یاران  
و دشمنان هر دو کشف شود . اجاب از صدمه و ابتلا در سبیل امر الله نباید

دقیقه

دقیقه ای آزرده گردند و متاثر و متحسر شوند. در لوح ابن زب آن لسان

عظمت که تسی در بنده عالم است باین بیان ناطق :

طوفا لعاضا اتی فی حکم عجا اقی بسفک دی فی بحل و احرم

بمستی میگویم آنچه در سبیل الهی وارد شود محبوب جان است و مقصود روان

ستم مملکت در پیش شهیدی است فائق و عذابش عذبی است لائق .

لوح حضرت سلطان ذکر شده : و نفس الحق لا اجزع من البلیای فی سبیه

ولا من الرزایا فی حبه قد حصل الله البیادیه لهنه الذکره انحصار و ذبانه

لمصباحه الذی به اشرفت الارض و السماء . این تذیل ظاهره احبار الله

باید سبب شود که حرارت محبت الله در قلوب شدت یابد و نور استقامت و

همت نفوس را پیش نور سازد این ظلم و ستم چون عاقبت مدامت

است باید مذاق روحانیان را شیرین و اینسین نماید و بر تشکر و امتنان

و خلوص و انجذابشان بفرزاید چه که این واقعه مانند ابر بهباری اراضی قلوب را

مستعد نموده بگل و ریاحین ایمان و ایقان زینت و رونقی بدیع بخشد و در این

عذاب نورش عنقریب پر تو هدایت کبری را بر نفوس و ارواح عالم افکند .

حال وقت صبر و سکون است و هنگام تنگ بچسبلمتسین تعالیم الهی

هر قدر یاران بیشتر توجیه میباید اساسیته این امر نمایند و معانی و حکمت‌های  
 بالغه را از آن کلمات عالیات استنباط کنند و همت در اجرای آن نصایح  
 شفقانه فرمایند عنایت و حمایت الهی بیشتر شامل گردد و اشراق تأیید قوی‌تر شود  
 خطه بیسلیغ بهتر معلوم گردد و شاهراه خدمت بامر الله و ترویج دین الله و ضمیر  
 و عشق قوی‌تر شود. الحمد لله آنچه لازم ترقی و ارتفاع عالم باعلی درجه عزت و فلاح  
 است من جمیع الوجوه از قلم اعلی و ملک میثاق باید همانا زلگشته بیارن  
 اسباب را کاملاً عطا فرموده تا بخت و استقامت و خلوص و جانفشانی  
 در میدان خدمت قدم گذارند و تا نفس اخیر بکوشند که این ندا جها بگیر  
 گردد و این نور جهان فسرور شود.

و بیاد آن یاران در جوار این سه تعبیه مبارکه در هر دمی مانوس و مألوم  
 و در حق آن یاران بدعا و مناجات مشغول و درود بشارت روحبخش از  
 آن دیار مستطرد و مترصد

۲۷ ج ۱، ۳۴۱ - ۱۳ ک ۲، ۹۲۳

بنده استانش شوقی

## ۲۱- بواسطه اعضای محترمه محض روحانی کاشان

اجتای الہی و اما در کاشان و قصر و مازگان و آران و بیدل و مغان  
نوش آباد و وادقان و جوشتخان و فتح آباد و کوشه و سایر نقاط مجاوره طراحتی پیدا

بموانتہ

روحی محترمه بکلم الغداء یا اولیاء اللہ و احبائہ ہر چند از مخابرہ و مراسلہ بان  
برادران و خواہران عزیز تر از جان و روانم مدت مدیدی ممنوع و محروم  
گشتم و عواطف کثونہ در قلب را از محبت و تعلق و اشتیاق و امید نسبت  
بان خادمان عبتہ مقدسہ ظاہراً ابراز و اظهار نمودم ولی ہموارہ بیاد آن  
یاران حضرت عبدالمجہب، کہ در عبودیت آستان بجا شریک و سہم این  
عبدنالا تعند مالوف و مانوس بودم و بتذکر و تغذیر در حال آن عزیزان مشغول  
پس از واقعہ مؤلمہ صعود مولای جنون مملکت ابھی چنان روا  
مضمونہ قلوب جمعیان را در خدمت و جانفشانی با مرا غمگش متحد و مرتبط  
فرمودہ کہ بعد مسافات و مرور سنین و ایام و انقلابات جہان و دسائس  
حسدان و تزیید مشاغل از یکدیگر منفصل نماید کہ سہل است مخابرات حائزہ  
مستمرہ را بچہ حائل و مانع نگردد .

این قوه مملو است که ارواح و نفوس اجبارا چون تن واحد و اعضا، و جوارح یک  
 یکدل و منسجم بوده و هیچ بدی و هیچ امری قشمت و پریشان نگرداند بلکه آرام  
 و حوادث زمان و هیجان و آشوب عالم برافت و یگانگی و وحدت و استقامت  
 این ضرب مظلوم بفرماید. صفوف مجتهد و این مجلس مؤید الهی را هیچ وسیله  
 و شوکتی خرق ننماید و این جمع متوجه بافق اعلی را هیچ ظلم و جفائی (تعدی  
 و ابتلائی قشمت و متفرق نگرداند. اساسش را بد قدرت الهی نهداده  
 و در ظل جناح عنایت و مکرش نشود و محافظه گشته فتوحاتش فتوحاتی روحانی  
 است و وسائل و وساطت نسل مریش اسباب غیبی الهی. تعلیماتش بر عهد  
 است و قشون و سپاهش هنوز تأییدها اعلی. پس چرا خموش و دست  
 نشینیم و این عالم پرفته و آشوب را بحال خود گذاریم و در دو آلام فرزندش را  
 درمان نمانیم. امید و حید شوب و قابل و طوائف ممتحنه عالم توجه بدینیت  
 الهیه است و کینا حافظ و حامی این خلق بیچاره از هجوم و تسلط توای مملکه  
 ماریه حصن حصین امر الهی است. اگر چنین است دقیقه ای فتور در ترویج  
 امر بهاء ظلمی است عظیم و ابهال و عدم اهتمام در انتشار این نور بسین فتور  
 و قصوریت شدید. میفرماید: المدعوون کثرون و الممتارون قلیلون

پس ما را که سر و شالوی در این ظهور عظیم بخوان مویست کبرایش دعوت نمود  
 چرا باید خود را از این نصیب بدایت من علی انراض محروم سازیم و از فحاشی  
 در ملکوتش محسوب گردیم و در زمزه مقربین محسوب شویم . باید به تبلیغ در نهایت  
 تمکین قیام نمود . هیئت امری را که امروز حضرت عبدالمجید از ملکوت  
 جلالش باین ناظر وارد دستاوش منتظر . در وصایای اخیره اش می فرماید :  
 « در این ایام مهم امور بدایت عمل و اهم است باید امر تبلیغ را مهم نمود  
 زیرا اس اساس است . این عبد مظلوم شب و روز ترویج و ترویج شوق  
 گردید . دقیقه ای آرام نیافت تا آنکه صیت امر الله آفاق را احاطه نمود  
 و آوازه ملکوت امی خادرو و باختر را بیدار کرد . یاران الهی نیز چنین باید  
 بفرمایند . این است شرط وفا و این است مقتضای عبودیت استان بها »  
 حال بعلی امیدوار منتظرم که آن یاران مصداق این کلمات مبارکه گردند  
 و اس اساس را در عالم وجود مستحکم ساخته بنیان امر الهی را مقدر جا بزن بنیاد  
 مرتفع نمایند و شرط وفار اجمعی دارند و بمقام عبودیت صرند بجهت فائز گردند .

منتظر این بشارت روحبخش از آن دیار موده و هشتم ج ۲۶ ، ۱۳۴۱ ، ۱۳۴۱ ک ۲ ، ۹۲۲

بنده استانش شوقی



## بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی قم

اجبای الهی و اما، الرحمن در قم و آمره و جاسب و نراق و سایر نقاط مجاوه  
 طراً ملاحظه نمایند

روحی لوفانم الغداء فی الحقیقه در این ایام مظلّمه که جمال بمیشال محبوب  
 و مولای مهربان از دیده عنصری متواری گشته و دل مجوران مشتاق را  
 ایف غم و اسف و حسرتی شدید فرموده آن برادران و خواهران روحانی  
 که هر یک معین و ناصر و پیر این بنده ضعیفند تمام قوی متوجّه ایه متوکلا صیه  
 منقطعاً من دونه باجرای تمنا و آرزوی حضرت عبدالمجیب اقیام فرمودند  
 و شرط و فاراباً تمنا و اکملها مجری داشتند. از اهل انما در صحیفه حمرا محسوب  
 گشتند و در زمره مقربین داخل شدند اجرشان عند الله خزیل است و تقاضای  
 در ملکوت ابھی عظیم و رفیع. امیدم از درگاه خداوند عالیمان چنان است که  
 روز بروز بلکه آنافاناً بر شبات و روحانیت و بهمت و خلوص بنمایند. شد  
 هدایت کبری را در آن خطه برافروزند و عالم تشنه لب را بسلسیل عرفان الهی  
 برسانند. هر یک آیت هدی گردند و هادی جمعی غفیر از غافلان و محرومان  
 عالم شوند. حکمت کبری مجامع تبلیغ بیارایند و علم بسین یا مجباً و ابھی

در قلب آن تسلیم برافرازند. قلوب متغزیه از عید گیر را استیام و ارتباطی  
 حقیقی دهند و اخراب و ملل متباغضه را بصلح و آشتی دائمی دعوت نمایند  
 با اعمال نفوس را تعقیب نمایند و بسوگ و زرقار نام بهائی را عزیز و صیت  
 مبارک را شتر سازند. از شرطیات تعصبات عالم مادی را رانگی دهند  
 و بتعمیم و حکیم اساس تربیت خدمت بعالم انسانی نمایند. مختصر تعالیم  
 حضرت بهاء الله یکیک تائیس کنند و در حیات خویش مشغول نمایند.  
 این چه امر محکم لازمی است و چه وظیفه صعب شکلی. تعالید و تعصبات  
 در نفوس مختصر و اغراض و امیال شخصی در کل نفوس موجود جز قوه قاهره  
 تعالیم به این تعصبات را محو نماید و این مفسد قویه که جسم امکان را سحوا  
 و علیل نموده اصلاح نماید و شعله محبت الله و حرارت خلوص و انجذاب  
 تبدیل نماید. وقت خدمت یاران است و ایام ایام خدمت و نجاشتی  
 وسی و جهد در نجات و استخلاص عالم انسانی. باید با افراد شبر پرداخت  
 و تربیت نفوس ابتدا و قیام کرد تا ملل عالم که مرکب از افرادند و دول که  
 از اجزای ملت محسوب هر دو تعقیب گردند و هدایت شوند و باین واسطه  
 وحدت عالم انسانی تائیس شود و نجات و فلاحش تحقق پذیرد.

ایوم نقطه نظر اجاباید تربیت و تشفی افکار و تحسین اخلاق نفوس باشد  
 تا بتدریج هیئت اجتماعی تغییر پذیرد و خیمه بزرگ عالم انسانی در ترفع شود.  
 باید در این ایام با امور اساسیه پرداخت و ارکان این بنیان بشیر را در پیش  
 افرادیه حکم ساخت. چون افراد را منح و کامل و ثابت گردند امر ترویج تحقیق  
 یابد و انتشار سریع امر الله ممکن گردد. تربیت اطفال بحسب تعالیم مودنه  
 در کتب الیه بی نهایت محکم و لازم است در آن اجمال نماید چه که اس  
 اساس است. علوم مادیه عالییه و اطلاعات روحانیه و خوض و تعمق در  
 الواح و آثار مبارکه و تعلیم سلوب تبلیغ و تاریخ ادیان و تحصیل کتب مقدسه از  
 انجیل و تورا و قرآن کل از مبادی اساسیه تربیت اطفال و جوانان است  
 و چون باین تحصیلات موفق شوند باید کلام و بیان را با فعال لایحه و اعمال طبییه  
 مزین دارند و اثبات نمایند تا از مادون ممتاز گردند و شرف سائرین شوند و چون  
 چنین شود فوج فوج نفوس متعال نمایند و هدایت گردند. از استان مقدس دعا  
 و استدعا نمایم که اطفال و جوانان و سائر اجبار رجال و نساء کلاً با نیفای  
 و طائف مقدسه خویش قیام نمایند و در اقدامات و مساعی خود نوید موفق  
 شوند. ۲۸ ج ۱، ۱۳۴۱، ۱۳، ۲، ۹۲۳ بنده استانش شوقی

بواسطه اعضای محرمه محض روحانی سلطان آباد عراق  
 اجبای الهی و امام الزمخدری در سلطان آباد عراق و شاه آباد و خلیج آباد و شهدر آباد  
 و تفرش و گرگان و آستین و آستانه و ادیس آباد و در قاء و حسین آباد و سایر  
 نقاط امریه مجاوره طبرستان را ملاحظه نمایند

هو الله

ای برادران و خواهران روحانی این عبد فانی در صبح و مساء از ملکوت  
 جلال در این جوار عون و صون و حمایت الهیه را از برای آن برادران و  
 خواهران روحانی طلبم و نریزید و موفقیت آن دوستان را از درگاه حضرت  
 عبدالمجید جویم که ای خدای هرمان بنا و عظمت را با سبایی غیبی در  
 عالم امکان نصرتی سریع بخش و یاران ایران را در این سبیل سجداتی فائق  
 موفق کن . سراپرده وحدت عالم انسانی را در قطب آفاق بموجب تعالیم  
 ربانیه ات مرتفع نما و یاران آن سامان را در سایه آن خمیه کبرنگ از نظر  
 عالم جلوه ده . این حزب تشیست را در ظل لواء میثاقت ناصر انظر الیها  
 کن و هر یک را عزیز و جهان نسرها . آلاء و نعم مادی و معنوی  
 بر خادمان جانفشان امت مبذول کن و این بسندگان با وفایت را

در ملکوت

در ملکوت خویش شتابی حسرتی فائز و نائل فرما .

الحمد لله که ایوم شبار اعلیٰ امر الله در بروز و ظهور است و علامت ترویج کلمه الله  
 در هر نقطه و دیاری واضح و مشهود . در دین الهی در قطعات خمس عالم علی بن  
 در انف و صفحات بعیده قطعه استرالیای شرقی قصی نفوس زکیه ای دست  
 داخل میگردد و عنقریب فوج فوج در جنوب و شمال و شرق و غرب عالم باین  
 نوبتین اقبال نمایند . مصداق شبارات قلم اعلیٰ در شرف ظهور و وقوع است  
 و نتایج بلیات و صدمات و شتات متوایه حضرت اعلیٰ و جمال احد  
 ربی و مولای عزیز حضرت عبدالهبا، متدرجاً با کلمات و احسنها واضح و  
 کشف می گردد . حال که امر مبارک جمال قدم رو بقدم و است  
 است وصیت آوازه امر الله بسمع جهانیان رسیده احبای الهی بایست  
 پیش علی مخصوص در آن خطه منقلب مراعات حکمت را نمایند و پرده درمی  
 نکنند از حد اعتدال خارج نگردند و وظائف مقدسه خود را با انجام سازند  
 بصبر و سکون منتظر شمول تأییدات الهیه گردند و مترصد حصول اسباب فوز  
 و فلاح . تعجیل نمایند و افکار را در اضطراب و بیجان نیندازند . بدینی  
 بتمهید اسباب و رفع مشکلات تعقیب نفوس مشغول است . یاران باید

در حسن کردار و حسن رفتار کوشند و تقصارت و کوتاهی کردار را در جمیع شئون چه جزئی  
 و چه کلی تطبیق نمایند. اگر چنان شود نفوس متجذب شوند و غافلان آگاه گردند  
 و الا امر الهی از تاثیر و نفوذ بازماند و روح الهی از جریان و سریان در عروق  
 و شریان عالم امکان ممنوع گردد. حیف است اگر این نار محبت است  
 که در قلوب ایوم روشن گشته از شعله و نوران ممنوع شود و از فتور و غمودت  
 یاران تکلیف و تخفیف یابد. ظلمات تعصبات نور دین حقیقی را از وجه  
 عالم مستور نموده وقت آن است که سادیان این ظهور الهی با اعمال و تقاضای  
 باین نار موقده در قلوب شعله بارکان عالم زنند و زوریت دین را بدلائلی قوی  
 و فعلی محسوس و مادیون عالم اثبات نمایند. هر چند آن میدان وسیع است  
 ولی جولان شکل چه که اعمال طیبه طاهره مرضیه شرط است و من دون آن خسرا  
 بسین. باید توکل بذیل کبریا کرد و شب و روز استعدا و التماس نمود که در این سبیل  
 غایتش مدد بخشد و توفیقش رفیق گردد تا با اعمال لایق شایسته این مقام فائز شویم  
 و خدمتی شایان بعثت مقدسه اش نمایم. این است دعای این عبید  
 در استان الهی و چون با دعیه خالصه انیاران منظم گردد امید چنان است  
 که مقبول آن درگاه شود و معجزات مستقرون گردد.

منتظر اخبار رو بسنجش مایران از آن سامانم و بذكر و فخر و شایان دانما  
مشغول و مانوس

۲۶ ج ۱، ۱۳۴۱، ۱۳، ۱۳، ۲، ۹۲۳

بنده استانش شوقی

## بواسطه اعضای مقررہ محفل روحانی مشہد

اجتہاد الہی و امام دہمن در مشہد و بشرویه و نامق و حصار و قوچان و شاہرورد و جندق و سبزوار و نیشابور و تربت و خیرالقرآ و انارک و خوت و سرچاہ و ازغند و قائین و دوع آباد و فروغ و بیرجند و کاخ و طبرستان و فارس و بستان و بجزرہ و سایر نقاط امریہ در صفحات خراسان طراً ملاحظہ نمایند

شکلان بہنا موقدہ الہیہ و ناشرین تعالیم ربانیہ را در آن صفحات پیشرفتی عظیم و نجاح و فلاحی باہر دیدن امر اللہ از درگاہ الہیہ دانماست بنیام کہ اسی رب غریز قلوب متحرکہ حیوانات را برور نام امید و عنایت شاد و مہتر فرما و بانوار تعالیم آسمانیت آن خطہ مبارکہ را روشن کن . نیمہ امرت را در قطب آن استلیم جلیل مرتفع نما و یاران آشفہ رویت را بقوتی ملکوتی مبعوث کن . موانع و مشاکل را با سبابی غیبیہ زائل نما و ندای اسم اعظمت را بگوش ہر قریب و بعید و وضع و شریف برسان تا بادیہ خراسان کہ در بد و ظہور اعلام و رایات نصرت امرت را مرتفع ساختہ دوبارہ باہتر آید و از اخلاف رجالی چون اسلاف مبعوث گردند کہ بصیت آن قطعہ نوزاد در شرق و غرب عالم مشہر سازند . اینست دعای قلبی صمیمی



ستمی این عبد از درگاه الهی و امیدم چنان است که در این لیده همجران  
 و ایام حرمان اجبا و امار الرحمن چنان قیامی نمایند که عالم را با تهن از  
 آزند و روح بحسب مرده عالم دهند. بیخ شبهه ای نبوده اگر همت موفور  
 این سبیل سبزل گردد قوه قاهره روح الهی شامل حال آن مستربان و عزیزان  
 حضرت عبد البهاء گردد و امر الله چنان شعله ای زند که من فی الوجود  
 مدبوش و حیران نماید. باید در این اوقات بر یک بواجبات و وظایف  
 خویش در جزئیات و کلیات کما غیبی و طیق قیام نمایم و بحکمت مذکوره در  
 کتاب در اراضی طیبه قلوب تخم افشانی نمایم و توکل و اعتماد با و منتظر  
 شمول الطاف گردیم و مقرر صد تحقق بشارت الهیه شویم و طول و پرمرد  
 نگردیم. آنچه را ما نوریم بجان و دل انجام دهیم و آنچه بسبیل الهی واقع  
 گردد خیر محض و مرقح مصالح امریه و از تقدیرات الهیه و حکمت های بالغه  
 اعدیه شکریم. در الواح و آثار متعین و تحقق نموده بگوئیم بر یک از آن نصیحت  
 شفقتانه را عامل شویم و بر نیت کردار و رفتار در بین خلق عزیز و ممتاز گردیم  
 از درگاه محبوب الهی و مقام مقدس حضرت اعلی و مرتبه نظر  
 حضرت عبد البهاء روحی لا حیا لهم الفداء در حق بر یک از آن

برادران و خواهران روحانی خود قلبی طایف از محبت الهی و قدمی ثابت  
 در امر رحمانی و ربانی ناطق بآیات و اسرار ربانی خواهم و صون و حمایت  
 استدعایم تا بنهتسی آمال فائز گردید و در دو عالم منتخو و مغرز و منصور شوید.  
 ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۴۱ بنده استاس شوقی

بواسطه اعضای محترمه مجلس روحانی کرمانشاه

احتسابی الهی و امام زهرا در کرمانشاه و سنقر و گروس و سنندج و صحنه و  
کرد و دولت آباد و ملایر و جواراب و آذران و نهاوند و بروجرد و خرم آباد  
و سایر نقاط مجاوره طرّاً ملاحظه نمایند

ببسمان گلزار این بوستان الهی را اثر ثباتی بدیع بر شاخسار ایمان و عزمان  
و ایقان از عتبه مقدسه همواره سائل و مستدعیم و از آن شیفتگان جمال  
در ذکر و شنای آن روی محبوب و جلوه مستور تغنیات و نوت و اوصاف غیبیه  
تمنّی و مستطیر .

هر چند عواصف شدید جهان و جهانیان را سراسر احاطه نموده و غبار جنگ  
و ستیز آسمان عالم را تیره و تاریک کرده در وایح کدره ضغینه و بغضناشام  
نبی نوع بشر را از استشام نغمات قدس که از همت غنایت جمال ابھی درین  
عصر موجود در محبوب و مرور است ممنوع ساخته ولی تا عالم امکان در زیر  
مصائب و بلا یا نسوزد و دول و ملل ششم از مکاید سیاستیه و معاصدتیه  
خفته شان بگردند و افراد بشر از محبوب این باد های سهموم مخالف بوی و بوی  
پشیمان و مایوس نشوند انوار ابدی از مشرق این ظهور کلی الهی بر توی بر عالم

نینقلند و لب تشنگان عالمیان بگوثر عرفان و ایمان وصل نگرددند . تاخته و  
 و آزرده نگردد و مستغز از حال پروبال خویش نشوند و تشنه و سرگردان آرزوی  
 حاصل نجات را ننمایند علویت این تعالیم و سمو این کلمات مقدسه چهره نشاید  
 و قدر و منزلتش در انظار معلوم نشود . شبهه ای نیست که آن روز مبارک خوا  
 رسد که نفس مخربین آئین و دین الهی در و صحن عقائد سخیفه مادیون عالم  
 خود قیام نمایند و این آشوب و فتن را بدست خویش خاموش کرده بنیان  
 بیدینی مغرطشان را از اساس براندازند و بجان و دل و بقوائی اشد و کل  
 از قبل بتلافی مافات قیام نموده خود را منضم بپسپیه و ان این امر مبارک نماید  
 و مروج تعالیم حضرت بهاء الله گردند چنانچه علامه و شائرش ایوم در صفحات  
 روئیه تاقدسی واضح و معلوم گشته امید بکلی مقطوع بود که این شورشیان  
 ممالکت روس که مبداء اساسی آنان تغییر شراب عالم و توجه عوام به بیدینی عدم  
 اعتقاد بشوون روحانیست روزی خود اسباب ترویج امر الله را در صفحات  
 ترکستان و قفقازیا فراهم آرند . این حزب نذارا بلند نموده که دین مانند  
 ایون میل سیت اجماعیه راست و غافل نماید و هو شیاری و بیداری  
 کسالت و بیوشی تبدیل دهد . اسباب غیبی الهی همچو قوه مخربه ای را

اسباب اعلاى امر الله در آن سامان نمود . حال همین نحو که این امر عجیب  
 و قوعش بعید المرام بلکه مستع و محال بود عیسی الهی در تعقیب نفوس و  
 ارواح مشغول است . و شبهه ای نیست که اگر یاران ثابت و راسخ مانند  
 و در نهایت تکلیف و حکمت بر طائف خود قیام نمایند امور عجیبه از پس برده  
 حکمت الهی مشهود و عیان گردد و جنود تائید بقوائی ملکوتی و با اسباب غیر  
 منتظره در تقاطعی مخصوصه نصرت امر قیوم را خواهند کرد و چشم روحانیان  
 در تمام قطعات عالم روشن و منور خواهند نمود .

ایام ایام خدمت و جانفشانی است تا از این نعمت کبری و تاج موهبت  
 عظمی در این یوم مبارک ممنوع و محروم نشویم

۱۱ ک ۲ ، ۹۲۳ ، ۲۵ ج ۱ ، ۱۳۴۱

بنده استانش شوقی

۳۰ اجبای الہی برادران و خواہران روحانی در بند انری  
 بواسطہ محض روحانی انری روحیہ ہم ملاحظہ نمایند  
 ہواۓ

یا احببنا اللہ وادوانہ . الحمد للہ کہ نامہ آن برادران و خواہران روحانی  
 کہ حکایت از روحانیت و اقدامات مجددانہ اجبای الہی می نمود بارض  
 اقدس واصل گردید و از قرأتش فرح و سرور کلی حاصل . امید چنان است  
 کہ ہموارہ شام آن یاران باہمت و وفای اشارات الہیہ و عبود و مرور ازین  
 و مسافرن ارض مقصود و ملاقات و مؤانت مبلغین و مسادیان امرائہ کہ  
 از اندیاز گند می نمایند معطر و معنبر باشد و ارواح و قلوبشان شاد و مستبشر .

در این جوار از استان ملک مختار آن جسع را ترقیات معنویہ و تقدم و  
 و پیشرفتی سریع در میدان وسیع امرائہ خواهیم تا انشاء اللہ بجمت اعضا  
 محترمہ محض روحانی و معاونت و مساعدہ قلبی یاران اسس محکم و مستین  
 ہناده و بنیان رفیع مشرق الاذکار را در مستقبل ایام در نہایت جلوہ و شکوہ  
 مرتفع سازید . حال وقت تائیس است و ترویج تعالیم الہیہ . جل جلالہ  
 و استلاف و یگانگی و اتحاد را باید در بین یاران روز بروز بشیر تقویت داد

و بر تعاون و تعاضد افزود. از جهت افراد اجاباید کمال انقیاد و اعتماد را  
 با عضای محفل روحانی خویش داشته باشد و مساعدت و تأیید آن محفل را نمایند  
 و از جهت عضای محفل باید شب و روز فکری جز ترویج مصالح عمومی امریه و تفریح  
 امرانند و حفظ و سیانتش از شر اعدا داشته باشند. امیال و مصالح شخصی  
 را فراموش نموده خود را خادمان و نماینده جمیع اجبادانند و آنچه در مصلحت امر  
 و خیر عموم است مجری دارند. امید چنان است که یاران انزلی این اسکا  
 الهی را محکم و استوار نموده بخدماتی فائق در سبیل امریه موفق گردند.  
 اینست دعای این عبد و تمنایش از درگاه حضرت عبدالمجیب از برای ا  
 یاران جان نثار.

در حق جناب دکتر رحیم خان و جناب خان بابا از آستان حضرت بهاءیه  
 شغای عاجل طلبیم و همون و حمایت آئینه سلست نمایم. امید آنکه این مجابو اجابت  
 و قبول مستردون گردد.

همواره قنطر اخبار و شبارات روحبخش از اندیاریا بوده و ستم ۱۷ شبا ۱۹۲۳  
 بنده استانش شوقی

۲۷- بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی مدینه طهران و یار معنوی حضرت امین الهی  
روحیفدا هم نسخه ای مخصوص اجبای الهی و ابا الهی در صفحات ایران و قفقاز  
و ترکستان استنساخ گشت و ارسال شد

اجبای الهی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران و بلاد هندو  
و قفقاز و ترکستان و بین انهرین و اقلیم مصر و بریه اشام و صفحات  
شرق طراً ملاحظه فرمایند

افدیکم بروحی و جنانی یا اجباء الله ان شرین لغفاته فی بلادہ رب علیم و روح  
مقدس حضرت عبد البھسا، در ملکوت غیب شاہد و آگاہ است کہ بچہ قدسی  
قلب این بنده مستمند متأسف و متحیر است و چگونہ ناچار و تمیر کہ مکاتبہ  
با ہر فردی از افراد آن یاران جان نثار در این ایام پر انوار ممکن و غیر  
نیت . از یوم ورود بارض مقصود قلوب صافیہ آن دوستان عزیز گووا  
من است دی رحمت نمودم و آنی فراغت نیافتم . لیلانہا را  
بیج امری خورشیت امور روحانیہ و ترویج مصالح امریہ و ملاحظہ در تمہیدات  
فوری لازمہ کافیہ نپرداختم . مشغل ذہنی و عملی بجدی افکار این عبد را  
مشغول نموده و مطالب و لوازم و اہتیاجات عمومیہ اجباء در قطعات



و اقای عالم چنان از یاد و اهمیت یافته که دقیقه ای فرصت نمانده تا آنچه را  
 آمال و آرزو و مقصود دل و جان این بنده آستان است و محبوب و مطلوب  
 یاران تحقق یابد و با هر فردی از افراد جمع اهل کعبه مراسمه و مخابره گردد  
 از جهتی تمعن و تفحص و تدقیق در اتخاذ وسائل فعاله از برای اجرای وصایای  
 الهیه و تحقق نوایای مقدسه مبارکه و از جهتی دیگر تحریر و مخابره مستمری با تمام  
 محافل روحانی شرق و غرب که هر یک در مستقبل ایام یگانه اساس بیوت  
 عدل الهی خواهند گشت و حکیم و تنظیم دوار متعدد و متنوعه هر یک از آن  
 از طرفی تدبیر در حل و رفع مشکلات و اقع در ارض اقدس و سایر نقاط که  
 بر چند بظاهر اسباب تخدیش ازمان است ولی بباطن از حکمتی بانه  
 احدیه محسوب و از طرف دیگر معاومت و قلع و قمع فتنه ضاله سودان و  
 ناقضان امر الهی که با وجود توجع علم منظر میثاق و مہبوط مساعی باطله شان  
 هنوز بوساوس و دسائس شیطانی خود مشغول و وظائف مقدسه این  
 عبد بجدی محکم و زیاد است که از این نعمت عظمی و محبت کبری محروم و ممنوعم  
 اگر بداند که چگونه صعود مرکز عهد و میثاق ملکوت اشراق  
 قلب آفاق را من تمام الوجود در این ایام بکرت و اہمز را آورده و در

جادو آرزو و قائم نسیمه استعدده غرب روح تسلیخ در عروق و سریان طلاذنه مؤمنه  
 مآبته حضرت عبدالمجید جریان و سریان یافته و بکجه خدایات فائده با بهره  
 هر یک موقوف شده اند اندکی بر اتساع دائره امر الهی واقف گردید و بر شایر و  
 و علامت تحقق و عود محسوسه مبارکه مطلع شوید .

بعض منصوص کھلک میثاق نار موقده الهیه که ید قدرت در شرق عالم مشتعل  
 فرموده اول در ممالک فرنگ شده زنده و پرتوی از غرب شروق افکند .  
 همیشه در باختر افکار عموم و ارواح نفوس جذب در روشن نماید و بعد بخاور  
 سرایت کند و جهانگیر شود . از جمله می فرماید :

« بهاء الله ایران را روشن نموده و در انظار عمومی عالم محترم نماید و ایران  
 چنان ترقی نماید که محسود و مغبوط شرق و غرب گردد . اگر این سخن در بخیر  
 حال حضرت بهاء الله بر افکار عمومی اروپا مستولی شده بود و ایران را  
 جنت رضوان نموده بود و ایرانیان را محترم در نزد جمیع دول و ملل بلکه  
 کار بجائی رسیده بود که مرجع جمیع دول و ملل شسته بود . اگر بهاء الله  
 در اروپا ظاهر شده بود ملل اروپا غنیمت می شمردند و تا بحال سبب آزادی  
 جهان را اعطا نموده بود ولی انوس با وجود آنکه این امر در ایران ظاهر شده

عاقبت امالی اروپا از دست ایران و ایرانیان خواهند گرفت. این را  
در گوشه کتابچه مرقوم فرمائید عاقبت خواهید دید هنوز ایرانیان به باین  
را می کشند .

حال ملاحظه فرمائید که غیبی در تهمینه پچو روز مبارکی در بلاد معموره عالم چه  
انقلاب و جنبشی و دہشت و وحشتی فراهم آورده . در قلوب و افکار روسا  
و متفکرین آن بلاد چه عطش و میل و استعدادی احداث فرموده .

عدہ معدودہ اجہاء اللہ را در این ہمہ و آشوب دول و ظل و احزاب و

طبقات در دو قارہ اروپا و امریک بچہ روح بدیعی و شور عجبی الیوم معوش  
فرموده کہ از اقصی بلاد و اکناف و اطراف مہرانیہ جہان در واسطہ اقیانوس

پاسیفیک نڈا مرتفع است کہ قارہ جدیدہ صفحات استرالیایا بحسبند

غیب فتح گشتہ و علم مسین حضرت بہا، اللہ در قلب آن اقلیم بیت یاران

امریک منصوب و مرتفع . بارض مقصود و مخابرات برقیہ از آن امان

بعیدہ رسیدہ کہ اول مجلس و ضیافت بہائی تشکیل گشتہ و بدر محبت

کہ در سنین حرب الواح مبارکہ حضرت عبدالبہادر آن دیار گشتہ حال انبت

شدہ و نشود نامنودہ و باثر آن الواح مسنیعہ و کلمات عتیقہ نافذہ یارانی

چند مبعوث گشتند و بزم و اعتمادی ملوکوتی در آن قطعه شامه بسیار شدند  
و تجاوز از صد و پنجاه شهر عبور نمودند در بر یک از آن مدائن اقامت نموده  
تخم محبت الله را افشانند و محض سعایت و محافظه کرة آخری مرور بر یک  
از این مدن و قری نمودند و اساس ابدست خود را مستحکم ساختند. این است  
نتیجه مهم عالیله یاران امریک که بقوه حضرت عبدالبهاء امرالله را چنین  
نصرت نمودند و در قاره استرالیایا بچو فتوحاتی روحانی موفق گشتند و نظراً  
منصوراً تاج عبودیت آستان بهار ابر بر خفا دادند و همچنین در قطعه اروپ  
آثار حشر و نشوری جدید معلوم و آشکار گشته در اماکن و محاللی که تا بحال از اشعه  
این ظهور الهی ممنوع بوده مانند بلاد نمسه و مملکت ایتالیا و قطعه سویس و صفت  
شمالی آلمان و دو قطعه اسوج و نروج و خاصه ممالک روس در تمام این  
نقاط آثار حیات ظاهر و مخبره انوار از آفاقش طالع. یاران چندان کلمات  
مکتوبه حضرت بهاء الله و صحائف علمیه و رسائل و الواح مبسوطه همه و  
و نطقهای عمومی حضرت عبدالبهار ابلفات عبری و ایتالیائی و آلمانی  
ترجمه مینمایند و باین واسطه افکار را متوجه بامر الله میسازند. در نقاط  
بسیاری محافل تائیس کرده اند و عده ای را بشاطی بحسب عرفان الهی

وارد نموده اند . ندای این مستغنیان از انسان حال و معاشان مرتفع  
 که فرود قلوب را حاضر و آماده افشاندن بند محبت الله نمودیم حال غنچه  
 اقدامات و تعاون و تعاضد برادران و خواهران شریفیم تا مدد نمایند  
 و این قطعه محموده پر استعداد اروپ را چون ایالات آمریکا مشتعل نمایند  
 و نام حضرت بهار الله را در اطراف و اکنافش معروف و شهر سازند  
 از شرق اقصی همین ندا مرتفع . خواهران روحانی در خرابی را پان  
 بیانات حضرت رحمان را بزبان حسنی و را پانی هر دو ترجمه نموده بوسیله  
 خدمت راهبیا ساخته تا یاران شرق و غرب هر دو در این میدان  
 قدم نهند و مملکت چینیان را که فی الحقیقه دارای عالمی و تمدنی  
 مخصوص است و از حیث عدّه نفوس ربع سکون عالم است و  
 از جهت ثروت داخله و قوای طنونه ماده و ادبیه و روحانیه تفوق  
 بر هر مملکتی از ممالک عالم دارد و دارای مستقبلی محتموم و لامع ، همچو  
 قطعه جسمه پر قوه ای را بیدار نمایند و با همراز آرند و در  
 ظل کلمه الله در آورده با اقالیم سائره عالم مشور و مالوف سازند  
 و وحدت حقیقی نوع بشر را بقوه حضرت بهاء الله ثابت

نمایند و تأسیس کنند .

المحمد لله آنچه را که قلم می‌شاق بان بشارت داد  
و وعده فرمود و تأکید کرد بر غم‌خیزان قاص بر روحی در شرف ظهور  
و بروز است و بیان مبارک که :

«غزویب کتاب می‌شاق در هوائ مع آفاق بر تریل گردد» در جلوه و وقوع .  
این علامات را بر مضمونی مشاهده نماید مگر کوران حسودان که بذلت و نداشت  
بتلاشته و روزی بخبر آن مسین در آویزه محمید گرفتار و معذب خواهند شد .  
آئین مسین اساسش در قطعات غمزه حکم گشت و اقالیم جدیدی  
و کشورهای وسیعی بتدریج مفتوح و روشن شد . امر آنکه دائره اش کامل گشت  
و تمام اقالیم جهان را در حلقه کامله تعالیمش در آورد . نارش هر چند تا بحال  
شعله جهان نورزده و نورش بصبر و بصیرت دول و حکومت عالم را هنوز منور  
ن ساخته ولی شعله اولیه اش بر هر قطعه و دیاری حال اشراق نمود و غم‌خیز  
بجمت آن جانهای پاک آفتابش تجلی تام نماید و جهان هسر و زرد گردد .  
در لوحی از الواح حضرت عبدالمجید ، خطاب بجمعی از ارجامی فرماید که  
در ایدوستان حقیقی الهی شمس حقیقت از افق غیب طلوت پنهان

این اوان چنان اشراقی نموده که من فی الامکان حیران گشته و قسمی بر جمیع  
 اقطار را بولوله و غلغله آورده که صیت اسم اعظم ممالک شرق و غرب را  
 احاطه کرده ندای سبحان ربی الاعلی است که از جمیع انحاء بلند است و نعره  
 یا بهیاء الاهی است که از کل آفاق متواصل سبع . حال ای اجبای  
 الاهی وقت همت است که این صیت الاهی با صوت ستایش و محامد و شایسته  
 اجبای الاهی توأم گردد تا جمیع عالم شهادت دهند که نفوسی که در ظل مشیق  
 جمال مبارکند هر یک شمع بگشند و گل صدر برگزینان طرار و گلشن و باغها  
 و روش نیز آفاق افتد میانید و مطالع آیات رب میثاقند . والیهاء  
 علیکم یا اجبای الله و محابیب عبد البهیا « چقدر این بیان علی  
 که متجاوز از بیت سده قبل نازل گشته مناسب این ایام است گویی که از برای  
 هجده یوم مبارکی نازل گشته چه که از جهتی زنه ملکوتی در اقطار و ارجاء عالم مرفوع  
 گشت و از جهتی دیگر این علو و تموا امر الله انظار نفوس را متوجه بهیایان  
 عالم و مفسوبان این امر اعظم نموده گفتار اجبای سمع قریب و بعید رسیده  
 حال نفوس مستنظر آند که از رفتار و کردار یاران را بحسب ایمان حقیقی و نغمه  
 ملکوتی استشمام نمایند . بدقت ملاحظه فرمائید . میفرماید در وقت آن است که این

صیت الهی باصوت ستایش و محامد روش حبیبی الهی توأم گردد»  
 هر قدر نام بهائی مشتهرتر گردد و امر الله عزیزتر و رفیعتر شود اعمال و اخلاق  
 طیبه زکیه طاهره اجبار الله باید بهمان درجه در انظار ایشان و بیجا نه بیشتر  
 و بهتر جلوه نماید. آثار علویت این تعالیم باید در روش اجبا ظاهر و آشوف  
 گردد چه که اول مبلغ حسن رفتار یاران است و بهترین دلیل و مادی بصراط  
 مستقیم الهی همانا حسن سلوک و حسن معاملات و خدمت حقیقی به عالم اسانی  
 روح الهی نفوذ و تاثیرش در جسد امکان متوقف و منوط باعمال است  
 نه اقوال و الا فتور و تاخیر حاصل شود و تأییدات شدیدیه که مخصوص این  
 قرن عظم است شامل حال نگردد و آمال و نوایا تحقق نیابد. همت  
 لازم و سعی موفور واجب. تذکر و تنبیه شرط است و استمداد عون و عنایت  
 مستمر از ملکوت حق قدیر از لوازم ضروریه محسوب. بذل اهتمام و استعانه  
 عون و عنایت هر دو باید جمع گردد تا در اعمال از سایرین مجتهد از کردیم فی الحقیقه  
 تبلیغ این امر مبارک را نمائیم و الا از فیض برکت محروم و از تحقق آمال  
 ممنوع خواهیم گشت.

محضر خاطر خاطر یاران ایران و هموطنان مجال قدم و هم عظم بر صفحه



مخصوص لوح امخ اقدس حضرت عبدالبهاء که در گذشته ایام نازل  
 گشته استنسخ نموده لغا ارسال میگرد تا کل تشویر و شعف آیند و بر طینان  
 و اعتماد بفرمایند و بدانند که بچه حدی استقبال اندیاز باهر است و فیض الهی  
 کامل . هنگام هنگام خدمت است و یوم یوم همت و استقامت در هنگام  
 امر الهی . حیف است اگر خاموش نشینیم و سکون و سکوت پیشه فریم بلکه  
 فتور در تحقق این مقصد اعلیٰ قصوری است عظیم و تنویق و تعطیل در وقوع این  
 وعده کبری محرومیت از نعمت عظمی و فوز ابدی در جهان الهی است .

ای دنیا یا الهنا و محبوبنا علی السلوک فی سبیلک

و ارتفاع امرک بین العالمین

۲۳ ک ۲، ۱۹۲۳ - ۵ ج ۲، ۱۳۴۱

بنده استاس شوقی

۲۸- اعضای محترمه محفل مقدس روحانی طهران

حفظم الله وایدهم ملاحظه نمایند

افدیکم بروحی یا اجباء الله وامنائه بین عباده الحمد لله آثار وعلامت شور  
دوله وحممت وخدمت یاران از مکاتیب واصله از آن سامان ظاهر  
و اشکارات و راحه و فاداستقامت و جانفشانی در امر الله از رسالت

مخاض یاران و افراد اجبار در مدینه طهران متضوع . این عبد در احیان

سناجات از درگاه الهی فرید توفیق و رفع موانع و مشکلات و حفظ وصیانت

اجباء الله را عموماً و اعضای محترمه محفل روحانی را خصوصاً طالب مقسم

و شبهه ای نیست که اگر یاران تمام قوی در نهایت الفت و اتحاد قیام

نمایند و مداومت کنند و عده های آئینه یک یک تحقق یابد و بشارت از

ط رغبان کل ناقص و کل معاند ظلموم باها جسلوه گرگردد .

اولین نامه محفل روحانی نمره ۲۷۲۲ و اول گشت بدقت قرأت گردید

و علت سرور و اطمینان گشت و بر اقدامات و همسم عالییه اعضای محفل تهذیب

اطلاع حاصل شد امیدم چنان است که اعضای این محفل بر خدمات عظیمه

درستقبل ایام موفق گردند و من تمام الوجوه هر یک سر مشق جوانان شوند

از اقدامات یاران ایران و معاونت کلی از برای ارتفاع بنیان رفیع  
 مشرق الاذکار امریک علی الخصوص حضرات امام، الرحمن که بجنه مخصوصی منضم  
 این امر محکم انتخاب نموده اند نهایت سرور و ابتهاج حاصل گشت. از برای  
 یاران عموماً و اعضای این بجنه خصوصاً تأییدات الهیه و عون و عنایت ربانیه  
 را در نهایت تضرع و ابتهال منسبت می نمایم. حال از لوازم ضروریه این ایام  
 آن است که فوراً محفل مقدس روحانی طهران رسماً و کاملاً در راه پورطی مبسوط  
 بدقت ترتیب دهند و ارسال دارند کی راجع باوضاع امریه عموماً در ایران  
 و دیگری خصوصی مختص بشؤون روحانیه در مدینه طهران از قبیل مشیرت امرالله  
 این ایام و امر تبلیغ و احتیاجات آن و تشیلات و تنظیمات محفل روحانی و غیر  
 محافل امریه و اقدامات امام، الرحمن و محافل و انجمنهای آنان و علاقات و  
 روابط موجوده با ارباب حکومت و حرکات خفیه ملت مایوس یحیی و مساعی  
 ناقصین ناکشین و لوازم امریه و امور سائره متعلقه بامرالله. بعبارة اخری  
 باید حالت و موقف امری را با تمام در نهایت وضوح و تدقیق در راه پورط  
 خویش معلوم و محسوس نمایند و فوراً با عرض آقدس ارسال دارند.

این ایام انظار تمام محافل روحانی در شرق و غرب عالم کل متوجه محفل بنیه منوره

طهران است چه که منویا و مادیا مقدم بر تمام مراکز امریه عالم است مظهرین جهان  
 اقدس اهل بیت است و از جهت عده یاران و اقدامات روحانیه و دائره اقتدار  
 فائق بر تمام نعاظ امریه در عالم بهسانی

اساس این است که از قبل با مختصراً ذکر شد. محفل روحانی یگانه مرکز تمام  
 شئون و اقدامات و خدمات روحانیه اجباء الله و اما، الرحمن در مدینه  
 طهران است و چون دائره اش وسیع است و بحالته امور عمومه امریه که  
 رابع باقیم ایران است محمول بان گشته. باید بجهت مانی مخصوص خود اعضا  
 محفل روحانی انتخاب و تشکیل نمایند و هر امری از امور عمومه امریه را بیک بجهت  
 از این بجهت محمول نمایند. از جمله بجهت تبلیغ و بجهت محابرات امریه و بجهت  
 تعلیم و تربیت اطفال و بجهت ترتیب و تنظیم محافل و مجالس و بجهت طبع و نشر الواح  
 و آثار مبارکه و بجهت امور عمومه خیریه و قس علی ذلک هر یک را بجهت مانی مخصوص  
 محمول نمایند و خود اعضای بجهت را انتخاب کنند و اطلاعات عمومی بر اقدامات  
 هر بجهت ای داشته باشند و تمام بجهت را از شعب محفل روحانی محسوب و  
 ظل آن مسئول باعضای آن است. و آنچه اساس است: اولاً  
 اعتماد تام و سیق بر فردی از افراد احباب در مدینه طهران از یاران و اما، الرحمن

باعضای محرمه مجلس روحانی است. و ثانیاً سعی و کوشش بلکه حصر افکار  
اعضای مجلس در ترویج مصالح عمومی روحانیه امریه نه نظر بامیال تقاصد  
و افکار شخصیته خویش. عموم یاران چه در داخل و چه در خارج مجلس باید مجلس  
روحانی را نمایندۀ خود شمرند و تقویت نمایند و ترویج اجراءاتش را کنند  
و همچنین اعضای مجلس روحانی باید خود را خادم مصالح عموم اجبارانند و  
و مروج مصالح روحانیه یاران شمرند.

و همچنین چون وقت تجدید انتخابات اعضای مجلس روحانی بمیان آید باید  
بریک از افراد احباب تصویت یعنی ابدای رأی را از وظایف مقدسه  
و جدانی خویش شمرد و بقدر امکان اجمال در این امر نماید و مستقل از رأی  
در نهایت توجه و خلوص و بس و فارغ از هر تار بنفیس و مقاصد شخصیه  
نفوس را که خالصاً و جداناً قابل این مقام که عضویت مجلس مقدس روحانی است  
دانند انتخاب نماید. یاران طهارت باید در این امر مشق جهانیان گردند  
ز نهاد زلف را در آنکه منتهی احزاب و علل خارجه بلا و غرب و شوونات و  
عواید و رسوم منصره شان از قبیل آنتریک و پارتی بازی و پروچکانه که حتی  
همش گریه است بجمع اجبارسد و در نفوس یاران ادنی اثری ناید و روحانیت

بکلی سلب نماید یا آن باید مخلوس و مضاف و محبت و وفاداری و یگانگی و خیرخواهی بسبب این مفاسد قویتر برآوردند از آنکه تقلید نمایند و تاسی کنند تا از این عوامل و افکار و عوائد بکلی برآوردند و برآوردند روح الهی در جسم عالم بلکه در جمیع اجزای آن تأثیر و نفوذ کلی را نماید. بالواقع مبارکه رجوع فرمائید که چقدر در این امر خطیر تأکید فرموده اند اعیان را اجاب، الله از سایر نفوس در این امور است والا و احسره علینا.

باید در تالیف قلوب کوشید و اسباب روحانیت و الهیت و یگانگی حقیقی صمیمی دائمی و تعاون و تعاضد مستمری را فراهم آورد این اول وظیفه هر شخص کهبائی است اگر این حاصل نگردد تمام اقدامات و خدمات دیگر غیر مقبول باید اساساً مستحکم ساخت و آن تهذیب اخلاق و تشعیف افکار و وسعت نظر و علوهت است چون ارکان این اساس مستحکم گردد آنوقت توان بنیان رفیع مشید امر الله را بر حسب مصایب مبارکه بر این اساس مرتفع ساخت و زمین و اکمال امام نمود. در حق آن یاران و خاصان الهی دعا و تضرع نمایم که با نچه رضای الهی است موفق گردند و اساس امر الله را در قلوب و نفس مستحکم ساخته بخدماتی و اقداماتی کامل موفق شوند.

۳. ک ۲، ۱۹۲۳، ج ۳، ۱۳۴، ۲، بنده استانش شوقی

نسخه‌ای مخصوص اجبای الهی و امام‌الرحمن در ایران و قفقاز یا ترکستان استنساخ  
 گردید و بواسطه اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مدینه طهران ارسال شد  
 اجبای الهی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران و بلاد  
 هندوستان و قفقاز یا ترکستان و بین نخستین و اقلیم مصر و بریتانیا  
 و سایر صفحات شرق طراً ملاحظه نمایند

هو الله

افدیکم بروحی یا اهل لبها، المقتبین من زیر الافاق و بدر المیشاق  
 الساطع انوارها علی العالمین . آن عاشقان و فدایان جمال اقدس  
 ابھی و پیروان پرورده دید عنایت حضرت عبدالمجید، برادران  
 و خواهران عزیزتر از جان و روان اشتاق و محرم و حفظ و مصونیت و تأیید و توفیق  
 بر یک روز از آستان مقدس حضرت بهاء الله سائل هر دم بیاد آید از آن با لوفم و ذکر ایشان  
 شغول دیدن اراضی مقدسه که مطاف عالمیانت و از جهانیا دیدنی و ایام جوار رحمت و توفیق  
 و مقام مبارک حضرت اعلی در تربت مطهر حضرت عبدالبها باین دعا تمیز کرد:  
 ای قوی قدیر و حافظ امین اغنام تو هستیم محافظه نامادیا  
 امر تو ایم تأیید و توفیق بخش ناشرین نفوس کسبیه الیه هستیم ما را

از نادوت فارغ کن و پاک و مقدس نما حاصل پیام نجاتیم با اعمال و اخلاص  
 ملکوتی در انجمن عالم مسووست فرما منتظر ظهور بشارت تو نیم و دل بوجدای محنت  
 بسته قوه ات را نمایان نما و تحقق آمال این قلوب محرومه را شاد و مستبشر کن  
 این فیه مظلوم را از بد و ظهور در کیمف منبع و ملاذ رفعت محافظه فرمودی و در تحت  
 مسائل و اغفال آیین مسیت را اعلان فرمودی و در آتش بلا رخ حسینیت  
 بر افروختی و بدما، شهیدانت شجره امرت را سعایت کردی . هیکل زیبای  
 مقدس امرت را از ظلم و جنای دول و ملوک عالم و لعن طعن اعدا و دسائس  
 ناقصان اهریمنیان ست عنصر حمایت و وقایت فرمودی و با انواع محن  
 و بلا یا و اسرت و غربت و نفی و زندان را فیین لوایت را محتمن و مخصوص  
 فرمودی . حال وقت نصرت و عزت است ابواب آسایش و جلال را  
 بروجه این ستمدیدگان مفتوح کن و عظمت و سلطت قدیمه آنت را نمایان نما  
 بهائیان مظلوم را قوت عنایت کن و محرومشتر نما و عالم ملک را در ظل  
 ظلیل شریعت مقدسه ات در آور . آنچه را با بر انبیا که یاران عزیز تو اند  
 و عده فرمودی ظاهر کن و وعود الهیه که در کتاب اقدس مسطور اکمال و  
 اتمام فرما . توئی مقرب قلوب و کاشف کروب . توئی یسبح



و محیب و توفی قادر و توانا .

علی نفس بلا و اذیت و جفا بنصوص الهیه محمد سلس است و مروج امریه  
 حلیل . منادی آئین الهی است و مذکر و منبه نفوس غافلہ . باید شکرانه نمود  
 و مطمئننا بقضه و حکمت و قدرته بحمل صبر و شکیبائی تمسک جست .

ملاحظه فرمائید که سان حضرت عبدالبہا تسلی دہندہ عالم در روحی از الواح  
 چه می فرماید :

« ای ستمدیدگان راه نیردان عوانان دست تطاول گشودند و ستمکاران  
 قوت بازو نمودند گمان کنند و رای زنند کہ این بلا یا توہین احباء الہیہ  
 و تعذیب انما، اللہ و تفسیح امر الہیہ است فبئس ما ہم یظنون قسم  
 بنویر اعظم کہ این عذاب شہد عذاب است و این بلا موہبت کبری و این  
 خنظل عسل مصفی . این توہین تعظیم است و این تعذیب تکریم و این تحقیر  
 تو قیر و این تفسیح تأیید . ایام بگذرد و عمر گرانمایہ منستہی گردد و چون شام  
 اجل در رسد و صبح آخرت بدید جمیع راحتها شتت گردد و ہمہ سوداگران  
 شود مگر بلا یای یاران و مصائب مظلومان و صدمات ستمدیدگان کہ در  
 بازار امکان با حضرت جانان بر و سودا داشتند و سود بکیران بردند و

ریح عظیم یافتند و عزت قدیم دیدند و ناز و نعیم جستند و بار خنی چون مه  
 تابان از افق ملکوت دیدند فطوبی لهم و حسن مآب . قوت ملکوت  
 ابی قلب مابیت نماید و تبدیل و تجدید حقیقت کند . ذلت ابرار را عزت  
 پایدار کند و حرقت اخیار را لطافت بخش اسرار . علقم تلخ را شکر شیرین نماید  
 و شبنم فقر را ایم عظیم . ظلمت آلام را انوار افق اعلی نماید و شست  
 محض را راحت ملکوت ابی . پس شکر جمال قدیم را که چنین فوز  
 عظیم مستیر فرمود و حمدت کریم را که چنین نعیم حسیل مقرر داشت . طوبی  
 لکم من هذا الفضل العظیم .

برادران و خواهران عزیزم هر چه افق شرق ایوم بظاہر تار یک است  
 و اهل آن صفحات در همچان دول و مل در آتش تعصب سوزانند و شوب و  
 و احزاب نزاع و قتال مشغول و بدبأس و مکاید مالوف ولی بلاد غرب نیز  
 غافل و بیباید و مشکل متنوعه متزاید خود گرفتار . فی الحقیقه تمام جهان  
 مضطرب است و جهانیان بسلاخسته و مایوس و تلحکام . نازده این  
 جنگ اهل عظمی نفوس و ارواح را چنانکه باید و شاید پاک و از آلائش غصه  
 و بغضا معدس نموده . بیان واضح مبارک حضرت عبدالبهار ارباب آریه

که در حسی که برای قتال و نزاع بین المللی ظاهراً تشکیلی گشته بود و دول  
 و سیاستون عالم نریم صلح و آشتی آراسته بجان موبوم خود اساس صلح  
 نهاده اند این بیان از لسان اطرش جاری که در چند بر صفحه او راق قابل  
 عالم عقد مصالحه بسته اند ولی قلوب از انوار صلح و آشتی دور و ممنوع .  
 جز تقوه الهیه ارکان صلح ابدی گذاشته نشود ( این نص بیان پاک است  
 که در مکاید سیاستیه در میان است و مقاصد خفیه در جولان ) . امروز  
 بعد از انقضای چهار سده ملاحظه نمایند که چگونه مشاغل سیاستیه و تعصبات  
 جنیه و شخصیه و منازعات اقتصادی استمرار طلبه تراید بایسته و بلاد شرق  
 و اقلیم فرنگ از اروپا و امریک و قطعه افریک حتی قاره بعیده استرالیای  
 فرا گرفته نفوس و ارواح دول و ملل در این هممه و آشوب غافل از الهیت  
 و اسیر تعصبات و منمک در شهوات و در چارصدمات و بلیات . بجز  
 اهل کسب که بروح الهی در این قرن نورانی مبعوث گشته اند و از هر گونه  
 تعصبی فارغ و آزاد و از آلائش جهان پاک و بیزار و مستبشر و آزادند و غیر  
 الهی سرور و مطمئن و شادمان .

عالم کون پرآمده و پریشان محتاج این روح الهی است که در نفوس اجباید

الهی و دینچه گذشته و در عروق و شریان بهبانیان الیوم نباض است  
 ماکه باین نام و صفت موسوم و موصوفیم باید کل بحمت عظیم منبذول داریم  
 و قدم را ثابت نمایم تا در رفتار و نمودار در داخل و خارج در خبریات و کلیات  
 این روح کمنون الهی را دیده هر مود عالم مشاهده نماید و این جهان تاریک  
 از روش و سلوک تلامذه حضرت عبدالبهاء نور الهی را یابد و از چاه ضلالت  
 را الهی یاقه باوج سعادت حقیقیه وصل گردد. می نماید :

(این یوم یوم قیام نجات است و عبودیت آستان احدیت تا حیات  
 باقی است تعجیل نمایند و تا بهسار را خزان در بر گرفته و سفار را بیماری غالب  
 نشده قیام نمایند. در این یوم هدایت نفوس بصراط مستقیم منطیس نماید  
 الهی است. نفوسی که خود را وقف این امر نمایند در صون حفظ الهی هستند  
 هر که در این یوم یک کلمه حقیقت نطق نماید آن کلمه لازال در تروج و حرکت  
 خواهد بود و هرگز معدوم نخواهد شد )

نام عبدالبهسا بگوش قریب و بعید رسیده و چشمهای عالمیان الیوم  
 از وضع و شریف ناظر بهبانیان تا از اعمال و اخلاق این بسندگان  
 پر تو نور خوی حضرت عبدالبهسا بسیند و از اطوار و حرکاتمان نتایج

و آثار آن قوه نمودند در کلمات الهیه مشاهده کنند و الا گفتار ثری بخشد  
 و بر خدمت و اقدامی بالمال از مایید غیبی و پیشرفت و تاثیر دانی کلی مجموع  
 و محروم گردد. گفتار رفتار و کردار لازم و کردار در اجمت طبع و سعی مستمری  
 شرط و واجب. خربند جمید و سعی موفور و استغاثه و استعانه و استمداد  
 اورب غفور را هی نه دو واسطه ای نیست .

از امور سیاسی و مخاصات احزاب و دول باید کل قلبا و ظاهرا اسانا  
 و باطنا کلی در کنار و از اینگونه افکار فارغ و آزاد باشیم با هیچ حزبی رابطه  
 سیاسی نجوییم و در هیچ فرقه ای از این فرق مختلفه مستنازه داخل نمردیم  
 نه در سلک شورشیان در انیم و نه در شوون داخله دول و طوائف و قبایل هیچ  
 طئی ادنی مدافعه ای ننماییم. بقوه جبریه هیچ امری اقدام ننماییم و از  
 حقیقت و جوهر این امر مبارک که اساس مودت و وفاق است آنی  
 غافل نشویم. امر الله را چه تعلقی با امور سیاسی و چه مدافعه ای در مخاصات  
 و منازعات داخله و خارجه دول عمل. باید در نهایت سکون حکمت  
 و اشتغال و همت و ثبات و استقامت نصاب مشفقانه رب غزیرا  
 بطرات و مرات تلاوت ننماییم و حاصل گویم و بنفوس مستعد و احلا

والتعانییم و در تعمیم و اجرائیش تا نفس اخیر بدل و جان کوشیم. با سببانی  
 معنوی بتعدیل عالم اخلاق پردازیم نه آنکه تنگ بوساقل مادیه سیاسیة جویم  
 بقوانی ملکوتی تدریجاً قلوب را تعقیب و منخرنماییم و تزکیه نفوس و ارواح را  
 منظور نظر داریم نه آنکه در ترویج اسم و شهرت کوشیم و در غرکب مقام و منزلتی  
 در این عالم فانی باشیم.

ام حجاب در این ایام از امور لازمه محتمه و اجبه محسوب. حضرات اماره  
 در بلدان شرق علی الخصوص در ممالک روس یعنی ترکستان و قفقازیا و اقلیم  
 مصر و همچنین عراق و ایران و برتیه الشام باید مراعات تام از این امر مفروض  
 که تعلم مبارک تا لیکد گشته نمایند ادنی انحرافی این اوقات جائز نه و تخفیف  
 و تبدیلی در اینگونه رسوم و عادات حال مخالف حدود الهیه و رضای تعالی  
 حضرت عبدالبهاست زمان و مکان حال حسین اقتضا نماید و شبهه ای  
 نیست که نساء اجبا در این ایام پر حشمت و انقلاب که آثار حریت مغرظه  
 ظاہر و معلوم گشته و الکفار و مشرب نفوس تغیر سریع کرده و از حد اعتدال  
 خارج گشته نهایت تقید و مواظبت را مرعی خواهند داشت.

و همچنین مراعات مقام و حفظ مراتب مستحب و واجبات رجوع

بأثر کلت پیمان فرماید که می فرماید :

د اصغر باید رعایت و احترام اکابر کنند و اکابر باید رعایت و مهربانی در حق اصغر نمایند . جوانان باید خدمت و حرمت پیران نمایند و پیران باید محافظت و رعایت جوانان نمایند . این حقوق متبادله است .

نه چنان باشد که هر کسی خود را می و مستقل القدر باشد .

قدما ، اجبا و حضرات مبلغین که در سبیل امر الهی اذیت و جهادیده اند و باستان مقدس خدمت نمودند و قلم اعلیٰ بذکر و تقدیر خدماتشان تحرک

گشته بر جوانان و مستبدین احترام و ملاحظه این نفوس متعبره واجب است

و مراعات تشویق و تحریص جوانان بر قدما ، مؤمنین نیز فرض و لازم

یوم یوم آمیزش و استیام و تعاون قلبی و الفت و و داد صمیمی دائمی

بین تمام افراد اجبا از پیر و جوان و قدیم و جدید در اعلاای امر الله و ترویج

و تبلیغ و تکمیل محافل روحانی است . محبت جمال اقدس الهی ایوم باید بار

در نهایت قوت در نفوس اول در اجبای الهی و بعد در اهل عالم مشهود و

واضح گردد . می فرماید :

باید یاران الهی مجذوب و مفتون یلگیر باشند و جانفشان در حق یلگیر

کنند

کنند اگر نفسی از اجابده گیری برسد مانند آن باشد که تشنه بی چشمه آب حیات  
رسد و یا عاشقی بمشوق حقیقی خود ملاقات کند.

ملاحظه فرمایید که بچه مقامی حضرت عبدالبهاء یارانش را دعوت می فرماید  
باید عاشق و مغشوق و مجذوب و مجذوب گیر گردند چه رسد بآلفت و مؤانست  
و مصاحبت و تعاون و تعاضد یکدیگر در اعلاای امر الله.

حال در این ایام فراق و حرمان که دریای عشق و محبتش در قلوب و ارواح این  
محرقرین ناز فراقش موج گشته وقت آن است که همت بکاریم تا مصداق  
و نظیر این بیان اعلیٰ گردیم و عشق عبدالبهاء را در محبت و جانفشانی و  
خدمت بیاران عزیزش اظهار و اثبات کنیم این از لوازم ضروریه امر الله  
در این ایام است. محبت و دوستی با عموم اهل عالم از تعالیم اساسیه  
شریعت الهیه است تا چه رسد بدوستی و آشتی در بین اجبار الله. تا  
چنین نگرود حرارت محبت الله در کبد عالم شعله نزنند و وحدت عالم انسانی  
که یگانه اساسش همانا محبت الله و اخوت نوع بشر است تحقق نیپذیرد.

و چون این بنیان استوار گردد و جل مودت و اخوت قلوب یاران را  
تمه و مرتبط نماید و اساس وحدت جمع اهل کعبه ازین دستکلم شود باید



قدم بمیدان تبلیغ نهاد و لسان بسبیلان و تمیان و اقامه برهان نمود  
 و نشاط و حکمت و استقامت و تقدیس و انقطاع روز بروز بر اتساع دار  
 این جمع افزود. حضرات مبلغین باید در نهایت روحانیت و توجه و انقطاع  
 از مساع دنیا و از هر تعلق و توقعی و اسم و شهرتی فلیح و آزاد بوطیعه مقدسه خود  
 پردازند و اعظم و صیایای مقدسه را که مقصود تبلیغ و نذای امر الله است با حسنها  
 و اکلها مجری دارند. اینست آمال قلبیه و نصیحت اولیه و وصایای اخیره  
 آن مرتبی خون و مولای شفق که حال از علوت تقدیس پیش از پیش در این  
 بسیل سادیان امرش آتاید و نصرت می فرماید. اینست خطاب  
 مهتجش بجمع یاران الهی :

« ای ثابان برپاین این طیرال و پرشته منطوم چون آنگه ملا علی  
 ناید و بجهان پنهان شتابد و جسدش تحت اطباق قرار یابد یا مغفود گردد  
 باید اقمان شایسته را بنجه بر میثاق الله که از سدره تقدیس روئیده اند با حضرات  
 ایادی امر الله علیه هم بهاء الله و جمع یاران و دوستان بالاتفاق به نشر  
 نفحات الله و تبلیغ امر الله و ترویج دین الله بدل و جان قیام نمایند و حقیه  
 آرام گیرند و آنی استراحت نگنند در مالک و دیار نشتر شوند و آواره هر بلاد

و سرشته بر اقلیم کردند و قیقه ای نیاسایند و آنی آسوده نگردند نفسی رحمت  
 بخویند در هر کشوری نغزه یا بجا، الا بجا زتند و در هر شهری شهره آفاق شوند  
 و در هر انجمنی چون شمع برافروزند و در هر محضی نار عشق برافروزند تا در قطب  
 آفاق انوار حق اشراق نماید و در شرق و غرب جم غفیری در ظل کلمه الله آید  
 و نفعات قدس بوزد و در وجه نورانی گردد و قلوب ربانی شود و نفوس رحمانی گردد  
 در این ایام هستم امور هدایت ظل و امم است باید امر تبلیغ را تمام نمود  
 زیرا اس اساس است. این عبد مظلوم شب و روز ترویج و تشویق مشغول گردید  
 و قیقه ای آرام نیافت تا آنکه صیت امر الله آفاق را احاطه نمود و آوازه  
 ملکوت امبی خاور و باختر را بیدار کرد. یاران الهی نیز چنین باید بفرمایند  
 این است شرط و فایده این است مقتضای عبودیت استان بجا «  
 ملاحظه فرمایید که این امر خطیر تقاضای چقدر منیع و رفیع است و شرایطش  
 بجهت نحو صعب و دقیق. اثرش بجهت جدی نافذ و پایدار است و لزوم و احتیاج  
 قطعی و شدید علی الخصوص در این ایام که نسیان و غفلت از حق چهارزاد  
 چنان تاریک و منقلب نموده که شبهه از اعصار ماضیه ندیده. میفرماید  
 «ایوم حقائق متعده ملاً اعلی در حثت علیا آرزوی رجوع بانی عالم میبایند

تا موقوف بخدتی بستان جمال الهی گردند و عبودیت عقیده مقدسه قیام کنند  
 و نیز می فرماید : « بساط تسلیخ در جمیع احوال محدود گردد زیرا آتاید الهی  
 موقوف بر آن اگر نفسی بجان و دل در نهایت همت مکرر بتسلخ امر الله بنهد  
 البته آتاید ملکوت الهی محروم ماند ولی باید که بجهت باشد و حکمت نیست  
 که بمدارای الهی و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال  
 و افعال ربانی تسلیخ نماید نه اینکه بصفت و سکوت پردازد و کجلی فراموش نماید. »  
 و همچنین می فرماید : « تکلیف هر نفسی از اجزای الهی آن است  
 که شب و روز آرام نگیرد و نفسی بر نیارد و خبر بگذر شرفحات الله یعنی بقدر امکان  
 بکوشد که نفسی را شریعه تعهدایت نماید و احیا کند زیرا این اثر از او در عصا  
 و قرون قسلس گردد چه که از نادی اول تا پنج و ترادف و تسلسل در مؤمنین دیگر  
 کند عاقبت یک نفس مقدس سبب احیاء صد هزار نفوس شود ملاحظه فرمائید  
 که چقدر اهمیت دارد که هدایت یک نفس عظیم از سلطنت است زیرا  
 سلطنت ظاهر در ایامی خدیه می شود. نه عمری نه اشی نه سروری نه فرجی و نه بشارتی و نه  
 اشارتی. نه نامی و نه نشانی باقی ماند اما این سلطنت که هدایت نفوس  
 است دست در آغوش و لبر آبدی نماید و انسان بر بالین سرمدی بیاید

لهذا باید محفلهای روحانی در جمیع بلاد فراهم آید و فکرشان این باشد که  
 نفوس هدایت شوند و پس همین باطراف و اکناف محض شرفیات الهیه  
 نفوس ارسال شود که طالبان ربیب الهی بدایت نمایند حتی عبور و مرور نیز  
 مفید است مثلاً بادی که در محلات مختلفه گوشه ای افتاده یارانی که در  
 آنجا هستند از جانی خبری ندارند اگر چنانچه خبری گیرند بالتصادف است  
 حال اگر نفوس عبور و مرور نمایند و اخبار ایشات الهیه دهند و در هر جایک دو  
 شب بمانند اخبار ارض مقدس و سایر بلدان و دیار را از شرق و غرب بدین  
 و بکمال محبت و خوشی و طرب معاشرت کنند این سبب انجذاب و اشتغال شود  
 و نفوس تربیت گردند و بشور و وله آیند همین سبب شرفیات شود و علت  
 اعلاء کلمه الله گردد.

تنظیم و اتساع امر تبلیغ که از مهمات امور است نفس قاطع محول بمجاصل روحانی  
 گشته و در وقت حاضر تشکیل محافل و مدارس تبلیغ از برای جوانان و اطفال  
 اجبا و تعیین و ارسال مبلغین بنقاط لازمه و تهیه و تدارک اسباب مادی و  
 معنوی از برای نفس مبلغین و سه احتیاجات تعلیقین و پیشانیان و صدور  
 تربیات و تعلیمات کافی در کیفیت سفر و عبور و مرور و مدت اقامت در

نقاط مختلفه کل محول باعضای محافل روحانی مدن و قری است تا پس از  
نشورت و مذاکره بانفس مستلغ اعضای محفل قرار قطعی دهند و کل اجابدها  
و جان تصویب و تأیید و اجرای قرارهای محفل خویش نمایند .

و از جمله وظایف مقدمه محفل روحانی محافظه حصن حصین امر الله است  
از منفیدین و ظالمین و معرضین و ناقضین بسبب شیاق الهی بر نفسی که ادنی  
کریه از احدی استشام نماید فوراً بمحفل روحانی خویش در نهایت حکمت و بردباری  
اطلاع دهد و اعضای محفل بنهایت همت و سکون مدافعه و محافظه نمایند آنچه را  
صلاح دانند بارض اقدس مخابره نمایند .

و نیز از وظایف محفل محمد در تألیف قلوب یاران است و دفع علت  
و اثر اختلاف و کدورت و اغیار در جمع اجابدها الله بهر وسیده ای باید هر  
برودت و کدورتی را بر روحانیت و صفات بیل داد سکون و حمودت را بوشتهال  
مبدل کرد .

و نیز از وظایف محفل اعانه و دستگیری ضعیفا و عجزا و فقرا و ایام دارا  
از یار و اغیار است . تأسیس و تنظیم و اداره مدرسه بجهانی است از بنین  
و بنات و تهیه تمام احتیاجات لازمه و ادوات کامله از برای ترویج و تشریح

امر تربیت . مکاتبه و مخابره رسمی مستمری با نقاط امریه در شرق و غرب  
 عالم بهسانی و ترتیب و تبادل بشارات و حوادث امریه و توزیع تقویمش  
 درین اجزاء الله . ترویج امر شرق الاذکار است و تحریر در اشترک بجهت  
 امریه از قبیل خبسم با حق و مجده اطفال خلوت در بلاد امریک و البشارت در  
 اقلیم هندوستان و خورشید خاور در صفحات ترکستان و دو مجله شمس حقیقت  
 و حقیقت در بلاد آلمان و خبسم خاور در مملکت جاپان است و ارسال مقالات  
 شتی در مسائل ادبیه علمیة روحانیة و تفصیل جریان امور امریه در آن نقطه است .  
 تنظیم مجالس و انجمنهای یاران است و ترتیب اعیاد و ضیافت و تشکیل  
 اجتماعات و محاضرات علمیة روحانیة . جمع و طبع و ترجمه الواح مقدسه  
 الهیه و کتب سماویة و مقالات امریه است و انتشار و توزیعش در بین یاران  
 و انا، الرحمن . اقدام تمام این امور از این بعد باید با اطلاع و تصویب  
 اعضای محفل روحانی باشد چه که اوست اساس بیت عدل الهی و مرکز موجود  
 تمام شئون امریه در هر نقطه ای از نقاط در شرق و غرب عالم .  
 و چون تقویت و تقدم سریع و مثبت امور محفل که در مستقبل ایام اهمیت جدی  
 و مرکزی عظیم خواهد یافت معلوم و متوقف بر وجود اسباب ظاهره و وسائل

مادیه و وساطت مالتیه است لذا افراد اجباء، انقدر امانه و مساعدت محض  
 از وظائف مقدسه و جدائی محسوب باید در هر نقطه ای از نقاط امریه که  
 محضی روحانی تأسیس شده فوراً بعد از وصول این نامه صندوق خیریه ای  
 تشکیل گردد و در تحت اداره مطلقه محض روحانی باشد و خبر باطلاع و صوابدید  
 اعضای محض فلسفی از آن صرف نگردد و آنچه را اعضای محض در ترویج امر تبلیغ  
 و تأسیس مدارس و احداث مجامعین و طبع و انتشار کتب و الواح و مجامع و مرسله  
 با اطراف صلاح دانند از آن مبلغ برداشته صرف نمایند. امانه دین  
 بسبب از اقتیاجات ضروریه امرالله است و از امور لازمه اساسیه محسوب  
 بعد از ادای حقوق فی الحقیقه عظم و طیفه شخص بهائی است زیرا آنچه در  
 این بسبب تقدیم گردد و صرف شود رأساً ترویج امراللهی است و تعزیر و تقویت  
 آئین ربانی ولی این وظیفه و طیفه مقدسه است و امری است و جدا  
 و تکلیفی است روحانی احدی مجبور بر آن نه هر نفسی بعد استطاعت  
 خویش امانه ای باین صندوق خیریه نماید و تقدیم محض روحانی کند اجرش  
 عند الله عظیم است چه که باین واسطه ترویج امرالله نموده و اسباب تسلیخ  
 فراهم آورده و امر تربیت را تعمیم و تقویت کرده و دائره خدمات و اقدامات

محفل روحانی را اتساع داده اگر یاران مساعده ای در این سبیل کاملاً متعزراً  
 مستمر نمایند امر الله تقدیم و انتشاری سریع نیاید اسباب میسر گردد و امور  
 متوق و معطل ماند. فیوضات الهیه را اسباب مادیه لازم و تأییدات غیبیه را  
 وسائط و وسائلی فعاله شرط و واجب. از اعضای محفل و غیره باید تکمال  
 همت باین امر اقدام نمایند و فوراً تأسیس این صندوق خیریه نموده بجهت  
 محفل روحانی گذارند و آنچه را تقدیم نمایند باسم ترویج امر الله باشد و تسکیم  
 این صندوق محفل روحانی گردد هر نفسی بقدر استطاعت و اقدار خویش این  
 اعانه مالی را محفل نماید شبهه ای نیست نصرت امر الله نموده و دستگیری از ضحفا  
 کرده و تبلیغ امر و ارتفاع کلمه الله نموده تأیید الهی شامل حالش گردد و بواب  
 برکات بر وجهش مفتوح شود. یاران باید اعضای محفل خویش را در  
 تمام امور نمایندگان خویش دانش و انسانی الهی محسوب نمایند هر کس را  
 محفل صادر نماید بدل و جان اجرا نمایند در تالیف قلوب و رفع اختلاف  
 و تبدیل برودت و خمودت را با بجزاب و اشتعال اعضای محفل را مساعد  
 تام و معاونت قلبی نمایند. باید محافل روحانی را بر و سیده ای مادی  
 و معنوی تقویت نمود و اهمیت کلیه داد چه که این محافل روحانی ایوم



اس اساس است و محور و مرکز و صیای مقدسه مبارکه . تشکیل و ترتیب این  
 محافل در هر بلده و قریه ای و همچنین تائیس محافل مرکزی در اقالیم عالم از  
 مقدمات در اجرای وصایای حضرت عبدالبهاس است تا محافل خصوصی  
 و مرکزی مطلقاً مرتباً قانوناً تشکیل نگردد و در آن نشود تائیس بیت عدل عظم  
 که مرجع کل امور و نبض قاطع الهی مؤسس قوانین و احکام غیر منصوصه در کتاب  
 است ممکن نه چه که انتخابش نبض صریح و صیای مقدسه باید بواسطه بیت  
 عدلهای خصوصی گردد . چنانچه می فرماید : « یعنی در حسیح بلاد  
 بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بویت عدل بیت عمومی انتخاب نماید »  
 لهذا احبای الهی و اماء الرحمن هر قدر اساس این محافل را محکم نمایند و  
 اسباب پیشرفت و تقدش را بهتر فراهم آرند و صیای مقدسه سرعتر  
 اجرا شود و نوایای مبارکه زودتر و کاملتر تحقق یابد و جلوه نماید .  
 از قبل اشاره شد که در بلاد شرق در هر بلده و قریه ای که عده مؤمنین از  
 رجال ارسن بیت و یک و مافوق آن از نه (۹) تجاوز نموده محفلی روحانی  
 در نهایت روحانیت و صفادگمت و منانت تائیس گردد و حضرات  
 اماء الرحمن چون امر حجاب در این ایام محمول به وجاری است فتنجند

نه منتخب و تمام محافل و انجمنهای یاران از اجباء، ائمه و امام، الرحمن آنچه  
تائیس و تکشیل میگردد کل باید در ظل محفل روحانی آن نقطه باشد نفس محفل  
روحانی که حضرات امام، الرحمن در انتخاب اعضایش حق تصویب یعنی  
ابدای رأی دارند چنانچه مرکز امور امریه یاران از جهان و نساء است تقدیرش  
در یک نقطه ای از نقاط لازم و جازبه و چون واضح و مؤسس قوانین و احکام  
غیر منصوصه در کتاب الهی یعنی بیت عدل عمومی که نفس الهی باید وسیع باد  
بقاعده انتخاب مصطلحه در بلاد غرب تکشیل و انتخاب نمایند تائیس گردد ترتیبی  
جدید و قانونی محکم دین و مشروعاتی کامل تشریح نماید و تائیس کند و تمام  
انجمنهای یاران چه خصوصی و چه عمومی چه داخلی و چه مرکزی کل در ظل آن  
و مقبلس از آن و مؤسس برآند. حال عبادت تا این بیت عدل عمومی تکشیل  
گشته محافل روحانی یاران در شرق و غرب عالم باید من دون استثناء هر  
سالی در اول عید سعید ضحوان تجدید شود و انتخابات در آن یوم مبارک باید  
نهایت مسانت و روحانیت شروع شود و اجرا گردد و اگر ممکن همان یوم  
نتیجه انتخابات معلوم و اعلان شود و اصول انتخاب از این قرار است:

چون یوم انتخاب رسد باید جمیع یاران متحداً متفقاً متوجهاً ایبه منقطعاً عن

دونه طالباً هدایتیه مستعیناً من فضله بدل و جان اقدام با انتخاب نمایند  
 و انتخاب اعضای محفل روحانی خویش را از وظایف مقدسه عمده و جدیه  
 خود شمرند ابداً اهل در این امر نمانند و کنار نگیرند و دوری بخوبی  
 منتخبین و منتخبین هیچ وجه دم از استغفار نزنند بلکه در نهایت افتخار و جدیت و  
 وسرور ابدای رای نمایند و عضویت محفل را قبول نمایند ولی اگر فی الحقیقه  
 عذری شرعی موجود و هیچ وجه ممکن نه آنوقت ناچار اقدام نمایند و از امان  
 نفوسی که اطلاع کافی بر امور امریه نداشته باشند مجبور و مکلف بر ابدای  
 رای نیستند در صورت اطلاع اقدام باین امر محبوب و لازم و آلافا  
 و یاران آن نفوس را که خالصاً لوجه الله مستعد و قابل عضویت محفل روحانی  
 دانند بر ورقه علیحه اسماء نه نفر از یاران را من دون امضاء بگذارند و مکتوم  
 دارند و تسلیم محفل روحانی حالیه نمایند تا این اوراق جمع گردد و آن نه نفری  
 که بیش از همه دارای اصوات اسماء آنان اعلان شود و این نفوس اعضای  
 محفل روحانی گردند . و اگر چنانچه در نقطه ای از نقاط امور امریه اتساع  
 یافته و وظایفی را که در طی این نامه قبلاً درج شده یعنی امر تبلیغ و محافظه امریه  
 و جهد در تالیف قلوب و معاونت محتاجین و تکمیل مدارس و ترتیب محافل

و مجالس یاران و مخابره با اطراف و ترویج امر شرق الاذکار و تأسیس محلات  
 امریه و طبع و نشر و ترجمه الواح و نشرات امریه و ماشا کلهما محفل روحانی هر یک  
 محفل مجتهدی مخصوص نماید و آن مجتهد را خود انتخاب کند و عده اعضای هر  
 مجتهدی را هر قدر محفل صلاح داند خود تعیین نماید و اعضای مجتهد را از بین تمام  
 اجباد آن نقطه چه در داخل محفل چه خارج از آن انتخاب نماید و تمام مجتهد  
 هر یک افکار را در امر خود حصر نموده بوظیفه خود مشغول گردد و تمام مجتهدان در محفل  
 روحانی و مطیع آن و کیفیت انتخاب و امتداد هر مجتهدی بعهده اعضای  
 محفل روحانی ولی چون محافل روحانی تجدید شود تمام مجتهدان منحل گردد و محفل  
 جدید مجتهدانی مجدداً انتخاب نماید.

و اما تکلیف محفل مرکزی در هر قلمی که نماینده تمام یاران و محافل روحانی آن  
 اقلیم است تیز از تمهیدات لازمه در اجرای وصایای مبارک حضرت عبدالهبا  
 محسوب. در بلاد غرب نظیر ایالات متحده امریک و مملکت انگلیس و ایلم  
 آلمان اجباء الله تاحدی موفق بر تکلیف محفل مرکزی شده اند علی الخصوص  
 در قاره امریک در ایام مبارک حضرت عبدالهبا، اساس محفل مرکزی نهاده  
 که در شئون روحانیه امریه یاران امریک علی العموم مذکره و مشاوره مینمایند

و محافل روحانیه تمام نقاط امریه ایالات متحده را بیکدیگر مرتبط و متفق میگردانند  
 ولی تائیس و تیش در این ایام در صفحات شرق منوط و متوقف بر وجود اسباب و  
 مراعات حکمت و مقتضیات زمان و مکان است. در تسلیم مبارک ایران  
 اقدام باین امر عظیم مرتباً مکتوب القانون در این ایام حاضر و صعب و مشکل  
 و از وجبات احوال چنان معلوم میگردد که مخالف حکمت و منافی راحت و  
 وآسایش و امنیت ایران است. در هر حال چون عده یاران در آن قلم  
 مجلس از حد و احصا خارج و روز بروز در تزايد است ترتیبی مخصوص و قانونی  
 مناسب حال آن تسلیم که اساساً مطابق ترتیب عمومی ولی در تصرفات  
 مختلف است لازم و واجب. انشاء الله جداگانه و مستقیماً دستور العملی  
 راجع بکیفیت انتخاب محفل مرکزی بیارن آن سامان ارسال خواهد شد و اگر  
 چنانچه تئیس محفل مرکزی در آن تسلیم در عهده تأخیر افتاد باید محفل روحانی خصوصاً  
 مدینه منوره طهران و اعلی العجالة محفل مرکزی اقلیم ایران دانسته شوند عمومی؛  
 امریه که متعلق تقطعه ایران است بان محفل محمول نموده آن محفل را نماینده یعنی  
 خادم سایر محافل روحانیه در آن تسلیم دانست.

و اگر چنانچه در اقلیم دیگر در صفحات شرق از جمله قلم هندوستان و قفقازیا

در گزینان و اقلیم مصر و بین النهرین حکمت اقتضا نماید و اسباب و وسائل  
 فراهم آید و وهنی و ضرری بسبب امر الله وارد نگردد و فتور و تاخیری در جریان  
 امور امریه حاصل نشود خوب است که یاران و اماء الرحمن بالاتفاق بنهایت  
 همت بگشایش محفل مرکزی خویش اقدام نمایند. و ترتیب انتخاب محفل  
 مرکزی که اصولش در الواح حضرت عبدالبها و وصایای مبارکه و اضحیٰ منعمین  
 از این تسرار: باید سالی یک دفعه در هر اقلیمی علیحدّه و کلهانی انتخاب شود  
 و این و کلار افراد اجتناب از محافل روحانی انتخاب نمایند و این و کلار از  
 باین اجزاء الله در تمام آن اقلیم نه نفر انتخاب نمایند این نه نفر اعضای  
 محفل مرکزی آن اقلیمند یعنی اعضای محفل مرکزی منتخب نمیباشند و حضرات  
 اماء الرحمن مانند محافل خصوصی نمیباشند نه منتخب و چون حجاب مانع است  
 فقط و کلار انتخاب نمایند و این و کلار که در شرق مختص بر حال است یا  
 آنکه در نقطه ای جمع شده و یا بواسطه مکاتبه و مراسله نه نفر که اعضای محفل  
 مرکزی هستند انتخاب نمایند. اگر چنانچه و کلار در نقطه ای جمع شوند و در  
 امور امریه مذکوره مشورت نمایند احسن و انسب است ولی این شرط اقتضا  
 زمان و مکان است و مشروط بوجود اسباب و وسائل اگر حال ممکن نشود

انشاء الله مستقبل ایم با حسنها واقصها میر شود و ممکن گردد .

و اما تعیین عدد و کلا در اقلیمی که عده یاران تا بحال از دیادگی نیافته مانند  
 مصر و عراق انتخاب ندهد عدد کلا کافی است و هر نقطه ای از نقاط امریه قسمی از  
 این نوزده بحسب تعداد اجباد در آن نقطه انتخاب نماید و در اقلیم دیگر مانند  
 هندوستان و قفقاز یا و ترکستان چون عده یاران بیشتر است نود و پنج عدد  
 از کلا انتخاب نمایند و این نود و پنج نفوس منتخبه از بین تمام یاران آن اقلیم  
 نه نفر انتخاب نمایند و آن نه نفر اعضای محفل مرکزی هستند . انشاء الله جو  
 و تأیید بهر یک از آن اقلیم چون احوال و اخبار آن دیار کاملاً با نظر قضایای تعزات  
 این ترتیب مستقیماً علیحدّه بهر یک از آن اقلیم ارسال خواهد شد و این محفل  
 مرکزی مانند محافل خصوصی باید بهمان ترتیب مجتبه های مخصوص انتخاب نماید و بهر  
 یک وظیفه ای معین محول نماید و وظایفش کل عمومی و راجع مصلحت یاران در  
 تمام آن اقلیم است نه محصور با امور مخصوصه نقطه ای از نقاط امریه و تمام محفل  
 خصوصی در هر اقلیمی در ظل محفل مرکزی خویش مطیع و منقاد اجراءات آن  
 بهر امر قهقی که راجع مصلحت عمومی یاران در آن اقلیم است و نفوس معوم بهائیان  
 در آن اقلیم راجع باید در تحت اداره محفل مرکزی باشد و مجتبه ای از مجتبه های این

محفل مرکزی محول شود تا در نهایت اتقان اجرا گردد و سبب عزت و پیشرفت امر شده شود  
 و چون عده یاران در مدینه طهران بجون و عنایت و برکت الهیه تزیاید عظیمی یافته  
 اگر چنانچه محفل روحانی حالتیه آن مدینه صلاح داند کیفیت انتخاب محفل خصوصی آن  
 مدینه را مشابه و مطابق کیفیت انتخاب محفل مرکزی نماید معنی اعضای محفل خصوصی  
 طهران را سائ انتخاب نشوند بلکه اجابا اول و کلائی انتخاب نمایند و این و کلا این  
 تمام اجابا در مدینه طهران ز نفر انتخاب کنند این ز نفر اعضای محفل روحانی  
 خصوصی طهرانند اگر چنان شود بهتر و مستقیم تر است و این نظر کثرت عده اجابا  
 در آن مدینه است و الا در سایر نقاط امریه اعضای محفل روحانی خصوصی را سائ  
 انتخاب شوند ولی محفل مرکزی بر اقلیمی نفس مبارک منتخب نمائین است .  
 باری این اقدامات و تالیفات هر چند از تمهیدات فصح و مشروعات لازمه  
 این ایام محسوب ولی ز هزار رخسار بدین واسطه امر مهم تبلیغ ترویج گردد  
 و در ترویج کلمه الله و بشارت تعالیم الله تعالی و فتوح حاصل شود . یوم یوم ترویج است  
 و هنگام هنگام نصرت و تبلیغ . این خطاب روح دهنده حضرت عبدالنبا  
 بیاد آید : « ای بندگان آستان مقدس جنودنا اعلی در اوج علاصف  
 بسته و جیبا و مستطر و مترصد مرد میدان و فارس عسره فان که بعض جولان



نصرت نمایند و نمایند کنند و قوت انظر کردند پس خوشحال فارسی که اسب  
 جولان دهد و طوبی از برای دلیری که تقوت عرفان در میدان بران مبارز  
 وصف چهل مدبر و سپاه فضالت شکست دهد و علم هدی بلند کند و کوس  
 غلبه بنواز و تامله بحق آنه لغی فوز عظیم و طهر بسین و آن بذا هو افضل البیت  
 و ابھسای علیکم یا اجباء اللہ العظیم « نفس این نداد در این او ان با دم  
 از عالم بالا از حضرت عبدالبهاء بگوش سپاهیانش در ملک ادنی و اصل  
 درنگ و غیر ممکن نه و تامل جایز نیست میدان وسیع است و اسباب همیا  
 یقین است که موفق خواهیم شد

۲۷ شباط ۱۹۲۳، ۱۱ رجب ۱۳۴۱

بنده استانش شوقی

٢٠- بوسيد حضرت الأعضاء لمحض الروحاني وسائر الأجزاء خضعتم الله وايد هم

هو الله

روحي وذااتي لكم العزاء ايها المقربون من نار محبة الله اني اخذت بايا  
الفرح والابتهاج بتقديكم عشرة المتصوفة منها راحة الحب والوفاء لله  
على قيامكم نشر نعمات الله في تلك الأجزاء ان اطقه بخلوصكم واستقامتكم  
البحرين وتعاونكم وتعاقدكم على تشييد الأركان الأمر في ارض وطنها الله  
سيدنا ومولانا حضرة عبد البهاء روعي لأجابه المخلصين وارقائه الثابتين فداء  
فاهتم روعي وقرعيني فرحاً بباطل الصناد ملاحظه اسماء امساء الله الذين نجحتم  
الله بخدمه اجابه وصيانه امره وبث تعاليمه في تلك الامم.

فبشرى لكم بما تشتم عبرة الاتحاد والاتفاق ووضعتم اساساً رزينا مستينا  
لبنيان الامر الا وهو تأسيس المحض الروحاني بكل روح وريحان ونشاط وطمئنان  
تمسكين بحبل المشورة في كل الاحيان.

وانى من هذه البقعة البيضاء والروضة النوراء اهنئكم واهيئكم واهيئكم  
في جواركم وسعيكم الموفور وادعيتكم الخالصة للرب الغفور راجيا بكل قلبي التوفيق  
والتي ايد من الرب المجد حتى يشهر عبور الايام صيت الحق وتحقق آية الميثاق

وتحقق

وتحقق الوجود المنصوصه والبيانات المرزله من العلم الاعلى وتصبح تلك  
 المدينة نبراس الهداية لذلك الاقليم القديم ومركز الانوار في تلك الدنيا  
 فيسوانا نحن المستطيلين في ظله والرافعين للواءه في هذا القرن العظيم .  
 نسعى اولاً للتخلق باخلاقه الرحمانية والتسلوك على منبهه القويم والقيام بالاعمال  
 الطيبة الطاهرة والانقطاع عما سواه لتمهيد السبل لهدايه عباد الله وبتب  
 بساط التبليغ بكل حكمة واهتمام وانى اجعل والتضرع في هذا الجوار الى الرب  
 المختار بان شئكم بفضله وبركته ويؤيدكم وييسر لكم مبدء واحسانه ليزداد عددكم  
 ويتسع دائرتكم ويتقوى بنسبائكم وتكثر معلوماكم وتتعدو مجامعكم ومما فلتم تحقق  
 ما ربكم ومقاصدكم ويرتفع بنيان مشرق الازكار في قلب تلك المدينة  
 حينئذ تنفتح ظلمات الجهل والتقليد تشتت غيوم التعصب والعنفه ويروح  
 نور البصائر وتضي بدر الميثاق في سماء القلوب بكل سطوع واشراق  
 يومئذ يفرح المؤمنون

١٠ ايار سنة ١٩٢٣ شوقي

بواسطه جناب محبت السلطان نشی محفل اعضاء محترمه محفل مقدس روحانی

مدینه طهران روحیفدا هم ملاحظه نمایند

بواسطه اعضاء محترمه محفل مقدس روحانی مدینه طهرمان روحی فدایم

اجبای الهی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران روحیفدا هم ملاحظه نمایند

هو الالبھی

فدیکلم بروحی و راحی یا احببنا الله مدتی است که این عبدنا توان

از شرکت با آن یاران در عبودیت آستان مقدس ممنوع و محروم بوده از

ارض مقصود دور و محجور و از ادای فریضه اولیه و انجام وظیفه مقدسه خویش عاجز

و قاصر. هر چند علی الظاهر در این مدت محابره مقطوع بود و مکاتبه و مرسله

مستمری با آن عزیزان متوق و معطل ولی تعلق در روان در هر پیل و بفسار

بلکه در هر دقیقه و آنی این عبدستمند باین ارض مقدس ناظر و متوجه و بملکوت

ابھی تشب و متضرع و بذکران متذکر و در آینده امر الله و شوون روحانیه و انجام

خدمات کلیه در مستقبل ایام تدبیر و تفکر. ایام و اوقات گهی براجت سکون

میگذشت و گهی بمطالعہ مندرجات و محتویات مکاتیب فرخ انگیز و اصله از

ارض مقصود که کل مشربصحت و سلامتی و خدمت و جان نشاری نمایان

امرائی بود ولی در اکثر ایام ساعات و دقائق این غربت و هجران تمعن و  
 و تفکر در گزارشات زمان و حوادث مؤلمه و شوون حالیه عالم و تدقیق و تنقیح  
 در حالات و مشارب و مقاصد نفوس میگذشت . فی الحقیقه عالم شبر ایوم  
 در قطعات خسته ارض چنان بسای ناگهانی مغدب که شبه آن دیده عالم  
 ندیده و بر صفحه روزگار نگاشته گشته دول و علل و قبائل چه قوی و چه ضعیف  
 چه تمدن و چه غیر تمدن چه قدیم و چه جدید چه منصور و چه مغلوب چه عالم و چه  
 محکوم چه سفید و چه سیاه چه متدین و چه غافل کل از هر جنس و رتبه و دیاری  
 مورد قهر و سخط الهی و کل بسایای گوناگون گرفتار . در بیل هلاک سالکند و از  
 صراط نجات غافل . اخیراً مصداق « قداذت الزلازل کل المجبات »  
 عیناً و اضماً مشهوداً ظاهر گشته و در نقاط و مراکز متفرقه در تمام ارض علی  
 الخصوص در عاصمه و بلاد محمدیه متقدمترین بلاد در اقصی ممالک شرق چنان  
 شقاوتی ظاهر نموده و علت خسارت و زیان و قعاست و و بالی گشته که  
 اسباب دہشت و جرع و فرغ اقالیم مجاوره بکله تمام عالم شده . دول  
 قاهره متقدمه عالم بعضی رو تشبثت و تجزئی و اضمحلال و برخی در کمال غرور  
 مشغول تہیہ اسباب و لوازم انتقام و اكمال آلات و ادوات قتالند .

تجارت و صناعت در کل اقالیم متوقف و فقر و احتیاج و عطل و امراض بآفتاب  
 و اکلهما و چهار اعزّه نفوس هزاران از بندگان بگیا گشته . ناره فتنه و  
 فساد و ضغینه و بغض در قلوب و صدور دول و افراد مشتعل و شعله جهانورش  
 یومانیوما در آرزیداد . اکتشافات و اختراعات حدیثه کمل بسبب این روح  
 فاسد که در جسم امکان نباض است مدد مساعد و غیر رؤسا و جنگویان عالم و  
 مخربین میان عالم انسانی گشته حکومات در دام مکائد و رسا سستیقه بیدگر  
 گرفتار و رؤسا و ویای امور پیش از پیش در بدم بنیان تمدن سعی و جاهد  
 قوله تبارک و تعالی : « نیز عدل مستور و آفتاب انصاف خلف سحاب »  
 عزت و شوکت دین در انظار افراد و دول که از قبل معروف و مشهورتین و بخت بودند  
 ایوم سقوط و مبهوطی عجیب یافته و مورد لطافت شدید گشته . عالم طبیعت  
 باشد قوی ایوم بر خلق بیچاره ستولی . غفلت از حق و خود پرستی ، حرص  
 و طمع ، بوی و هوس ، جور و جفا ، تقلید و تصنع و حریت مغرطه در کمال شدت  
 در نفوس از وضع و شریف استحکام یافته و غالب و حاکم شده . عالم کون  
 تشنه و حیران ، نفوس کور و خسته و پریشان ، سرگردان و هراسان در آشوب  
 و انقباضی عظیم افتاده و بجزابی الیم معدتب . در این قرن اتم و دور اعظم

دست فعالیت و دید مساعدهت بر لرزیدگان جمال قدم و فدایان اسم  
 اعظم روحی لرزه لاله فردا لازم و واجب تا بدیج این ماهی تشنه لب بسجلیت  
 رسد و در دریای فیض و سعادت و صلح و سلام الی الابد غوص و خوض نماید  
 حال در این همه عظمی صوت حقیقت الهی که از خجرا این جزب مظلوم ایوم متعاضد  
 و قوی گوشزد جهان و جبهه ایان گردد که بجسایان عالم طرا در شروق و غروب  
 متحد استغفا قدم را ثابت نمایند و بجدیت و اهتمام و حرارت و انقطاع قدم  
 و ناسی بان مولای وحید حضرت عبدالمجسب انموده در سبیل تسلیح مداومت  
 کنند و استقامت نمایند حقائق بدیعه امر الله را کمالا تحصیل نموده با بدیع  
 بیان بسط و شرح دهند و تسلیح نمایند و در نهایت تجرد و صطبار و سکون منتظر  
 و مترصد نزول ملائکه نمایند از مساحت کبریا گردند چه که عود الهیه عظیم است  
 و صریح . بنده استانش شوقی

۱۴ نوامبر ۱۹۲۳

بواسطه غشی محفل روحانی جناب محب السلطان حضرات اعضای محترمه

محفل روحانی مدینه طهران آید هم الله ما خطه نمایند  
 روحی لکم الفداء یا امانا، الله واصفیاء الحمد لله که با اثر یایدات متوجه  
 از ملکوت ابھی با وجود تعدد مشکلات و انقطاع مواصلاات و آشوب و  
 انقلاب داخله آن استلیم و بیات و مشقات گوناگون که بر آن برگزیدگان  
 مظلوم در این سنین خیره از جمیع جهات وارد گشته خدا الله در تمام صنعت  
 آن کشور مقدس در نهایت زرانت و مناسبت در ظل ظلیل علم حیا و معاشرت  
 برگزیده نفاق و شقاق غموده بفتح مدائن قلوب و تبلیغ امر رب المجتود و همجال  
 اعدا ناقضان و ناگهان عنودیسا و نهارا مشغول بوده اند با ساء و ضراء  
 یاران ستمیده آن کشور مقدس از جانفشان و ثبوت ممنوع نمود و از هجوم  
 امتحانات الهیه ادنی فتور و خلی در شور و حرارت و اقدام و همت آن جسیان  
 حاصل نگشته این نیست مگر از قوه طنونه قاهره امر الهی که پس از صعود  
 حضرت عبدالبهار فریق اعلی چون شمس بر عالمیان ظاهر و بیدار گشته  
 علی مخصوص نمایندگان یاران و خادمان حقیقی امر حضرت رحمن حضرات  
 اعضا، محترمه محفل مقدس روحانی طهران که فی الحقیقه بو طائف خود کما



یعنی و یطیق قیام نموده بشدید رو ابطرو حایه بین محافل و افراد و حفظ  
 امر الله و تسلخ دین الله بجان دل پرداخته اند . ای دلم الله و ایانا علی اللہ  
 علی هذا المنهج التوفیق .

در این مدت مکاتیب متعدده که حاوی بشارات و مطالب مهمه در اپورتهها  
 قنوعه از لغات مختلفه و اصل شسته هر یک را این عبد ذلیل بدقت مطالعه نمود  
 بعد از تمعن و تدقیق تام بر محتویات و مندرجاتش اطلاع کامل حاصل کرد .  
 امید و طیدم چنان است که من بعد از روزه متحد المال مدینه منوره طهران که محور و مرکز  
 خدمات امریه ایران است یوما فیوما اتساع یابد و اخبار و بشارات فرخ انبیرش  
 بشیر گردد تا امرات حقیقی اقدامات و خدمات یاران ایران شود . روح حیات  
 و شوق تبلیغ در نفوس و ارواح بهسایان در شرق و غرب عالم بدمد و از  
 اسباب و وسائل فعاله ترویج امر الله محسوب گردد .

اوضاع عالیه مملکتی ایران چنان است که امتزاج و مخالطه و طرفداری از حزب  
 و سیاسیون آن قلم مضر و عاقبت منجر بشکلات و صدمات کلیه از برای  
 امر الله شود . ترقی و عمران و نجات و استخلاص آن اقلیم منوط و مشروط به تعمیم  
 و اجرای تعالیم استسیه امر الله است که محسن اخلاق و مروج تربیت و مربی

نفوس است نه اتخاذ وسائل مادیه سیاسیه و تمهیدات و اجراءات غیر متینه و مقتضایه  
 و انشاء احکام و قوانین نظمیه . بایران را چه مدخلیتی در این امور مشوشه و اسباب  
 خارجه . ولی باید ملاحظه نمود در نهایت همت کوشید تا زمامداران و اولیای امور  
 گذری حاصل نمایند و گمان نکنند که بهسایان تعلق بوطن خویش ندارند تا اسباب  
 فساد و فخلعه و آشوب فراهم نگردد . باید در نهایت حکمت و ملاحظه و بردباری  
 و روح و ریسمان و محبت خالصه حقیقی با نفوس مداران نمود و کل را از وضع و  
 شریف بباد اولیه حقیقی بهسایان اطلاع داد و آن خدمت بنوع شبر و تربیت  
 عالم انسانی و ترقی مادی و معنوی ایران و تعمیر ایران است .  
 نظامنامه محفل روحانی تبامه ملاحظه گردید و از دقت و مهمم عالیله اعضای محترم  
 ممنون و مشوق و مطمئن گشتم و آنچه را بنده مخلص حضرت عبدالبهاء جناب  
 آقا میرزا عزیز الله خان بهسار در باره امضای غشی از قول این فانی نگاشته اند  
 صحیح و مطابق واقع لابد محافل روحانی در تمام نقاط اقدما بمحفل مرکزی خواهند  
 نمود و تمام مراسلات و محابرات را با اسم غشی محفل صادر و ارسال خواهند داشت .  
 بجنه های متعدد که تاسیس شده یعنی محفل اصلاح و شرکت خیریه و محفل  
 نورانی مبلغین و محفل تهذیب و بجنه مدارس و محفل نشر نغمات و محفل تعدیس

و محفل خادمین در بر اخلاق و کمسیون فقراء و محفل ارتباط شرق و غرب و محفل  
 اقتصاد و محفل خدمت و محفل مرتب و شرکت نونهالان و محفل توفیق و کمسیون  
 مشرق الاذکار و مسافر خانه و محفل درس تبلیغ و محفل جاوید مستبغات و محفل  
 ترقی نسوان و محفل مرتب اما، الرحمن و کمسیون گلستان جاوید کل سعادت  
 تام انشاء الله بر وظیفه مقدسه خود قائم و در معادنت و مساعدت محفل مرکزی اقلیم  
 ایران سعی و جاهد. اساس مستین امر الله را نهاده اند و در ترتیب و تنظیم امور  
 امریه و تشدید روابط اتحاد و اتفاق و دستیگیری ضعفها و فقرا و ترویج امر تبلیغ  
 بجان و دل نیا و محض آرامی کوشند. امید و دعای این عهد مستمند این  
 جوار سه نعبه مبارکه علیا آن است که این بجنه های مرتبه متعدده بالاتفاق با  
 بجنه های محافل روحانیه سایر نقاط امریه در تمام ایران چنان اساس مشورت  
 حقیقی مجامع شور را در شرق مستحکم نمایند و بجهت محافل روحانی ممالک غرب  
 چنان تعاون و تعاضد قیام نمایند که تمهیدات لازمه سریعاً کاملاً اجرا گردد  
 تا انشاء الله عبور آیام بر این اساس مستین بنیان بیوت عدل الهی و قصر  
 شید بیت العدل عمومی بر حسب دستور و وصایای مبارک تائیس گردد و  
 مرتفع شود و وحدت امر الله و نصرت دین الله در این مهیت مجلله کاشمش

جسوه گز شود .

راجع بشایل مقدس مبارک جمال ابھی روحی لرسه الاطهر فداء احب  
 واولی آنکه بر نفسی دارای حسین عکس مبارکی باشد بواسطه محض روحانی مرکزی  
 طهران آنرا عجاظه بارض اقدس ارسال دارد تا تکلیف معلوم گردد و اگر چنانچه نزد  
 خود حفظ نماید باید بسبب وجه من الوجوه از روی آن برداشته نسخه اصلیه را  
 ضبط نماید و مکتوم دارند ولی ارسالش بملاحظه و دقت تام بارض مقصود  
 احسن و اولی .

در خصوص جناب این اصدق علیه کسب، الله الا بھی مرقوم نموده بودید  
 از صعود ورقه مؤمنه <sup>مقتضی</sup> ماثبه ضیاء الحاجیه بی نهایت مفوم و تاثیر ششم و کل  
 در این جوار از استان کبریا، علو درجات و فضل و رحمت سابقه الیه را برای  
 آن متصاعده الی الله طالب و متمسک . منتسبین و تعلقین آن مؤمنه بالله  
 بتجیات ابدع ابھی ذاکر و کبرتم و از برای هر یک صبر و شکیبائی از استان  
 الهی آمل و طالب . نظر بصعود آن ورقه مبهله بمحض روحانی مدینه شیراز  
 اشاره شد که جناب این اصدق محض ترتیب و رسیدگی با مورات خویش  
 و ملاقات عامله و منتسبین موقتاً هارم طهران گردند تا دستور العملی جدید از اراض

اقدس ارسال گردد و لابد اعضای محترمه محفل روحانی در مدت توقفشان در  
 طران در نهایت موافقت و حکمت و اعتدال حصن امرالله را حفظ خواهند  
 نمود و در دفع اختلاف و رفع هر گفتگونی بدل و جان خواهند کوشید بسیار  
 مخصوص شخص مذکور در نهایت تأکید ارسال خواهد شد.

در باره تعلقات و امور بنده جانفشان امین الهی شبهه ای نیست که اعضای  
 محفل روحانی طران نهایت سعی و جهد را مبذول خواهند داشت که آنچه را  
 میل و خواهش آن بنده مقرب در گاه کبریاست سریعاً کاملاً اجرا شود و تحقق  
 یابد و علت سرور و طمینان و فرح و انبساط آن محبوب القلوب احباب  
 گردد. آنچه را از محفل روحانی بطلبند لابد حضرات اعضا جمیعاً در انجام آن  
 بقلب و روان خواهند کوشید چه که این شخص جلیل مقصدی جز خدمت  
 امرالله و ترویج کلمه الله و صیانت دین الله و خیر و موفقیت یاران و دوستان  
 نداشته و ندارد.

و چون این ایام تسهیلات مسافرت بشرق یعنی صفحات بین انهرین و ایران  
 فراهم گشته و اسباب سهولت و سرعت سفر عیر شده شبهه ای نیست  
 که از مشایخ نفوس زوآر و بزرگان غرب قصد اندیاز نمایند و ابواب مراد

و معاشرت و تبادل آراء و افکار روز بروز بر وجه نفوس بهتر مفتوح خواهد شد  
 لهذا بروستان و پیروان حضرت عبدالبهاء علی الخصوص امنای الهی اعضا  
 محافل روحانی لازم و واجب که همت کلیه مبذول دارند تا این نفوس  
 عاقله قابله مدركه مستعد که در مستقبل محض زیارت آن صفحات بآن یا  
 آیند گل من دون استثناء از روش و سلوک و اقدامات و خدمات و پذیرایی  
 و همان نواری بهائیان مشوق و ممنون و خرسند گردند و لبان طلیق قلبی  
 مملو از محبت و ممنونیت و اعتقادی راسخ در قوه و نفوذ کلمه الله از آن صفحات  
 بدیار خود مراجعت نمایند و زبان بلذخ و شاکشایند و باین واسطه هر یک منادی  
 و مبلغ امر الهی در بلاد غرب گردند. باید وقت را غنیمت شمرد تا نفوس بهوشمند  
 پر استعداد که در آن بلاد مقیم و ساکنند و یا آنکه مرد در بان شطر نمایند از اعمال و اقوال  
 و رفتار و کردار در دوستان جمال قدم روح امر الهی را در این عصر تاریک  
 ظلمانی بنیابند و از خدمت و جانفشانی و یگانگی و اشتی با جمیع ملل و دلی  
 که از شیم بهائیان است چنان سرمست گردند که خود اسباب عزت  
 و افتخار و ترقی و نصرت امر الله را در ممالک خویش فراهم آرند.

این از لوازم این یوم عظیم و عصر جدید است.

بمؤاره منتظر و مترصد مکاتیب و بشارات یاران عزیزمستم.

۳. نوامبر سنه ۱۹۲۳ - ۲. ربیع الثانی سنه ۱۳۴۲

بنده استانش شوقی

بر اسطه جناب محب السلطان شمسی محفل اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مدینه

طهران آید هم الله بشدید القوی ملاحظه نمایند

روحی کلم الفداء یا اولیاء الله وامنائه فی بلاوه نامه محفل مقدس روحانی

نمره ۱۰۷۵ بارض اقدس واصل و با اوراق رسوله با مهابدت مطالعه فرماید

و بر مندرجاتش استحصار کامل حاصل شد. فی الحقیقه آن یاران عزیز حصین

بتمام قوی شب و روز محافظه مینمایند و در ترویج تعلیم شریعه الله در کل احیان ساعی

و جاهد. در اراضی قلوب تخم افشانی مشغول و در نصیحت مسانت و زرات

و اطمینان مترصد و منتظر ظهور آثار نصرت امر الهی.

شب و روز بدعا و مناجات مشغولم که یاران فساد اجبای کاشان و دودستان

پر شور و همت بیدان از شر مفسدین و فساد معرضین و تعدی ظالمین و شرارت

مغلیین محفوظ و مصون مانند و اگر چنانچه تعدیرات الهیه مره آخری حکم بزجر

و ابتلای ضرب الله خود با استقامت و صبر و شکیبائی تحمل هر بلایی نمایند

و مصیبات متواتره حضرت عبدالبهار بنظر آورده تا دقیقه اخیره حیات چون

جبل راسخ مقاومت عمو صاف زمان نمایند و از شوون امکان طول و فسرده

نگرند. از اقدام و جانفشانی و همم عالییه یاران رحمان طهران بینهایت مرور



و ممنون گشتم. شبهه ای نیست که این مبلغ مساعدتی کامل و صدیقی شایان  
 بیاران ستمدیده آلمان نماید. مخصوص این فقره در متحد المال محفل مقدس رو کا  
 حیفا که تمام صفحات غرب ارسال میگردد ذکر شده و اعلان گشته تا کمال بداند  
 که امر مبارک با وجود تنافر و اختلاف شارب، شرق و غرب را بچه صدی تربط  
 و متحد نموده بلکه جانفشان یکدیگر کرده. از خداوند عالمیان برکت و احسان از  
 برای آن یاران جانفشان مردم طالب و متمسم. این مبلغ را سائر محفل  
 مرکزی تسلیم آلمان ارسال گشت تا در سداستیا جات اجاب و معاونت و مساعدت  
 فقرا صرف گردد. در خصوص جوانان بهائی که در آلمان تحصیل میکنند  
 اگر چنانچه در رحمت و شفقت و اسباب مالی از برای تحصیل در دارالفنون امریکائی  
 بیروت کاملاً ممکن و مسیر بانصوب حرکت نمایند و الا امر اجبت بظهران اولی  
 تا اسباب مهیا شود و موانع زایل گردد.

و اما آنچه راجع با اقدامات محفل اقتصاد است بهتر آن است که اعضا  
 محرمه اش تأمل نمایند و عجله در این امر خطیر ننمایند تا مجاری احوال معلوم و واضح  
 گردد و اسباب کامله فراهم شود و شؤون مملکت و امور افراد اجبار در شرق  
 و غرب تحسن و استقراری یابد آنوقت یاران پر همت جانفشان در

تحت نظارت و تبصوب محفل مرکزی آن استیلم باین مشروع عظیم در نهایت  
 روحانیت و اتقان پردازند و بجز عمل رسانند و نتایج کلیه از برای ترقی امر  
 و دستگیری فقرای اجبا و احانت مسکین از ایرانیان گردد.

۲۲ دسامبر ۱۹۲۳ بنده استانش شوقی

۲۲- اجبای الهی برادران و خواهران معنوی در کشور مقدس ایران و صفحات ترکستان  
و قفقازیا و خطه هندوستان و بین النهرین و بلاد عثمانی و قلم مصر و بریه اشام  
و سایر صفحات شرق طراً ملاحظه نمایند

ای منادیان و برگزیدگان جمال کبریا، و پیروان حضرت عبدالمجید  
برادران حقیقی و خواهران روحانی متجاوز از دو سال است که کوب میثاق  
آن نجم شمع درمی الهی آب حنون و مولای شفق حضرت عبدالمجید  
آهنگ ملا اعلی نمود و چون برق در پس پرده غیب پنهان و ستواری گشت  
اهل بجا اطفال سینواراد فعه و احد در غمرات اگدار و ظلمات این خاکدان  
ترابی متم و نالان گذاشت و عشاق آن روی دلارام را در این مجسمان  
پر محن و آلام بنا حرقت و فرقتش بگذاخت. بساط احزان را کما کجترانید  
و دیده عنصری را الی الابد از مشاهده روی و موی نازنینش محروم و مایوس کرد  
حکمت بالعمین اقتضا نمود و مشیت قاهره الهیه بر این قرار گرفت. ولی  
روح مقدس که از هشتاد و سه ساله تا کنون در مشقات گوناگون خسته  
و آزرده شده بود حال شاد و آزاد در اعلی غرف جنان ساکن. بر زمین بر ملکوت  
جالس و باین خسته دلان متوجه و ناظر و از رفرف اعلی بابل بجا در ملکوتی

باین خطاب و مذاکرات و مذاکره : ای عزیزان من محزون شوید امروزه  
 گردید خاموش شینید و خود را پریشان و مایوس کنید من باشما هستم و شمارا در  
 حصن رعایت و کف حمایت گرفته در هر آنی تأیید و توفیق جدید نمایم . و فایده  
 بماناید و تانفس اخیر مانند این عبد در خدمت امر الله و عبودیت آستانش  
 بکوشید و جانفشانی نمایند و از یکدیگر سبقت گیرید . از هجران من طول  
 شوید و از شوون دنیا و حوادث زمان خائف و مضطرب گردید . از مصائب  
 امکان ادنی تر لنگی در امر الله حاصل ننمایید چه که شما <sup>اصل</sup> خداوند و شما <sup>جمع</sup> بنده  
 بها که در این طوفان بلا بملکوت کبری و استقامت عظمی و زیور اخلاق  
 و عمل تعدیس و طراز تقوی بین ملائکاء مبعوث خواهید شد . نصرت امر  
 الهی نمایند و تدرجاً این جهان تاریک پر حشت و انقلاب را با وج عزت  
 ابدیه در ظل امر الله در سایه سرا پرده نجات در آورید . ای یاران من انصافاً  
 من در این سبیل بعد از من فتور و احوال ننمایید و این فرصت گرانبهار را  
 از دست ندهید و الا عاقبت خود خائب و خاسر گردید و از نعمت عظمی  
 تاج عزت ابدیه خود را محروم ننمایید گمان ننمایید که از سکون و سکوت احدی  
 از جا و همنی بر امر الله وارد گردد لا والله رجالی مبعوث شوند

و گوی سبقت را از میدان بر بایند پس بکشید و همت موفراز  
 نومذول دارید من باشما هستم و در ساحت کبریا در محضر حضرت اعلی و جمال  
 ابھی بشدید القوی تائیدتان نمایم و دلالت کنم بکل متحد استغاثاً قیام نماید  
 تا باین مقام بلند اعلی رسید و الامر دیگر بسینید و بغور لغا در عالم بالا فائز  
 نشوید . این است ای اجبای عبد البها سبب سرور و فرح روح من در  
 ملکوت ابھی . این رتبه ملکوتی از آن در قاء ایگه عبودیت بسمع مشائخ  
 رویش هر دم متواصل . وقت آن است ماکه اشغکان آن روی چون  
 مه تا بنسیم بقیامی جدید و نشاطی بیخ و اقدامی بدیع و شوری عجیب و استقامتی  
 عظیم و نیتی خالص و قلبی فارغ این منسادی غیب رانی بحقیقه اجابت نیام  
 و در بین ملا با مریحان نعره یا بھسا ، الالبھی بر آیم که عالمیان مدبوس  
 گردند تا بعد از انقضاء این چند روز حیات بفرموده حضرتش دیده جان را  
 بان جمال ابدی باز نمایم و منور سازیم . در محضر انش حاضر گردیم و در گوش  
 الی الابد طائف شویم .

برادران و خواهران عزیز تر از جان و روانم هزار شکر و ثنا و حمد و ستایش  
 شبان الهی و پاسبان ملکوتی و قائد حقیقی حضرت عبد البھسا را

شایسته و سزاوار که بعد از دو سال پرطال با وجود تأثرات شدید مؤلفه و استقامت  
 عدیده و حسین و صایای مبرمه همیشه و انقباضات جهان و بلایا و رزایای  
 ناگهانی و عدم وجود اسباب و شدت عسرت و تنگی و پریشانی و جفا و اذیت  
 وارده از اهل سوء و عدوان . امر حضرت بهاء الله روحی لارقانه بنشین  
 فداء و مخالفت کل نمود و حسود محفوظ و مضمون مانده از اقصی بلاد شرق  
 از سوال چین و صفحات بر ما الی اقصی بلاد غرب در ممالک و اسعه امریکه  
 و از اقصی شمال قطعه اروپا از ممالک اسوج الی اقصی جنوب قاره افریقا  
 غرب الله جنود مجنده ملکوت در جمیع اقالیم و بلاد من دون استثناء در کل  
 طیس رایتی اسم اعظم مشهور و در سایه اجنه طایر ملکوتی حضرت عبدالمجیب  
 با مرد دلالتش در این معرکه عظمی در مقابل صفوف و الوف واقف و مهجم  
 در جمیع احوال بصیرت و غلبه روحانی فائز شانی که بسیاری از دانیان  
 و هو شمنان عالم از عدم تشنت جمیع اهل مجاب و ثبات و فوزشان در مقابل  
 تغییرات و تبدیلات سریع کلیه عالم متذکر و متعجب گشته اند و شمه ای از روح  
 مکنونه غالبه که در نفوس اجبا حضرت بهاء الله و دیعه گذاشته یافته و  
 ادراک نموده اند . هزاران از حسین نفوس که هر یک از در طیل رایت دین الله

محمود شوند و احد کالافند در پس پرده مترود و منتظر تا ببینند که در اثر ملکوت  
 باین میراث مرغوب لاعدل چه خواهند کرد و تا چه حدی در تحقق آمال و  
 مآثرشان فائز و منظر خواهند شد ولی زحما که مصونیت اجاب و غرت ابراهیم  
 و اعلاء کلمه الله و خذلان اهل نقض و فتور علت سستی و ارتخا و غفلت و بهمال  
 یاران الهی گردد ادنی فتوری و دقیقه ای غفلت جا نزنه . حال وقت گوش  
 و بدایت جوشش است . دقیقه ای را باید از دست نداد و هر فرصتی را غنیمت  
 شمرد . علی الخصوص در این ایام در کشور مقدس ایران و صفحات مجاوره که  
 بسبب فتح طرق و تهیلات مسافرت بین شرق و غرب . آن ممالک  
 و اقالم بعیده نزدیک گشته و در دایره دول متقدمه معروفه عالم داخل شده  
 لابد عبور ایام اعزّه نفوس و عقلا و دانشمندان و بزرگان غرب محض سیاست  
 و زیارت و تجسس و تحصیل اطلاعات و کسب تجربیات بان سامان آیند .  
 دور دور بجهت بیان است که قوه اسم اعظم را باین نفوس علیینه قادره  
 منصفه بنمایند و پیام الهی را بلبوس همچو نفوس زکیه ای برسانند .  
 این نفوس محترمه هر چند مؤمن و مومن نگردد ولی چون بصیر و منصفند و  
 بر تدنی افکار و مهبوط اخلاق در ممالک شرق تماما واقف . شبهه ای

نیست که از محبت و رعایت صمیمی و پذیرائی و همان نوازی و خدمات و  
 مساعده خالصانه بغیرضانه و علواً افکار و ستمو مقاصد و حسن اخلاق و اقدامات  
 امریه بهائیان به نهایت مجذوب و دلگرم و فرسند و شجرت گردند و چون  
 بسبب خویش مراجعت نمایند زبان بجا مد بهائیان گشایند و باین واسطه تبلیغ  
 دین الله نمایند. انشاء الله یاران عموماً و امنای الهی اعضای محافل  
 روحانی خصوصاً در این امر خطیر بجهت تمام در نهایت هوشیاری و انبیا  
 قدم در این میدان بگذارند و این عظیم و سیده تبلیغ را فراهم آرند. ولی  
 بسبب اسباب رنجش و کدورت و حقد و حسد سازین گردد باید بمبارا و اعتدال  
 و ملاحظه باین امر اقدام کرد تا دل نفسی آزرده نگردد و اسباب فساد و غفلت  
 فراهم نشود و اگر چنانچه بعضی از این نفوس اغتسانی نمودند و در دام مغفین  
 افتادند اجبای الهی طول شوند بلکه بشیر استقامت نمایند و در این سبیل  
 همت و مداومت کنند. روزی این شعله روحانی آن اقلیم و سائر اقلیم  
 نورانی و مسلماً خواهد نمود ولی حیفاست ماکه باسم و نام او موسوم است  
 تا خیر و فتور و تعویق کردیم. آنچه را این نفوس طالبند اعمال است نه  
 اقوال. خدمت و محبت و جانفشانی است نه نطق و بیان و اقامه



دلیل و برهان . نفوس تشنه حقیقتند و از اسیم و مجاز خسته و نزار . این عبد  
 غمناک است که از لسان و قلم این نفوس که چون طایفه ناشرات در کربلا  
 سیار منتشر گردند ذکر محامد و نعوت و تعریف از شیم و اخلاق و امتیاز  
 بهائیان از سایر نفوس شنود چنانچه مقاله موثر و مفید و متین نویسنده مورد  
 ما جور مور که اخیر ترجمه اش در اتحاد المال محل روحانی مدینه حیفارج شده باشد  
 این کلام است . این است معانیس تأیید و این است از وسایل  
 فعاله از برای ترقی و نشر امر الله .

و اما از جهت روابط داخله مایران باید که بهائیان خود را مروج سادگی  
 و تعلیمی روحانی دانند که هیچوجه من الوجوه قیاس و مشابهتی با این ادویه  
 منسوسه ناقصه موجوده نداشته و ندارد . احزاب و مشروعات سیاسی و  
 شئونات سائر مادیه بالمآل هیچیک تنها کافل سعادت ایران و ایرانیان  
 نخواهد گشت . ملاحظه فرمائید که این افکار شوشه که حال در شوق سرایت  
 نموده همبیش از دول غرب اقتباس گشته و سرچشمه و منشأ و مصدرش  
 احزاب متنوعه تکاثره متنازعه در بلاد غرب بوده ملاحظه نمائید که غرب  
 در چه حالت است و بچه امراض و اسقامی گرفتار . دیگر تعلیه از برای چه

و تسبیح این تجربیات و اتخاذ اینگونه وسائل غیر مستقیمه احزاب چه لزوم  
 و احتیاجی بآن . احزاب مترایده عالم چه از دیمقراطیون و انقلابیون  
 و اشتراکیون و تجدیدون چه نفوسى که طالب تاسیس حکومت مستبده قطعه  
 قاهره اند چه نفوسى که وجود حکومت و قانون و نظم را محرت بنیان انسانی  
 بشمرند و چه نفوسى که مروج مساوات تام در بین انسانند این احزاب  
 و این نفوس حال متجاوز از صد سال است که در میدان عالم بجولان و چرختن  
 مشغول خرفرابی و دمار و پریشانی و انقلاب و بغض و شخا و فقر و عسرت  
 میراث دیگری از برای فقراء ارض نگذاشته اند و هنوز به مای و مهر مشغول  
 مقالید امور را در دست گرفتن فائده دائمی نبخشند و نتایج کلیه از آن حاصل نگردد  
 باید اساس را گذاشت و بر آن قصر شید سعادت عالم انسانی را بنا نمود  
 و آن در این آیه مبارکه مسطور : **و یؤثرون علی انفسهم و لولکان هم خصامه**  
**و من یوق شح نفسه فاولئک هم الفائزون .** فائزین بهبانیان  
 عالمند چه که باین آیه مبارکه ناظرند و عامل : یا ابن الانسان لو تکتون باظراً  
 الی افضل ضح ما ینفعک و خذ ما یتنفع به العباد و ان تکن باطنه  
 الی العدل اختر لک ما تخاره لنفسک . این است اساس ترقی

و عمران ایران بل نجات و سعادت تمام مهبان . اگر یاران و زمامداران  
 باین شیم ملکوتیه خود را فرین دارند عالم عالمی دیگر شود و این اصوات میسبه  
 از میان زفته ندای زمان الهی آهنگت یا بهسا و الا بهی همگی در نفس عالم را  
 از خواب غفلت و نادانی بیدار نماید . مقصود این است که یاران از طرفی  
 ضدیت و مخالفت با این اسباب و وسائل ثانویه ماده و اجزای سیاست  
 اجتماعی اقتصادی نداشته باشند و از طرفی دیگر گمان نبرند که فقط باین  
 اسباب عالم و وطن نجات یابد و راحت گردد و با وج غرت رسد .

بهائیان چون بروج امر حضرت بهاء الله که در میان کلان نباض است  
 نظر نمایند باید خود را مخالف این نفوس ندانند و مقاصد خود را فوق این  
 مشروعات شمرند مگذارید که او بی ای امور ادنی تکداری حاصل نمایند اگر  
 فی الحقیقه بموجب احکام و تعالیم الهیه سالک و عامل شویم و بنوع بشر و  
 وطن خویش خدمت ننمایم عاقبت حقیقت معلوم و کشف گردد و خود آن  
 نفوس آگاه شوند و اقبال نمایند معذک مگذارید گمان کنند که بهائیان  
 تعلق بوطن خویش ندارند بلکه برستی بدانند و یقین نمایند که از همه بیشتر و  
 از همه مخلصتر و از همه ثابت تر در احیای ایران و تعزیر ایرانیان بوسائل

حقیقی میکوشند و مطمئنند که ایران عاقبت عزیز و توانا خواهد شد بلکه بفرموده  
 حضرت عبدالبهاء ( دولت و طنی جمال مبارک در جمع بسیطترین مجربترین  
 حکومت خواهد گشت و ایران معسورترین بقاع عالم خواهد شد )  
 برادران و خواهران روحانی عالم شبر منتظر است و قلب حضرت  
 عبدالبهاء در ملکوت ابھی تمنی و شائق که بهسایان تعالیم حضرت بهاء  
 را از خیر قول تجزیر عمل رساند این چه فرصت مبارکی است باید اقدام نمود  
 و باب معاشرت و مراوده را با تمام ملل و نحل باز کرد . ایام گذشته نشینی  
 و سکوت و خموشی گذشته باید از زاویه غمبول در آسیم و در میدان وسیع قدم  
 گذاریم و مباشرت بعمل نماییم . مقصود این نیست که حکمت را فراموش  
 نماییم و پرده درمی نماییم و از حد اعتدال خارج گردیم و بمخالفت اصول  
 قوانین و رسوم دولت و ملت قیام کنیم حاشا که یاران الهی چنین نمایند  
 بلکه مقصود این است که باعمال و افعال تبلیغ امر حضرت بهاء الله نماییم  
 تبلیغ باعمال حکمت قبول نماید و تعقید و تحدیدی نداند کل از وسیع  
 و شریف و قدیم و جدید و پیر و جوان قابلیت و توانائی پیودن این  
 بسیل داشته و دارند پس عذری از برای احدی باقی نمانده هر نفسی

که خود را بشیم و محل تقدیس و تقوی و اخلاق فرین نذارو او بهانی حقیقی نه  
 ولو اینکه باین اسم موسوم و موصوف و معروف و اگر نفسی اقی و محل  
 و از تبلیغ بنطق و بیان قاصر و باعمال و سلوک و رفتارش علت انتباه و تذکر  
 و اقبال یک نفس گردد البته مزج و محترمز و عزیزتر و بهتر از شخصی است که  
 سالهای سال تبشیر و تبلیغ لفظی پرداخته و شهرت و اجمیت یافته ولی  
 شرب و اخلاقش مباین و مخالف کلام و قول او. حسنات آن  
 نفس عاقبت قلوب نفوسی را بسوزایمان کالملا و انما نور خواهد خست  
 ولی سیئات این شخص بالاخره سبب شود که تمام مواظبتش فراموش گردد  
 بلکه بالعکس نتیجه نخشد و توبه و ایمان مبدل بیس دستی و بیدینی شود  
 میل و رضا بلکه امر شدید حضرت عبدالبهار در این است که کعبه ایان  
 در جمیع امور حتی در خزیات و معاملات یومیه و روابط افراد پاکیده  
 بحسب تعالیم الهی رفتار نمایند. میفرماید خضوع و خشوع و افتادگی  
 اکتفا نمایند نظر محویت گردید و فانی محض شوید. هر دو فنا و شفقت  
 و محبت نصاب پیشینیان بوده در این دور اعظم اهل کعبه انبیا کارها  
 و جانفشانی مأمور. عدالت محبوب و مطلوب بوده دست ولی

مؤمنین و مؤمنات در این عصر نورانی باین امر مأمور: ضعیف مانیفتند  
 و خدا را مستغفیر به العباد. لیس الفخ من تحت الوطن بل لمن تحت العالم  
 ملاحظه فرمائید که در الواح مقدسه کتب الهیه و وصایای مبارکه احبای  
 الهی بجهت صحتی مأمور بر پیرکاری و خیرخواهی و بردباری و تقدیس و تزیین  
 و انقطاع از ماسوی الله و تجرد از شوون دنیا و اخلاق و صفات الهیه  
 هستند. باید بهر نحوی که ممکن است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیت را  
 خالص نمود و الا اقدام به هیچ امری نتیجه و ثمری نبخشد. باید از تصنع و  
 تقلید قرائت چه که در آنچه مستندش را هر عاقل هموشمندی فوراً دور  
 نماید. باید اوقات مخصوصه تذکر و تنسیب و دعا و مناجات را فراموش  
 نمود چه که بدون فضل و عنایت الهیه موفقیت و ترقی و پیشرفت در امور  
 بلکه مستغنی و محال. بخندانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص  
 نیت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقق این امر منوط بسعی و کوشش هر  
 فردی از افراد در هر یومی از ایام است. مگذارید که اغیار و حسودان و  
 دشمنان بگویند که علت علو امر در گذشته ایام در اوایل ظهور قیام خارق  
 العاده هیاهو و استقامت نفوس زکیه شهداء امر بوده که حال

چون دیگر نیستند از بهاء الله مجبوراً رو با نخطاط و ضعف و تشیت و ضمه  
خواهد گذاشت. باید اولاً بسبب و افعال و بعد از آن با قوال و دلائل  
اثبات نمود که وجود الهیه محتمل است و واقع و بشارات الهیه ظاهریست  
و کامل. تا نفوس کامله بمیدان نیایند و شاهد بهر انجمن نگردد اثبات این  
امر بدانایان ام بسیار مشکل و اگر توفیق و مومنات منظر این کمالات شوند  
لرزم به بیان واقعات نه. نفس اعمال دلیل است و نفس رفتار کامل حفظ  
و صیانت و شوکت امر الله. این عبد عاجز مستمند خجل و شرمسار است  
و خود را هیچ وجه قادر بر بیع امری از این امور برنده لازم ندانسته و نمیداند  
ولی شب و روز در حوالی بقاع مقدسه بمناجات و دعا و تبتل مشغول و از  
یاران الهی استدها و التماس نماید که با اعمال و اخلاق حضرت عبدالبهاء  
مقدسی حقیقی ظاهر شوند و این امر عزیز الهی را نصرت کامل نمایند امید است  
که این دعا مستجاب شود و این استدها قبول گردد.  
و اما آنچه راجع بر تریب و تشیت امور روحانیه اجبات همانا تقویت  
اساس محافل مقدس روحانی است در تمام نقاط چه که بر این اساس  
مکملترین درستیست ایام بیت عدل عظیم الهی استوار و برقرار گردد

و چون این سببها عظیم بر این اساس اقوم مرتفع شود نوایای مقدسه الهیه  
 و علم و معانی کلمیه در موز و حقائق ملکوتیه که در دهایای مبارکه الهامات غیبی  
 حضرت بهاء الله در دیده گذشته بتدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید  
 پس باید کوشید و همت نمود که تمهیدات لازمه مهیأ شود و اولین اسباب و  
 اہم وسائل همانا تعویب اساس محافل روحانی بوده . امید و طید خیانت است  
 که چون در یوم اول عید سعید ضوان انتخابات محافل روحانی در تمام نقاط  
 در شرق و غرب در نہایت روحانیت و مسانت و جلال و کمال تجدید گردد  
 و احباب من دون استغناء بدل و جان متحداً اقدام نمایند نہ نفع اعضا  
 منتخبہ در ہر نقطہ ای قبل از باشرت بانجام وظائف مقدسہ خویش رجوع  
 بکلمات الهیہ نمایند و در زبر و الواح مقدسہ تفحص و تفرس نمایند و لوازم  
 اصحاب شور و واجبات انسانی الهی و وظائف اعضا بیوت عدل  
 الهی را بہنایت دقت و توجہ و فراغت بال مکرراً قرائت نموده اطلاق  
 تام حاصل نمایند و ہر دم آن اوامر قطعیه و نصایح شفقتانہ را بیاد آرند و  
 بکوشند تا ہر یک را کلاً مجری نمایند . از وجہ آنکہ باید خود را خادم این  
 حقیقی احباب، اللہ شمرند و نظر را متوجہ و حصر در نافع عموم و مصالح امر الہیہ



نمایند نه ناظر باشماض و متمسک بقاصد و آرب شخصیه گردند. بایدرای  
 خود را در هر امری و در هر عصبه ای در نهایت صداقت و روشنی و خیرخواهی  
 و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تمام  
 رای اکثریت بر آن قرار گرفت بدل جان بدون ادنی کدورت و عجز اجزا  
 نمایند و لوائکه رای اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد. چه که  
 این است حکم صریح محکم الهی. چگونه تجاوز و انحراف از این امر منصوص جائز  
 و ایضاً باید اعضای محفل در الفت و اتحاد یاران و عزت امر الله و ترویج دین الله  
 شب و روز بکوشند. اگر چنانچه از جهتی را که ای بوزد و آثار اغیار و علامات  
 اولیه مشکلی معلوم ظاهر شود باید فوراً اعضای محفل مجتمع گردند و در رسیدن باب  
 و جلوگیری از هر فساد و دفع و دفع آن تمام قوی بکوشند و غلظت دارند که ضرر و هشی  
 بر امر الله وارد گردد.

ایضا باید در تائیس و ابقا و توسعه صندوق خیریه کوشید. تائیس آن در هر  
 نقطه ای لازم و باید یاران از اعضا و غیر اعضا بقدر استطاعت خویش طوعاً  
 نه کرهً اعانه باین صندوق نمایند و آنچه را تقدیم نمایند تسلیم امین صندوق  
 محفل کنند تا بصوابید اعضای محفل روحانی در امور خیریه و ترویج امر الله صرف

گردد. معاونت اغیار از محتاجین و مساکین و ایام و اراذل و مجزوه و فقرا بسیار لازم و واجب چه که بانی واسطه حقیقت عظیم تعالیم امر الهی که آن خدا بعالم انسانی است اثبات شود و ظاهر گردد.

باید در امر محابرات و مراسلات فوری و تأخیر و احوال همیشه مجرب حاصل شود تا روابط صوری و معنوی در بین افراد و اعضای هیئت بهائی عالم مستحکم گردد و وحدت شرق و غرب مستقر شود و چون محابرات و مکاتبات در هر محفل بر عهده غشی محفل خواهد بود و محابرات فقط با اعضای او محض و بعنوان او از این بعد ارسال خواهد شد خوبست که اجناس غشی محفل خویش را نفسی انتخاب نمایند که معروف و مشهور و موثوق و قابل و معتدرباشد چه که در حقیقت وظیفه غشی است و اشغالش بیشتر از مقام رئیس است. و چون نتیجه انتخاب معلوم گردد احب و اولی آنکه در هر نقطه ای اعضای محفل روحانی اسما، اعضای محفل مع عنوان کامل غشی محفل خویش را نزد محفل مرکزی تسلیم خود ارسال دارند و همچنین نسخه ای از آن را با رض اقدس نزد این عبد فوراً ارسال نمایند تا محابرات و مکاتبات در نهایت اتقان و ترتیب شروع شود و تجدید گردد.

اشتراک مجلات امریه که بواسطه محافل روحانی از قبل ترتیب آن ذکر شد  
از قبیل نجم باختر و مجله اطفال ملکوت در بلاد امریک و خورشید خاور در خطه  
ترکستان و شمس حقیقت در بلاد آلمان و مجله البشاره در هندوستان و  
و مجله الاشراف که اخیراً در بلاد برما تأسیس شده و انتشار یافته امید چنان است  
که محض تمسیت و ترغیب و تشجیع این مجلات امریه یاران بقدر امکان اشتراک  
خواهند نمود و مقالات شتی در مسائل ادبیه علمیّه روحانیّه باین مجلات بواسطه  
و تصویب محفل روحانی خویش ارسال خواهند داشت و باین واسطه بر عزت  
و شوکت امرالله خواهند افزود .

امر تربیت از بنین و نبات این ایام از امور اساسیّه لازمه محسوب این  
از وظائف اعضای محافل روحانی است که بمعاونت یاران در تأسیس  
مدارس محض تربیت بنین و نبات در امور روحانیّه و تعلیم اصول تبلیغ و  
تلاوت آیات و بنیات و تحصیل تاریخ امر و علوم صوری و فنون متنوعه و  
تحصیل السن و لغات بکل قوی بکوشند تا اسلوب تربیت بهائی چنان  
صمیمت مشهور گردد که اطفال از تمام طبقات در مدارس مجسایان تعلیم  
الهیّه و علوم مادیّه را بیاموزند و باین واسطه اسباب ترویج امر آبرافراهم آید

امر ترقی نساء و تشویق حضرات امام‌الرحمن در تحصیلات مادی و معنوی و خدمت بامر الله و تعاون و تعاضدشان با حضرات رجال در حکیم و تقدم امر الله در این دور اعظم عموماً و در این اوقات خصوصاً از امور اساسیه محسوب ملاحظه فرمایید که در لوجی از الواجح حضرت عبدالیه با فقار آمده‌ای از امام‌رحمن چه می‌فهمید :

« ای درقه طیبه همای اوج عزت قدیمه بر سر امام‌الرحمن سایه افکنده و آفتاب افق توحید بر وجوه موفقات پر تو انداخته ربّات جمال ابطال میدان کمال گردیده و پرده نشینان خلوتگاه عفت پرده غفلت دریده و بر منزل هدایت رسیده و بانوار موهبت درخشیده و شهد عنایت چشیده و در سایه ربّ احدیت آرمیده خوشحال ایشان »

و از واجبات اولیه محافل روحانی تهیه و اجرای وسائل فعاله از برای ترقی امر نوان است خوب است هر محفل روحانی بجهت مخصوصی تشکیل دهد و اعضای آن بجهت شب و روز در تشویق و تحریر و تعزیر و تکریم حضرات امام‌الرحمن و تعلیم بنات و اکمال و توسعه محافل و مجالس نساء و معاونت آنان با رجال در خدمات امریه و حکیم اساس محافل روحانی دائماً و قاتا

و افکار را حصر نمایند و این عبد امیدوار است که در ایام رمضان چون انتخابات  
 محافل روحانی تجدید گردد حضرات نساء که بر مجاری امور مطلقند در انتخاب اعضا  
 شریک رجال گردند و آنانکه هنوز کجای سبغی و طبعی کافی حاصل ننموده  
 تمام قوی بپوشند تا ب استعداده اطلاع نموده مبرور ایام چون امر حجاب  
 بتدریج و بحسب حکمت الهیه تخفیف یابد و از میان رود نساء و رجال برود  
 در انتخاب و عضویت محافل روحانی شریک و سهیم و معاون یکدیگر گردند.  
 همچو یوم فیروز مبارکی خواهد رسید و اما، الرحمن در انجمن ایران ظهور و بروز می  
 عجیب نماید. حال وقت تهیه اسباب است و ایام ترقی نساء در کمالات صورتی  
 و معنوی. مخلص باشید که آنچه از قلم اعلی ثبت شده و از کلمه میثاق نازل  
 گشته حوادث زمان و شئون امکان و اجراءات و اقدامات رجال ارض  
 بخوی غیر مستقیم و مسائل ملنونه فیصیه ای را استدراجاً محض اجرای نصیحت الهیه  
 چنان فراهم آرند که جمیع مبهوت و تحجب و تذکر گردیم. وقت اطمینان است  
 و یوم یوم همت و جانفشانی. باید با اعمال پسندیده او امر الهیه را  
 اجرا نماییم و توکل بحق کنیم تا آنچه را اراده فرموده من دون تاخیر تحقق یابد  
 علیا درقه سدره تقدیس و حضرت حرم و سایر ورقات

مقدسه مبارکه آن یاران عزیز را که در صفحات شرق به تشریف آورده مشغولند  
 پیوسته بیاد آرند و بذکر آن متذکر و تحیات ابدی و اشیاق قلبیه  
 هر آنی ذاکر و کبر و در این مقامات عیاش و روز بدعا و مناجات در  
 حق آن مخلصین و مؤمنین مشغول و لیل و نهار را مترصدند که علام و آثار  
 فوز و نصرت الهی را از ارفق آن صفحات ظاهر و لایح بینند و در احیان تصریح  
 و ابتهال کل بتساوت لوح مبارکی که با فتحاری از یاران نازل شده متذکر  
 و مشغولیم و از فضل الهی ظهور و بروز همچو هیاهل مقدسه در میان اهل عالم  
 متمسک و شائق دستنظر. و آن لوح نیست :

« ای سمندر نار موقده در سدره سینا جمال مبارک روحی و ذاتی و مینوی  
 لار قانه الغداء در او خرا تا م از غم سطر و عده فرمودند که بقیض مدار و  
 تایدات ملکوت اسرار نفوسی مبعوث گردند و هیاهل مقدسی مشهور شوند که  
 انجم سما، هدایتند و انوار فجر عنایت. منظر آیات توحیدند و مطلع انوار تعبد  
 مهابط الهامند و مشاعل انوار. جبال را سینه اند و اطوار باد صحر. شرح  
 نورند و بدور ظهور. و سائط الطافند و وسائل اعطاف. منادی بام  
 حقند و مبادی تائیس بنسیان عظیم. این نفوس شب و روز آرام نگیرند

و آلام نبینید و فراغت بخویند. در مضجع راحت نیارند و آسوده نشینند  
 آلوده نگرند اوقات را صرف نشرفحات الله کنند و از زمان را وقف اعلا  
 کلمه الله. و جوشان سبشراست و قلوبشان مشرح. فوآدشان ملهم  
 است و بنیادشان بر اساس اقوم. در ارجاء عالم منتشر گردند و درین عالم  
 متفرق. در هر محضی در آیند و در هر انجمنی مجمع بیاریند. بهرسانی علم نمایند  
 و هر معنی تفهیم کنند. اسرار الهی کشف نمایند و آثار رحمانی نشر کنند. چون  
 شمع در شبستان هر جمع برافروزند و چون ستاره مصبجگاهی بر جمیع آفاق پخشند  
 نفعات حدائق قلوبشان چون نسائم سحرگاهی آفاق قلوب را معطر نمایند  
 و فیوضات عقولشان چون باران بهاری بر اقلیمی را مخضر کند. این  
 عبد در نهایت انتظار است که این نفوس مبارکه کی موجود و این نظام بر تقد  
 کی ظاهر و پدید آید. شب در زرد تضرع و ابتهالم که آن نجوم باز غم  
 مشرق و لاج گردد و آن وجوه مقدسه جلوه نماید. افواج تأیید رسد و  
 امواج توفیق از بحر ملکوت غیب واصل گردد. مقصد این است دعا و  
 تضرع فرمائید که این نفوس بغض جمال قدم زود مبعوث گردد.  
 « و البهائم علیک و علی کل وجه تنور بالنور اللّاح من افق الملکوت »

در این دعا که در جوار بقاع علیا اهل بیت و طائفین حرم کبریا سهیم و شریکند  
آن یاران نیز شرکت نمایند و این لوح مبارک را محض تذکره و اطمینان در  
در نهایت توجه و تمیل بخوانند تا با اثر این ادعیه خالصه که چون باران نیاپی  
بر اراضی طیبه قلوب باریده روح قدس بوزیدن آید و اریاح کربیه جدا  
و بغض و تعصب و غفلت را از این مرزعه الهی دور نموده شام جهانیان  
معطر نماید و اغیار و اعدا و مترددین را اخبار نماید و اطمینان بخشد که امر  
حضرت بهاء الله خاموشی در پی نه و خون مطهر حضرت اعلی و دم مبارک  
شهداء و بلا یا و مصائب اولیا بدر زرقه بالعکس تقویه بازوی حضرت  
عبدالبهاء شجره عالم را نشو و نما داده و گل و برگ و شکوفه های معنوی  
که آن اعمال و اخلاق طیبه عالمیان است الی الأبد مزین و معطر ساخته  
ربنا ایدنا علی نشرنا مارک و السلوک فی منهج رضائک .

حیفا

۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ ، ۹ جمادی الاولی ۱۳۴۲

بنده استانش شوقی



بواسطه نشی محفل مقدس روحانی طهران  
اعضای محترم محفل مقدس روحانی مدینه طهره ان یدیم الله بشید القوی  
ملاحظه نمایند

ای مسادیان امر الهی روحی تمکیم و استقامتکم الفداء و نامه اخیراً  
نمره ۱۱۶۵ و ۱۲۴۲ مع محتویات آن کاملاً از آن محفل مقدس باین  
آقدس و اصل و از مضمون بجهت و سرور امید واری حاصل گردید.  
الحمد لله که یاران مسبور و شکور آن استلیم خدیت که در عهد امن و امان  
مستریح و از ظلم و ستم و تعدی و فساد فی الجمله مصون و محفوظ. این  
عبداللیل در احیان توجه و تضرع باستان مقدس آنخوای حافظ  
و معتد از اعماق قلب بوفیقیت و مصونیت و راحتی و سرور آن  
نعوس جلیله محترم را مسألت می نمایم تا بوظائف مقدسه مستنوعه  
مترایده خویش در انجام امور از جزئیات و کلیات کامیابی لایزال  
شانه قیام نمایند تا بقوه تعالیم حضرت بهاء الله و هدایت روح مقده  
حضرت عبدالبهاء آن نمایندگان یاران الهی و خدام امر رحمانی  
در ظل حکومت عادل و باشرعایت و حسن سلوک اولیای امور ترویج

و حکیم اساس این آئین مقدس که خادم مصالح ایران و عالمیان است در  
 نهایت آزادی و حکمت و متانت و اقتدار شب و روز مشغول گردند .  
 و بتدریج تائیس و ترویج اسباب نبات و آسایش و عمران آن کشور مقدس طلب  
 تمام جهان و مجسمانیان نمایند و از آن مولای حق توانا رجا و ثنا نمایم که  
 این اوضاع عالیله دوام و استقرار یابد و این تدابیر و اجراءات اخیره یوما  
 فیوما اساسشستین تر و دائره اش وسیعتر گردد و حسن نیت و خیرخواهی اجبا  
 و فعالیت آن روح محرکه نافذ مودعه در تعالیم حضرت بهاء الله بر وسیع  
 و شریف و عالم و محکوم مشهود و واضح شود و بتدریج موانع زایل گردد و وعود  
 الهیه جلوه نماید و تحقق یابد . اعضای محترمه آن محفل نورانی که مرکز مجبور  
 خدمات امریه تمام آن کشور است باید دقیقهای در تفقد و ملاحظت و مساعده  
 و رسیدگی باحوال منکوبین و مظلومین و محجرا و متجربین از یار و اغیار اهل  
 نمایند و غفلت نکنند . هر چند اجرای این امر خطیر که از مهمام امور محسوب است  
 این ایام کما مشکل و اسباب مادیه از برای سد تمام احتیاجات مکملات هیئانه  
 ولی بهمت و سعی لازم که بهر نحوی ممکن حتی تسانا و شغافه و لو بمعاوضتی جزئی  
 دستگیری و ملاحظتی مظلومین و منکوبین گردد چه که باین واسطه عزت و بهمت

و سمو مقام و لزومیت محافل روحانی که مرجع و خدمت اجباء الله اند معلوم و واضح شود و محبت و تعلق افراد بنمایندگان خویش یونانیو ما از دیار بیاید .  
 ترجمه کتاب مستطاب اقدس بواسطه جناب فاضل بزدی ایدیه الله علی نشر  
 شماره و ترویج کلماته بابرص اقدس و صل و چون طبع و نشر آن حال موافق  
 و مناسب اوضاع حالیه ایران نه نسخه آن نزد این عبد محفوظ است تا  
 انشاء الله من بعد دستور العمل مخصوصی و کاملی بواسطه محفل روحانی طهران  
 اجماع گردد و این امر محکم تحقیق یابد .

بسیخ صد لیره که اجبای جانفشان ایران دوباره اعانه بدوستان ستمیده  
 المان فرستاده اند فوراً بواسطه محفل مقدس روحانی حیفا نزد محفل روحانی  
 مرکزی المان ارسال شد و فی الحقیقه با وجود عدم اسباب و عسرت مالی  
 مساعده ای کامل بآن عزیزان حضرت عبدالبهاء گردید و شبهه ای نیست  
 که در مقابل این خدمات برکت الهیه شامل اجبای عزیز ایران خواهد شد  
 و اسباب علو امر الله در ممالک و اسعه غرب فراهم خواهد گشت .

از جهت موفور اعضای بجهت نشر نفعات در جمع آوری و استنساخ اشعار  
 حضرت بنیل ممنون و مشوف گشتم و از استان حضرت عبدالبهاء، ترقیات

و خدماتی شایان عبت به مقدمه از برای هر یک مسألت می نمایم .  
 از اقدام بنده مؤمن منقطع جان فشان جناب آقای میرزا علی محمد خان موفقت  
 کثر الله امثالہ تاثر گشتم فی الحقیقه این عمل شایان تقدیر است و قابل  
 برگزیده نعت و ستایش . بیچوقت فراموش نمایم آنچه را ارسال داشته  
 اند در ارض مقدس نزد این عبد با هم مبارک ایشان سالماً محفوظ است  
 مطمئن و مستریح باشند . امیدم چنان است که عده چنین نفوس  
 جلیله خالصه موقنه ای که فی الحقیقه از فدایان جمال مبارکند و از بندگان  
 عزیز حضرت عبد البها، محسوب روز بروز زیادتر گردد تا جلوه امر الله پدید  
 شود و قوه کلمه الله ظاهر گردد .

از برای کمال الطاف و عنایات حضرت یزدان را طالب و متمسک و بیاد  
 هر یک در حواریان نقاع علیاست تذکر و مانوس .

بنده استانش شوقی

ج ۲، ۱۳۴۲، ۲۸، ۲، ۱۹۲۴

بهائیان عالم در شرق و غرب طراً ملاحظه نمایند

در این صحن که این مسکین از ارض مقصود مجبور در آتش حسرت و حرمان سوزان  
 و در گوشه انزوا از بگایند و آشنا هر دو دور و در کنار چنان قلب مستلطم و روح  
 در بیجان است که فوراً قلم را برداشته متوجه عالمی الهی مافی التضمیر خود را به عسوم  
 بهائیان در قلمداد اظهار و ابلاغ مینمایم و باین چند کلمه که هر صحنی از آن از  
 خاطری آزرده و دلی شکسته صادر و نبیث است یاران شرق و غرب را  
 در نهایت تألم و خجالت تذکر میدارم که ای اهل کعبه و برگزیدگان حضرت  
 کبریا، شهادت میدهم که حضرت اعلی و جمال الهی و روح مقدس حضرت  
 عبدالمجیب، از اوج علی بر این صحن ناظرند و بر حال پر ملالم واقف .  
 هر سه شاهد و گواهند که در این دو سال پر ملال بر این عاجز مستمند چه وارد گشته  
 خبر دشت اثر صعود کیتا مولای شفق و خونم چنان ارکان وجودم را  
 منسحق و متزلزل ساخت که هنوز از اثر آن تاثرات شدید سکون و قرار نفوذ  
 مضمون الواح و وصایای مقدسه و فقرات و مندرجات مد همیشه و ادا  
 بر مره محکمه اش چنان حاصل تقییلی برکتی این ناتوان نمسود و مسوئیت  
 عظیمی تولید کرد که از وصف و بیانش عاجز و قاصر م . ولی با وجود این

الآم و اخزان و آرده و صدقات فکریه و انقلابات روحیه چون دیده امید  
 بصبح هدایت کبرایش متوجه بود و قلب و روان بساحت قدسش مرتبط و از روح  
 متعشش مستمد و بر تائیدات غیبیه لایسیبیه اش متصل و بوعود صریحه اش امیدوار  
 و متوسل این بارگران اندکی تخفیف یافت و این شعله حرمان فی الجمله بخت  
 علی مخصوص که بعد از فرقت جانورش و اعلان انتشار این واقعه موله فیه مظلومه از مؤمنین در  
 و مؤمنات در کل اقطار و مدن قری من بدون استثناء علم استقامت برافراشتند و در نهایت شادت  
 و جلال و ثبات و جدیت و حرارت بخدمت و نصرت و حراست دین بسین  
 قیام نمودند و از صراط مستقیم منحرف نگشتند و باهل نقض و فساد دنی تواری  
 بختند و در بسیل امرش و اعلامی کلمه اش جان و اموال و راحت و عزت  
 ایشان فرمودند و در ترویج کلماتش جهدی طبع و اقدامی بدیع اظهار داشتند  
 در این موارد آنچه اجرا نمودند شایان تمجید و تقدیر است و مستحق هرگونه  
 دستایش . هر چند این عبد قاصر از شدت تألم و تلمیح کتبا و لساناً  
 کما یغنی و یطیق ستایش و توصیف و تقدیر و اظهار استنانه بر مقابل این بخت  
 عظمی و بخت کبری بان شیدا ییان و فدایان مشتاق الهی نمود  
 ولی شبهه ای نبوده و نیست که اجرشان عند الله عظیم است عظیم .

همچو قیام و شبانی از صفحه روزگار محو نگردد و این عشق و فداکاری در ساحت کبریا  
 فراموش نشود و نابود نگردد ولی آنچه سبب اصلی و علت اولیه کفرانی و افسردگی  
 این دلتنگ شده و برغم غصه این مصیبت کبری افزوده و متأسفانه این عبدا  
 برنگاشتن این نامه واداشته و تولید مشاغل مستنوعه نموده که هر یک اسباب  
 تأخر و ضعف امر مقدس الهی است همانا عدم الفت و تعاون حقیقی در بین احباب  
 است. نمیدانید که آثار و علامت عدم صفات در قلوب مؤمنین بلکه ادنی شائبه  
 دلشنگی و برودت و اغبرار در جمع احباب چه در اسباب خلل و توهم و تزیف  
 این امر است و علت محبت و حریت و شرمساری این عبده و بچه حدی حضرت  
 و مخالف مبداء اساس شریعه الله. چون تم نافع و لو اثراتش فوراً در عموم  
 نمایان و مشهود نگردد روح نباض بیگسل امر الله را از جلوه و نفوذ باز دارد و تیره  
 مقدم سازد. تمام اقدامات و مجبودات این سنین متوالیه را از هر گونه اثر  
 نتیجه و اثری ممنوع و محروم دارد و گروه یقینین و طالبین را هزار فرسنگ از  
 این معین حیات و سبیل نجات دور نماید و شمر سازد حقیقت ساطعه شمشع  
 این آئین مقدس در انظار جمهور علی الخصوص در نظر قسزین و ممیزین و  
 دانشمندان عالم نظلمات او دام تبدیل نماید و حرمت و استیاز و شرافت

و صلوات امر بهائی را حتماً و مستدرجا از نظریار و اغیار محمود زائل کند و محن  
 و بلا یا و متاعب لا تحصای قدام اجاب و موسین و شهدای این امر عزیز را  
 عاقبت بدر دهد و بذر خلاف و شقاق و فساد را در مرکز امریه پی در پی ایجا  
 نماید و در نظام و پیشرفت محافل روحانیه که الیوم اساس بیوت عدل الهی  
 است و یگانه محور و مرجع شوون امریه خطی عظیم و ترغری شدید فراهم آرد .  
 این بنده شرمندۀ این رواج کدره را از قبل و بعد خصوصاً در این اواخر  
 از نقاطی مختلفه چه دور و چه نزدیک متابعاً استمّام نمود و بر شوون و حالات  
 و معاملات و روابط اسف آوریار ان بایکدیگر مستحضر و واقف گردید .  
 چه قدر در این موارد وصف حال و ذکر و بیان حقیقت واقع صعب و مشکل است  
 ولی بجدی متبیح و متاثرم که خود را مکلف بر آن بینم که عواطف حقیقی و  
 احساسات وجدانی خویش را به آن یاران که در خدمت امرانۀ مونس و  
 غمخوار و سهیم و شریک غمناک و ابراز نمایم و بر مقلب القلوب اعتماد و اتکا  
 نموده آنچه در اعماق این قلب مجروح است در کمال صراحت کشف و ابلاغ  
 کنم . در این اواخر چون محافل روحانیه در اکثر نقاط استامائیس و  
 ترویج گشت و مقدمات نظام و دستور مقدّس مبارک بحسب ظاهر وضع



و اجرا گردید علام عدم استلاف وقت ثقه و اعتماد بتدریج ظاهر و نمایان شد  
 و یوما فیوما از دیاد یافت. آثار مخالف و تغافل و ایهمال و عدم تعاون و اهتمام  
 و رقابت و شکایت از مضمون و فحوائی مکاتیب وارده معلوم و مفهوم گشت  
 و اسباب خلاف و شقاق نجوی غیر مستقیم فراهم گردید بحدی که تائیس محفل  
 روحانی که مقصد اولیه آن قلع و قمع ریشه هر خصومت و جدال است کلم کلم  
 اسباب تفرقه و نزاع و تجزئی و جدال درین اجاب گردید و قوه دافعه کلمه الهیه  
 را محسوس نمود و روح آزاد پر تاثیر این امر مبارک را از جریان و سریان باز داشت  
 حتی در بعضی مواقع علی الخصوص در نقطه ای که مجاور ارض مقصود است تولید  
 بغض و عناد و ستی و کراہت نمود و اسباب تردد و توہین و مخالفت گشت  
 و بیم آن بود که لطمه ای باس نظم و وحدت جمع اہل کعبه وارد گردد.  
 حرم و مناسبت در مقاومت و قلع ریشه فساد بر خیزد و خلاف می خورد و سکوت  
 و عدم اعتنائ محفل در نظام امر و مروج مقاصد سئیه خود خوانگان می گشت.  
 دیگر معلوم است که از این حوادث مؤلمه و امور شوشه چقدر تکدر و تحیر و اضطراب  
 حاصل. اگر اجرای و صیایای مقدسه و ترویج مصالح محفل روحانیہ امرائے  
 از نشو و نما و ارتفاع و تقدم باز دارد و گیر چه وسیله و چاره ای از برای این

بیچارگان باقی. اگر در اولین قدم و همین وقت حاصل جلوه و ظهور نوایای  
 مقدسه و گیر چه وقت ممکن. اگر پیروان این امر مقدس که نجات دهنده  
 عالمیان است و ادعای مقصدش احیای جهانیان بمنزله گرفتار و مشغولند و از  
 الفت و صفا محروم چگونه وحدت عالم انسانی را در قطب آفاق مرتفع سازند  
 اگر بجهانیان ضعیف و علیل و سقیمند و خود از دریاق عظیم بی بهره و نصیب  
 چگونه توانند عمل و استقام نرمنه و امراض استولیه بر افراد و ملل را شفای حقیقی دهند  
 ایوم اساس هم و میزان اکل و اتم و فارق بین حق و باطل اخلاق است  
 نه اقوال. هر خبری که دارای آن باشد مؤید است و من لدی الحق و هر  
 طائفه ای از آن محروم باطل است و از فضل و تأیید الهی ممنوع. نام و  
 نشان، دلیل و برهان اگر مؤید و توأم بحسن روش و سلوک و اخلاق طیبیه  
 مرضیه نباشد در این عصر مذموم و مطرود جهان و جهانیان است و حسن  
 اخلاق، کمالات و مظاهرش، حسن سلوک و رفتار و یگانگی و الفت و اتحاد  
 و اتفاق و حسن معاملات در خزیات و کلیات و تعاون و تعاقد مستمری  
 صمیمی و محبت و خلوص نیت و صفای قلب و طهارت نفس و صدقت  
 و امانت مابعد الاستیاز یاران است چه که این صفات ممدوحه که بل

عالم از آن غافل و مجربند اولین و آخرین دین متعین و برهان کافی لایع این  
 آئین الهی است. محکم تجربه است و یگانگی متمیز بهائیان از سایر طوائف اعم  
 مقصد اصلی عموم انبیا در سل است و یگانگی مقصود و مطلوب و منتها آمال  
 و آرزوی حضرت اعلی و جمال ابھی و حضرت عبدالبهاس است. چه که مقصود  
 از شهادت حضرت اعلی و نفی و زندانی و اسارت جمال ابھی و سنگ دم  
 شهدا و متاعب و بلا یابی را تخصیص حضرت عبدالبهاس تائیس سلطنتی جدید  
 و نام و شهرتی تازه و ترویج طریقت و مذہبی مخصوص نموده بلکه مقصود حصول  
 اقدام آمال پیشینیان است یعنی اخوت نوع بشر. اگر اخوت حقیقی  
 با حسنها و اجملاء و اکملها در بین اجبا تحقق نیاید تائیس وحدت عالم انسانی  
 چگونه ممکن؟ اگر اختلاف در بین یاران که هر یک حامل پیام نجاتند زائل  
 نگردد امیدی دیگر نه و تسلخ را دیگر اثر و فائده ای و لزومی نبوده و نخواهد بود.  
 دیگر یاران خود دارند و آنچه صلاح و خیر این امر است خود پردازند. آنچه نظر قاصر  
 این عبد میرسد همان است که گزارا و مراراً بایران ابلاغ نمودم که اگر هیئت  
 و تقدم سریع امر الله را خوانیم باید بهر نحوی ممکن ادنی شائبه اختلاف و  
 برودت و اغبرار را از میان خود محو سازیم و با قلبی صاف و پاک و طیب

و ظاهر در کمال روح و رحمان و یگانگی نعمات تقدیس و تنزیه و خلوص محبت  
 الهیه را بمشام آلوده اهل عالم رسانیم. ادنی گفتگویی در جمع احباب سلب  
 نمایند نماید و روح مجرد نفس امر الله را از پیکل آن جسد مریض چون برق اخراج  
 نماید و مجبودات و مساعی مبذوله را با آنها بیاورد و اسباب تقهقر و انحطاط  
 و تجسری و ضمه کمال آنها فائز از زیاد یابد و از جمع جهات احاطه نماید.

مقصود از تاکیدات مستابعه شدید در تقویت و نصرت محافل روحانیه آن بود  
 که اساس امر الله روز بروز وسیعتر و محکمتر گردد و در نظام الهی خللی وارد نشود  
 و در ابطی سین و جدیدین شرق و غرب ایجاد گردد و وحدت بهائی محفوظ  
 ماند و در انظار اهل عالم جلوه ای بدیع کند تا بر اساس این محافل بنیان  
 بیوت عدل الهی استوار گردد و بر این بیوت عدل خصوصی قصر شید بیت  
 عدل عمومی در نهایت نظام و ترتیب و کمال و جلال من دون توقیر و تاخیر  
 مرتفع شود و چون بیت عدل عمومی از حیرت آمال تجیر شهود و عمل قدم نهاد و پیش  
 در عمل اکناف و اقالیم مرتفع و شتهر گردد آنوقت این بیوت مجله که بر اس  
 سین و زرین تمام ملت بهائی در شرق و غرب مستند و مؤسس است و از  
 الهامات الهیه مستمد و مستفیض بوضع و اجرای مشروعاتی مستند و اقداما

کلیه و تأسیساتی با بهره پردازد و باین واسطه امر به صحتش جهانگیر و نور  
 عالم انسه در شود. ولی هزار نفوس که در اس اساس این محافل روحانیه  
 که از تمهیدات اولیه در اجرای این مقاصد منیع محسوب فتور و خلل حاصل  
 چه که اساس این محافل بدو ستون قائم و برپا و پشرفت و تقدش بدو  
 مشروط و متوقف. اول: اعتماد کامل و ثقه تام و اطاعت و انقیاد  
 و تائید و تقویت یاران نسبت با اعضای محفل روحانی خویش. و ثانی:  
 و فیضه اعضای بر محضی در ملاحظه و اجرای مصالح عمومی امریه نه نظر بآرب  
 و مقاصد شخصی نفوس. هزار نفوس که در اکثر نقاط نه آن ثقه و اعتماد  
 و اطاعت و انقیاد و معاضدت و تائید در خارج محفل موجود و نه این صفت  
 از مصالح و مقاصد شخصی از طرف اعضای محفل ظاهر و مشهود. تا این دو  
 شرط یعنی خلوص نیت و حکم بر نفس و مشتهیات آن عموماً کاملاً در جامه  
 بهائی تائیس و استقرار نیابد اتحاد و اتفاق ذریع نطقه ای و ذریع امر  
 غیر ممکن و تا اتحاد و اتفاق و اتحاد کامل در بین اجبا جلوه نماید و محکم و ثابت  
 گردد امر عزیز الهی در حالت توقف باقی و از فتح و ظفر ممنوع و محروم.  
 اگر در این تمهیدات اولیه اساسیه خرابیه غفلت حاصل گردد و اینگونه

مشکلات و موانع بمان آید در تأسیسات کلیه و مشروعات مهمه عمومیّه  
 مستقبله خواهد شد و بنسبان بیت عدل عمومی که حلال تمام مشکلات و  
 مربع کل امور و ذافع کل قوانین است چه وقت مرتفع خواهد گشت و نواب  
 مقدسه حضرت عبدالبهاتکی متوق و معطل خواهند ماند. اگر در این سبیل  
 با وجود تصریحات و نصوص قاطعه آئینه اجمال نمانیم و در این اجمال مداومت  
 کنیم فواجس را علیسان علی قرظانی جنب الله. حق علیم مقدر قهار شاهد  
 و گواه است که این عباد تعدد و تراکم صوبات و مشکلات و کثرت زحمات  
 و حصول موانع خارجیه شکایت نماید و ملال نیارد چه که یقین مسین میدانند که از  
 این قبیل مشکلات بر قدر بر سبیل امر وارد گردد با مال ضرری از آن حاصل  
 و علت تزییف و توهمین گردد بلکه سبب شود که عاقبت اسرار حکمتهای بافته  
 اصدیه مشهود و ظاهر گردد و مبادی سامیه آئینه معروف و مشتمل گردد.

ولی چگونه توان گفت که عدم الفت و تعاون و تفاهم که در بین یاران  
 اخیراً از دیا و یا قسه از لوازم ضروریه و حکمتهای الیه محسوب. نه خیر و نه فائده  
 بر آن مترتب بلکه شرم محض و جالب و وبال و خسران است. این است  
 که در حال معنوی این عبید تغییر و ارتخا حاصل و در قیام بواجبات و وظایف

مقدسه خویش فتور و قصور واقع . و چون با این اوضاع حالیه پرداختن  
 بهام امور غیر ممکن لذا ناچار گوشه عزلت را اختیار نمودم و در کمال تأسف  
 و غمگینی حاصل تعلقات را بریده دیدم گریبان را بارگاه جلالش متوجه ساخته  
 فرج الهی را ایلا و نهاراً از برای خود و یاران طالبم تا انشاء بندگان  
 انکساست قلوب صافیہ اجاء الله بر این قلب مغر منطبق گردد و روح  
 قدسیه الفت و داد این روح پرورده را بوجد و طرب و استراحت  
 تا فرسند و شادمان و مطمئن و کامران قصد آن اشیان نمایم و در شکر  
 بدست گرفته با قلبی پرشاه و نشاط و محبت و انبساط بعبادت و مساعده  
 نفوس زکیه خالصه طیبه ظاهره ای تحقیق و عود الهیه و نوایای مقدسه حضرت  
 عبدالهباء پردازم . تا چنین گردد و نغمه خوش الفت و داد و اتفاق و اتحاد  
 نوزد و بشام این شتاق همچو نظر زنده امیدی نبوده نیست . دیگر بیش از  
 این گفتن مرادستور نیست و انی افوض امری و امرکم الی الله و الله خیر العالین  
 بنده استانش شوقی

۳۶- بواسطه اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران احببای الهی

و اما در ضمن در ایام تسلیم مقدس ایران ملاحظه نمایند

یا مظاهر الثبوت و جواهر الوفاء و قایمی ناگوار این خسته دل مستمذرات

مدیدی در گوشه عزت بنیادخت و در زیر این سف و حرمان بسوزانید .

ربت حلیم و جمال قدیم شاهد و گواه است که از مجاری امور در این شهر اخیر

بچه عدی ملول و متیج و متاسفم . افسوس درین شدت فشار این بنده

شرمسار را از میدان عمل بزادیه سکوت و خاموشی منتقل نمود و مدتی از وظایف

مترکمه بر نه مقدسه خویش کجی بازداشت . از طرفی در شرق عالم دشمنان

که پر کین و در کینند فرصت را غنیمت شمرده دفعه و اعده هجومی قطع بر وجود

ثابتة ملکوت نموده لطمانی شدید و تعدیاتی جدیده بر آن ستمیدگان صادره دلا

وارد آوردند و آن سباع ضارینه از شدت رعب و خوف از هلاکت غره گران

طیور شکور را از لانه و آشیانه خود دور نموده بال و پر شکستند و بسیر و مان خستند

و آن ذاب کاسره خود سرانه غزالان الهی در چنگال تعدی و جفا گرفته

دم مظهر و شهید مظلوم را یکی در زرد و دیگری را در ارض خا بادیه عشق و وفا بر خیزد

و بنزوه شهادت کبری برسانند . و از طرفی دیگر در بلاد مستعد غرب



در عاصمه محبت ترین ممالک عالم اسبابی خارق العاده و وسائلی کامله از  
 برای ارتفاع صیت اسم اعظم و تیا و فراهم گردید. انجمنی شکیلی یافت و اعضا  
 محرمه آن که هر یک از شاهپیر رجال و دانشمندان عالم و ارکان علم و دیند بصرا  
 طبع و در کمال دوستی و احترام نمایندگان این امر بسین دعوت با شراک در آن  
 انجمن بنموده طلب کشف حجت و برهان کردند. هزار افسوس که متعارف و متعاضد  
 همچو وقایع مؤلمه با آنکه جانگدازی و همچو اقدامات غیر مستطره همه ای این عبد  
 سراپا تقصیر روح آزرده و دست بسته و قلم شکسته در حالی بود که چاره ای جز  
 سکوت و دوری نداشت و مغربی جز صبر و شکیبایی نداشت. حال که دید تقصیر  
 الهی روزنه امیدی بر این قلب مجروح منضوج نمود و سحاب تیره حزن و الم را  
 اندکی متلاشی کرد و این عبد را دوباره بسوی این تعاضد منوره بشید گذشته  
 در وادی نشیمن مدفون ساخت خطابی انس و جملی از آنچه مولای اهل بها  
 از ارفق ابھی بتلاذده خویش در ملک ادنی خطاب می فرماید ندانم و نخواهم  
 این ندا هر دم بگوش بگوش یاران و فادارش متواصل که ای صبیبان  
 من از ارفق ابھی سائیم هر دم ناظر و شاهدیم که در این سنوآت اخیره بر آن  
 فدائیان و شهیدان چه وارد گشته. در آتش فرقت و حرمانم بوختید

دباختید و از جغای مدعیان متعجب مایوس و هراسان نگشتید. ز بر سر بلا  
 نوشیدید و چون کوه آهنین مقاومت بر طوفانی نمودید. عواصف اتمک  
 بلایای ناگهان و من و خلی در عزم و شایستان وارد دنیا در دو انقلابات و  
 صدمات داخله و زریای مستابعه شعله امید را در قلوب صافیان خاموش  
 نمود. شبهات و دسائس عدو لدودم ادنی تردد و توقیفی در حال آن نشو  
 ز کیه تولید نمود و مساعی مخفیانه آن خود پسند سوفا اسباب شبهه و ارباب  
 و ترزل و اضطراب نمودید. ملائکه معتبرین در فردوس برین زبان بوصف  
 و شایستان گویند که هزار آفرین بر شما چه که در عبودت با حصن کعبه را محافظه  
 و از میراث مرغوب لاهل به قسمتی بیروال برداشتید. اسماستان در لوح  
 محفوظ الهی ثبت است و انوار بان از افق عزت ابدیه الی الابد جهان فروز  
 آنچه واقع گشت چه از تعدی اعدا و جغای او را هر دور اخبار نمودم و شمارا  
 از برای همچو یوم مرعب مدیسی برانگیم پس تا سف مخورید و دل شکسته نمودید  
 بلکه در این صراط که اعدا رسیف و ادق از شعراست مداومت کنید زیرا  
 اندازات قلم اعلی عنقریب کمال تحقق یابد و بشارت طلوع صبح هدی رخ  
 بگشاید. قد اقرت ان الله صوف ترون علما ابھی جو ہرہ دین انہ علی اعلی

میتاقتند حسنه نژاد المیزانین فی خسران بسین .

حال ای برادران و خواهران روحانی باید نظر بواجب امور نمود و از عوارض  
و شون فانیه عالم امکان بزار شد . باید از این بید بفرمی شدید و روحی بید  
کل متحد چون نفس واحد بگفت و فرزانی آنچه را از این سیل رنج و بلا باقی مانده  
بفرح و نشاطی نمانیم تا انشاء الله در این چند روز زندگانی خوش سفینه  
امران از طغیان طوفان برسد و با صلح نجات و امان رسد و اگر چنانچه اراده  
مطلقه بر این تعلق گرفت و مقصود آمال بزودی چهره نکشاد و شیوه عشق و وفا  
که از رب عزیزمان هشتاد سال تعلیم گرفته ایم باز ماندگان خوش بسیاریم  
در رویه حسن استقامت و ثبات را در قلوب و آث ملکوت از ابناء و بنات  
خوش تائیس و مستحکم نایم تا این امانت آسمانی و پیام نیردانی بمرور آیام از  
هر آلودگی و مین و آسبی مصون مانده در اعصار و ادوار آتیه سیکل عالم  
امر را روحی سیحانی دمد و نوع بشر را از حسیض ذلت و خسران باوج آسنا  
رساند . هر چند آنچه از قلم اعلی نازل گشته محتمل است و واقع و حکم بد  
از آن مرفوع ولی بقدر قوه و امکان این عبد آستان در تسدید باب  
فساد و نفاق و فتنه و افتراء و منع اذیت و آزار و احقاق حق منطوقین

و تحصیل اسباب سرود و آسایش و منیت آن یاران محسن حضرت عبداللہا،  
 بدل جان سعی اقدام نماید و قصور نکند ولی آنچه در مقام اول دافع ہجوم  
 و کافل و ضامن سعادت یاران است بہمانا تعلیب قلوب و تہنہ و تذکرہ  
 ولایہ امور و حکام ارض است و آن خبر تعلیب القلوب در رتبہ اولیہ احد  
 دیگر چارہ نتواند . از در گاہ کینا نجات دہندہ عالمیان از اعماق قلب  
 مسالت نمایم کہ آنچه را وعده فرمودہ چون شمس در وسط سما، ظاہر و  
 آشکار سازد و لا بد در این مکتبی مستور و مکنون است بمرور ایام کثوف و دوح  
 گردد . آنچه کل مکلف برانیم حسن سلوک و تحمل شدائد و کروب و حفظ و استقامت  
 اساس وحدت جمع اہل کعبہ و توطید ارکان اتحاد و اتفاق و جناب  
 از ناقصین میثاق و عدم مداخلہ در امور سیاستیہ و مخاصمات طوائف  
 و احزاب و مداومت در توسعہ و تقویت اساس محکم ترین بویت عدل الہی  
 و استخدام ہر یک از این محافل روحانیہ از برای اجرای مواعظ و نصائح  
 الہیہ از قبیل تعمیم معارف و تشفیف عقول و تحسین اخلاق و رفع تعصبات  
 و ارتقاء مراتب نساء درصیت اجتماعیہ و تریید تفاہم و اشتی درین طبقات  
 نفوس و تحصیل محسن و الامام زندگانی و ترویج منافع عمومیہ و تشیید ارکان

صلحی موبد و عمومی در بین تمام دول و مل و طوائف و اجناس و مذاهب  
 عالم . باید این محافل روحانیة که حال اسایش گذشته شده مجتمعاً و  
 و متدرجاً خدمت باین مقاصد عالیہ نمایند تا از سائر تأسیسات و مجتمعات  
 متعدده متراپیده عالم بفعال ممتاز گردند و چون مصابیح هدایت کبری جهان  
 آفرینش را مرآت ملاء اعلی نمایند . اینست مآرب اهل کعباء .  
 این است فرائض اهل وفا . میدان وسیع است و وسائل فراهم و مهیا  
 و نصرت من قام علی نصره امری بخود من الملأ الاعلی

هنیئاً للعالمین . ۲۴ سپتمبر ۱۹۲۴

بنده استانش شوقی

۴۸ - - بافتخار اعضای محترمه بجنه شرفیات طهران

برادران روحانی و فاقو ثبات یاران ستمدیده ایران این

دل شکسته محزون را باین شطر رحمن بکشاند و هم عالیة اعضا

آن بجنه محترمه هموم را بسر و مو فوراً تبدیل نمود. و ظائف محفل شو

و بجنه های آن در این ایام در نهایت درجه اهمیت .

امیدوارم که اساس ایوبانیو ما محکم تر سازید و دایره خدمات را

اتساع دهید. از دعا شمارا فراموش ننمایم مطمئن باشید

بنده استانش شوقی

بواسطه نشی محفل روحانی طهران

جناب آقا میرزا علی کسبه روحانی ایدیه الله

طهران اعضای محترمه محفل مقدس روحانی ایدیه الله و عظیم  
یا مناء الله و اصفیاءه روحی و راحتی لکم العزاء نامه محفل روحانی تبارخ  
۷ اکتبر ۱۹۲۴ واصل حکایت از بهمت و ثبات و اتحاد و یگانگی و عشق  
و وفای آن حافظان و عارسان حصن شریقه الله در این ایام مظلمه میسرود  
سرور و نور بخشید و علت اطمینان و انتعاش این خسته دل مشتاق گشت  
آنچه رایاران ستم دیده ایران عموماً و اعضای محفل طهران خصوصاً در این شهر  
اخیره و ایام عبیره تحمل گشته اند و اجرا نموده اند کمال در نهایت سطوع و وضوح  
در ساحت کبریا معلوم و مشهود و این عبد محروم بر هر یک از آن شابد و آگاه  
فی الحقیقه افراد و محافل کسب ایان در تمام ایران در مقابل این بلیات  
متواتره و آفات و محن تکاثره و منازعات داخله و تهدیدات شدید و  
مغریات و دسائس خفیه و اضطرابات مانده چون بنیان مرصوص متعاد  
عواصف کون و امواج امثال را نمودند و چون ذهب ابریز در آتش  
افستان چنان رخی بر افروختند که پرتو آن قلوب اهل غرب را از برآ

و خواهران روحانی خویش مشعل و مستبشر و نورانی نمود و آنان را بخدمات  
 کلیه در آن ممالک شاسعه آزاد در این ایام موفق کرد و این عبد سر ایا تقصیر  
 بکوی جانان بکشید و انتعاشی جدید و امیدی شدید در این قلب عزیز  
 بدید و حال نیز این فتنه مظلومه بقوتی ملکوتی و غمی آسمانی و امیدی الهی  
 و بشارتی سبحانی در این معرکه حیات حاضر و مترصد هرگونه آشوب و بلایی  
 هستند و از مشقات متوالیه و موانع مترایده است و هر انسان و ملول نگردد  
 یقین بسین دانند که هر قدر افاق عالم تاریکتر گردد و زلزل عالم کون بیشتر شود  
 و برج و مرج اتساع یابد طلوع فخر موعود قریب تر گردد و اسباب تجلی  
 و سطوع انوارش سبتر فراهم آید . بچشم بشارت سامیه جان پروری لابد  
 اینگونه مقدمات و تمهیدات مدیسه مرعبه ای خواهد داشت چه که تحقق عود  
 صحنی الهیه بر جنبه و تذکر تمام هیئت اجتماعیه بشر موقوف و این تذکر و جنبه  
 عمومی جز بوفوریات و تعدد اضطرابات و تزیاید مشکلات حاصل گردد این است  
 که اهل کعبه از جام طمیسنان مرزوقند و بروج امیدزنده مشغول .  
 بیدار و متوجهند و ثابت و هموشیار . بدل و جان ساعی و جا بدهند تا آنکه  
 که از فشار بیلیات اسس امر الله و جوهر تعالیم الله بتدریج از دست رود و



تعمیم و از دیار و ذرائع استیانت مبادی اصلیة این خویش متروک و تارک شود  
 و از تطاول بدعا و دسائس شرار ادنی غلطی در شریعت مقدسه راه یابد و انکاح  
 مشوشه حالیته هفت خبرنی انحرافی از آن صراط مستقیم الهی گردد .

اقليم مقدس ایران در این اوان منقلب افکار عموم در سببان مرد و جنین تعالید  
 خائف و هراسان ارکان مؤسسات عتیقه ترغیر و افراد ملت بعضی در  
 بین یقظه و منام و اکثری مبهوت و آزرده سرگردان . در ایران حال و قیام  
 اخیره انظار ارم را از بعید و قریب بخوی عجیب متوجه بایران و ایرانیان ساخته  
 وقت عمل و قیام است و زمان رجا و تحصیل آمال باید آن سنیت مبدله که اعضا  
 محض مرکزی آن قلمیند جمعا و بتیاید و تعاون افراد بهائیان در تمام ایالات  
 و ولایات روش و سلوکی اتحاد نمایند که اسباب صیانت و تغزیر و تقدم هر آن  
 گردد .

امر مشورت در این ایام بر انقلاب انوارم ضروریه محسوب و در امور عمده عمومی  
 استشاره از اراض مقصود محبوب و مطلوب .

از طرفی کل مجاشرت با روح و ریجان با آشنا و بیگانه از کل فرق و مل  
 و نخل و ادیان ما موریم و از طرفی دیگر از معاشرت و مخالطه با شرار کجی مریع

اعضای محافل و افراد احزاب در این ایام تنگی و ابتلا باید در اجرای این امور سیاستاً  
 قبلأ و کاملاً و دائماً اقدام نمایند :

اولاً عدم تمایل به فعلی و چه قولی با خراب سیاستیه و عدم اتفاق و مخالفت  
 با پیروان آشوب طلبان و تمسکین با بکار شوشه و صور موهومته خارجه .

اهل کعبه چه در ایران و چه در خارج آن موطن جمال اقدس امجی را پرستش  
 نمایند و در احیاء و تغزیر و ترقی و ترویج مصالح حقیقیه این سرزمین منافع و رحمت  
 بلکه جان و مال خویش را فدا و ایثار کنند ولی بواسطی فعالیت فعاله و وساطی الیه  
 تشبند . در تحسین اخلاق و تعلیب قلوب افراد و اصلاح ملت ساعی و جاہدند

نه در تأسیس و وضع قوانین و سنن و شروعات مادیه حدیثه . از تقلید بزرگان  
 و باسما و رسوم جدیده تعبدی ندارند و از احزاب و فرق مغروره متخاصمه

چه از حزب اشتراک و انقلاب و چه از نظامیان و سلطنت جویان و جمهور  
 طلبان و تقلید پرستان تمایذ و دورکنار . ادنی مخالفتی با اسپیکه ندارند

و ضدیت و مقاومت نمایند بلکه خود را مر و جین امری روحانی دانند که  
 بالمال فائق و شامل بر مقاصد اصلیه کل است نه معارض آن .

بر حکومتی را طوعاً اطاعت نمایند و هیچوجه متعرض نشوند و مقاومت نکنند

صادق و امین و مطیع و خیرخواه باشند. احباب باید با موری مشغول گردند  
و متعهد وظایفی شوند که ثمراتش بمجموع ملت راجع گردد نه اینکه فقط مایه انتفاع  
بعضی از رؤسا و اشخاصی معدود باشد.

ثانیاً یاران و اعضای محافل باید با اعمال و رفتار و سلوک در کل احوال و در  
تمام شئون و در جمیع معاملات نزیت و حقیقت و قوت و تمکین آئین  
مقدس را با بنا، وطن خویش نمایند نه آنکه اکتفا به تبلیغ و بیان و تفسیر و تشریح  
کنند. حضرت عبدالبها، امین حقیقی شریعت حضرت بهاء الله می فرماید:

« بهائیان باید نظربین امر و قیام نمایند که مانند سایر ادیان بعربده و ای  
و هوئی و لفظی معنی کفایت نمایند بلکه بحمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی  
و روش و رفتار نفوس ربانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی  
هستند نه لفظ بمعنی و بهائیان این است که شب در روز بپوشند تا در  
مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نهایت آرزوی هر یک این باشد که  
نوعی روش و حرکت نمایند که جمیع شرازان مستفیض و منور گردند و نقطه  
نظر گاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و رفتارش سبب  
ترقیات ناقصانیه گردد. چون باین مواهب موفق شود میتوان گفت

که بهائی است و الا در این دور مبارک که فخر اعصار و قرون است ایمان  
 عبارت از اقرار بوجدانیت الهیه نه بلکه قیام بحجج شون و کمالات  
 ایمان است. « ملاحظه فرمائید که این بیان چقدر شدیدترین شکل الاجراست  
 ولی تا بحسب ایشان باین طراز کما فی سبیل و طبع فرین کردند چشم عالم چنانچه باید  
 و شاید متوجه باین شود و نام بهاء الله جهان انسر روز نگردد .  
 یاران برگزیده ایران باید نظریه پستی محیط خود و دنیا و اخلاق و سوء رفتار نفوس  
 در حول خود نمایند و راضی بامتیاز و تفوق نسبی نگردند بلکه باید نظر را  
 باوج مرتفع نمایند و نقطه نظر گاه را تعالیم و نصائح قلم اعلی قرار دهند .  
 آنوقت معلوم شود که هنوز از برای کمال در وادی سلوک مراحل عیدیه باقی  
 مانده و طی مسافتات کمرده بسر منزل مقصود که تخلق باخلاق و شمیم الهیه است  
 هنوز وارد نگشته ایم . پس مآله سالکان بسیل نجاییم باید تمام قوی بگوئیم  
 تا در مجالسات و مکالمات و معاملات و مشاغل و مقاصد مان با تمام  
 طبقات نفوس در امور خربی و کلی در هر دقیقه و آنی آن روح مودعه  
 در تعالیم حضرت بهاء الله را بغسل اظهار و اعلان و اثبات کنیم و چنان  
 جلوه نماییم که بر کل ثابت گردد که جز قوه جامع روح حضرت بهاء الله

پیچ امری در تطبیق اهمیت نماید و خلق جدید نکند اینست یگانگی اسباب  
نجات و ظفر امر الهی .

مثلاً این محافل روحانیه اولاً محض اجرای این امور تائیس شده  
و ثانیاً مقصد آن تهیه تمهیدات کامله مستقنه از برای تائیس مبتدعین  
الهی است که چون آن محور مرکزی اهل کعبه در نهایت جدال و اتقان  
استوار گردد دوره جدیدی رخ بگشاید و نعماد و الطاف سماویه از آن مینهد  
گردد و دعوت کلیه حبلوه نماید . اعضای این محافل روحانیه باید در تمام  
امور موجوده همت شایان بگذارند و تحقیقات کامله اجرا نمایند و تعقیب  
مسئله ای کنند و تمسک و تدبیر در خیریات هر امری نمایند و از روی دلجویی  
و حکمت نبشاط تمام قیام کنند و مشورت حقیقی بپردازند و بدو مبدأ صحت  
و صداقت تمسک تمام جویند و بعد از آن تمام حکم کنند و در اجرای فوری  
قرارهای خویش همت وسیعی کامل مبذول دارند تا قابل ولایت اعتماد و  
ثقه و اتکال و انقیاد و اطاعت و تائید و مساعدت سایر یاران شوند .

و اینها این محافل روحانی باید همت تمام و بقدر استطاعت خویش و  
حسب اقتضای زمان و مکان بوساطی تشبث کنند و اقداماتی بعمل آرند

که عمودیت این بهائی را در انظار اخبار جلوه دهد و ثابت گردد که بهائیان بصیانت و تعزیز و تقدم بهائیان و ایرانیان که هم‌دین و هم‌وطن خود هستند اکتفا ننمایند بلکه محبت و خادم و مروج مصالح عالم انسانی هستند و تا با اعمال و اقدامات با بهره این امر ثابت نشود اعلان و بیان آن اثر کامل نخشد و مقصود اصلی حاصل گردد. اینست صلاح اهل بهاء، این است جوهر حقیقت تعلیمات حضرت عبدالبهاء، اینست مایه روحانیت و امیدواری و اطمینان قلب این عهد بی‌نوا.

این عهد پر تعصیر همواره آن شیفتگان مظلوم را بیاد آرم و از درگاه ربّ قدیر از اعماق قلب مسألت نمایم و تضرع و مناجات کنم که بجهت و مشیت خویش این موانع شدید را از میان بردارد و اهل ظلم و عدوان را مستنبه سازد و برکت آسمانی در امور مادی و روحانی عنایت کند و با الهامات و تأییدات غیبی آن ستم‌دیدگان پرشوق و وفار انجمن‌ماتی صلیبه و اقداماتی با بهره‌مندی عظیمه در ظل کلمه الله در مستقبل ایام موفق دارد. ان ربنا لعلم و تدبیر و بالأجابه جسدیر

۳۰ اکتبر سنه ۱۹۲۴ بنده استانش شوقی

بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی مرکزی ایران علیم بهار لنگه

برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران

ملاحظه فرمایند

ای عزیزان حق روحی لمطلوبتیکم العدا، چندی است از آن موطن عزیز  
 حوادثی حیرت انگیز متتابعاً با سمع عاقلان کعبه مقصود رسیده و قلوب و رفا  
 مقدسه بلکه ارواح مؤمنین و مؤمنات را در شرق و غرب عالم در آتش آ  
 و الم گذاخته . از جهتی تلونات و مقضیات یاسیه و آشوب انقلابات  
 داخله دشمنان خصمه را بیدار نموده و بر شقاوت و جبارت اشراطلوم و جو  
 افزوده و از جهتی دیگر تنگی و عسرت و ضیق معیشت و احتمال امور زندگی  
 دچار بندگان الهی گشته برکت و اقبال و آسایش و رخا را برنج و محنت  
 مبدل نموده . از طرفی تغییر مشرب و انقلاب افکار اساس دینیت و تعوی  
 مترغزع ساخته و غرب تقلید و ارباب را اعداد نموده و بر شکل و موافق  
 تبلیغ افزوده و از طرفی دیگر فاجعه ناگهان سیل غمان کن خانمان یار  
 منهدم ساخته و هم غمغیری از عزیزان زیر پریشان و سرگردان نموده و در  
 ورطه احتیاج و خسران شدید انداخته . ای خسته دلان جان نشا

یدتقدیر دست شما کارنامه آخری برستمدیدگان بگنایه مسلط فرمود و شست  
 می تقدیر بر این تعلق گرفت که بطیات و آفات گوناگون نیز چون سیل منهد  
 بر حزب مظلوم مترادفا متواتر انازل گردد. میزان آزمایش است که در این  
 سین شدا و تمهیداً الوعدہ الکریم و ترویجاً لمبدئہ القویم خداوند حکیم در آن قلم  
 بر افروخته. دلخون و هراسان گردید اسبابی است مقدر و محتمم که  
 مسبب الاسباب بار آورده ازلیه و قوه لازمیة خویش را کما لکل معاکس حسود  
 فراهم آورده تا این خویش در این صین در آن من عالم جلوه دهد و در مستقبل ایام  
 در آن کشور مقدس منظر و مشکم سازد. بزار و مایوس شوید. در الواح الهی تفرین  
 نمایند «تالله الحق ان الامر عظیم عظیم. بده کلمه کرنا فی اکثر الالواح  
 لعل تتسببه به العباد» و در مقامی دیگر این بیان نازل «ان هذا الامر  
 عظیم عظیم. زود است که عظمت آن واضح و برهن شود.»

این آئین آسمانی را بشون عالم امکان معایه نتوان نمود و بقوای مادیة کونیة  
 مشابه و موازنه نتوان کرد. سراپرده این مظلومیت کبری مرتفع و ترویج  
 و تقدش بوسائل معنویة خصیة و اسباب مد همیشه مرغبه غیر منظره مشروط  
 و منوط. لسان قدم تسلی دهنده عالم می فرماید «انه ما قدر من قلم تقدیر



لاجبانه آما هو خير لهم و نسند بان يرفعهم على الصبر و الاصباء لئلا تمنعهم البلاء  
 عن صراط الله العزيز العليم . . تحقیر و توهمین هر مؤمنه موقفه ای باب عزت  
 ابدیه را بر وجه عموم نساء ایران بلکه تمام جهان مفتوح سازد . از ضرب و شکنجه  
 و ابتلاء جوانان جدید الاقبال روح بدیعی و نشاط جدیدی در عروق و سرپایان  
 حکم امر الله ساری و جاری گردد . آه مملوفان که در این واقعه جانگداز  
 میرو و سامان گشتند بسمع روحانیان در بلاد غرب رسد و انعکاسات  
 قویه اش حرارتی جدید در عالم کون احداث نماید و روابط معنویه ای ایجاد  
 کند و جوهر این آئین آسمانی را در نظر آشنا و بیگانه مکتوف و نمایان فرماید .  
 در این سنین اخیر هر چند بلا یای و آرده بسرعت و شدت و تنوع در ایامی شهور  
 در این شهر اخیره نبوده ولی با وجود این از اثر فشار و تاملات روحیه یاران  
 ایران نهضت عجیبی و تقدم سریعی از برای امر عزیز الهی در قطعات نخبه حاصل  
 گشته . ایران خاض و ذاهل . یاران ستمدیده اش سیر و مستلا ولی جنود  
 حیات حاملان پیام نجات در اقطار شاسعه آزاد در جولان و نفیستح  
 مدان قلوب مشغول . قوه محرکه دافعه که کافل خجاج این نفوس زکیه است  
 همانا حرارت و اشتعال و اثرات اذیت و آزار و آرده بر یاران صاف و لای

ایران است. اینست که می فرماید « نار الهی چون در شرق برافروزد  
 شعده اش مغرب تباید و تاثرش در شمال و جنوب ظاهر گردد. »  
 ملاحظه فرمائید که بجز نحو مصداق این بیان اعلیٰ تحقق یافته. در ممالک اروپا  
 و خروج که در اقصی شمال قاره اروپا واقع و همچنین در مقاطعه شمالیه آلمان  
 و در افریقی جنوبی که اقصی جنوب قاره افریقا واقع و در ایالات غربیه  
 ممالک متحدہ امریکا که با اقصی الغرب معروف است و در شرق اقصی قاره  
 استرالیای صیت امر الهی مرتفع و محافل روحانیہ بسرعتی فخر معقول تائیس  
 و تکمیل میگردد. مکاتیب متعددہ از نقاط مختلفه پی در پی وارد حتی  
 اقالم جدیدہ در ظل لواء امر الله داخل. در جاهای جنوبیه قطعه امریک  
 یعنی پرو و برازیل یارانی بتسلخ و ترجمه کتب امریه و تائیس محافل روحانی  
 مشغول. در جزایر اقیانوس اعظم در دو جزیره کوبا و فیجی نیز نفوس منقطه  
 بتبشیر دین الله مشغول و مالوف. در عاصمه اطریش جدیداً ایازان محفلی  
 آراسته و در نهایت محبت و جدیت و صفات توسعه دایره خویش مشغول  
 و ممالک مجاوره مجرستان و پولند و رومانیان نظر را متوجه ساخته.  
 تا بحال محدودی اشغه تعالیم الهی گشته و بشر و توزیع آثار امریه قائم

وزیر از دانشمندان عالم که در نطق و فصاحت شائر بالبنانند و در علم و فنون و کمال  
 مشهور و معروف پرده او نام را در دیده بیاریان الهی منضم گشته اند و در ممالک  
 و دیار امریکه بسیار و بقوه بیان تمسخر مدائن قلوب مشغول .  
 بذکر کیفیت تائیس و ترویج امر الهی در قاره استرالیا اخیراً اکتفا میرود  
 تا معلوم شود که نیران باسا، و ضرا، که در ایران مشتمل است چه تا بشو و تأیری  
 در اقصی بلاد عالم نموده : چهار سال قبل دو نفس زکویه هر دو نحیف و علیل  
 المزاج با بضاعتی مزجانه بی آشنا و سفارشی و تهیه مقدماتی تنها از  
 وطن خویش امریکه به یار غربت باقصی اشرق شتافتند و بعلقبی فارغ و صدری  
 واسع و بتمتی حیرت انگیز در قاره شامعه استرالیا چنان سمنند توکل را  
 در جولا گناه خدمت ناخستند و محافل فودانیه در نفس آن اقلیم و جزائر مجاوره  
 نیز یزینند و تسامیا بمانت و بر عقی تائیس نشر نمودند که حال عده نفوس  
 مطمئنند که در این مدت چهار سال بنور ایمان فائز گشته اند بجایی رسیده که  
 چند روز قبل نامه خصوصی نگاشته اند و دستور العملی مخصوص از برای تبلیغ  
 اولین محفل مرکزی قاره استرالیا طلبیده اند و بیتی از این نفوس مستعد  
 نمونه بعزم زیارت ارض مقصود مسافرت نموده و در هفته آتیه حسین را

بر عتبه مقدمه خواهند نهاد و با غلظت آمال و مقاصد فائز خواهند شد .  
 علمای سودگمان نمایند که بزجر و عقوبت و پستی و دنائت و ظلم و ندامت  
 روح آزاد این امر مستحود و مغلوب گردد و این جلوه ملکوتی بعبار عدوان  
 و طوفان طغیان تاریک شود ولی غافلند که این جور و ستم دول و امم بیدار  
 نماید و بر آنجست و سطوح نیرافاق بفرزاید و شوکت و صولت و سلطوت  
 خویش عاقبت از بنیاد براندازد و مضمحل سازد « میدون ان بطینوا نوراً  
 با فواهم و یابی الله الا ان تم نوره ولو کره الکافرون » بحق این نعو  
 است که میفرماید : « سوف یاتی یوم یضیون انما ظلم بین انیا هم و یکلون  
 علی انفسهم سوف یأخذهم زبانیة العقر من لدن عزیز مقدر قیوم . »  
 اگر در موطن اصلی موقتاً آئین زردانی را فتور و خموتی حاصل و آهنگ ملکوت را  
 ضوضاء مغلیس مانع ولی در اقالیم بعیده در او اسطاقیانوس پیسیفیک  
 و در جزائر مجاوره و لوله اش مرتفع و نودش لایح و علم قصر شیدش قتمونج  
 و با همسر این است که از قلم اعلی این بیان آتم اعلی نازل :  
 « لو یسترون النور فی البرانه یظهر من قطب البحر و یقول انی محیی العالمین »  
 حال ملاحظه فرمائید که این اقدامات جلیده و این فتوحات اخیره در آن

ممالک وسیعہ وقتی واقع کہ یاران پر چندہ نمود و خطر واقع تا حدی در محد  
امن و امان آرمیده بودند. حال کہ دوبارہ شدہ شر را بر جادہ قلب آن قلم بر رخ  
اثرش در ممالک غرب چہ خواهد بود .

بمجرد وصول اخبار این وقایع جانگداز غمرازیآ و کتباً بجمع محافل غرب  
منفصلاً مخابره گردید تا بر مجاری امور و اوضاع عالیہ مطلع گردند و بر خاطر  
و موانع و احتیاجات یاران عزیز ایران کاملاً مستحضر شوند و حاضر و مہیا گردند  
کہ اگر چنانچہ این آتش خاموش نرود بوسائلی فعالہ تمسک شوند و با ویای دور  
در ایران مراجعہ نمایند چہ کہ بعض صریح از شکایت و تظلم منوعیم و بصدقت  
و خیر خواہی و اطاعت و امانت مامور . و اضحای منسہ ماید :

« ليس لأعدان يعرض على الدين فكيف على العباد دعوا لهم ما عندهم  
وتوجهوا الى العلوب » الحمد لله بمجرد وصول اخبار فاجعه موطنه  
نیریز برادران و خواهران غمخوار در بلاد غرب علی الخصوص ایالات متحدہ  
امریک ہتمی شایان سبیل اعانہ محتاجین مبذول نمودند و اعانات کلیمہ  
پی در پی غمرازیآ ارسال نموده و مسہل نمایند . فی الحقیقہ وحدت و یگانگی  
جمع اہل مہسا و حقیقت روابط معنویہ کہ شرق و غرب عالم بہائی را

بکدیگر چون اعضاء و جوارح یک تن مرتبط نموده . بعضی ثابت نمودند خاور  
 و باختر مانند دود لبر در آغوش و صین و نخوار و مساعد یکدیگر گشته و این نسبت  
 مگر از قوه قاهره محیطه امر الهی در این فتنه نوزانی . حال علی العجابه  
 دوستان غرب بجاونت و تخفیف مصائب وارده بر یاران ایران قیام  
 نموده اند . عنقریب بدلول این آیه مبارکه روح افزا خدماتی کفیه بشود  
 ایران و مصالح ایرانیان خواهند کرد . می فرماید :

« عنقریب برادران اتان از اروپا و امریک با ایران خواهند آمد و تسلی  
 صنایع بدیعه و بنا و آثار مدنیّت و انواع کارخانه ها و ترویج تجارت و تکثیر  
 فلاحت و تعمیم معارف خواهند نمود . . . خواهند آمد و خطه ایران را بشکند  
 جهان و غبطه اقالیم سائر خواهد نمود . » حال علامم و مقدمات  
 اولیه این وجود صریکه در نقاط مختلفه ایران اندکی ظاهر و نمایان گشته  
 بتدریج آنچه از قلم خفی مسطور گشته در نهایت جلوه و وضوح از افق آن خطه  
 منقلب اشراق نماید .

ای برادران و خواهران روحانی هر چند الیوم افق آن کشور تاریک  
 است و مصائب و متاعب متنوعه مترادف و مستتابع . ارکان

کشور مزلزل است و افکار در نهایت بیجان . ابرار بی امن و امانند  
 و اغیار در نهایت بغض و عدوان . ولی این تنگی و پریشانی و ذلت  
 و نادانی باقی نماند و این جور و اسارت و انقلاب و وحشت دوامی نکند  
 « سوف ینظر الله من بذا الافق نوراً و قدرته و کعبه تطلم الشمس  
 و تحو آثار من استکبر علی الله و تستفی وجه المخلصین »

چشم انتظار را متوجه بیخارات قلم اعلی فرماید و دیده امید را بوعود شسته  
 کتاب اقدس و الواح سائره روشن و منور سازید . چه خطابی اصلی  
 و چه بیان و وعده ای اکمل و انسب و اعلی از این آیات محکمات  
 که از مخزن قلم ابجدی نازل . قوله تعالی :

« یا ارض الطاء لا تحزنی من شیء قد جعلک الله مطلع فرح العالین  
 لویثاء یجمع اغنام الله الّتی تفرقت من الذناب . انّه لا یقطع عنک  
 محنات الا لطف سوف یاخذک الاطمینان بعد الاضطراب »  
 و از کلمک میثاق این بیانات و اقیه جان پرور نازل :

« عنقریب ملاحظه خواهد شد که دولت وطنی جمال مبارک در جمیع بیسط  
 زمین محترمترین حکومت خواهد گشت و ایران محمودترین بقاع عالم خواهد

شد. ان هذا الفضل عظیم و ان فی ذلك لعلیه لفسخین .  
 این وعود الهی و بشارت سامیه که از قلم اعلی و ملک علم نویز  
 عهد و میثاق نازل شده بمذلول این آیه مبارکه حتمی الوقوع است .  
 قوله الاصلی : « و آنچه از قلم اعلی جاری بسته ظاهر شده و خواهد شد  
 و لایستی من حرف الا و قدیراه المنصفون مستویا علی عشر الظهور »  
 ولی صبر و تحمل و شجاعت و شهامت لازم . زود است آن اقلیم جبهه انیم  
 گردد و مظلومان ایران فخر جهان و معتدای جهانیان گردند .  
 و ان هذا الوعد غیر مکتوب

۶ مارچ سنہ ۱۹۲۵ بندہ آستان شوقی



## ۴۱- بافتخار شرکت نونخالان

طیور حدیقه بقا اطفال ملکوت را از آستان بهسارتقیات معنویه  
استدعا نمایم و اعضای محترمه شرکت نونخالان را موفقیت کامل و  
نجاح باهر و برکت آسمانی آرزو نگاه الهی التجا و تمنا کنم. امید شدید از  
الطاف رب مجید چنان است که آن شرکت محترمه بوسائلی فعاله  
دائره خویش را وسعت دهد و بر تقدم اطفال سفینه اید و اسباب  
ترقی و تحسین اخلاق و سعادت و آسایش را فراهم آورد و حقوق  
نونخالان را کاملاً محافظه نماید و بهیئت جامعه بهسانی را مغترز  
و سرافراز گرداند. در جمیع شوئن و معاملاتش ممتاز از سایرین شود  
و چنان معروف و مشتهر گردد که اسباب عزت امر الله و اقتدار ایران

و ایرانیان شود

بنده آستانش شوقی

اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران آید هم الله و حفظهم

یا انار الله و اصفیانه روحی لشبائکم و وفاکم الغداء

مکاتیب اخیره تاریخ ۴ و ۱۲ و ۱۹ و ۲۶ مارس و ۲۱ آپریل ۱۹۲۵ میل

و بنهایت دقت مطالعه گردید. اعضای منتخبه محفل حیدرآبادی

شدید از درگاه رب مجید طلیم تا بوظائف متعدده مترایده محمده خوش بنهایت

سرور و نشاط و مسانت و اطمینان قیام نمایند. ترویج کلمه الله نمایند

و حصن حصین امر الله را محافظه فرمایند. روابط مستینه ای بین شرق

و غرب جامعه بهسانی ایجاد کنند و حقیقت و نوایای این آئین مقدس

را بوسانلی متقنه قولاً و فعلاً بزمامداران و اولیای امور اظهار و اثبات

نمایند. در ترویج منافع عمومی بقدر وسع و استطاعت بکوشند و در بسیل

تربیت اطفال از ذکر و انانث و ترقی عالم نساء، همی شایان مبذول دارند

و از منازعات سیاسی و احزاب مستبغضه و مبادی سقیمه و افکار شوم

و محاسنات داخله و تعصبات جنسیه کلی احتراز نمایند و بتطهیر اخلاق و تزکیه

نفس و ترقی افکار و از اذه تعصبات بدل و جان بسپارند.

این است لوازم ضروریه ایران و ایرانیان. این است یکانه نجات

دهنده عالم انسان . امید چنان است اعضای مجلده محترمه محفل مقدس  
روحانی مرکزی مجسائیان ایران منظمه این کمالات گردند و رواج این  
مبادی سامیه شوند . این عهد در احیان زیارت از برای عموم یاران  
ستمیده ایران عون و صون و هدایت و تائید الهی را استدعا و  
التجائیم تا از مکاره و شرور و آفات زمان مصون و محفوظ مانند .  
از رواج کدره فساد و محوم ارباب امتحان شام را منزه و مبرا سازند و از  
اهل تقلید نبات یابند و از صراط مستقیم آبی منحرف نشوند . بعونه الهی  
دیانت در جمیع شئون و احوال متمسک گردند و از دسائس و منقریات بیوفایان  
ست عنصر اجتناب تام نمایند . روح امید و نشاط در میان کل پرورده  
بدند و مگشتگان بادی ضلالت را بقوه نافذ کلمه الله شریعه تعاهدت  
نمایند . از باساء و ضراء متاثر نگردند و از ظلم و جفا طول و برسان نشوند  
این است دعا و تمنای این عبد بسینواد در جوار این بقاع علیا .

راجع بنامه و سوالات مجله محترمه ترقی نسوان این مورد

بفرموده حضرت عبدالبهاء به بیت عدل عظیم راجع . حال عبادت  
آنچه را اعضای محترمه محفل مرکزی است در دهند همان محبوب و مقبول

از اقدامات اعضا، محترمه این مجله و طبع و انتشار تقویم بجهانی سرور  
 و ممنونم و موفقیت و ادامه آن نعوس زکیه را در خدمت بصالح نساء  
 در تمام ایران راجی و متمنی .

۹ می ۱۹۲۵

بنده استانش شوقی

بافتخار اعضا، مجله نشر نفحات ایران

-۴۳

برادران روحانی شایسته نورانی آقا ذکرائه بارضی تعدیه فائز  
و بشارات همت و سعی و ثبات آن مجله محترمه را بسمع این عبد شائق  
رسانند. پیامهای این عبد را بان عزیزان ابلاغ خواهند نمود  
در حق هر یک دعا نمایم و موفقیت اعضای مجله نشر نفحات را از درگاه  
ملک مختار استدعا نمایم.

امید دارم بشر آثار الهیه و تقسیم و انتشار بشارات قدسیه و توزیع  
احسب اوراق امریه در صفحات ایران خصوصاً و نقاط خارجه عموماً  
کامیابی و طبع موفق و مؤید گردید. نشر نفحات مسکینه این امر اعظم  
نمائید و قلوب و ارواح پر مردگان را از مؤمنین و مؤمنات باهنر آرزید  
فرا موش نشده و نخواهید شد  
بنده استانش شوقی

اعضای محترمه و محفل مرکزی ایران اید هم الله

هو الله

یا احب الله واصفیاء این عبده این جوار پر انوار از برای بر یک از اعضای محترمه  
محفل مرکزی تسلیم ایران تائیدات متابعه حضرت رحمن استدعا نمایم .

دو نامه اخیر تاریخ ۲۰ آپریل و ۲۰ می واصل و بر بندر جانش اطلاع حاصل . از اقدامات

عزیزان حضرت عبدالبهاء اعضای محفل روحانی مشهد سرور موفور حاصل امید چنان

است سار محافل نورانیه تائیدی بان محفل روحانی نمایند و شعله هدایت کبری در آن

صفحات مظلمه بر افروزند . زاد هم الله تائید او توفیقاً .

آنچه را با حجابی تبریز راجع بخصایه مرقوم نموده اید مطابق صواب و موافق حکمت است

افشا و پرده دری جانزنده . در اظهار عقاید بسیار ملاحظه نمایند و مقتضیات زمان

و مکان را در این ایام پرزحمت و انقلاب مراعات نمایند . روزی ستر طنون

معلوم و مشهود شود و اسرار ملکوت علی رؤوس الأشهاد اعلان گردد .

و قش خواهد رسید .

نامه ای تخاصر سال بگیرد تمام محافل روحانیه در صفحات ایران نسخه ای مخصوص

مستقیماً ارسال دارید . بنده استانش شوقی . عزیزان ۱۹۲۵

بواسطه مجلس مرکزی کشور متحدس ایران

انصار الله و ذوات محترمه اعضای محافل مقلد و روحانیة بهائیان در قائم  
 طرق ملاحظه نمایند

ای سروران خند ملکوت حضرت رب الجنود در این کور موعود سپاسی  
 در عالم ملک بر انگیزت و در میادین قلوب در قطعات خمسه نغمات روحانیة  
 نامور ساخت. روح اعظم را در سبیل آن عشق عمر مردم بد مید و باید  
 غیبیه خویش وعده داد. جنود مجنده را بدست آن برگزیدگان سپرد و تاج  
 عبودیت عظمی را بر سرق آن نمایندگان بجهاد. شرائط و وظایف  
 پاسبانان لشکر حیات را در زبر و الواح تعیین و تصریح فرمود و ناشرین الویة  
 نصر البصراط مستقیم و منبج قوم دعوت و دلالت کرد.

حمد مقصود عالمیان را که در این سنوات اخیره پس از افول کواکب پیمان  
 جند رحمن در بیسع بلدان بعروة الوتعی ایمان تمسک و از صهبای اطمینان  
 مرزوق. هر چند نائرة امتحان شعده اش بعنان آسمان و اصل و کسب استیسن  
 دو عهدی شاق از شرور اهل هوس و هوی نامون. هر چند حزب ضلال  
 چه از ترزین و دشمنان دیرین و چه از بیوفایان خود پسند و پرین گل

در قلع و قمع امر الله آن نخصال نازنین همت بجاستد ولی گروه مؤمنین  
 چون کوه آهنین سیل اراجیف و عواصف شهبات و مغربیات مقاومت  
 نمودند . هر چند آفات گوناگون و تضییقات شدید و تعدیات متابعه  
 سفیدین و غلیظین بر شکلات و مخاطرات حرب مظلوم بغیرود ولی این بهار  
 در محبت و وفا ثابت و استوار کرد و سر موی از شاہ راه بدایت کبری منحرف  
 ساخت . بانگ جمال اہی است کہ از عالم بلا متواصل « یا ملاء العساکر  
 بشری لکم بیاثتم علی ہمیشاق و جنبتہم اشفاق و احقرتم من اہل انفاق  
 و اشترتم بالوفاء و المحبۃ و الولاء فی کل الافاق . اذا فانصرونی  
 باعناکم و اخلاکم و اقداناکم و مشروعاکم ان نستم من الصادقین »  
 حال ای نمایندگان محترم و فدایان اسم اعظم شما کہ تخبہ ابرارید و برسند  
 عبودیت جاس این سولیت عظمی را تکفید و باین شرف اعلی مقام  
 اسنی منتظر . وقت آن است کہ این ندای جانفزارا اجابت نمایند و در  
 عشق و وفار اطمینان نمودہ بجولانگاہ خدمت و ہمت و عمل قدم گذارید  
 مبادی سامیہ و عواطف شریفہ و آمال قلبیہ و اہترارات روحانیہ را  
 در این یوم عظیم کہ فخرایام است مبدل باجرات متینہ و تشبہات متعنے



و تائیدات عمومی و مشروعات جمیده نمایند . بتحقیق و بیان و قرار و جزا  
و سطر و شرح حقائق امریه اکتفا ننمایند بلکه باس اسس ناظر باشیید  
و آن اخلاق حمیده و کمالات روحانیه و شیم و کیمیه و حسن سلوک و معاملت و ترک  
تعصبات جاهلیه و تشبث بمنافع عمومی است . اعلان و نصرت این  
آئین بزرگانی باین امور اساسی مطلق و منوط و الّا عاقبت خسران است  
و پشیمانی و محرومیت است و پریشانی . اهل با حقیقت را پشش  
نمایند و از اهل مجاز در اجترار . بروح دافعه قاهره این امر گرانها ناظرند  
و از تعالید دنیسیه و اوامات عقیقه بزار در کنار . بیقین بسین دانند که  
قوه محرکه این آئین آسمانی آزاد و مطلق ایمنان است نه مقید بقیود عالم  
امکان . از عوارض کونییه متاثر نگردد و تبعیات شخصییه و هیاکل ترابیه محدود  
نشود . سبب الاسباب است و از انفعات روح القدس مستمد .  
ترقیات عصریه و فنون و کمالات مادیه و اکتشافات بدیعه کل طبیعت از  
آن قوه قدسیه است . چگونه تصور توان نمود که این قوه معنوییه اسیر  
اشخاص معدوده و تلونات ارضسیه و شئون فانیه و مآرب شخصییه گردد  
اینست که پروان ثابت قدم جمال اقدس الهی از عوارض عالم ادنی

ملول و آزرده نگردد و از لواحق آستان منززل نشوند و از سموم ندایا پرزده  
نگردند. از دسائس ماریقین الحون و مکران نشوند و از ارتداد و احتجاب متعین  
و شکسته و غمگین نگردند.

ای امنای الهی شوق که محیط انوار است و مطلع الهام. عهد تمدن الهی است  
و وطن اصلی جمیع انبیاء و رسل الیوم در دست احزاب اسیاست و در چنگ  
اهل تقلید و ریاست است. تضییقات متعدد و شدید است و آزادی و جدان  
مفقود. از طرفی عربده و مایهوی علمای سوء که در تعالید منهکند و از طرفی  
دیگر صلاهی لاندی که از ملحدین و مجتهدین مرتفع. حزب عین مسلط  
بر جهال بگناه گشته و آنان را از مبادی دینیه شتمن ساخته و مانع از تبشیر  
و تبلیغ علنی امر الله گشته و حزب شمال افکار جوانان پر استعداد را شوش ساخته  
و از حرمت و تعلق بدین حقیقی باز داشته و از اس اساس شریقه الله غافل  
و محبوب نموده. موقف یاران علی مخصوص امنای رحمن در این محیط پر  
همجان بسیار محتم و بی نهایت صعب و مشکل. مسئولیتشان در عالم ملک  
عظیم است ولی اجرشان در ملکوت غیب خیز است. طغیان اهل عدوان  
شعله امید را در قلوب صافیہ شان خاموش نماید و تراکم موانع و دوفور زرایا

وعدم تقید نفوس و فقدان وسائل و اسباب مر و جین امر حضرت رب  
 الأرباب را از ایفای وظائف معلومه و پیشرفت مقاصد عالیه و اجرای  
 احکام الهیه ممنوع سازد. این است شأن و مقام ذمیرت و فریت و  
 اختیار بجهت بیان از سایر ممل و اقوام و الاهیست و اقدام و ثبات و جانشین  
 را در محضیت و کامرانی چه بسلوه و فضیلتی. و فادرموارد بلا و شهامت  
 و مسانت در بجزه شقت و محنت لازمال از خصائص و سجایای این فقه  
 مظلومه بوده. حیف است اخلاف بشیم ممل و اسلاف فرین و مفر  
 نگرند و در سالکسان یاران ممتحن ستمیده مشی و سلوک نمایند.  
 و از جمله وظائف اعضای محافل روحانیه در این ایام اعلان و اثبات  
 عمومیت این مقدس حضرت بهار الله است. امر عزیز الهی اخصاص  
 بکشوری و یا آزادی و یا خربی نداشته و ندارد و پیش عمومی است و نقطه  
 نظر گامش نجات و وحدت عالم انسانی. کولب بخشیش بر جهانیان  
 از قریب و بعید و وسیع و شریف و مقبل و معرض بر تو افکنده و بخوان نعمتش  
 مل و نخل خاور و با خرد دعوت فرموده ولی این مدعا را باید عمل اثبات نمود  
 و بقول و اعتراف اکتفا نکرد. امیدوارم بتدریج چون اسباب مهیا گردد

مخاض کبشایان مشروعات عمومیہ مباشرت نمایند و بہ تبرقات خیریتہ و اعاش  
عجزہ چنانچہ از او چہ از اختیار پردازند تا آشنا و بجانہ شہادت و ہند کہ اہل کعب از  
تعبات در کنارند و بمصالح حقیقیہ نوع شہرناظر و متمسک . عالم بیند  
نہ خود بین . مقنون حقیقتند و از حمیت جاہلیہ فارغ و آزاد .

و از جہد و انفس اصحاب شور و قیامت و صیانت امر اللہ است . باید بود  
متقنہ ہیکل اللطیف ارق امر اللہ را از انفس اہل ریب و ضلال و شر آشراز  
و دسائس خائنین و شبہات مظہرین و استہزاء جاہلین و فحاشان عین  
حراست نمایند . وحدت جمع اہل کعب را از اختلاف آراء و سوء تفہامات  
و تحریکات بدخواہان و فتنہ جویان محافظہ نمایند . از جہتی خطہ و صیانت  
امر اللہ را در امور عزیزی و کلی مراعات تام نمایند و از جہتی دیگر اسباب عنان  
اہل بغض نشوند و بر خصومت و عداوت آنان نغیبت نمایند . در مواقع  
مخصوصہ چشم از عیوب اہل فتور بپوشند و بالعکس معاہدہ نمایند و راہ را  
پیش گیرند ولی بیدار و ہشیار باشند تا در دام اہل خدعہ و تزویر گرفتار نشوند  
و فریب مغرضین نخورند .

و از جہد و انفس اعضای مخاض روحانیہ ترویج امر تبلیغ است

باید جوانان را علم تبلیغ بیاوزند و بر معلومات امریه و علمیه و ادبیه آنان  
 بیفزایند. با سلوب و سخن خطابه‌های حضرت عبدالبهاء در بلاد غرب آشنا  
 نمایند و شرائط تبلیغی که در کتب و صحف مشهور است تذکر سازند.  
 نفوس قابل‌زکیه منقطعه را بنقاط بعیده در ممالک آزاد اعزام نمایند و در ریاضت  
 و مویزیت و محبت و مؤانست با همتین و مقبلین سعی تبلیغ مستمرا بنه  
 دارند. این است اساس شریعت الهیه. این است مایه برکت  
 سماویه. این است مدار عزت و سعادت ابدیه. طوبی للفائزین.  
 و از جمله وظایف مقدسه محافل روحانیه تعلیم معارف. تائیس مدارس  
 و ایجاد تسهیلات و لوازم تحصیل از برای عموم بنین و نبات است. هر  
 طفلی من دون استثناء باید از صغرسن علم قرآنت و کتابت را کما تحصیل  
 نماید و حسب میل و رغبت بقدر استعداد و استطاعت خویش در کتب  
 علوم عالییه و فنون نافعه و لغات مختلفه و حرف و صنایع موجوده همت  
 و سعی موفور مبذول نماید. اعانه و دستگیری اطفال فقرا در کسب این  
 کمالات علی‌المخصوص در تحصیل مبادی اولیه بر اعضای محافل روحانیه فرض  
 و واجب و از فرائض مقدسه و جدهائیه انسانی الهی در جمیع بلاد محسوب

«ان الذی ربی ابنه او ابنا من الاینا و کانه ربی احد ابنائی  
 علیه بحسانی و عنایتی و رحمتی اتی سبقت العالمین»

و از جمله فرائض اهل شور حفظ میکل امر الله است از تمایل بمجاصات  
 سیاسی و از داخله دشمنان فرق و اقوام متحاربه و از مشارکت در مباحثات  
 و مناظرات و منازعات احزاب متباغضه تمزایده است.

اهل کعبه هر چند به محبت و خدمت بنوع شبر معروف و شتر و مقهورند و  
 بذل همت در ترویج مصالح عمومی عالم انسان مشارک بالعبان ولی باطلان  
 خویش نیز تعلق و تمسکی شدید دارند و هر سلطه عادلانه ای را ستایش و ستش  
 نمایند. آنچه را حکام و اولیای امور در وطن عسریه قرار دهند و هر حکمی را  
 صادر نمایند و هر قانونی را وضع کنند بحسب ایان فوراً در نهایت خلوص  
 و جدیت و خیرخواهی و صداقت و امانت قلباً و فعلاً و لساناً در کل نقاط  
 و در بیسج شئون و احوال اطاعت نمایند و بقدر سم ابره مخالفت نمایند  
 و تجامل نکنند و انحراف نجویند. بهایان از تمام طبقات مستعد و منتظر  
 بلکه تشنه خدمت بمصالح حقیقی هستند و از مادون آن در کنار بیدارند  
 و هموشیار و همیزند و درست کردار. هر یک بحسب مستین مبادی رفیعه

این محبت خویش تمام قوی تشبند و از سبب انساب تمتمی و متمم که بوظایف  
 نائل گردند و بمأموریتی موفق شوند که بواسطه آن مقصد از جمله این حزب  
 مستمند را در انظار عموم جلوه دهند و آرب و نوایای خالصه خود را ابنا و وطن  
 بنمایند و مدعای خویش اثبات کنند. وظیفه محافل روحانیه تمعن و تحقیق  
 و جلب انظار و رفع سوء تفاهات و تهیه وسائل و ایجاد تسهیلات در این امور  
 و شئون است. در جمیع احوال باین بیان اصلی ناظر باشند و در محافل  
 مودعه در آن تفرس نکنند: « خوشحال نفوسی که اسیر رنگ دنیا و ما  
 خلق فیها شده اند و بصبغ الله فائز شده اند و آن تقدیس از جمیع رنگها  
 مختلفه دنیا است و جز منقطعین بر این رنگ عارفانه »  
 و از وظائف محافل روحانیه مخیره استمری با تمام نقاط امریه در شرق  
 و غرب عالم بهسانی و تبادل افکار و استحکام روابط و مواصلات  
 و کسب اطلاع بر اقدامات و احتیاجات و خیالات و تأسیسات یکدیگر  
 است. ترقی سریع امر الله مشروط بتعاون و تعاضد. تعاون و تعاضد  
 مشروط بحسن تفاهم و حسن تفاهم مشروط بتبادل آراء و مخیره با یکدیگر و شماره  
 از یکدیگر است و این تبادل آراء در این اوقات حاضره خبر بوسیده مکاتبه

و مراد ممکن نیست. محافل محلی عموماً و محافل مرکزی خصوصاً در تمام اقایم شرق باید رسماً مستمر استیقامت را سلبه با محافل محلی و مرکزی اقایم غرب نمایند و کسب معلومات کنند و تحریر حقایق نمایند و مطلع بر شؤون و گزارشات و اوضاع و حالات یکدیگر گردند. کسب محسنات و فضائل یکدیگر را نمایند و از معایب و رذائل احترام کشند و از تقلید اجتناب تام نمایند تا جامعه بهائی از مفاسد کون بحالت یابد و منظر کمالات ناقصانه الهیه گردد و در این انسانی اشرافی شدید و جسلوه ای عظیم نماید.

و از وظائف اعضای محافل روحانیه تأیید و تقویت مجلات امریه عالم بهائی است. انسانی الهی باید در فکر انتشار و ازدیاد نفوذ و تنظیم و ترتیب و توسعه دائره این مجلات امریه باشند. اخبار و بشارات روحانیه را مقرر<sup>تسک</sup>اً بعنوان مجلات امریه من دون استثنای ارسال نمایند و اخبار را با تبرعات و تحریر مقالات تشویق کنند و هرگونه مساعدیه مالی و ادبیه نمایند تا انشاء الله این مجلات امریه برای صافیه تعالیم الهیه و وقایع تاریخیه و اقدامات محافل روحانیه شرق و غرب گردد و انعکاسات بدیهه اش جم غفیری را مطلع و آگاه سازد و شریعه بجا هدایت نماید.



و از فرائض محافل روحانیه تشویق نفوس در ادامه و توسعه دائره صندوق خیریه  
 یاران است. باید انسانی الهی به تبرقات ستمزه خویش بر مشق افراد گردند  
 و بقدر امکان بصندوق خیریه محفل مرکزی تسلیم خویش محبتاً اعانه مالی ارسال  
 دارند. از فرائض وجدانیه یاران الهی چه از انجمن و چه از فخر او چه از اعضا  
 محافل و چه غیر آن در هر طبله و قریه ای اشتراک در این امر خطیر است.  
 تکلیف نفوس جائزه و مطالبه شخصی منصرف اصحاب امریه. اگر چنانچه هر فردی  
 از افراد چه در موقع عسرت و چه در ایام رفاهیت بقدر وسع و استطاعت  
 خویش بطیب خاطر ستمزه استیقامت محفل خصوصی علی الخصوص محفل مرکزی  
 اقلیم خویش اعانه ای تقدیم نماید و در این مسلک شریف مداومت کند  
 مبالغ کلی نرد انسانی رحمن جمع شود و در ضمن احتیاج صرف اعانه تمجبین  
 و تائیس مشروعات فتمه و ترویج منافع عمومی و انتشار شریعت الهیه گردد  
 می فرماید: « انفعوا ما زرقتم به ان کنتم فخر او بغنیکم الله من  
 فضله انه کان علی کل شیء قدير. سوف یجزي الله الذین آمنوا  
 ثم انفعوا حسن الجزاء من عنده فیدخلهم فی رضوان قدس قدیمیا. »  
 این است فرائض خدام ملکوت. این است اتقن و اعظم وسائل

اعلان امر الهی . امید این عبدنا توان چنان است اعضای این مجامع  
 نورانیه بمساعدت و معاونت مجتهد های امریه که بمنزله ایادی و اجنه  
 محفلند در سابقه روحی از یکدیگر سبقت جویند و شعله نور بین را در مشرق  
 زمین برافروزند و در اعلیٰ العلیین در مره مقتدر بین محسوس شوند .  
 رب اصل ایادی امر که المثلین بشری یک السماء دعاة خلقات  
 در دعاة اغناک بین العالمین

۸ جون ۱۹۲۵ بنده استانش شوقی

بواسطه محفل مقدّس روحانی مدینه حقیقا

اجبای الّهی و اما، الرحمن برادران و خواهران روحانی در صفحات شرق  
طرا مشاهده نمایند

روحی در احوالی کلم العزاء یا اهل البهائم و اصحاب الوفاء چندی است  
این خسته دل ناتوان خود را ناچار از بیاع مقدّسه علیا مجبور و محروم ساخته  
و در ارض غربت مسکن جست و در نقطه منفرده ای مقیم و مستریح . از  
لوله و آشوب خلق فارغ و آزادم و از مرادده آشنا و بیگانه هر دو در کنار  
ایام و لیالی بعد و فراق را صرف تأمل و تدبّر دشون و مصاحح امریه بنام  
و ساعات راحت و فراغت را بمخاطرات روحیه با آن عزیزان و مقربان  
در گاه حضرت احدیه گذرانم . مشغول بی پایان ، و غور و غود زوآر  
از یار و اغیار ، تعدّد و تراکم مکاتیب که از جهات لایقطع متوسل ، تعب  
ذهنیّه و مسائل معضله ، تکالیف عدیده و موانع غیر منتظره این بنده شرفنده  
را در مدت نه ماه آنی فرصت و مهلت نداد تا بر حسب رغبت و دلخواه  
خویش در نهایت نشاط به تمام امور پردازد و در مسائل کلیه خویش نماید و تعمّر  
کند و در دشون آتیه تمعّن نماید و احتیاجات ضروریّه این امر مقدّس را

تخصیص دهد و در ایجاد وسائل و تهیه اسباب مقصد تامل و تدقیق نماید و تمهیدات  
 عمومی تثبیت نماید و حسن تعاون و تفاهم را در بین شرق و غرب جامعه جهانی  
 ترویج دهد و نصوص مفروضه کتاب و سایر اعلی قدر مقدر با مقتضای احوال  
 از حیرت آمال بمیدان حسرت گذارد. افسوس موانع عدیده و فقدان وسائل  
 و اسباب از دو جهت اکثر بلدان شرق را از تشکیل محافل روحانیه مرکزی مطابق  
 تعلیمات مبره که ملامه مندرجه در وصایای حضرت عبدالکبیر، ممنوع و محروم  
 ساخته و تا هر یک از این بیوت عدل خصوصی چه در شرق و چه در غرب با کتاب  
 عمومی در هر اقلیمی معلوم و مستحب نگرند تشکیل و تائیس بیت عدل عظیم الهی  
 بقانون مصطلحه در بلاد غرب بسیار صعب و مشکل بلکه مستعجم و مستحیل. پس باید  
 اجبای شرق علی الخصوص اجبای الهی و امانه الرحمن که در اقلیم قدیم ایران  
 مقیم و متوطنند نظر را باین امر خطیر متوجه سازند و خود را مهیا و مستعد در رفع  
 موانع و ایجاد وسائل نمایند تا متدرجاً برادران و خواهران خویش که در  
 ممالک آزاد غرب بتائیسات همه مشغولند در ممالک شرق نیز از برای تائیس  
 و تشکیل این بیوت عدل خصوصی در نهایت حریت و کمال اساس مستین نهند  
 و بر آن اساس و حید بشارت اجبای باختر قصر مشید بیت عمل عمومی را

علی رؤس الأَشهادِ رِغماً لِكُلِّ عَدُوٍّ لِدُودِ وَمَعَانِدِ حُودٍ مَرْتَفِعٍ سَانِدٍ وَبِرَاجِرِهَا  
 عَظِيمٍ نَوَائِيٍّ مَقْدَسَةٍ رُبِّ عَزِيزٍ مَوْفُوقٍ وَفَائِزٍ كَرِيمٍ دَبْرٍ مَسِيئِيٍّ كَدِّ نَبْطَامِ أَلْفِيٍّ  
 وَبِرَجَبِ تَعْلِيَمَاتٍ وَاصُولٍ وَشُرَاطِطِ سَمَاوِيَّةٍ كَهْدِ صَحْفِ أَلْفِيَّةٍ مُشْرُوعَةٍ حَاشِيَتِ  
 وَمَسْطُورَاتٍ كَامِلًا كَالْمَغْنَبِيِّ وَطَبِيقِ لَهَذَا الْمَقَامِ الرِّفِيعِ وَالْمَرْكَزِ الْمُنْبِيعِ أَيْتَابِ  
 وَتَكْنِيسِ نَشُودِ آنِ مَسِيئَةٍ أَرَاغِيبِ أَرْصَلِيٍّ وَرَبِّهِ رُوحَانِيٍّ سَاقِطٍ وَارْحَمِ سَرِيحِ  
 وَوَضْعِ أَحْكَامِ وَسَنَنِ وَتَوَاقِينِ غَيْرِ مُنْصَوِّصَةٍ مَحْمُوعٍ وَارْشَرَفِ أَسْنِيٍّ وَتَوَهُّبِ مُطْلَقَةٍ  
 عَلِيَّيَا مَحْرُومٍ وَچُونِ بَأْدَادَاتِ لَارِيَسِيَّةٍ مَوْعُودَةٍ قَلَمِ أَعْلَى مَوَاقِعِ حَالِيَّةٍ بِرُطْفِ  
 كَرَمٍ وَنُورِ فَرْخِشِ امْكَانِ تَكْنِيسِ مَسْبُوحِ مَرْكَزِ امْرِيَّةِ اِيٍّ دَرِ اِقَالِيمِ شَرْقِ كَامِلًا مُنْظَمًا  
 بِسَمْعِ اِيْنِ عِبْدِ مُسْتَظَرِّ مُشَاقِّ رَسَدِ دَسْتُورِ اَعْلَى مَحْضُومِ بِمَجَافِلِ مَرْكَزِيَّةٍ حَالِيَّةٍ  
 اِحْبَائِيٍّ شَرْقِ اِرْسَالِ خَوَابِدِ شَدَائِمِنِ دُونِ تَعْوِيْقِ مُطَابِقِ اَصُولِ وَاَحْكَامِ  
 مُنْصَوِّصَةِ كِتَابِ اَلْفِيٍّ بِيْتِ عَدْلِ خُصُوصِيٍّ كَهْدِ نَبْضِ وَصَايَا مُسْتَقِيمًا بِاَيْتَابِ  
 اِعْمَاضِيٍّ بِيْتِ عَدْلِ عَظِيمِ مَكْلُوفِ وَاُمُورِ مُفْتَخَرِ اِيْرَمِنِ جَمْهُورِ مُتَخَبِّ وَحَمِيْنِ  
 كَرِيمِ . حَالِ تَهْمِيدِ اَلْأَمْرَةِ الْحَكِيمِ وَتَكْنِيسِ اَلْبَسْمِيَّةِ الْمُنْبِيعِ وَتَسْمِيَةِ لَهَذَا اَلْاَتِّاسِيْسِ  
 اِبْحَالِيْسِ اِرْجَلَةِ اُمُورِ لَازِمَةٍ مَبْرُومَةٍ كَهْدِ اِرْاِغِيَابَاتِ ضَرُورِيَّةٍ وَاسْتِاسَاسِ  
 تَشْرِيْعَاتِ وَمُحَوَّرِ اِحْرَآاتِ اَتِيَّةِ بِيْتِ عَدْلِ عَمُومِيٍّ اِسْتِاَسَاخِ وَجَمْعِ وَ

ترتیب و تدوین و حفظ آثار است و این امر خطیر از وظایف قسمیه اهل  
مخاض روحانیه است و این عبیدنا توان بقدر استطاعت و امکان معادن  
و مساعدان برگزیدگان حضرت بزرگوارم تا انشاء الله جمیع مخاض روحانیه  
چه محلی و چه مرکزی در تمام اقالیم باین امر عظیم بصبر و سکون در نهایت دقت  
و متانت باسلوب و نظامی بدیع پردازند و این فریضه مقدسه خویش را در  
نهایت روحانیت و کمال انجام دهند و با جرد و ثوابی خیرین فائز گردند.

باید جمیع افراد مؤمنین و مؤمنات من دون استثناء در نهایت خلوص  
و امانت و جدیت آنچه را از الواح و توقیعات مقدسه که از سما و مشیت  
جمال احدس الهی و حضرت نعتیه اولی و حضرت عبدالبهاء روحی لائهم  
المشعنه المقدسه فدا نازل گشته نزد خود موجود و محفوظ دارند نسخه های اصلیه

که اکثر مزین مجسمه امضای مبارک است بواسطه غشی بر بسم امانت تقدیم  
و تسلیم محض روحانی محلی خویش نمایند و در مقابل آن درقه رسمی از محض تسلیم  
گیرند تا پس از استنساخ و مقابله محض محلی خود آن الواح را کلاً با حجاب  
ارجاع نماید و همچنین باید هر محض محلی لجنه ای مخصوص تعیین نماید تا اعضا  
این لجنه از هر لوح و توقیعی باطلاع و تصویب محض رونسخه استنساخ و مقابله

نمایند و اسم صاحب لوح و تاریخ استنساخ را ثبت کنند و اگر چنانچه موقع  
و تاریخ نزول تعیین گشته از آن نیز ثبت و حفظ نمایند. باید جمع این امور یعنی  
تحقیق و اثبات و استلام و استنساخ الواح و ترتیب و محافظه نسخه های آن  
کل با اطلاع و صواب دید اعضای محفل روحانی باشد و هر نسخه ای بمراد اعضای  
محفل تصدیق و تصویب شود و اگر چنانچه لوحی و یا توفیقی نزد فردی از افراد  
اجبا باشد که بسیار محرمانه و سترش لازم و واجب باید صاحبش اصل لوح  
سر بسته و مهور برسم امانت تسلیم محفل روحانی محلی خویش نماید و محفل محلی نفس  
امانت را سر بسته بواسطه محفل مرکزی آن قلمیم با رض اقدس نزد این عید  
یا شخص کامل مسینی ارسال نماید تا پس از استنساخ در ارض مقصود بواسطه محفل  
مرکزی و محلی این عید شخصاً بصاحبش ارجاع نمایم ولی این ترتیب فقط  
راجع بحدودی قبیل از الواح شخصیّه خصوصیه است باید سایر الواح کل  
تسلیم محفل روحانی گردد تا این محفل پس از استنساخ بصاحبش  
ارجاع نمایند و آنچه نسخه های الواح نزد محفل روحانیّه محلی جمع شود باید متدبّر  
نسخه های اول را در نهایت دقت و مسانت نزد محفل مرکزی خویش ارسال  
دارند و نسخه های ثانی را نزد خود در محفظه آثار محفوظ دارند تا بعد تکلیف معین

گردد و در هر نقطه ای که محفل روحانی تشکیل گشته باید صاحبان الواح صورت اصل را  
 مستقماً در نهایت موافقت و احتیاط نزد محفل مرکزی اقلیم خود ارسال دارند  
 تا پس از استنساخ و نسخه محفل مرکزی اصل لوح را بصاحبش ارجاع نماید  
 و چون نسخه های اول از نقاط امریه نزد محفل روحانی مرکزی جمع شود باید هر  
 محفل مرکزی بجهت ای مخصوص تعیین نماید تا اعضای این بجهت باطلاع و تصدیق  
 محفل مرکزی پس از ترتیب و تدقیق نسخه های الواح را باقتضای زمان و  
 مکان بخوی شروع باشند این بارض اقدس نزد این عبدالرسال نمایند  
 تا آنچه لازمه این امر مهم است اجرا شود و اگر چنانچه در نقطه ای از نقاط  
 اغیار الواح و توقیعات مبارکه یافت شود باید محفل روحانی محلی در نهایت  
 تلاطم و روحانیت و حکمت جمعی مبلغ مبذول دارد تا بطیب خاطر کمال  
 سرور و اطمینان صاحبان آن الواح توقیعات اصلیه خویش را به محفل  
 ارائه دهند و تقدیم نمایند تا پس از استنساخ فوراً ارجاع گردد. تکلیف  
 هیچ وجهی من الوجوه جائز نیست و چون اکثر محافل مرکزی در اقلیم شرق هنوز  
 موافق نوایای مقدسه و مطابق اوامر الهیه تشکیل و مستحب گشته اند  
 باستثنای اقلیم مصر و هندوستان که در اندیاز محفل مرکزی را جمهور



مؤمنین و مؤمنات انتخاب نموده اند. لذا اقدام و اتمام نقطه امریه هر قلمی  
موقفاً محض مرکزی آن استلیم نامیده شد و اسامی نقاط امریه که فعلاً سمت  
رسمیت را داراست از این قرار است :

- محض طحسره ان : محض مرکزی استلیم ایران .  
 محض بادکوبه : محض مرکزی قفقازیا .  
 محض عشق آباد : محض مرکزی ترکستان .  
 محض بغداد : محض مرکزی عراق .  
 محض اسلامبول : محض مرکزی ترکیه .  
 محض حیف : محض مرکزی فلسطین و سوریه .

و اما نقاط متفرقه امریه که از دایره این اقالیم خارج است احسن و اولی آنکه  
نفوس مؤمنه در این نقاط الواح خویش را رأساً با رض اقدس بنهائیت  
مواظبت و اتقان ارسال دارند تا این عبید پس از استنسخ این الواح را  
بصاحبانش ارجاع نماید .

ای عشاق و فدایان پر وفای جمال الهی هنگام همت و اقدام است و  
یوم یوم عمل و جانفشانی . وقت آن است بحجت تمام و بی غریل

و امانت و صداقتی کامل و نشاطی موفور و نظم و ترتیبی بدیع کافه مؤمنین  
 و مؤمنات در کل اقطار از وضع و شریف و قریب و بعید قدم باین  
 میدان گذارند و بجان و دل درآید و اجراء تشریح و تکمیل این مشروع عمل  
 بهمتی شایان بکارند. این امر عسیر اولین بحسب سهو و اتمانی است که بآن  
 میزان نوایای خالصه و همسم عالیله و تعلقات روحیه افراد مؤمنین  
 و تناسل و کفایت و وثوق و اعتماد و اقتدار و استطاعت محافل روحانیه  
 بهایان قیاس و موازنه گردد و قدر و منزلت هر یک مشهود و سبب من شود  
 اگر معاذ الله فتور و قصور و ارتقاء و اجمال ظاهر و عیان گردد اجراءات آتیه  
 و تأسیسات مهمه که در مستقبل ایام باین امر محکم مرتبط و معتلوق است در عهد  
 تعویق افتد و در زاویه نسیان مدفون و فراموش شود و نوایای مولای حکیم  
 و توانا آشکار و پدید آید و در عالم شهود حسیلوه و بروزنی نماید اگر فی الحقیقه  
 یاران الهی بزور راستی و فداکاری و ثبات و اتقان مطرز و فرین گردند  
 افواج نمایند چنان احاطه نماید که عالمیان حیران گردند و دشمنان مدبر  
 و سرنگون شوند. شک و شبهه ای نبوده و نیست که یاران پرورده دید  
 عنایت کبری در این سبیل گوی سبقت را در میدان شهامت از پیشینان

خواهند بود و در این عمل مبرور از یکدیگر سبقت خواهند جست .  
 و اینصورتاً از امور مهمه که با اعضای محافل روحانیه محمول گشته ملاحظه و مذاکره  
 و تحقیق و تبیین و اکتساب مواقع مبرکه و نقاط تاریخیه امریه است . هر چند  
 مواقع جسمیه متعدده در میان و اسباب مادی مفعود و تحقیق و تبیین و تکمیل  
 این مآلین هدیده بسیار صعب و مشکل ولی باید بتدریج در نهایت حکمت  
 و بردباری و جدیت و فعالیت مبارت باین مشروع نمود و بقدر استطاعت  
 از صندوق خیریه و تبرعات شخصی این بقاع شریفه منوره عزیز را در حوزه  
 تملکات و تصرفات بهائیان در آورد و از عدم تعید و اعتنا و بی حرمتی  
 جهال و اشرار محافظه نمود و آنچه اکتساب کرده باید فوراً محافل محلی محض را  
 خویش اطلاع کامل دهند تا در سجل محض مرکزی ثبت و قید گردد و در ترتیب  
 و ترمیم کیفیت استعمال آن باطلاع و مشورت و موافقت محض مرکزی اقدام  
 شود تا حقوق امریه محفوظ ماند و نظام الهی در بسط شون چه خبرتی و چه  
 کلی در انجمن انسان صلبه ای نمایان نماید . تحقیق این امر نیز معلق نشود  
 بحکم و انقطاع و جانفشانی و تدقیق و استقامت و تعاون و تعاضد  
 بین یاران و محافل روحانیه است و هر چه بیشتر تأخیر حاصل شود مشکل

مترگم گردد و موانع داخله و خارجه از دیار باید . آید کم المولی و ایما علی بسوکه  
 و المداومه و الغوز و الفلاح فی هذا المنج العظیم .  
 و آنچه المیوم نیز از لوازم ضرورتیه و جالب و جاذب برکت سماویه و کامل حفظ  
 و حراست بندگان حضرت اهدی است وقف و تخصیص محلی مناسب  
 از برای تعیین مرکزیت امر الله است در هر نقطه ای از نقاط امریه باید یاران  
 الهی در صفحات شرق نظر بتضییقات حالیه بملاحظه و اعتدال و سکون و  
 حکمت و آرامی حرکت نمایند ولی مقصود از حکمت خاموشی و فراموشی همال  
 و تأخیر در اجزای این امر نه بلکه مقصود آن است که اعلان مرکزیت درین  
 جمهور نگردد و اسباب مهمه و عریبه و میاهوی ناس نشود ولی تعیین مرکز و لو  
 در زیر زمین باشد از احتیاجات شدیدیه این یوم عظیم است . اگر ممکن و  
 اوضاع محلیه مانع نه اجتماعات عمومی از برای ترسیل الواح و ادعیه و مناجات  
 و انعقاد محافل روحانیه و مجالس تسبیح و نطق و تذکار و اعیاد و ضیافات  
 کل در آن نقطه و لو احترازا باشد جمع و حصر گردد و اگر مناسب باشد در  
 مستقبل ایام بنیان رفیع مشرق الاذکار در آن نقطه مبارکه نیز مرتفع شود  
 نور علی نور گردد و آن نقطه خطیره العدس نامیده شود تا نفعی

مسئله تضرعات قلبیه و مذاکرات روحانیه و اجراءات جلیده اهل محراب از  
 حظائر قدس بصفحات مجاوره سرایت نماید و شام مزکوم این عالم عیسی را  
 باز نماید و عطر و عنبرین کند .

و نیز از امور مطلوبه و مستحسنه تاسیس محفظه آثار امریه است در هر نقطه از نقاط  
 مرکزی اقلیمی بهائیان . و این محفظه آثار در تحت هیئت و ادار محافل  
 روحانیه مرکزی یاران است و محتویات آن در ضمن تجدید انتخابات محافل  
 روحانیه مرکزی جدید انتخاب تمامها تقدیم و تسلیم گردد و هر نسردی از فرد  
 علی الخصوص نفسی که در اثرش از اهل محراب محسوب نه دی طرف ثقه و اعتماد  
 او نباشند بصرافت طبع و طیب خاطر از آثار امریه چه از الواح و کتب و صور  
 و امثله و ماشا کلهما تقدیم محفظه آثار محفل روحانی مرکزی خویش نماید اجرش  
 عند الله عظیم و اسمش در سجل محافل روحانی و یادگارش در محفظه آثار الهی بآید  
 باقی و برتسار خواهند ماند . و همچنین محفظه آثاری در ارض ایسکا  
 اخیراً تشکیل گشته تا آنچه را افراد و محافل روحانیه از آثار ضعیفه علی الخصوص  
 آثاری که جمش در یک نقطه حسن و اولی و ششستش مایه خسارت و فقدان  
 است طوعاً تقدیم محفظه آثار ارض اقدس کنند . بنام آنان در محفل محترم

مخفوظ و مصون ماند و برور آیام زوآر ارض مقصود از صیح اطراف و اکناف  
 زیارت آن آثار فائز گردند و یاد آن معتبرین در گاه کبریا را نمایند و بزرگ  
 ضرر و عار در حق آنان مشغول گردند .

از قبل اشاره و تاکید شد که هر فردی از افراد و هر محفلی از محافل که مالک  
 شمایل مبارک حضرت اعلی و جلال اقدس الهی است احسن و اولی آنکه  
 آن شمایل را با شخصی امین با رض اقدس ارسال نمایند تا در محفظه آثار  
 الی الابد از او یادگار ماند ولی در ارسال آن مختار است نه مجبور و مکلف  
 ولی مشروط بآن است که هیچ وجهی من الوجوه ننماید ای از آن بر ندارد و شخص  
 غیر امین بی اعتباری سپارد و در انما در محلی مخصوص در نهایت موظبت  
 و احترام محفوظ و از انظار مکتوم دارد . و همچنین تعدد و تداول شمایل  
 و صورت و صور تحریک حضرت عبدالهباء در بین جمهور ناس چه یار و چه غیار  
 جائزند و نمایش آن در هر موقعی از مواقع جائزند چه که منصرف بصالح امر است  
 و مخالف شأن و حرمت و قدر و منزلت بجه آثار گریه شریفه متقدر است  
 امید آنکه اجابا علی بخصوص جوانان پر شور و نشاط مراعات این امر  
 مهم لازم را نمایند و از حد آداب و رتبه اعتدال خارج نگردند و تجاوز ننمایند

و در مقام انظار یاران محترم پر عیش و وفای حضرت عبدالمجید را این  
 امر لازم و محتمل منعطف نمایم و باین نکته متذکر دارم و آن موظبت و وقت  
 تام در حفظ حقوق مدنیه شرعیه شخصیه افراد است از بر سلك و طایفه و  
 و عقیده و مقامی در این مقام امتیاز و تریح و تفوق جائز نباید  
 نهایت سعی و وقت من دون تردد و ملاحظه ای یاران و برگزیدگان  
 حضرت بهاء الله در محاسبات و معاملات خویش راجع بحقوق صلیه  
 نوع شبرادنی امتیازی بین آشنا و بیگانه و مؤمن و مشرک و مقبل و  
 معرض نگذارند. بعد از تحقیق و تدقیق اگر چنانچه متعرفند باید تمام  
 قوی همت بجارند تا آنچه بر عهده آنان است تا فلس سیر بردارند و  
 راحت بخویند تا بآدیه آنچه را مکلفند تا ما موفق گردند.

حقوق مدنیه و معاملات ظاهره تعلقی بدیانت و اعتقاد باطنی از  
 نداشته و ندارد. افراد در سبب اجتماعیه چه از موصدین و چه از  
 مشرکین کل در این مقام یکسانند و حقوق شخصیه آنان نزد اصحاب  
 عدل و انصاف محفوظ و متعس و سلم و هر تردد و تمردی در راحت  
 آن مستقیم قهار متعسر و مسؤل و مردود. بی مصاحبت و مرافقت

با کفار ملحدین و فاسقان پرکین و بیوفایان خودبین در رعایت و مهربانی  
 بدشمنان امر الهی ذنبی است حسین و انحرافی است عظیم از صراط مستقیم  
 الهی ولی نفس ارتداد و محجوبیت و ترک عقیده حقوق مذنبه شرعیة افراد  
 آزاد را هیچ وجهی از الوجوه بقدر تمام ابره تخفیف و تغییر نمی دهد و الا اهل  
 بها با صراط پشینیان را در این فتنه شش نورانی دوباره بگسترانند و  
 آتش تعصب و حمیة جاهلیة را در صدور برافروزند و خود را از موهب  
 جلیله این یوم موعود محروم سازند و تأییدات الهیه را در این روز فریاد از  
 ظهور و بروز بازدارند .

حیف است ذیل تقدیس باین اوام و شون ناشایسته آلوده نمایم .  
 ربنا و قنا علی معرفه امرک بعظیم و تمخضت بخلقک الکریم و السلوک  
 فی منجک القوم بفضلك العظیم و جودک بعظیم انک انت العظیم  
 انک انت الرحمن الرحیم . بنده استانش شوقی

تموز ۱۹۲۵



بواسطه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران

اجبای الهی برادران و خواهران روحانی در صفحات شرق طراً  
ملاحظه نمایند

ای مستغیثین در ظل دوفه بقا جمال ابھی روح من فی الوجود لمضجہ العذا  
باصبح اقدار نہالی بہمال در زرفہ جہان نباشند و سیف حکمت و بیان  
از هجوم دشمنان محافظہ فرمود و باطوار بلایای لا تخصی نفسال امرش را  
سقایت کرد و بجزارت محبت بی فہمائش پرورانید . بدم اطرشہدائش  
اصلش را قوت و طراوت بخشید و باعمال پسندیدہ پرورش فرغش را برگ  
و شکوفہ بیار است . در عالم ادنی شجرہ مبارکہ را مکمل و استوار فرمود و بمبنا  
اعلیٰ مظفر منصور شتافت . کشت گرانہبائش را بکف کفایت دہقان  
حقیقی مولای توانا حضرت عبدالمجہد سیرد و بجزرات کلیدہ و عمدہ داد  
آن مرتبی الهی سی سال متادیا میراث مرغوب را بدل جان و حرات نمود  
و در آغوش محبت و حصن حمایت خویش از آفات گوناگون مصون داشت  
از اریاح مختلفہ نفاق و ذواب نقض میثاق نبات داد و از مفاسد قویہ  
پاک و پاکیزہ فرمود . اغصان یا سدر از اصل منفصل و منمحل کرد و خس

و فاشاک غرور و عصیان را از ریشه برانداخت . آن مقتدای اهل کعبا  
 دمی نیا سود و از موانع مانده دقیقه ای مایوس و طول نگردید تا آنکه محبت کبری  
 و قدرت عظمی سپرده بد عنایت راد انجمن عالم جلوه داد و با علی آنداء بیجا  
 و آشنار ادر شرق و غرب عالم نطق طلپیش دعوت کرد . آئین حمال قدم  
 رغا لکل ناقص حعود و عدو لدود مشهور آفاق شده و وعده های اکل و اتم  
 یکیک تحقق یافت . جمعی در شرق و غرب شادمان و لبیک گوینان  
 بر خوان نقش وارد و از جام عرفان و ایقان مرزوق و برخی در خاور و باختر  
 بخت و شنایش ناطق و بر بزرگوارش شاید بحس عشق متمسک و هم غفیری از  
 وضع و شریف مدبوش و منصوع و در وادی حیرت و طلب سالک و در  
 شون این امر عظیم متحیر و متفکر و در اقبال و ایمان متردد .

ای برادران و خواهران روحانی ماکه وراثت آن رب عزیزیم و باین  
 شرف بسی منتخرد و فائز حیف است خدمات جلیده رب شفق را اکمال  
 تا نیم و این عمل مبرور و پاینده را با انجام و اتمام نرسانیم . زلف رزینار  
 غفلت و ارتقاء سبب گردد جمهور نام خود را از شجره مبارکه که الیوم بقوه  
 بازوی حضرت عبد البصاء ، بمرات یا نعه فرین گشته دور و محبوب نمایند

و گروه مجتهدین که حال شیفته آن روی چون نه تا باشد از ایمان و معرفت  
کامل که مقصد اصلی است ممنوع و محروم مانند . یوم یوم پروان پرورده  
ید عنایت حضرت عبدالبهاس که ما را از برای بچه روز فریوزی و هدایت  
باہری تربیت و سعوت فرموده وقت آن است چشم از غیر شویم و مادوش  
را فراموش کنیم و نظر را با عظم و صیاییش که جلب نفوس نظر بمحدود سدره  
الہیہ است متوجہ سازیم . و تبلیغ و ہدایت نفوس در این عصر نوزانی غیر  
ممکن مگر آنکہ معرفت کامل در حسن سلوک و اخلاق در انسان توأم و مجتمع گردد  
در لایق اعدھما دون الا خسر . معرفت اللہ یعنی اقبال بظہر کلیہ  
الہیہ و حسن رویہ و رفتار از لوازم اصلیہ و شرائط ضروریہ تبلیغ است و  
اگر چنانکہ مبادی امریہ و علوم نافعہ نیز تحصیل شود نور علی نور گردد و امر تبلیغ  
را تسہیل و ترویج نماید ولی در ترتیب اولی آنچه لازمہ تبلیغ است شناسایی  
بظہر کلیہ الہیہ و اتصاف بصفات مرضیہ ممدوحہ است . علوم اوین  
و خستہ بن قسیمی تحصیل اصول امریہ و مبادی روحانیہ عاقبت فائدہ  
و اثری نبخشد مگر آنکہ منتظم باین دو شرط اعظم گردد . و همچنین معرفت  
بظہر ظہور اگر غرض نتیجہ اش حسن سلوک و ترک کتبہ اخلاق نباشد از خود و پای

محروم و نزد اهل دانش و ارباب بصیرت قابل اعتنا نبوده و نیست چه که  
 این معرفت معرفت حقیقی نه بلکه صرف توهم و تعلیقات و همچنین معرفت  
 و صفای قلب درستی و صداقت اگر چنانچه از نور شناسائی حق محبوب ماند  
 و باقیال مظهر ظهورش فائز نگردد بالمال از قوه دافعه تأیید و امدادات روح هده  
 که بیانه دافع هموم و کروب این عالم ظلمانی است ممنوع و از تاثیر دینی  
 و نتایج کلیت محروم . فتح و ظفر در این دسترن انور نصیب نمون نیک  
 رفتار است نه عالم بد کردار . مواظط علماء سو که از مقصدین غافلند  
 و هنر و همت اهل علم و تعوی که از عرفان معلوم مجو بند هر دو اثرات و نتایج  
 در حیز ادنی محدود و فانی ولی اثرات همم عالیه هر نمون پر هنر کار بی پایان  
 و باقی چه که مستمد از روح نباض آئین حضرت بهاء الهه است و  
 نفعات روح القدس نموید . بنیت شرط وفا بنیت سر تسلیم امر بها  
 چندی قبل نامه مفصلی بآن یاران ممتحن ثابت قدم جانشان  
 مرقوم و ارسال گردید و بعضی از مطالب مهمه و مواد اساسیه که از لوازم  
 ضروریه این ایام است مشروحاً ابلاغ و تأکید گشت و اخیراً نیز نظر بر جود  
 اخیر و تغییرات و ترقیات سریعه در این اراضی مقدسه استیاع از علی

مجاور مقام مقدس جبل کربل بواسطه یاران شرق و غرب درین ایام همی تنی فوق  
 العاده یافته چه که از مذاکرات و تصمیمات مؤخرین المللی کلیمیان که در ملک و پادشاهی مشفق  
 و در صفحات اوراق اعلان شده چنین معلوم دستفاد میشود که بعضی از رؤسا  
 ملت یهود در فکر آنند که جسد اولین مؤسس ضرب خویش را انتقال بدانند کوه  
 کربل دهند و خاک این جبل مقدس را دفن نموده برین جبل القدر خویش را  
 دهند و چون اطراف دو مقام مقدس علی الخصوص جنبه جنوبی در تصرف  
 اغیار است و در نقطه پر جسلوه و شکوهی واقع خوف آن است که ارباب  
 ثروت و نفوذ این قطعه ثمنه را متمسک شوند و تعمیر بنیادهای مختلفه در نقطه  
 که مشرف بر مقام اعلی است پردازند. وقت آن است که بندگان  
 همو شیاریاران جان نثار حضرت عبدالهبا، در این سبیل با وجود عسرت  
 مالی و بجران اقتصادی متفقاً خالصاً لوجه الکریم و حیاته لمقامه المنج  
 اطراف و اکناف این دو مقام طمس را از هجوم و تسلط اغیار صیانت  
 و محافظه نمایند و با سرعت مایکن در حوزه ملکات یاران الهی در آورند  
 تا بتدریج و مرور ایام نوایای مقدسه جلوه نماید و معابد صلبه در جوار رفاه  
 مقدسه بنیادش استوار و بنیانش مرتفع گردد. تاخیر و ایهمال در

این امر خطیر تولید مشکلات نماید و بر مخدورات عالیہ بیفزاید .  
 دیدہ اشتیاق در انتظار است تا از محبان جمال کردگار چه جنبشی و  
 اثری ظاہر و نمایان گردد . استغفکم یا اجباء اللہ بذل الجهد الجہید  
 والمراقبۃ والمداوتہ فی ہذا المشروع بحمیل . جزاکم اللہ فی  
 عالم الملک احسن احسنہ ، و قدرکم فی علوۃ المنسج اجراً عظیماً و  
 ثواباً جزیلاً

۱۶ اکتبر ۱۹۲۵ بندہ استانش شوقی

## اعضای محترمہ محفل مقدس مرکزی روحانی کورس مقدس ایران

ملاحظہ فرمائیں

یا امانا، الرحمن و اوداۃ روحی لقیالک و شاکم و وفاکم العدا، نامہ ہی  
 اخیر آن محفل نورانی بدقت مطالعہ گردید و بر مضامین و مطالب مہمہ اظہار  
 حاصل گشت. از وقایع مؤلمہ و صدمات وارده بر یاران مظلوم خزن و  
 اندوہ حاصل فوراً بعضی از مراکز خارجہ مجدداً مخابره گردید و بعضی از مطالب  
 مہمہ لازمہ ابلاغ گشت. امید و طید آن است نتایج کلیہ حاصل گردد و  
 عدم امنیت و پریشانی و حسرت و ناتوانی و ظلم و تعدی با سائیں و بغاوت و  
 و امنیت و صفات تبدیل گردد و کواکب درخشندہ غرت و اقبال بھائی  
 در آسمان عالم امکان چنان جلوہ و بروز نماید کہ کل چہ اعدا و چہ اوداۃ  
 بہوت و حیران گردند. صبر و تحمل و ثبات و تسکین بانی لازم تا آنچہ درین  
 کورس عظیم مکنون و ستور است باشد اشراق در قطب آفاق ظاہر و عیان  
 گردد و چنان صیت شوکت و عظمت این آئین بھائی شرق و غرب را  
 احاطہ نماید کہ زلزله بابرکان اعدای جہول و ظلم اندازد.  
 خدمات فائقہ و اقدامات یار و فادار و بندہ جان نثار.....

در تعزیر امر الله و سدا احتیاجات مجزا و افراد فی الحقیقه قابل تمجید و توصیف و  
تقدیر است. در حق آن حبیب مخلص حسدوم و غیور دعا و تضرع بنام  
تا از سرور و آفات این عالم ظلمانی مصون ماند و ترویج و توسعه دائره  
خدمات جلیده خویش در نهایت سرور و آسایش و اطمینان موفق و مؤید  
گردند.

راجع بدین تاریخ امر الله و جمع مواد تاریخیه اوایل ظهور در مدینه طهران  
آنچه در این نقطه ممکن جمع و تحصیل خواهد شد و نزدیکه بدین بواسطه  
مرکزی ارسال خواهد شد تا آنچه را اصلاح دانند محسبی دارند. امید  
چنان است این تاریخ جدید تنظیم و ترتیبی بدیع در نهایت صحت و قناعت  
و کمال من دون تعویق تکمیل گردد و در جامعه بهائی منتشر شود و خدمت شایان  
بصالح امریه در استقبال آیام نماید.

اخیراً متحد المال مبوط محفل مرکزی ایران که بحکمت و سعی لجنه محرمه نشر  
نقحات تائیس گشته و توسعه یافته مع نظامنامه لجنه مذکور ملاحظه گردید  
سرور و وجود و نشاط کلی حاصل. در مجمع یاران قرأت گردید و مطالب  
مدرجه در آن بیاد غرب بواسطه محافل روحانیه ارسال و ابلاغ شد



ترجمه آن نیز بسیار موافق و مناسب امید چنان است که روز بروز این  
 ورقه اخبار بر جامعیت و تناسف و جلوه و علاوت بنمیزاید و مزایای حقیقی  
 تمام اقدامات و خدمات ایران در مرکز ایران و ایالات و ولایات  
 و ممالک خارجه گردد و روابط محکم و مستینی در بین شرق و غرب تولید  
 نماید. رجوع باولیای امور و کسب اجازه از برای طبع آن حال  
 مخالف حکمت نظر میآید ولی امیدوارم عنقریب اسباب فراهم آید  
 و موانع عالیّه تخفیف یابد و تحفیل اجازه ممکن و آسان گردد.

راجع بلوح مبارک که در موضوع نکاح از کلمات میثاق صادر گشته بقیه  
 نسخه اصل را تحفیل نموده بارض اقدس بشخص مسنی ارسال دارید تا  
 من بعد طبع و نشر گردد.

آنچه را محفل مرکزی بنقاط امریه در بلاد ایران راجع بموقوفات امریه  
 نگاشته ملاحظه گردید رسیدگی باین امور بمحفل مرکزی طهران است  
 تا بواسطه لجنه ای مخصوص بلوازم و احتیاجات و خبریات این امر  
 پردازد و اگر چنانچه تعیین اسم شخص مخصوصی شرعاً لازم و واجب رئیس  
 محفل مرکزی روحانی ایران تعیین میگردد تا بالوکاله بمسعدت لجنه محفل مرکزی به

تمثیل این امور پرانند و تجدید و کمال تمامه نیز سالی یک مرتبه پس از تجدید انتخابات محفل مرکزی خواهد  
 آنچه را محفل طهران محفل تبریز راجع بجماعت وارده بر برادران  
 اهداف سیلابی نگاشته محبوب و مقبول . این خبر بی نهایت  
 اسباب خزن و الم گردید . در احیان زیارت از برای آن خانواده  
 جلیل القدر که بخدمات باهره در گذشته ایام موقوف شده اند استعدای  
 صون و عنایت و برکت و الطاف از درگاه حضرت خفی الاطراف

نموده و خواهم نمود . مطمئن باشند

بنده استانش شوقی

۲۸ اکتوبر

۱۹۲۵

بواسطه اعضای مکرره محفل مقدس روحانی مرکزی ایران  
اجای آئی در صفحات ایران و قضا ز یاد بر کستان طر ملاحظه کنید

اینها المکره قون من نار العراق روحی بحر کرم و دو فایم انشاء چهار سال است  
که جسم در می عشاق از انظار پروان دل داده اس محجب در پس پرده  
قضا ستواری . یکیل مقدس در بارش از همین عشاق ستور و نغمه جان  
پرورش از آردان روحانیان مقطوع . جمال بیمایش در پس پرده غیب  
پنهان و شی و تبسمهای روح افزایش از انظار اهل تراب محبوب .  
بهائیان در این سنین اربعه در ظلمات فراق مستغرق و بنیران غم و اسف  
بتلا . مؤمنین و مؤمنات از مفارقت آن مولای نازنین باه و این دساز  
و قلوب کعبه باید مر احم و الطاف بی پایانش در سوز و گداز . هر چند آن کجک  
در خشنده از افاق این عالم ظلمانی آنفل گشت و بساط احزان را کاملاً گسرنید  
ولی هزار شکر پروردگار بی نیای را که در ملکوت اسرار و عوالم انوار از مکن غیب  
باشد اشراق در فیضان و لمعان . بدر می شاق از عوالم عصری بگذشت  
و بنیر افاق همیوت . روح ششش در نقطه کمال استعرا یافت و با شسته  
ساطعه اش از عالم بالا ظلمت خمول و محران را محو و زائل فرمود . با صبح

اقتدار حزب مظلوم را از وادی حیرت و حرمان بکشاند و بشاگردان سلطنت  
 و اقتدار دلالت کرد. ای خسته دلان و سوختگان آتش حسد مان  
 غصه نخورید نوحه و ندبه نکنید. نایوس و محمود نگزیدید. در صفی اخبار پس از  
 صعود مرکز میثاق ملکوت انوار برخی از بخریدان چنان انگاشتند که  
 چون این امر عظیم از قبضه قدرت آن سید علیل خارج گردد و بدست  
 پیروان محدود قسقت بنفید و با خطاطا گذارد و در زاویه نیسان متروک  
 شود و گننام و مضمحل و پریشان گردد. هیبات هیبات عظام نیتون.  
 و بعضی از متفکرین و محسین باین کلام اکتفا نمودند: من بعد معلوم و واضح  
 خواهد شد که در آتش باین میراث مرغوب چه خواهند کرد. ولی غافل از آنکه  
 روح ازلیه بنفشات قدسیه اش آئین نازنین را در هر آنی نصرتی جدید  
 بخشد و بتوفیقی بدیع و تائیدی جدید امداد فرماید. از شرور عالم کون  
 محافظه کند و با سباب معنوی و هم عالیه پیروان جان نثارش را از  
 ورطه یأس و کدر باوج نصرت و ظفر رساند.

ملاحظه نمایند چگونه در این سنوات اخیره نفقات قدسیه و امدادات  
 متابعه آن روح آزاد در کل ارجاء نافذ و ساری گشته. تفکر نماید قوه

مغربیه اش بجهت خود سرعنی در میادین قلوب نبضات مدعایه مشغول است  
 و بجهت اسباب عجیبه غیبیه ای بر اعلان و استحکام و تعمیم شریعه مقدسه اش  
 قائم. مستطین در ظل شجره مبارکه ترویج دین الهی مستقیماً مشغول  
 و نفوس غیر مؤمنه از عقل و دانشمندان و خادمان عالم انسان نیز از برکت  
 این بهار الهی بنجو غیر مستقیم باجرای احکام الهی فائز و موفق. اعدایش  
 مقهور و مغلوب و گرفتار و شکوب. مخالفین و مردین او در برش مغلوب  
 و سرگردان و ذلیل و پشیمان. نام جهانیش فاتح مدائن قلوب و  
 نوربخش اقایم و شعوب. مقام غیبتش کرم الهی را ستاره درخشانده  
 و مرقد شیرش مطاف هزار ذرته نگاه عالمیان از قریب و بعید. و هو  
 صریحه محومه اش مستابعا در ظهور و بروز و سطوت مکتونه اش در عالم کل  
 مکار حسود از خلف صد حجاب مشرق و جهان اسرور. او در قریبش  
 در قلوب مستحکم و در عرق جهان نباض و در مالک شاسعه آزاد برستی  
 عجیب در ترویج و انتشار. وقایع ناگوار، مشاکل شرعی و موانع مختلفه  
 هر چند بظاهر مختل در نظم شریعه الهی ولی باطن در انظار حکام ارض  
 و دانشمندان عالم کاشف اسرار امر الهی و مثبت اقتدار و همینه جامع

بهائی. در شرق عالم علمای فرخنده از افق ایران نمودار و شاد و اولیة استیلا  
 و سعادت و آسایش جان نشاران تمهید آن اقلیم آشکار و نمایان.  
 در اقصی بلاد غرب انجمن مرکزی بهائیان امریک بوسالی تیسر شبست  
 و بانفوس همه ای مرتبط تا بدنیوسیده از یک جهت استین حضرت یزدان را  
 در انظار طاعت و دولت علمی و معتبر و مشروع گردانند و از جهت بسیار  
 در صوم شرق الاذکار را در قلب آن اقلیم مرتفع سازند. محفل روحانی  
 در شرق و غرب عالم کج بودم ترو با تمهیدات اولیة تأسیس بیت عدل  
 اعظم مشغول و تعلیم روابط روحانیة شرق و غرب عالم بهائی  
 و حفظ وحدت جمع اهل بهاد و تشیید ارکان تبلیغ و ترویج منافع عمومیة مالوف.  
 تعالی تعالی بده القوة الازلیة و القدره الکامله و العزة الابدیة و  
 الالهیة الناشره اللواء فی مشارق الارض و مغاربها.  
 تعالی تعالی هذه الاشارة ان طعنة من مرکز الانوار نیر الافاق  
 صاحب العهود رب الميثاق بنیة للشا بدین بنیة للفاخرین.  
 ای مولای توانا از عالم بالانظری باین بندگان بسینوا نانا و آه و این  
 این خسته دلان را اجابت کن. مسامح اشفاقان رویت را برکتی

عظیم بخش و بر اجرای وصایای مبررات موفق دار. لیب فرقت را  
 بمیاه عذب اجرات عظیمه دریل امرت نشان و غزن و اندوه این مصیبت  
 زدگان را از صفحات قلوب تحقق وعده های جانپورت محو و زایل کن.  
 ذوق و شوق تسلیخ زاده قلوب و ارواح تولید کن و موانع حالیه را یکیک  
 مرتفع ساز. قلوب را استعدادی شدید بخش و ناشرین لوا، مجید را  
 بخلع تقدیس و تزیین و خلوص نیت و راستی و صداقت مزین فرما. ابواب  
 رخا بر وجه اهل کعبه آن سیران مظلوم گشا و عزت جاودانی را بیاران  
 عزیزت عطا کن. تو شاهد و آگاهی که این مشت ضعیف خرد تو بخونید و حوز  
 و مونی خبر تو نخواهند و امید و اتکالی جز وعده های هرکیات و تأییدات  
 لاریبیت نداشته و ندارند. تویی مقدر و توانا و بیاد شنوا.

ای قوی قدیر این مور ضعیف را با اجرای وصایای مبارکات تأیید بخش  
 و این بنده مسکین را تحقق نوایای مقدرات موفق طار تا آنچه رضای مبارک تو است  
 و امید و نخواه بیاران عزیزت کاملاً اجرا و تمام نماید. رب حقوق مالی  
 و سیر منافی بفضلك وجودك. بنده استغاث شوقی.

۵۰- انشاء الله اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران

و فقهم الله ملاحظه نمایند

یا انشاء الله و اصفیانه نامه اخیر آن محفل مرکزی تاریخ ۱۱ نو فمبر  
 و اصل گردید و بر مضامین کاملاً اطلاع حاصل . از اقدامات سریع  
 متقنه آن محفل نورانی سرور و نشاط و امیدواری کلی حاصل گشت  
 و شبیه ای نبوده که نفس این اقدامات که یاران شرق و غرب  
 حفظاً و صیانه بلیت الاعظم در آن اشتراک نموده اند اثرات  
 شدید و فوائد کلیه بخش و غرت و شوکت و جلال و وحدت جمع  
 اهل کعبه را در انظار حکام ارض و رؤسای ملل و دول ابراز  
 و اثبات نماید . هنوز نتیجه معلوم نه ولی آنچه واقع گردد شبیه ای  
 نبوده خیر و صلاح امر الله است . من بعد در همین لزوم این عبد  
 آن عزیزان جانتشان را اطلاع خواهد داد . مطمئن باشید .  
 مسئله جمع آثار از امور لازمه مهمه در این ایام است .  
 متحد المال محفل مرکزی راجع باستنساخ آیات بسیار مناسب .  
 امید چنان است افراد اجاب در جمع نقاط من دون استثناء



اجابت نمایند و این وظیفه مقدسه خویش را با حسنہ و اکملہ اجرا  
و اتمام کنند

در خصوص آوارہ بیوفا بہتر آن است اورا بحال خود گذارند  
و بار اہمیش ادنی اعتنائی نمایند. نہ بر بغض و عداوتش بفرمایند  
و نہ اقدامی کنند کہ محل نظم شریعہ اللہ و مغایر اصول و مبادی  
امرئہ الہیہ باشد. امثال این نفوس بحسرتی خود خواهند رسید:

ذمسم فی خوفهم علی عبون

بندہ استانش شوقی

۳. نومبر

بواسطه اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مرکزی  
اعضای محفل محبده روحانیه در کثرت مقدس بر این محفلیم  
ملاحظه نمایند

ای سروران لشکر حیات جمال جیشال ربّ الآیات البینات بانگ  
موجود ملکوت را در عالم ناسوت بلند کرده علم بسین را در شرق زمین بر افراشته  
روح حیات را در جسم مکان بدید چون لونه نوز در پس مجبات غیب مستور  
گشت . مولای بی همتا حضرت عبدالبهاء این روح ارنیه و قوه قدسیه  
را سنی متواریات در حصن حمایت خویش سپرد و رانید و در اواخر ایام نعیم  
مظهر صلاهی الهی را بلبوش اهل مپوش در شمال و جنوب و اقصی بلاد مغرب  
برساند . بازوی اقتدار و اثر خاتمه شرر بار حسنودی از ابرار و اخیار در  
جمع اقطار بر کنجیت و در میادین انقطاع فدائیان حق را بخرق صنوف  
جمل و ضلال امر و دلالت کرد . حقائق مکنونه را مکتوف نمود و سر جانناز  
را بسپاهیان خویش بیاوخت . تعلیمات کافیه و نصاب مشفقانه و  
مواعظ حکیمانه میراث مرغوب بگذاشت و مرکز انوار منظر و منور شدت .  
پرچم هدایت کبری را بدست آن برگزیدگان سپرد و بامدادات لاریه

خوش از اوج علی او عده داد .

ای برادران روحانی در این عصر نورانی بید تعذیر زمام امور را بدست  
 آن نمایندگان محترم سپرده . سپردگان حق را بدل جان محافظه نمایند  
 مشیت الهیه شارا پیشوایان و علمداران ضرب مظلوم فرموده افواج نرسین را  
 بمقصد اعلی و غایه قصوی که هدایت من علی الارض است تشویق و دلالت  
 کنید . نمایندگان اسم اعظمید آئین نازین را از مکاره و شرور و آفات  
 عالم کون حراست نمایند . نوسین بسببان اقومید از تلونات و تصنیفات  
 و شونات ترابیه که محل نظم شریعت الله است احترام و اجتناب تام  
 نمایند . وظائف مقرر مبرمه خویش را بیاد آرید و بنهایت خضوع  
 و خشوع و تدلل و انکسار و حکمت و انقطاع بخدمت عموم و ترویج مصالح  
 جمهور پردازید . این بنده ضعیف از احزان و صدمات  
 وارده و تعدد و تنوع مشاغل و غوائل چندی است از مکاتبه و مراسله  
 با آن ذوات محترمه که در حمل این ثقل اعظم شریک و سهیم این عبید  
 کای نغنی و یسوق محروم بمنوع گشته چه که دایره امر الله انا فانما در اتساع و عده  
 مقبلین و متفحصین در از دیاد . سر طنون مشکوف و نسائم جانپرور فتح

و ظفر روحانیان در تمام اقالیم در محبوب و مرور . در ارض اقدس این  
 عبد غریق مشاغل گوناگون و در دریای اوراق و اشغال و افکار چنان  
 مستغرق که دقیقه ای راحت و آسایش مفعود فراغت و آسودگی  
 سلوب . وقت آن است اعضای محافل روحانیه که نخبه ابرار و  
 قدوه اصحابند تمام قوی در توسعه دائره خدمات خویش علی قدر معدود  
 همتی جدید بکارند و بر حسب تعلیمات الیمیه پس از مشورت تام بحسب  
 اقتضای زمان و مکان بوسائلی متعده تشبث گردند و در رسد احتیاجات  
 ابناء و وطن خویش بعد استطاعت و امکان قدم اول بردارند .  
 و طائف محافل روحانیه که در بلدان شرق به بشر دین آمده میشوند در الواج  
 مقدمه مصرح و مبثوت : تحسین اخلاق است و تعمیم معارف . از این  
 جهل و نادانی و دفع تعصبات است و تحکیم اساس دین حقیقی در قلوب و  
 نفوس . اعتماد بر نفس است و اجتناب از تقلید . حسن ترتیب و نظم  
 در امور است و تمسک بطافت و نظافت در جمیع احوال و شئون .  
 راستی و صداقت است و جرئت و صراحت و شجاعت . ترویج  
 صنعت و زراعت است و تشدید ارکان تعاون و تعاضد .

حریت و ترقی عالم نساء است و تعلیم اجباری اطفال از بنین و نبات  
استحکام اصول مشورت در بین تمام طبقات است و دقت در حسن معاشات  
تأکید در امانت و دیانت است و صدق نیت و طیب طبیعت و نبات از  
از قیود عالم طبیعت. تقدیس و تنزیه از شرور و مفاسد قویه مستولیة بر بلاد  
غرب است و تمسک با عدال در بیع شون و اوقات. تفنن و تزیین  
در علوم و فنون عصریه است و حصر نظر در ترویج مصالح جمهور. تمعن و  
تعرس در الواح سماویة است و تطبیق نصوص الهیة بحالات و اوضاع  
و شون عالیة هیئت اجتماعیة. عدم مداخله در امور شوشه احراب است  
و عدم اعتنا و تعرض بمخاصات سیاستیه و منازعات مذہبیه و مبادی  
سقیمه اجتماعیة عالیة است. صداقت و اطاعت قلباً و لساناً با حکام  
مشروعہ دولت و حکومت است و احترام از مسلک و افکار و آراء و آیین  
مقلدین و متجددین. احترام و توقیر و تمجید و پیروی ارباب منہضت  
است و تکریم و تعزیر صاحبان علوم و معارف. حریت وجدان است  
و عدم تنقید و تعرض بعقائد و رسوم و عادات افراد و اقوام و ملل  
این است از جنبہ احتیاجات ضروریہ امم شرقیہ. اینست وظیف

میرمه محمود اصلیت انسانی رحمن انمانیدگان بحسبان اعضا  
مخالف روحانیه .

ای عزیزان جان نثار معشوق آمال در آن دیار چهره نمشاید مگر بتائیس  
و ادارت توسعه صندوق خیریه که از قبل در ملکاتیب این عباد اشاره و تاکید شد  
ملاحظه فرمائید که از کلمه میثاق چه تاکیداتی مصرحاً نازل می فرماید :  
« شرکت خیریه از تأسیسات رب البریه است زیرا امر بی ایتم و کافل  
راحت فقرا و عجز و مساکین انام است و سبب تعلیم اطفال و تسلیح  
امر حضرت رحمن باید این شرکت خیریه را نهایت اهمیت بدید تا  
نفوس از مبلغین تعیین گردند و در اطراف به تبلیغ پردازند . ترسیل آیات  
نمایند و شرفعات کنند و تفاوت کلمات فرمایند . هر نفسی که معاونت  
شرکت خیریه نماید در جمیع مراتب تأیید و توفیق الهی شامل گردد و هر نفسی  
کامل شود و سبب عزت ابدیه آن نفوس گردد . یا اجباء الله علیکم بهذا الامر طبره  
و الخط الموفور و سعی المشکور و سوف تدون ان کل جمعیه خیریه بصحت نموده  
بجنود من الملائم الا علی و عدت منصوره بحیوش من الملکوت الانبی «  
مقصود از شرکت خیریه همانا صندوق خیریه است که مبرور ایام چون

توسعه یابد اعضای محفل « نهایت دقت و موافقت و امانت تبرعات  
یاران را سرمایه شرکتی قرار دهند و تمام واردات و منافع این شرکت  
خیریه را صرف تقدم و پیشرفت امر الله و ترویج منافع عمومی نمایند .  
امید و طمید این عبد آن است که با مداوات غیبیه و برکت سماویة و  
وعدہ های الهیه سروران جنود مجتهدہ ملکوت الله نفع و ظفری باہر نائل  
گردند و با جبر آتی موفق شوند کہ کل جهانیان از امر و مأمور و حاکم و محکوم  
حیران مانند و در صفحات شرق بکندہ در تمام جهان از مقصدین و متاخرین  
کل شہادت دهند کہ در یاق اعظم و داروی اکمل و اتم این علیل مزمنہ  
در قبضہ بہانیان است و یگانہ حلال مشکلات ترازیدہ عالم انسان ہمانا  
روح مشعش حضرت بہاء الله است کہ در قلب جهان نباض است  
و در عرق کائنات جاری و جاری . آنچه را تا بحال انسانی در حین  
در انتظام و استحکام شریعت مولای عالمیان در آن بلدان جمعا و  
منفردا بان موفق گشته اند فی الحقیقہ قابل تمجید و تعریف و توصیف  
و تقدیر است . در بسیل محافظہ بیت اعظم کہ حال تقدیر حق تقدیر  
در چنگال اہل ضلال بندت کبری مبتلا فدائیان اسم اعظم روحی ہم رضا

در میدان مبارزه چنان همتی بجاشتند و صولتی نمودند که عالمیان از  
 قریب و بعید و وضع و شریف مدیهوش و حیران گشتند. بماعت  
 و معاضدت اولیای الهی در صفحات غرب علی الخصوص در کشور نور  
 امریک که حال در نزد حق میدان اشراق انوار و ظهور اسرار است  
 قیامی حیرت انگیز نمودند و احتجاجات شدید ای بولاه امور بی پرده  
 و حجاب ارسال نمودند. حقیقت آئین مقدس را بر وسای ارض و مضم  
 و مشوف ساختند و وحدت جمع اهل کعبه را در نظر قریب و بعید قولاً  
 و عملاً اثبات فرمودند. ولوله در آفاق انداختند و بمصادر و مقامات  
 علیا صیت نبأ عظیم را رساندند. در شریات خویش بعباراتی عبرت  
 انگیز ملوک و وزراء و وکلا و سفراء و انساء و رؤساء جهراً به بیانی مشجع  
 و مخنی نصیح و مبلغ دعوت باین آئین بدیع نمودند و بوساطی مختلفه و وسای  
 قاطعه سه حکومت قوی شوکت را در دو قاره اروپا و امریک دستگیر و  
 ظیرو معین خود ساختند. حتی در بعضی نقاط اغیار بصرافت طبع طیب  
 خاطر با اهل کعبه منضم گشتند و در محابرات رسمیه و احتجاجات شدید  
 خود را در سلک بهائیان در آوردند. احقاق حق مظلومین نمودند



و اثبات جرم فاحشین و خائنین کردند. بشارت و معاضدت برحق  
 و این آئین رب العالمین را بدنیوسید خدمت و نصرت فرمودند .  
 جمعی از بهادر سفها چنان انگاشتند که پیروان امر حضرت بهاء الله روحی  
 و روح من فی الوجود سلطه العدا . مستی ضعیفانید و در گوشه و کنار بعضی  
 از ممالک مظلّمه تاخره افتاده و پراکنده . همبشان تمشیت روحشان  
 افسرده و افکارشان پریشان و متقلب . جهت جامعه سعفود و از  
 فیوضات روح القدس ممنوع و مایوس . اتباع را در خاور و باقر عقاید  
 متباین و مسلک و شرب مختلف و آراء و رسوم مخالف و متناقض  
 مبدئشان سقیم و تعالیشان مقتبس از قصص کاذبین و اساطیر اولین .  
 بنیادشان برباد است و کوبششان آفل . آماشان سراب است  
 و تمام مجهوداتشان فانی و زائل .  
 هزار شکر شارع قدیر را که حقیقت شریعت الله را بر مدعیان کثوف نمود  
 و سطوت قدیمه را در انظار جهانیان از خواص و عوام حبلوه داد  
 عنقریب کمال شهادت دهند که بهائیان کاس را تمام او کامند و  
 از تعصبات جاهلان فارغ و آزاد . هر شمنند و غیورند و توانا و مقتدر

بادرایت و کفایتند و خیرخواه دولت و ملت . پرشده و نشاطند و از  
 پیشرفت مقاصدشان پر بخت و انبساط . مستعد از روح فیاضند و مکل  
 بر امدادات متابعه حضرت بی نیاز . عده شان یونانیان و مادده از یاد و نفا  
 سکیه قدسیه شان آنا فانا در انتشار . در اکثر اقالیم باروحی پر فتوح چون  
 فارسان و ایرتسخر قلوب و تطهیر اخلاق و تزکیه نفوس مانوس . عاملین  
 پیام نباتند و رفیعین خمیه وحدت عالم انسان . در شرق و غرب عالم پیروان  
 اعظم چون اعضاء و جوارح یک تن متحد و مرتبط و در ظل نظم اعظم تمهید  
 بسین و تائیس مدنی بی مشیل مشغول . عنقریب زمام امور را بدست گیرند  
 و علم استقلال حقیقی را علی رؤس الأَشهاد برافرازند و شوکت و سطوت  
 دیرینه را در انظار اهل مکر و حسد و ظلم و ارباب کثوف و مشهود سازند .

« ستر همیم آیاتانی الآفاق و یسعیم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون »  
 بقرات و مرآت از لسان طهمسبر که میثاق روحی لعنتمم العدا شنیده شد  
 که هر چند منطوق بعضی از نصوص کتاب الهی واضح و عیان گردید و حقائق  
 مکنونه کثوف شد : سطوت ناپلیون در گرون گشت و علم غرور و استکبارش  
 سزگون شد . برلین آه و خنیش مرتفع گشت و سرشک خونین از کفین

شواهدی که درین جاری شد . معشر روم اسیر غنوم و هجوم گشت و  
ارکیده ظلم و اعتساف مضمحل و نابود شد . زینت ظاهره اش مبدل بت  
بی منتی شد و حسین نبات دار امل بظلم اشیر متواصل گشت . امپراطوری  
نمسه بکلی منقرض گشت و ممالک وسیعه اش متجزی و پرتیان دوران شد  
ولی با وجود این وقوعات همیشه حوادث مؤلمه که حکایت از نفوذ غمگین  
کلمه الهیه مینماید هنوز برخی از نفوس مصداقش در پس پرده قضا طنون  
و تحقق مواعید جانپورش بوقت دیگر مریهون . ارض طامون جمال  
اقدس ابھی مرکز سنوحات الهیه گردد و مطلع حکمت و فرح عالمیان شود  
ذباب کاسره علمای دین و دشمنان دیرین و پرنسین قلع و قمع گردند و غنا  
ستمیدیه در کمال رفاهیت و جلال در ظل رایت عدل مشهور و مجتمع گردند .  
صوت رجال از ارض خا بادیه مسکینه خراسان زلزله بارکان کشور اندازد  
والویه نصر بر قتل آن سامان موج زند « اذ ایغرض المخلصون بنصرته  
وینوحن المشرکون » .  
از ارض کاف و راه نفوسی اولوالالباس مبعوث گردند و پرده مجبات  
و اشارات و شبهات بر سین را بدرند . کسر هینام نمایند و شریعت را بتمام

جهراً و علانیة بتبشیر و تائید نمایند « دولت وطنی جمال مبارک در جمیع بسیط  
 زمین محترمترین حکومت خواهد شد و ایران معسومترین بقاع عالم خواهد شد »  
 « بهائیان در جمیع علوم و فنون سر حلقه دانایان گردند و کوس علم و دانش را  
 در اوج اعلی زنند. مرکز کشفات عظیمه شوند و مصدر اختراعات نامتناهی  
 گردند » و همچنین در دفع شرطالمین و تثبیت شمس معین و اضمحلال فیه  
 خائنین و ارتعاع رایت اینجهین و استخفاف و استعلا می بیت رب العالمین  
 نصوص قاطعه با شرف علم اعلی مؤکد و مشهورت و این بیان اکمل و اتم تراجم بیت  
 اعظم از مصدر مشیت ماکت اتم شصت سال قبل نازل می فرماید :  
 « و اذکر ما نزل فی ارض السرفی السینة الاولی بعدنا المهدی و اخرنا  
 به فیما یرد علی البیت من بعد لئلا یحزنه ما ورد من قبل من الذی اعدی  
 و سرق و عند ربک علم السموات و الارضین . قلنا و قولنا الحق  
 ثم اعلم بان لیس هذا اول و هن نزل علی بیستی و قد نزل من قبل  
 بما کتبت ایدی الظالمین و نیرل علیه من الذلّة ما تجری به الدروع  
 عن کل نصیر نصیر کذلک العیناک بما هو استور فی محب الغیب  
 و ما اطلع به احد الا الله العزیز الحمید . ثم تمضی ایام یرفعه الله بالحق

و بحمد علمانی الملك بحيث يطوف في حوله ما العارفين . هذا قول  
 تركب من قبل ان ياتي يوم النزع قد اخبرناك به في هذا اللوح لئلا  
 يخزنك ماورد على البيت بما كتبت ایدی المعتمدین .

در این مقام بدانکه علمی نداشته و ندارد و تغییر و تبدیل هستی تا خیر و تعویق  
 تمنع و تسخیر . « لا یستی من حرف الا و قد یراه المنصفون مستویاً  
 علی عرش الظهور . » ملاحظه نمایند علم محیط الهی را که چگونه قلم اعلی از  
 وقایع جانگداز و جزع و فزع عالیه بهائیان در مثل اقطار شصت سال  
 قبل اخبار فرموده . در هر جمله ای از زبر و الواح غیبیه آیه تعریض  
 و تمعن و تدقیق لازم تا متبصرین و منقطعین و منصفین استنباط معانی ظنون  
 نمایند و بر حقایق مودعه در قالب کلمات عالیات آگاه و مطلع گردند .

ای برادران روحانی ایام ایام سعی و سرور است نه یأس  
 و قنوط . روز روز استقامت و شادی و کامرانی است نه تردد و  
 پریشانی . می فرماید : « امر عظیم است عظیم و معاومت و مهاجبه  
 هیچ عملی در آنم شدید است شدید . غنقریب نعره قبائل افریک  
 و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و آتمه چین از دور نزدیک

بلند شود و کل جمیع قوی معاومت بر خیزند و فارسان میدان الهی  
 بتأییدی از ملکوت الهی بقوت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان  
 جند بنالک هر دم از خرابی را ثابت و آشکار کنند ،  
 « قل یا ایها الارض موتوا بغضکم سوف ترتفع اعلام الامر فی کل منته  
 و تستضی منها الدیار »

و همچنین آنچه را یاران الهی و اشتیگان دلداده آن دلبر رحمانی حفظا و  
 صیانتا مقامه ارفع و لمرقده اشرف سعی و بهمت بسدول شسته اند  
 حجتی است قاطع و دلیلی است باهر بر قوه امر الله و نفوذ کلمه الله و نظم  
 شریعه الله و وحدت دین الله .

محمد خدایا که با شرمساری همیشه و همسرم عالییه یاران جانفشان حوالی  
 مقامات مقدسه از هجوم اهل ثروت و طمع و عدوان بقدر مقدور  
 محافظه گردید و اکناف و اطراف روضات مقدسه در دامنه کرم  
 الهی از تسلط و نوایای سینه اهل محقد و حسد تا مین گشت .  
 انشاء الله بتأییدات الهیه و هدایت سماویه پس از تائیس بیت عدل  
 اعظم و تشکیل اولین محکمه شرعیته بجهت بیان عالم این ارضی مجاوره

بر حسب شرع مسین و نص صریح بموقوفات امریه تماماً و کلاً محمول  
 و مبدل گردد و بموجب آیام معاهد جلیله و اہستہ شایسته و قصور مشیدہ  
 و عدالت بدعیہ در حوالی مقامات مقدسہ تعمیر و تکمیل و تاسیس گردد  
 و نوایای رب عزیز با حسنہا و اکلمہا در ارض مقدس جلوہ نماید و بر عزت  
 و شہرت و شہرت امر اللہ بنمیزاید . و این عہد در وقت حضر بالنیاء  
 از یاران جان فشان کفیل و حافظ این اراضی مجاورہ و ضامن تحقق  
 این امر خطیر است . ایدنی اللہ و ایاکم علی خدمتہ امرہ و صیانتہ

شریعتہ و استعلاء دینہ بین العالمین

۳ ک ۲ ، ۱۹۲۶

بندہ استانش شوقی

۱۹۲۶ء تا ۱۹۲۷ء از حیفابشیراز

- ۵۲

مصیبت زدگان مجسم جناب سید احمد روحانی جناب محمد صدیق  
جناب نصر اللہ آزادگان جناب پرویز کاویان جناب ابراہیم کاویان  
علیہم فضل اللہ الملک الغریز المنان

ایہا الصابرون فی البلاء، ہر چند نیران ظلم و عدوان شعلہ اش بعنا  
آسمان وصل و آن باز ماندگان شہدای غریز پریشان و منہوم و گرفتار  
ولی این واقعہ مؤلمہ و خبر وحشت اثر و لولہ در آفاق اندازد و شور و لہی  
جدید و انجذاب و نشاطی شدید در قلوب منادیان اہل غرب احدیث  
نماید. روح ثبوت و رسوخ و انقطاع و جانفشانی در ہیاکل آن نعوک  
بدید و امر عظیم تسلیخ را ترویجی فوق العادہ دہد و اسباب شہرت  
و اعلان امر اللہ در اقطار عالم گردد و بالمال غریزان ستمدیدہ مظلوم  
غریز و آزاد و سرافراز فرماید. پس محزون گردید مہموم مشوید  
صابر باشید و شاکر و بوعود محتومہ لاریبہ آئینہ مطہن و ناظر  
این عبد فی نہایت متأثر و متحسر و در کمال تضرع و اہتمال از درگاہ  
غنی متعال آسایش و اقبال و نجات و استخلاص آن بندگان صبور



و شکور را مسالت نمایم . آن نفوس زکریه فی الحقیقه فدای اعلای  
 این امر عظیم گشتند و در ملکوت اهی با جبر و ثوابی خیرین نائل شدند .  
 روحی منطلوبه میستم الفداء . زود است منتقم قهار زلزله بآرکان  
 دشمنان اندازد و یاران مقهور را منقحر و آزاد و غریزودشادند نماید .  
 ولایستی حرف لا و قدیراه المنصفون مستویا علی

عرش الظهور

بنده استانش شوقی

اعضای محرمه مجله محفل روحانی مرکزی را تأییدی بی‌میع از ملکوت  
 ربّ علیل خواهم. فی الحقیقه آن نمایندگان محترم و انسانی این امر اعظم  
 در آن کشور مقدّس مرجع خدمات عظیمه اند و مروج مصالح عمومیّه ثابت  
 بر امر اللّٰه و حامی شریعه اللّٰه. ناصر ضعیفانید و حافظ فقر و محرومان  
 از موانع مختلفه و تضییقات شدید و تعذیبات عدیده طول خسته گرد  
 و پشیمان و مایوس نشوند بلکه با وجود این خدمات و بلیات بیش از  
 پیش در حکیم اساس کوشند و در توسعه دایره تبلیغ و تقویت روابط خلد  
 و خارجیه جهدی بی‌میل و بذول دارند چه که مطمئن بوجود صریحه حتمیه الهیه  
 هستند و ناظر منتظر نصرت و ظفر امر اللّٰه.

از واقعه مانده خبر پر وحشت شهادت عزیزان حق در هرم حزن و اندوه  
 و تحیر و تحسر شدید حاصل. بسلا و غرب مخابره گردید و بان محفل نورانی  
 مغزافیا پامی مفصل ابلاغ گردید و همچنین مغزافیا تا کید گشت که محفل روانه  
 در صفحات ایران و ترکستان و قفقاز یا بهنایت روح و ریجان و مسانت  
 و اتقان شهید انتخابات نمایند. امید چنان است کل مبانی غیبی بر حق  
 و نازل گردند. حال این عبد مقرر صد منتظر و حصول تفصیل این واقعه

نوملمه استم تا در صین لرزوم بواسطه محفل غرب با اولیای امور چه  
 در ایران و چه در مراکز خارج مستقیماً مخبره گردد. این حوادث محزنه  
 و انقلابات اخیر هر چند اسباب پریشانی و قتل و غارت نفوس عزیزه  
 مومنه است ولی در باطن مدد و مرقح و مثبت امر الهی است .  
 صیت نبأ عظیم را در اقالیم بلند نماید و بر شوکت و قوه و جلوه آئین  
 بهائی بنمیزاید .

یاران را تسلیت و اطمینان دهید و بوعود الهیه و تثبت شمل اعداء  
 و سطوع کواکب عزت ابدیه اجابت ذکر دارید . بیان مبارک را بیاد  
 آرید : ولایستی من حرف الا و قدیراه المنصفون مستویا علی عرض  
 الظهور . زود است عظمت و حقیقت و عزت این امر الهی بر  
 عافان ارض ثابت و مشهور گردد . اذا یضح المؤمنون .  
 بنده استانش شوقی

۵۴- برادران و خواهران روحانی اجتای الہی و امام الرحمن در صفحات  
ایران و قفقاز یا ترکستان و اقلیم مصر و ہندوستان و ترکیہ  
و سوریه و عراق حفظم اللہ طبرہ اما حفظہ نمایند

ہو! کافظ العدیر

ای عشاق و فدائیان نیتہ آفاق در ایندم کہ از مشاغل بسیار  
ارض اقدس فی الجہ فرغت یافتہ و فرصتی بدست آوردہ قلب  
حزین را بگروہ مؤمنین کہ در مشرق زمین از تابع محن و بلا یا پرآہ و حسینند  
توجہ ساختہ بادی سوزان و خاطر پریشان بیاد آن مظلومان و  
سوخنگان نازہ عدوان مالوف و متذکرتم . تفصیل واقعہ مولدہ <sup>بگدا</sup>  
و کیفیت شہادت آن اجلہ اصحاب را بیاد آوردہ بدرگاہ رب بی نیای  
باین مناجات مساز کہ : ای حق توانا و مولای بہیما تو دادرس  
ضعفائی و یگانہ طلبا اولیاء . پناہ خستہ دلانی و دستگیر ہر در ماندہ  
بی نوا . قطرات دم شہیدانت را منعم جباری و اسیران دام جناب  
ناجی و مقتدی قہار . از عمن اعلی نظری باہل و فاد سرستان عالم  
بلا نما و از پس پردہ غیب قدرت دیرینہ آشکار کن . صغوف اشقیاء

در هم شکن و جمع او دارا تالیف در وقتی ده اشرار حقوق و حقوق را مقهور و  
 نابوکن و اصفیای مظلوم را آزاد و سرافراز فرما. اویای امور را در این  
 واقعه جانسوز بشا همراه عدالت دلالت کن و جمهورناس در خاور و باختر  
 بر این وقایع هوناک مطلع و آگاه فرما. علانده ناشرات را کشف حقایق  
 مجهول نامور کن و ضامن پاکدلان را بیدار فرما. اقیای ارض ارض بر نصرت  
 و حمایت این فتنه بی گناه مسووت فرما و آه غمزدگان را رفته در آفاق بخش  
 تو شابد و آگاهی که در این طوفان خیر محرکین پرندیس و علمای چون  
 ابلیس چه فسادی بر پا نمودند و چه آتشی بر افروختند. جمال عوام  
 چه ناست و دنائی نمودند و چه رعب و آشوبی در قلوب ساده دلان  
 بیندافتند. اشرار بست و سخن زبان گشودند و پرده شرم و حیا بدریدند  
 ابرار جام شهادت نوشیدند و بازماندگان بسیر و سامان زهر هر بلالی  
 چشیدند. طفل معصوم را جسد قطعه قطعه نمودند و زنان پرده نشین را  
 در معرض فداشکلی فطیع مقبول ساختند. اموال بتالان و تاراج  
 بردند و مسکن و ماوای بیچارگان آتش زدند. بسکلی غمگسته بخون سپرد  
 نازنین را بدست پدر پریا توان در کوچه و بازار بر خاک کشاندند و بنان

و شمیر آن بی‌اَکمل معدنه خون آلود را شره شره نمودند و بلهیب ناز  
 سپردند . ای منتقد قدیر این بلا یای سوا لیه تا کی ازین تضییقات  
 شدید تا چند . عشاق پرشوق و انتظارت را در چنگ ظالمان امن  
 مبتلا کردند . تو دانی که در ماندگان راهبرد و قراری نمانده و زمام تدبیر  
 از کف برفه پس بیدار از حبشیت برون آرو آمال هشتاد  
 ساله عزیزانت را در عرضه شهود جلوه ده . جز تو نداریم . جز تو نخواهیم  
 جز تو نشاسیم . بر عون و عنایت تو کلیم و بوعود حتمیات شاد و مطمئن .  
 ای بسینده شوا قدرتی بنا و فرجی عطا کن . این امر ناز نیست را  
 بمقامی منسج برسان و در تکبیس این عمل شنیع را مجازاتی سریع ده .  
 خاصانت را از قید اسارت پر ملال برهان و بر مسند رفعت بنیروال  
 نشان . سراج آزادی و جدان را در قلب آن سامان برافشرد  
 و ظلام دیکور او نام را محو و زائل کن تا انجمن روحانیان در آن بلدان  
 نفس را حتی برآرند و حیاتی تازه جویند . دوره ای جدید از سر گیرند و بی  
 تبلیغ آزادی و شادمانی گسبرانند . قدم بمیدان عمل گذارند و قیامی  
 عاشقانه نمایند . علم همت برافرازند و ولوله در اقالیم شرق اندازند

زمام را بدست گیرند و هیئت اجتماعیہ را احیا فرمایند . بر ملاکوس یا مباحث  
زند و دریاق عظیم را بعیلمان تشنب رسانند . مبادی سامیہ  
حضرت بہاء اللہ را علی رؤس الاشہاد فریاد زنند و مردگان ناسوت را  
از نام یوم موعود حیات و نشئہ جدید بخشند . ارکان مدنیت الہیہ  
بنند و قصر شید و عدت عالم انسانی را مرتفع سازند . مصدر خیرات  
عظیمہ گردند و مرکز اکتشافات عجیبہ شوند . ہم عظیم را مشہور در آفاق  
گردانند و عالم ادنی را مرات جہان بالا نمایند . توفی مجیر توفی دیگر  
توفی مقدر و توفی توانا .

فدیلم بروحی و کسینوسی یا ملاء العشاق . ہر چند در مشرق زمین آئین  
نازنین حضرت رب العالمین در تحت محاب ظالمان پر کین متبلا و  
اسیر است و حارسان امرسین در اشد محنت و فشار ولی ہزار شکر  
حضرت خفی الالطاف را کہ با اثر تعلیمات و ارشادات و مواعظ حکیمانہ  
مشفقانہ رب عزیز و مولای بی نظیر حضرت عبدالبہاء جو اہر لوجود عظمت  
الغداہ کہ در صوامع و مجامع اوروپ و امریک باعلی النداء بیان  
و اعلان فرمودند آوازہ امر الہی در باقر مرتفع و انوارش ساطع

و آثارش ظاهر و نفیاش متضوع « انه قد اشرق من جهة الشرق  
 و نزلت فی الغرب آثاره » آن تئمنهای افشاندۀ یدغایتش در رضی  
 قلوب جای گرفته و آن کلمات و بیانات هر پروردگرازش جمعی را بیدار  
 و پرانتباه ساخته. فیض از ملکوت علی در زیرش است و روح از لیه  
 اش از نقطه احراق در تابش. حواریون حضرت بهاء الله فدتیم  
 بروحی و راحتی در ممالک شاسعۀ آزاد میآید و نهارا در جوش و خروشند  
 و از پیشرفت مقاصد عالیۀ خویش دلگرم و دلشاد. اسباب همیا جوانگان  
 تبلیغ و وسیع. آزادی افکار موجود. نفوس هموشمند و غیر مستعد طالب  
 از باب بنر و همت در تحسین و تفحص و افکار جمهور ببادی اساسیۀ یوم  
 ظهور متوجه و مانوس. انصار و علمداران حزب مظلوم نفع اقالیم جدیده  
 مشغولند و ترویج و تعمیم و تفهیم حقائق مکنونه در شریعت مقدسه الهیه  
 مألوف. الواح مبارکه را با بس تعدده در نهایت اتقان ترجمه  
 و طبع نموده و در انحاء معهور بقتی عجیب منتشر ساخته. بتالیف کتب  
 و جمع آثار و تاسیس محلات امریه و انعقاد انجمنهای علمیۀ و ادبیه و توسعه  
 دائرۀ منابر و مراسلات محافل روحانیۀ پرداخته. در تهیه و مسائل



و ایجا دروابط قیصر سیمیه باد و ائرو مقامات عالییه شب و روز ساعی  
و جا بدهند. با اجده نفوس از تمام طبقات و اجناس و ادیان محشور و  
نوا نسند و بانچه ای از رجال دولت و ملت که بصیر و غیور و پاک  
طینت و معروفند همدم و همسراز. کتیری از کتیران جمال قسم  
که در اطوار و سکنات و سعی و مهمت و افتادگی و فرزانی و ثبات و تعوی  
و انقطاع فی الحقیقه سر حلقه خادمین و خادما ت آستان مقدس است  
در مشق جمهور موقنین و موقنات اخیراً در میدان تبلیغ بغور و ظفری با هر  
فائز و نائل گشته. این خانم محترمه امه الله المقربه مار شادوت  
که سجایا و اوصافش در صفحات او راق مطبوعه مشهور و نژاد یاران شرق  
و غرب هر دو معروف و مشهور در این سنده اخیره بی معین و دلیل منقطعاً  
عن الحجات وحیداً فریداً با فراجی علی و بصاعتی مزجاة بدیار بلغار  
و صقلاب شتافت تا در آن صفحات نیز مانند سایر بلدان ندای قد  
اتی الرحمن را بسمع و شریف و پر و جوان رساند. آن برگزیده  
اعظم بنم بدیار غربت شتافت و با وجود مساعب بشمار چندی در  
عاصمه مملکت رومانیاتوقف نمود. زاد و توشه ای جز توکل و تعویض

نداشت و این و همدی جز تلاوت آثار و مطالعه آیات نبوت و خیرت  
 آن سرور مبلغات و مقصدای ثنونات با عزمی آهین و قلبی تشنه و روحی  
 طعم قصد و اثر و مقامات عالیه نمود و در فکر حضور در محضر ملکه آن یار بقیه  
 تا پیام الهی را شخصاً بسمع تا جداران آن مملکت رساند و آثار قلم علی  
 خود بدست آن ملکه زمان سپارد. وقتی وارد عاصمه آن مملکت گشت که  
 قلب علی حضرت شریاری از حرکات ناشایسته و سعید خویش و تنزل  
 پسر عزیزش از ولایت خویش اسیر غموم و هموم بود و از انقلابات کشوری  
 ملکه در پریشان. آن پیام بر فرح و سلام فرصت را غنیمت شمرد و توبه  
 بمقلب القلوب نمود و بسوی ملکه متوجهت علی تبه سبب الاسباب شتافت  
 تا قلب آزرده آن مادر غمنازده را بمنعایس محبت الله بر باید و تسکین  
 و اطمینان و تمیلت بخشید. وظیفه خویش را بعون و عنایت حضرت  
 اهدیه با تمام و انجام رسانید و چون بلوغ نور شده بسینای قلب آن  
 شهیره آفاق زد و منظر و منصور بدیاری آخری شتافت. فبمثل  
 هذا فلیعمل العاطلون. چندی نگذشت که با اثر و عود آئینه و آیات  
 لاریبیه غیبیه ملاحظه گردید که در اوراق اخبار که در صفحات اروپا

و امریک توزیع و منتشر میگردد شایان آن مکه مجله دهج گردیده و در حاشیه  
 آن کلمات پر حلاوتی و عبارات تینیه ای که از قلم آن مکه در نعت و وصف  
 حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء صادر گشته بحروف علی  
 مطبوع و منتشر. این مکه که با سه خانواده طوکانه وصلت نموده و ارتباط  
 یافته و باین سبب بر حشمت و نفوذ و شوکت خویش افزوده خود  
 فاضله و نگارنده ای معروف و تالیفاتش در عوالم بلاد متحدت منتشر و  
 مشهور و فضل و کمالش و لیاقت و استعدادش در دوایر عالییه مقامات  
 رسمییه و معاهد علمییه مسلم و مشبوت و از جمله کلماتش این خطاب در برابر  
 که از قرار معلوم معجوم اهل عالم نموده در آستان بدون واسطه و ادنی خط  
 ای جبراً و علانیه علی رؤس الاشهاد اعلان نموده فریاد بر آورده که ای  
 جمهورناس " چه بدیع پامی است که حضرت بهاء الله و فرزندش  
 حضرت عبدالبهاء با ابلاغ فرموده اند. در تبلیغ این پیام تقوه  
 جریه اقدام نمودند و تمسک بختند چه که یقین بسین دستند که بزرگ  
 حقیقت آریه که اس اساس این پیام الهی است بالمال ریشه دواند  
 و سرایت کند و انتشار یابد ....

اگر نام بجا دانسته یا عبدالبها سمع شمار رسید از آثارشان غنفت  
 نمایند و رو بر گردانید. در طلب کتبشان بدقت جستجو نماید تا آیات  
 بنیات و کلمات عالیات صلح پرور محبت انگیزشان را در دل و جان  
 خود چنانچه در قلب من جای گرفته جای دهید . . . . .

بوی این تعالیم شتابید و بر سرت و جدان بفرزاید «

تعالی تعالی قدرته الغالبه علی الممکنات . تعالی تعالی کلمته الناقده  
 فی حقائق الموجودات . تعالی تعالی امره العظیم المهنزه من سطوة  
 الارضین و السموات قد خضعت له الاعناق و خضعت له الاموات  
 و عننت له الوجوه فبسمان ربنا الالهی .

ای برادران و خواهران روحانی آه مظلومان است که این شور  
 و آشوب را در دل و جان مهتران اروپا فکنده و افر و خنگی رخ  
 جان نشاران محتمن ایران است که انعکاسش در قلب لطیف آن  
 مملکه زمان ظاهر و هویدا گشته .

زهی حسرت و افسوس که سلاطین شرق و امرا و علمای عظام قدر  
 و منزلت این آئین بازمین را ندانستند بلکه تمام قوی تعلق و تمع و زجر

و تهدید و تشیت در محال این فتنه مظلومه قیام و اقدام نمودند؛ بیکل  
 مکرّم حضرت اعلی را بدار آویختند و سینه مطهر را تیر باران نمودند جمال  
 قدم را در قعر زندان بنیداختند و چهار مرتبه سرگون بلاد نمودند آخر الامر  
 در قلعه مطموره علکاً مادام الحیاء مسجون و منفی ساختند.

حضرت عبدالبهاء را پنجاه سال در سجن اعظم با انواع بلا یا معذب  
 نمودند و با انواع دسائس در قتل و آزار و تحقیر آن مولای عزیز و حسون  
 همت بگماشتند.

و اخیراً در این ایام با وجود احتجاجات شدید و مخابرات عدیده و  
 تمسک با سبب مستقیمه و توسل بوسائل رسمیه و اقامه بر این کافیه  
 و ادله محکم و حجج قاطعه ملیک عراق ایده الله اجابت دعوت پیروان  
 نیز آفاق را نمود و اعتنائی بخواطف قلبیه بهائیان نکرد. برغبین  
 بیت اعظم کلمه اعتراضی بر زبان نراند و بر مقاومت دسائس و تعدیات  
 اهل نفاق برنخاست. در احقاق حق مظلومین لب نشود و جوابی  
 در تکلیف مظلومین و تسلیت مشکوبین نداد.

حال مشیت غالبه مولای مختار بر این قرار گرفته که نور شناسائی



و نشاط و سروری بی اندازه یابیم. از محبوب اریح جا آزوده گردیم  
 و فرزند شویم. کلام حق را بیاد آریم که می فرماید :  
 « قد جعل الله البلاء غایبه لهدی الکره انحضراء و ذبالة لمصابه الذ  
 اشرفت منه الارض و السماء » .

باید نظر را بان قوه قدسیه لا شرقیه و لا غربیه متوجه ساخت و در این  
 احزان و آلام وارده تسلیت جست. وقت آن است که تمنع و  
 تعرس در آثارش نمایم و بمعانی کهنه و اشارات مودعه در کلمات  
 عالیاتش پی بریم. خود را استعداد و هیای یوم نجات و استخلاص  
 و مشارکت با یاران غرب در خدمات کلیه و تحقق نوایای مقدسه  
 رب عزیز سازیم. بجدیت و فعالیت و روح و ریحان بشیدارگان  
 امر و اتساع دائره خدمات علی قدر مقدور پردازیم و در دفع شر آثار  
 بعد از مشورت کامل و تدبر و تفکر بقدر وسع و استطاعت کوشیم و  
 شون داخله خویش را تنظیم و ترتیب دهیم. بر یگانگی و لغت و  
 تفاهیم و تعاضد بنفیر باشیم و در ادامه و توسعه و تکمیل و تکمیم و تفهیم  
 نهیسات و تکلیفات امریه تا نفس اخری همت بیخ مبذول داریم

تا از پس پرده قضا ید تقدیر چه ظاهر نماید و چه اسباب غیبیه ای ایجا  
 فرماید . لیس لنا الا التسلیم والرضا انه سمیع الدعاء واکمال

علی مایشاء

بنده استانش شوقی

خزیران ۱۹۲۶



۵۵- اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مرکزی کشور مقدس ایران

عظیم الله و ایدهم ملاحظه نمایند

هو الله

یا انما، الرحمن و الصفا، چندی قبل نامه ای عمومی مرقوم و ارسال  
گردید و اخیراً تلغرافی مشعر بر فتوحات عظیمه روحانیه که در صفحات غرب  
این ایام در جلوه و بروز است بعنوان آن محفل مقدس ارسال گشت.  
ندای امر عظیم بسمع تاجداران و اعظم اهم رسیده و ولوله در جهان انداخته  
صلای الهی بوساطی حیرت انگیز هم غیبری را بیدار و هوشیار نموده و  
حقیقت این آئین بازمین مجید و همت نخبه ای از مبلغین در قلوب بعضی از  
رجال ملت ثابت و استوار گشته. نتایج و ثمراتش ان شاء الله در  
مستقبل قریب ظاهر و مبرهن و مشتمل گردد. یاران مظلوم مستمیده و پیران  
دائیات و تلیت و اطمینان دهید و سفارش و تالیف نمایند که جمعاً  
و منفرداً بتضرع و مناجات مشغول گردند. بکرازه نهای موعوده الهیه  
پردازند و تحقق مواعید الهیه را کاملاً سریعاً منسلت نمایند زیرا  
علاماتش با پروا آثار اولیه اش ظاهر و لاج گشته. سر حلقه مبلغین

و مبلغات و سرور خادین و خادیات شهیره آفاق امه الله المقربه  
 مارثارت بفتح مدائن قلوب یسار و نهار مشغول و بچینودناید مؤید  
 بعضی از نامه های فرح بخش آن خانم محترمه را الفبا ارسال میدارم تا سرریعا  
 بنهایت دقت ترجمه نموده در متحد المال محفل مرکزی کاظمی درج نمایند  
 و در تمام صفحات ایران خصوصا و بلدان شرقی عموما انتشار دهید تا  
 کل مطلع و واقف گردند که حضرت بهاء الله چه نفوس مقدسه ای  
 و هیاهل محبسه ده ای در حیران مکان معبوث فرموده . انکاسات  
 این جسم عالیه عنقریب کشور ایران را منور نماید و از ظلام اسارت  
 و جهالت و عسرت نجات دهد و آزاد نماید و آن بذا لوعده محتموم .

بنده استانش شوقی

تموز ۱۹۲۶

۵۶ - اعضای محترمہ محفل مقدس روحانی مرکزی کشور ایران

و نعمتم الله ملاحظه نمایند

بہواتہ

ای حبیبیان با وفا و خادمان و عارسان امر حلال اقدس اسمے  
 نامہ های اخیر آن محفل مقدس نورانی بتاریخ ۵ و ۶ و ۱۰ شهر الرجمہ  
 و اصل و بدقت مطالعه گردید و بر مطالب و محتویاتش اطلاع تام حاصل  
 گشت . در خصوص مساعده یاران بصندوق خیریه از قبل و ضیاً  
 تأکید گشت کہ بجزد تائیس و تشکیل محفل روحانی باید من دون تاخیر صندوق  
 خیریه ای نیز تائیس و اعلان گردد و اعضای محفل شور ہر چندی عموماً  
 و کتباً اجبای الہی را دعوت و ترغیب و تشجیع بر اعانہ نمایند و آنچه  
 بدین صندوق خیریه جمع گردد تمام آن در تحت ادارہ مطلقہ کاملہ  
 دائمہ اعضای محفل روحانی است و هیچ کس احق مداخلہ و تصرف نہ  
 نیست . آنچه را اعضای محفل شور بالاتفاق قرار دہند و ہر مبلغی را  
 تعیین و تخصیص نمایند باید این صندوق من دون زیادہ و نقصان  
 ادا نماید و اگر چنانچہ اتفاق آراء غیر ممکن آنچہ اکثریت قرار دہد

مقبول و مجرب است بیچ نفی را منفرداً و مستقلاً حق تصرف در  
 واردات محافل روحانیه نبوده و نیست. باید هیئت پس از مشورت  
 و تفحص و تدقیق در لوازم امریه و احتیاجات نفوس بقدر قوت و  
 استطاعت خویش تخصیصاتی معین نمایند تا فقرا و عجزا و محتاجین از  
 تمام طبقات برور ایام مساعده گردند و منافع عمومی و مصالح امریه  
 نیز ترویجی سریع یابد.

و همچنین تشکیل و ادامه و توسعه صندوق خیریه مرکزی کشوری است  
 ایران که از الزم لوازم و امور اساسیه محسوب تا بحال بنحوی که باید  
 و شاید ممکن نگشته. باید اجبای الهی و امارا الرحمن را در تمام کشور  
 ایران باین امر مهم دلالت کرد زیرا اعانه بصندوق خیریه مرکزی  
 مقدم بر اعانه صندوق خیریه محلی بوده و هست چه که از عوامل مهمه  
 بلکه بجا محور اقدامات و تشکیلات و تأسیسات امریه است.  
 احسن و اولی آنکه عموم افراد در تمام استیلم ایران و محافل روحانیه  
 نقاط امریه مشترکاً بصندوق خیریه مرکزی مستمراً اعانه نمایند تا  
 اسباب ترویج این امر عظیم در مرکز و سایر نقاط گامی بسبب و بسبق

فراهم گردد و واردات صندوق خیریه مرکزی با مهارت تحت تصرف  
 و اداره مطلقه اعضای محض روحانی مرکزی است .  
 و نعمت الله علی وقایه امره و اعزاز دینه و بسط تعالیمه و هدایه خلقه

فی ملک الانحاء

بنده استانش شوقی

تموز ۱۹۲۶

۵۷- اجبای الهی و امان الرحمن در کشور مقدس ایران و قفقاز و ترکستان

و صفحات هندوستان و اقلیم مصر و عراق و ممالک

ترکیه و برتیه الشام طرّاً ملاحظه نمایند

هو الله

روحی و ما اعطانی ربی فداء شاکلم یا ملاء المؤمنین . در تعقیب

رساله اخیر راجع بختار و پذیر آن بانوی نیک اختر علیحضرت ملکه

رومانیا اداها الله کفایاً للضعفاء و تمایش متعالیم جان پرور حضرت

بهار الله ارواح الملائه الاعلی السلطه العذراء از مصادر موثوقه اخیراً

نویده ظهور و بروز اثراتی فرح بخش و آثاری جان نسنده ابرامع این مشتاق

مترادفاً و اصل که کل ازوله و اشتغلی و تعلق قلبی و انعطاف آن ملکه

نسبت باین حزب مظلوم حکایت نموده و مینماید . چندی قبل در

جواب مرقومه آن یگانه پیشوای مبلغین و مبلغات مس مارثارت

خود ملکه بنفسها جهراً و علانیته تغرافیا بان مؤمنه موقنه را سامی بزرگ

نمود و تمنای ایصال این پیام روحانی را به بانیمان مظلوم نمود که ستم

ببین بدانید که در احساسات و عواطف قلبیه با شما شریکم و بر عهد

مودت قائم و ثابت . آمال و آرزویم تمییم پیام بدیع حضرت عبدالبهت  
 انتی . حمد الربنا الجمعی الایحیی بما تنک الأستار و مطرفیضه  
 المدد و کشف غلام الأحران و الأکدر بطلوع فجر و عده لم حکم الکریم  
 حال نغمه موده مولای بهیما حضرت عبدالبهاء روح الوجود لرشحات  
 قلله العذراء بدایت طلوع است و آغاز جلوه جمال موعود . من بعد  
 بر جهان و جهانیان کشوف معلوم گردد که این کعبه بار چه بهار روحا  
 بود و این قرن چه قرن نورانی و آن بذا لوعده غیر مظلوم .  
 ولی ای برادران و خواهران روحانی گمان نرود که آن متوجه الی  
 و شیفته تعالیم مقدسه حضرت بهاء الله تماماً و کالاً بتمام شناسایی  
 و معرفت حقیقی این آئین عظیم رسیده و ندای است مظهر کلمه  
 الیه را چون مؤمن دل داده تصدیق و اجابت نموده . این قبول  
 و اذعان هنوز در پیش است و بجهت فتح و ظفری بی مشین از عقب  
 تا تقدیرات حق قدیر از افق قلب محمد آن مکه چه ظاهر و مشرق فرماید  
 سیوفی الله و عده و تمییم امر اکان مفعولاً . آنچه تا بحال واقع  
 گشته و تحقق یافته و صیغش تعالیم سببه را فر گرفته بهمانا شهادت

پرطلاوت آن مملکت قوی شوکت روشن ضمیر است که باین مضمون در  
 بین خلایق خود اعلان نموده و انتشار داده که پیام مسجون و مظلوم  
 عالم کاشف کروب و مبوم این جهان ظلمانی است و حلال مشکلات  
 مترادیه عالم انسانی . جهت جانم شراغ الهیه است و دافع و دفع  
 اختلافات و تبانیات مذمبه است . اس اس اس روح الهی است  
 و قوه دافعه اش محبت الله و چنان مجذوب و شیفته حقیقت  
 آن تعالیم و مبادی سامیه گشته و بجدی فرح و تسلیت و اطمینان  
 حاصل نموده که امرهای یونی صادر فرموده تا آنچه از کتب و صحف امریه  
 موجود بدست آید بمقتبر سلطنت ارسال گردد تا بصیغه نورسیده خویش  
 نضاع قلم ابھی را خود تعلیم و تلقین نماید و از بدو حیات آن امیره  
 پر استعداد و اب روح نباض شریعیه حضرت بهاء الله مطلع و آشنا  
 گردانند . بده اول حرکت شاعت و ذاعت صیبهما فی الاقطار  
 و سوف سمیع المنقرتون نغمت هذا الصافور و نقرات هذا القور  
 ترن فی قطب الافاق بان جنونا لم الغالبون . و این عجب  
 نظر باعلان عمومی و پیام خصوصی که علیحضرت مملکت انتشار داده و



بجمهور بھائیان ابلاغ نموده از لسان برادران و خواهران روحانی  
 در بلدان شرق و غرب مراسم قدر دانی و مراتب شکر گذاری را از اسماً  
 اجرا و اظهار نمود. دعا و تضرع نمایند تا آنچه مقدر گشته زودتر تحقق  
 یابد و انعکاسات این امر خطیر در قلوب زبردستان تأثیری شدید  
 بخشد و بسینوایان را بتدریج از ورطه بلای ماند و باوج رفعت و درخا  
 رساند و در آینده در صورت لزوم و احتیاج بمحافل مرکزی اشاره خوا  
 شد که چنین افکاری از طرف عموم بھائیان در اقلیم خویش نمایند  
 ولی عجاتاً مخابره از طرف محافل روحانیّه و افراد یاران مستحبّه  
 و لازم نیست.

ای جان نشان سبیل الہی از قرار مکاتیب وارده اشتیاق و محرمین  
 فاجعه بھرم بجزای جرم نرسیدند و از قید قصاص و عقاب رها  
 یاقند. از قرار معلوم نائزہ فساد در اندیارسنوز شستل و یاران بی  
 امان و شستت و پراسان. بدخوانان و جفاکاران بد کمینند و عزیزان حق بی  
 طبا و معین. عوانان گوی دست تطاول گشایند و گوی بکبر و دسیه  
 جدید پردازند. زہی حیرت و عبرت کہ با وجود این وقایع فحشیہ

و تعدیات شنیعه و احتجاجات شدید و مخاربات حدیده سفر او  
 وزراء و حکومت و ارباب براند و صاحبان علوم و معارف در قضا  
 متحدانه عالم و بیان نامه شیع و مبوط و متین و جامعی که اعضای محرمه  
 محفل مجتلی مرکزی روحانی اقلیم امریک راست بهر ان ارسال شده  
 و مقاله ای که آن هیئت محرمه بسید بریده از جراند معتبره معروفه  
 ایالات متحده و کنذا ارسال داشته اند و ترجمه هر دو لغتاً ارسال گرد  
 با وجود این اقدامات و مخاربات محرکین و مرتکبین و مجرمین مؤخره  
 گشتند و بخرای اعمال شنیعه قبیه خود نرسیدند و در دربار عدالت  
 کایغی و طیق محکوم و مقهور گشتند بلکه بالعکس شفاعت شستی از علماء  
 سوء و تهدیات سخیفه آنان بعضی از متعصرین و محرکین مستخلص  
 گشتند و نجات یافتند. آنانند نفوسی که در حشاشان از قلم اعلی ناز  
 تبا لقوم حکیم علیم کلامهم الا انهم من الاخرین.

مقصود انتقاد و تزییف و اعتراض بر حکام و فرمانداران محترم آن  
 اقلیم جلیل نبوده. حاشا تم حاشا. این مظلومان بیگناه بگله ای که  
 مغایر اصول و تعلیمات و تاکیدات مصدق قلم اعلی که در توفیر و اعطای

و خیر خواهی اویابی امور نازل گشته تنفوه نمایند . پس نانا ایشیم  
 و آرزو و الاطاعت و الانقیاد و الخضوع و الخشوع و الاستغاثه الی  
 الله و التوسل الیه ان یؤید حضرتة السلطان علی ما هو خیر له فی مملکة و  
 مملکوتہ و یبارک سریره بطراز العدل و الانصاف و یعبده ناصر لأمرة  
 المبارک المقدس المنزه العظیم .

ای یاران پر وفا هر قدر طوفان بلا شدید تر و اریح محن و درزایانوز  
 گردد محیط عظیم امر آئی امواجش مرتفع تر و جوش و خروشش عیب تر  
 و در و نالی آکنده اش بر ساحل وجودشین تر و بد بعیرشاید شود .  
 چنانچه ثابت و برهن گشت که فشار تضییقات اخیره رغما لکل معتد  
 ایشیم میدانی وسیع و فسمعی بدیع و جوانگامی جدید بر وجه اهل بجاگشود  
 و مغلوبیت و مقهوریت ظاہرہ ستمدیدگان راه نیردان در ایران  
 علت رفعت و استعدای امر مقدس در مقامات عالیہ گشت .  
 مشیت حقّی قدر بر این فخلق گرفته و حکمت بالغه الهیه چنین اقتضانموده  
 که خاصان حق در کشور مقدس ایران مال و منال حتی دم مظهر خویش را  
 ایثار نمایند تا شجره امید سعایت گردد و بزرگ و سیوه های گوناگون زمین

شود و بمبرور ایام اقوام و قبائل و ملل مستنوعه متباغضه اروپا و امریکای  
 و تاجیک و آفریک را در نظر تطلییش در آورد و تالیف دهد. تا الله  
 هذه موهبتة لاشیل لمانی الابداع تیمنا ما اهل خباء المجد فی النجبة تعلیا  
 خوشحال شمای برگزیدگان حضرت کبریا، چه که نخبه احسب ارید  
 و سرور اختیار. در بونه امتحان گزارا و مراداً چون ذهب ابریز  
 رخ بر افروختید و از لواقم فستان غموش و فسرده نشنید. شما نید  
 سروران حقیقی جنبه ملکوت الله. شما نید مسادریان حقیقی امر جمال  
 ابھی. طمع از نسید و چون شریان در جسم امکان نباض. عرق  
 حیاتی و مایه نجات و سعادت جهان و جهانیان. حال با وجود این  
 موانع عالیله و متاعب و مصائب متابعه عدیده شایسته و سزاوار  
 جنبه با آن است که سالکان سبیل اقوم در بحسب سوره بلا در اجرا و ایضا  
 و ظائف مبرمه مقدسه خویش نیز سعی کامل مبذول فرمایند. هر چند  
 مبتلا و پریشانند و قیقه ای از آنچه فریضه افراد اهل کعبه است غفلت  
 نمایند و اجمال و فتور بخود راه ندهند و از فرائض مهمه که از قبل بان  
 اشاره است غلم و الزم از کل امر مهمم تبلیغ است. زنهار زنها

امر تبلیغ دقیقه ای معوق و معطل ماند زیرا امر تبلیغ مقصد اصلی  
 اقدامات امریه پادشاه است و مایه سعادت ابدیه آنان . باید  
 بهر وسيله ای که ممکن و میسر باشد جوانان بهوشیار پاک طینت را  
 ترغیب و تشویق نمود تا نورسیدگان ازینین و نبات مبادی و اصول  
 تبلیغ را بیاموزند و بجزویت و فوائد و منافع کلیه آن اقناع و آشنا  
 گردند . و از جمله فرائض حمیه اجبای الهی تبیین اثبات عمومت  
 و جامعیت و علویت آئین حضرت بهاء الله است . باید  
 بشورت و صوابدید محافل روحانیه بوسایل فعاله تشبیه نمود و با جزا<sup>ت</sup>  
 قینه توسل یافت تا بیگانگان از تمام فرق و محل اقناع شوند و اذعان  
 نمایند و شهادت دهند که پیروان حضرت بهاء الله فی الحقیقه قلباً  
 و فعلاً و لساناً عالم هستند نه خودمین . خادمان حقیقی نوع انسانند  
 و در خیر خواهی و خدمتگزاری و مهربانی هیچ ملت و فرقه و طبقه ای را  
 ترجیح برد دیگری ندهند و مستثنی و خارج نشمرند . از قیود و سلاسل تعصبانیت  
 فارغ و آزادند و از حمیه جاہلیه دور و درکنار . ولی باید این مقصد  
 عالی در معاملات و محالطه و معاشرت با عموم از تمام طبقات فعلاً

اثبات گردد و بقول و ادعا اکتفا نشود بذهبتجهت اهل البها، بشری لعالمین  
 و همچنین اهتمام در ادامه و توسعه دهند و قهای خیریه محلی و مرکزی از  
 لوازم ضروریه این ایام محسوب. از قبل تأکید گشت که از برای پیشرفت  
 امور روحانیه و فتوحات امریه اسباب مادیه و وسائل مالمیه لازم  
 تا این اسباب قیصر نگردد پیشرفت کلی متعص و محال. علی الخصوص صندوق  
 خیریه مرکزی که در تحت موطبت و اداره محفل روحانی مرکزی است  
 باید تمام قوی کوشید تا دایره اش یومافیراً اتساع یابد و اساس  
 استقرار یابد و محکم و متین گردد.

و از جمله ورائض اولیه اهل محبا سعی متبادی در تنظیم و استحکام اسکا  
 محافل روحانیه است. همت موفور لازم تا شان و منزلت و نفوذ  
 و فعالیت و رونق این محافل نورانیه آناً تا از دیاد یابد چه که  
 اعضای مستخبر این محافل روحانیه رفیعین بسیاریان اقومند و غایبگان  
 اسم اعظم. در انظار دول و امم نورستین مدنیته بی شیلند و مثلین  
 و عدت و سطوت جمع اهل محبا. باید محافل روحانیه با یکدیگر  
 عقد مشورت بندند و در تبادل افکار و انشاء و ایجاد وسائل همه مقینه

بخت طبع بخارند تا اسباب تشکیس و انعقاد انجمنهای شوروی ملی روحانی  
 فراهم گردد و بر حسب تعلیمات مقدسه که در وصایای مبارکه مصرح و  
 مشروح است انتخابات طایفه در هر قلمبی دائر گردد و بویوت عدل خصوصی  
 طبعا مبارزه و تعالیمه تشکیس گردد و بعد از تأسیس و تنظیم این بویوت عدل  
 خصوصی در انتخابات بین اهل ملی متحدت شرکت نموده بسنجان رفیع  
 بیت عدل عظیم را مرتفع سازند. ملاحظه نمایند وظائف و مسئولیت  
 این محافل روحانیه چقدر مهم و عظیم است. باید در امر انتخابات سنویه  
 محافل روحانیه و تشکیس مجتهدی امریه و حکیم اساس مشورت و تصمیم بعد  
 از مذاکرات و اجراء و تنفیذ قرارهای محافل روحانیه عموم یاران چه  
 از متجنسین و غیر متجنسین بدل و جان مشارکت و مساعدت و معاضدت  
 و تأیید یکدیگر را نمایند. همت همت لازم تا نوایای آن مولای جنون  
 در عرصه شهود جلوه نماید.

و از جمله لوازم ضروریه تسریع در استنساخ و جمع و ارسال آثار امریه مبارک  
 اقدس و تدوین تاریخ عمومی امراته است. یاران غرب که  
 در اقالیم شاسعه آزاد مشروعات مهمه پرداخته اند ترصد و مستقرند

که این دو امر مهم برودی انجام و اتمام باید و تمهیدات اساسیه  
 اجراءات آتیه آنان من دون تاخیر تحقق یابد تا آنچه را در نظر دارند  
 حیز آمال بمیدان اجرا گذارند و امر مقدس را ترویجی عظیم دهند .  
 و همچنین مشارکت یاران با انجمنهای خیریه علمیه ادبیه است هرچند  
 که مقصدش فی الحقیقه ترویج منافع عمومی و مصالح عالم انسانی است  
 باید اجبای الهی حکمت و اعتدال پس از شورت کامل بقدر قوت و  
 استطاعت مساعده و تأیید آنرا نمایند و بقدر وسع و امکان مشارکت  
 نمایند ولی باید فعلاً و قلباً و لساناً آزادی مدافعه ای در امور سیاسیه  
 اقتناع نمایند و از مخالطه با احزاب شریره متنازع تجتنب و احراز جویند  
 این احزاب سیاسیه نشأ فسادند و مادم بنیان دولت و ملت .  
 انتفاع خویش را مقدم بر خیر عموم دانند و از لوازم و احتیاجات شدید  
 وطن خویش غافل و بیزار . معتقد و مغرورند و بی کفایت و اطلاع  
 ز بهار یاران صافدل در دام آنان گرفتار گردند و از مشارکت و مصاحبت  
 با چنین نفوس از آنچه بان نامور گشته اند محروم و ممنوع گردند .  
 این است از جمده فرائض افراد مجبسان در ممالک شرقیه . این است



وظائف مقدسه محافل روحانیه. اگر فی الحقیقه ادبیای الهی در صیغ  
بلدان با وجود تعدیات و تضییقات و آفات و نامایمات از این صراط  
دقیق نلغزند و از این فرائض اولیه خویش روی برنگردانند و درین سبیل تا  
نفس اخیره اومت نمایند و ملال نیسازند و برودت و فراموشی دست  
بخود راه ندهند تا آنکه بحق یسبح الله امره مقاماً لم تر شبهه القرون الاولیاء  
تضعق من سطوته ارکان کل مشرک مرتاب دستغنی و جوه المومنین  
یقین است پیروان دلداده جمال الهی و پرورده ید عنایت کبری  
که در گذشته ایام زهر بر بانی چشیدند و سیل مبین کن امتحانات  
لا تعد و لا تحصى مقاومت نمودند و در میادین عدیده پرچم استقامت  
کبری برافراشتند در آینده نیز راه وفا پویند و این مراحل باقیه  
رنج و بلا را طی نمایند و سرفراز مقصود که عزت جاودان و سعادت  
دو جهان است رسند. اذا سمع من هتاف الملا، الاعلی طوبی  
للعائزین شری الثابتین همنیاً للصابرین فرحاً لكل معتم  
بجده المحکم المستین .

رَبَّنَا وَاغْلِبْنَا اِذْ لَمْ يَكُنْ لَكَ اِلٰهٌ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ اَلْحَمْدَ وَ اَلْحَمْدُ لَكَ اَسْبَغَتْ

بمؤمننا بتزول ملائكتك نصر كالمسكين وازد ابصارنا بمشاهدة آيات  
 ادرك اعظيم . ربنا افرغ علينا صبراً من لدنك ربنا افتح علي  
 وجوهنا ابواب السعادة والرخاء واذقنا حلاوة المناء وادفعنا  
 معاننا انت او عدتنا به في صحفك وكتبك . الى متى يا الهنا  
 هذا الظلم والتعديان . الى متى هذا الجور والعدوان . هل لنا  
 من آمن الا انت لا وحضرة رحمانيتك . انت مجير المضطرين  
 انت سميع دعاء الملهوفين . ادركنا بفضلك يا ربنا الا نهبى  
 ولا نخب آماننا يا مقصود العالمين وارحم

الراحمين

بنده استاس شوقى

ايلول ١٩٢٦

اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مرکزی

اقلم ایران حفظم الله ملاحظه نمایند

بوالله

یا اصفیاء الرحمن و احبائه و امثاله نامه های اخیر آن محفل مقدس  
تاریخ ۲۴ و ۲۸ اکتبر و ۲۰ و ۲۲ نوامبر و اصل و بر مضمون هر یک  
اطلاع کامل حاصل. از خبر سلامتی یاران و تقدم امور امریه و  
استحکام شریعت الله و عدم تعرض اعدا و اشهر افرح و طمینان  
حاصل گردید. این عبد دعا و تضرع نماید و از سبب الاسباب  
استدعا و تمنائ کند که این موانع عالی مرتفع شود و امور استوار یابد  
و وسائل مادیه از برای توسعه دائره خدمات کلیه همیا و فراهم شود.  
و امر تبلیغ ترویجی سریع یابد و یوم ید خلون فی دین الله افواجاً  
از افق آن اقلیم فخرش طالع و با هر گردد. این آیام این عبدستان  
در دریای مشاغل مهمه متنوعه دقیقه مستغرق و با بعضی از نمایندگان با  
کفایت خردمند مخلص محرب عبثورت و مذاکره و مجابره مشغول زیرا  
وقایع غیر مستطره و سیر سریع امر الله و اشتها کلمه الله سبحان

و غلیانی شدید در قلوب و افکار متران و کترین بعضی ممالک و بلدان  
 اعدا شده . جمهور عقل و ادب و تخصص و جستجو در باب علوم و  
 فنون و اصحاب جراند و اولیای امور از ظهور و بروز علامت و نشانه  
 اعظم متنبه و مدبوش . امید شدیدین عبد ضعیف آن است که پس از  
 جلوه و سطوع انوار نیر اعظم در قلوب و ارواح زمامداران دولت و امم  
 حزب مظلوم بتائیدات لاریستی حی قیوم و مدد اقدامات برگزیدگان  
 حق در اقالیم غرب از قیود رنج و بلا برهنگند و باوج عزت و علی چون  
 طیر آزاد پرواز نمایند . بدیر و رقاء اعدیه را گوشزد قریب و بعید در  
 آن کشور جلیس نمایند و خارستان ظنون و اوام را بتعالیم جان پرور  
 یوم ظهور نهند عالم بالا نمایند . صبر و استقامت لازم لعل الله  
 یحدث بعد ذلک امرًا .

در خصوص مدرستین سنین و نبات بمجرد وصول اپورت بهیت مدیره  
 نامه عمومی مخصوص بایران امریکه مرقوم گردید و ارسال شد و تأیید شد  
 گشت که محفل مقدس مرکزی آن اقلیم بتمت بلیغ مبذول فرمایند  
 تا یک نفر یاد و نغز انفس حاقله مجرب استعدده ای را بمراد نامه تلمیحه

دکترمودی طهران عزام نمایند تا مشغول تنظیم و ترتیب و تقدیم و استکمام  
 شوند تا داخله و خارجة این دو مدرسه مجبانی شوند. و همچنین ایجاد  
 روابط مستینه ای بین مرکز ایران و محافل روحانیه صفحات امریکه  
 نمایند. از آستان مقدس استدعا نمایم که اسباب و وسائل من  
 دون تأخیر فراهم گردد و قدر منزلت معابد ادبیه علمیه امریه در مدینه  
 طهران کاینسبغی و طبع نمایان گردد. و اگر چنانچه بعد از تفحص و تحقیق  
 معلوم و مبرهن گردد که در امور مالی و مخولات و عایدات این دو  
 مدرسه بجدی تأخر و خل حاصل گشته که بیم آن است نظمه و وهنی  
 بامر مقدس در انظار عموم وارد گردد آن محفل قسمتی از موقوفات  
 امریه را بقدر لزوم بفروش رسانند و آنچه عاید گردد در بسیل سدا احتیاجات  
 ضروریه این دو مدرسه صرف نمایند و آنچه صرف گردد باید تماش  
 باطلاع و صوابدید آن محفل مقدس باشد. ایدکم الله علی ما ترغ  
 به اعلام الأمر فی ملک الأرجاء.

مبلغ پنجاه تومان اعانه بمدرسه بنات که جناب امین پرداخته اند  
 بسیار محبوب و مقبول. امید چنان است که یوما فیوما شهرت

و منزلتش مد نظر باری و اختیار بیشتر و نمایان تر گردد و عالم نسا را خواهد  
 با پر نماید.

آنچه را در ارجح بموقف اجبار در ممالک روسیه تصمیم گرفته و ابلاغ نموده  
 امید صحیح و مستین و تمام است. امید چنان است یاران چه در  
 قفقاز یا و چه در ایران از خط اعتدال خارج نشوند و انحراف نجویند  
 زیرا سلامت در این است و ماعداه مخالف اساسه المحکم الملتین  
 و تعالیم امره العظیم.

در این جوار پر انوار از آستان ملک مختار موفقیت در نمی آن  
 انسانی رحمن را از اعماق قلب مستدعی و طمئین بوده دستم.

بنده آستانش شوقی

۱۹ دسمبر ۱۹۲۶

۵۹- راجع بانتخابات محافل مقدسه روحانی می فرمایند

### قوله الاصلی

محافل روحانی یاران در شرق و غرب عالم باید من دون استثناء هر ساله  
در یوم اول عید سعید رضوان تجدید شود و انتخابات در آن یوم مبارک باید  
در نهایت مسانت و روحانیت شروع شود و حسب الگرد و اگر ممکن همان  
یوم نیز سبب انتخابات معلوم و اعلان شود و اصول انتخاب از این قرار:  
چون یوم انتخاب رسد باید جمیع یاران <sup>تجدداً</sup> متفقاً متوجهاً ایبه منقطعاً من  
دونه طالباً هدایتیه مستیناً من فصد بدل و جان اقدام بانتخاب  
نمایند و انتخاب اعضای محفل روحانی خویش از وظائف مقدسه  
محمده و جدانیه خود شمرند ابداً احوال در این امر نکنند و کناره گیرند و دوری  
نجویند. منتخبین و مستخبین بیچوجه دم از استعفا نزنند بلکه در نهایت  
افتخار و جدیت و سرور ابدای رای نمایند و عضویت محفل را قبول نمایند  
ترجمه تلگراف مبارک در سنه ماضیه

دو اچی - روحانی . از جمیع اجبای ایران ، ترکستان و قفقازیا  
جداً خواستمندم تمام قوی در تجدید انتخابات محافل روحانیه شرکت

نمایند. هیچ بهائی حقیقی نمیتواند از این انتساب برکنار باشد. نتیجه  
انتخابات باید فوراً توسط محافل مرکزی بارض اقدس ارسال شود  
بموجب مراکز فوراً ابلاغ کنید با حزم و حکمت اقدام نمایند.

تأییدات ملکوتی را عظمیسم. شوقی

در لوح مقدسی که اخیراً رسیده می فرمایند :

دور مقام استعدا و خواهش این بنده کترین از گروه مؤمنات و  
مؤمنین آن است که تمام قوی در نهایت انقطاع و تجرد از شؤونات نفس  
و هوئی بر ترویج و تسریع و حکیم و تفهیم و تعزیز این مؤسسات اوتیه امریه  
قیام نمایند. هر نفع و آرزوی را فدای مصالح شریعه الله کنند و در  
ایام رضوان چون ایجاد تجدید انتخابات محافل محلی و مرکزی رسد بدل  
و جان باین امر خطیر من دون استثناء و استعفاء اقدام کنند و در این عمل  
مبرور بر بلیغ سبقت جویند و پس از تجدید نتیجه انتخابات را یعنی اسامی  
اعضای منتخبه و عنوان غنشی محفل را من دون تاخیر و تعطیل بمحفل مرکزی  
اقیم خویش رسانند و محافل مرکزی همت در جمع اوراق نموده صورتی  
دز آنرا کاملاً نزد این عید با سرعت مایکن ارسال دارند . . . . .



۴- ۳۰ دسامبر ۱۹۲۶ میلادی من حیفا الی بغداد  
اعضاء محترمه محفل مقدس روحانی زید اجلام  
هو الله تعالی

اولیای الهی ! عریضه آن محفل مقدس در خصوص نخل مجلس حضرت  
شیخ محمد رسید و بلاخطه طلعت انور ولی امر الله فدیت محضه الله  
فانز گردید . فرمودند در این خصوص از خانه مشتاق محبوب آفاق  
لوح مقدسی صادر و در آن می فرساید که اجتماع دوز و جهنم  
و معلق تعدیل است و تعدیل غیر ممکن و مستحیل لهذا اکنون بموجب  
این بیان بستن کتاب الله اجتماع زو جتین جائز نه و این بیان  
بستن است و تکلیف امروز ولی است در نهانی در خصوص معلق  
بتأسیس بیت العدل است زیرا اینگونه مسائل و متفرقات آن جامع  
به بیت عدل الهی است . از بعد آنچه را امناء الهی قرار  
دهند همان محسبی خواهد شد و این بامر مبارک  
..... در قوم گردید

نامه های اخیر تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۲۶ و ۲۰ آن وصل .

راجع زیارت ارض مقدس باید هر مسافری از پیش باین عهد  
 مخابره نماید و تا اشاره ای از ارض مقصود نرسد حرکت ننماید .  
 راجع به عده اعضا محفل روحانی یعنی رئیس و نمایندگان از نه سجا  
 جانزند . تفرعات راجع محفل است و آنچه با کثرت قرار دهند

محبوب و مقبول

بنده استانش شوقی

۲. بیع الثانی ۱۳۴۵ هجری از حیفاطی بصران

اعضاء مجتبه محفل مقدس روحانی زید اجداد عالم العالی

-۴۱

هو الله تعالی

اولیاء الرحمن ! روحی تعالیم الغداء علی اعلاء کلمه الله المطامع  
 و صیانه او امره المقدسه المبرمه . در شب قبل پس از زیارت مقامات  
 مبارکه - حضرة ولی امر الله روحی لمحضره الا طرفه در حالیکه روحی همان  
 اسرور برابر فرخته بود بانحایت تاثر فرمودند که محفل مقدس روحانی  
 طهران نویس که آن اعضا محترمه بخوبی از تعالیم قلم اعلی مطلع و از او امر  
 و احکام موکده قلم اعلی باخبر و از مواظبت و نصح اکتیه آگاهند که چه  
 تأکیدی در عدم مداخله در امور سیاستیه حتی تسخیر انتقام و فساد فرمودند  
 ( ان تقتلوا فی رضاه خیر من ان تقتلوا ) بارمی فرماید " قسم بحالیم که  
 اگر اجابت گشته شوند بهتر است از سفک دم نفسی " و در آیات حدیده  
 این آیه مبارکه نازل " ان الذین سفکون الدماء و یا کلون اموال  
 الناس با بطل سخن برآء منم و نسل الله ان لا یجمع بیننا و بینهم لانی  
 الدنیا و لانی الاخرة " و در لوح عالم قلم قدم ناطق که از کلمات

اربعه ای که معرفی قیل بآن متمسک « اول کلمه فغضب الرقاب بود  
 و ثانی فغای احراب » و لکن فضل عظیم در این ظهور اکرم آنچه سبب  
 عداوت و بغضا بود محو نمود و آنچه علت اتحاد و ایستادگی است ثبت فرمود  
 و در بشارت خاتم النبیین است که « این طایفه در مملکت هر دولتی که  
 شوند باید با آن دولت بحال امانت و صداقت رفتار نمایند . هذا  
 ما نزل من لدن امر قدیم » و بعد از نزول هزار بار اینگونه آیات مبارکه  
 در کتاب عهد و وصیت آن جمال بسین در نهایت توضیح و تأکید نازل که  
 « یا اولیا الله ملوک مظاهر قدرت و مطالع عزت و ثروت حصه  
 در باره ایشان دعا کنید . حکومت ارض بآن نفوس عنایت شد  
 و قلوب را از برای خود مقرر داشت . نزاع و جدال را نهی فرمود  
 نهیاً عظیماً فی الکتاب . هذا امر الله فی هذا الظهور الا عظم و عصمه من  
 حکم المحوذینه بطراز الاثبات . انه لهو الامر الحکیم » ملاحظه فرمائید  
 که این حکم را از محو و تغییر محفوظ و مصون فرمودند و بطراز اثبات  
 و اجرا فرین نمودند . و از خاتم دلبر پیمان چه تأییداتی در عدم مدخله  
 در امور سیاسیة و عدم انتقام و امثال آن نازل . حتی می فرماید

از امور سیاسیة دم نزنید و لو بشق شفعه باشد .  
 باین صریح و صریح قلم اعلی و شدت تأکیدات خانه مشرق عبودیت  
 عظمی و منع شدید اکید بعد از صعود آن طلعت نورا، باز در تحریرات  
 مفصله مؤکد و مکرر باین نوشته شده که معاذ الله از مدخله در امور سیاسی  
 اجاباید بکلی از این شئون در کنار باشند و از هر وظیفه ای که بجز بخدمت  
 سیاست شود بزرگدوند زیرا معاشرت غیر مطمح شدن با حزب سیاسی است  
 و ملاقات بروج و ریجان سوای مدافعه در امور پر انقلاب شور مملکتی است  
 با وجود آنکه احکام اسم اعظم و تأکیدات مطلع عهد اقوم و منع اکید شدید  
 در هر روز و هفته و ماه و سال حال چه قدر جای تأثر است که باز  
 افرادی بهوائی نفسانیة برپند و خود سرانه بانکار باطله پردازند .  
 مگر فرمودند که آن محفل مقدس نهایت جبراد در سیاست امر الله بنایند  
 و کمال مواظبت را در نسبت باه نفوس بفرمایند و متحد الممالی محرمانه نیز در  
 این خصوص بحبت جمیع محافل روحانی ایران بفرستند که اگر چنانچه  
 باید بروصایای الهیه ثابت نمانند و باین احکام مؤکده مستقیم و  
 متحد گردند و هر روز در گوشه ای نفوس خود سرپیدا شوند عاقبت امر

منبر تفضل عام این حزب مظلوم گردد و ذآب کاسره بر جاک عموم افشام نمی  
 اجتماع و اتحاد نمایند پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد . باید عموم  
 اجابداوند که او امر صادره از سلطان ظهور برای همیشه است نه یکدو  
 روز . جدی است نه شوخی . الهی است نه بشری .  
 باز فرمودند که چقدر جای خزن و اسفاست که در وقت و زمانی  
 که صیت کلمه الله و لوله تازه ای در ممالک تمدنه عالم انداخته  
 و صوت امر الله دل های نفوس مهمه روسای امم را جذب نمود  
 نوبت آن رسیده که ملکه های دنیا بروجا همت و اهمیت تعلیم  
 بدیعه الهیه شهادت دهند و لوله در قلوب اقران و امثال خود  
 اندازند و بمذاحمی یوسف جمال لب بر پیمان پردازند در چنین وقت  
 و چنین کجسوجه ای چه قدر مایه ملال است که صدای مخالفی بلند  
 و عمل نامناسبی شیوع یابد و صفحات جراند را سیاه کند و زحمات  
 بیساکل مقدسه را بیاد دهد . کلمه الله را از نفوذ مانع شود و حزب  
 الهی را از نیکبانی باز دارد . دل های اولیاء الله را محزون کند و  
 قلوب خاصان حق را پر خون نماید . اعادنا الله و ایاکم یا

مشرالموحدین .

از این قبیل فرمایشات بسیار فرمودند که این نمونه ای از آن قلم  
اسرار است و ذره ای از آن خورشید پر انوار که با بر مبارک تحریر

و ترسیم نمود

عبدولیس زرقانی

ملاحظه گردید . بنده استعانتش شوقی

## علت تنظیم لغت نامه

چون از یک طرف کلیه اهل محبت از صمیم قلب شایق و آرزو مندند که توفیقات فیعه مولای خود حضرت ولی غریز امر الله را زیارت کنند و قرائت آنرا فریضه دینی خود میدانند و از طرف دیگر احتمال میرود بعضی از اجابا بواسطه موانع در بعضی از نقاط کشور موفق به تحصیل اسبابی نشده بعبارة اخیری کم سواد باشند و در فهم برخی از لغات توفیقات مبارکه دچار اشکال شوند این لغت نامه محض کمک باین دسته از یاران روحانی تنظیم شده و از معانی لغات فقط بذکر معانی مناسب بامدلول توفیقات مبارکه اکتفا نموده از نوشتن کلیه معانی هر لغت خودداری شده است بنا بر این اجابای غریز نباید تصور فرمایند که این مختصر لغت نامه در حد خود از لحاظ ذکر کلیه معانی یک لغت جامع میباشد بلکه چنانکه عرض شد فقط برای زیارت توفیقات مبارکه مرقومه در این جلد و ذکر معنی مناسب هر لغت در این آثار مبارکه قناعت شده امید است برای عده ای از اجابا مفید فایده باشد.



## حرف الف

معنی	لغت
دوستی - الفت گرفتن - متحد شدن	إئتلاف
گوشها	آذان - جمع اذن
نعمت	آلاء - جمع الی
آرزو	آمال - جمع امل
آرزوکننده	آمل
تحریک - توطئه	آنتریک
تضرع - استدعا	إبتهال
اظهار نظر - رأی دادن	إبداء رأی
اشخاص خوب و نیک	أبرار جمع بار
شخص مستبد و مرض پس	أبرص
طلای خالص	إبریز
پهلوانان	أبطال جمع بطل
وسعت پیدا کردن	إتساع

## حرف الف

معنی	لغت
محکم کردن - محکمگی	اِتقان
محکمته	اِتقن
اعتماد - توکل کردن	اِتکال
بندیها - تپه ها	اِتلال جمع تل
کناها	اِشیم
شماره برگزید	اِجتبالم
سعی و کوشش	اِجتهاد
بالها - پرها	اِجنه - جمع جناح
زبان و شعله آتش	اِجج
مباحثه - استدلال	اِجتجاج
تیزتر - بُرنده تر	اِخذ
شمردن - شمارش کردن	اِحصاء اِحصائیه
اوقات - زمانها	اِحیان جمع صین

## حرف اُلف

معنی	لغت
دوستان	أَخْلَاءٌ - جمع خلیل
آیندگان - اولاد	أَخْلَافٌ - جمع خلف
خاموش کردن	إِخْمَادٌ
از خدا چیزی خواستن - دعا معروفست	أَدْعِيَةٌ - جمع دعا
نزدیکتر - کمتر - پست تر	أَدْنَى
اسباب - ابزار - وسایل	أَدْوَاتٌ - جمع اداة
قبول کردن - معتقد شدن	إِذْعَانٌ
بیوه زنان - زنانیکه شوهرانشان را	أَرَامِلٌ - جمع ارملة
از دست داده اند	
رحلت - صعود - مردن	إِرْتِهَالٌ
ستی	إِرْتِهَاءٌ
شکست کردن	إِرْتِيَابٌ
اطراف - اکناف	أَرْجَاءٌ - جمع رجاء

## حرف الف

معنی	لغت
مقصود شهر طبران است	ارض طاء
مقصود خراسان است	ارض خاء
مقصود کرمان است	ارض ک و را
رقیقتر - لطیفتر	أرق
بندگان زر خرید	أرقاء - جمع رقیق
بادها	أریاح - جمع ریح
تخت - تخت سلطنت	أریکه - اریکه شاهی
بر طرف کردن - ازین بردن	إزاله
باطل کردن - ازین بردن	إزهاق
هنگام وعده رسید	أوف الوعد
کمرها	أزور - جمع ازور
گلهها	أزمار - جمع زهر
پرسشها	أسئله - جمع سؤال

## حرف الف

معنی	لغت
قسم میدهم شمارا	استخلفکم
قدرت و توانائی	استطاعت
ملک خواستن	استعانت
ایری - ایر شدن	آسرت
ساختید - تأسیس کردید	آسستم
گذشتگان - نیاکان	آسلاف - جمع سلف
طریقه - روش	آسلوب
رتبه و مقام بلند	آسنی
غمها - غصه ها	آشجان - جمع شجن
اشخاص ظالم و بیرحم	آشقیاء - جمع شقی
پیروان	آشیاع - جمع شیعه
انگشت ها	آصابع - جمع اصبع
کوچکتران	آصاغر - جمع اصغر

## حرف الف

معنی	لغت
برگزیدگان	أَصْفِيَاءُ - جمع صَفِيٍّ
بُت ها	أَصْنَامٌ - جمع صنم
خاموش کردن	إِطْفَاءٌ
آزاد کردن	إِطْلَاقٌ
کوهها	أَطْوَادٌ - جمع طور
عارض شدن مثلاً مانند مرض	إِعْتَرَاءٌ - إِعْتَرَتْ
عارض شود - عارض شد	
دشمنان	أَعْدَاءٌ - جمع عدو
بازوان	أَعْضَادٌ - جمع عضد
بلند و مرتفع کردن	إِعْلَاءٌ
ستونها - پایه ها	أَعْمَدَةٌ - جمع عمود
دِهشده ها - افسارها	أَعْيُنٌ - جمع عِئَانٌ
چشمها	أَعْيُنٌ - جمع عَيْنٌ

## حرف الف

معنی	لغت
چشمهای غماز	أَعْيُن قاصره
غبار آلودگی - کدورت	إِغْبَرَار
شاخه؟ - بنسبین حضرت بهاء بوده	أَغْصَان جمع غصن
نیز اطلاق میشود	
بسته شد	أُغْلِقَتْ
گوسفندان - بردبان سلیم ولی آزاد و مؤمن	أَغْنَام - جمع غنم
هم اطلاق شده. اغنام الهی - در	
مقابل اشخاص شریر که با آنها گزر اطلاق شده	
تمت زنده - دروغلو	أَفَاك
امتحان - آزمایش	إِفْتِئَان
غروب - زایل شدن	أَفُول
چیدن میوه	إِقْطَاف
دور	أَقْصَى

## حرف الف

معنی	لغت
رؤسا و بزرگان	أقطاب - جمع قطب
نواحی و اطراف مملکت ؛	أقطار - جمع قطر
قانع کردن	إقناع
محکمتر - مستقیم و راست	أقوم
بزرگتران	أكابر - جمع اکبر
پنهان تر مستورتر	أکتُم
تاج	إكلیس
آستین ؛	أكمام - جمع كم
اطراف - جوانب	أکناف - جمع کنف
عجده کشید	ألبدار
شعه و روشن	إلهاب
اصرار - تاکید	إلحاح
ابلاغ	القاء .



## حرف الف

معنی	لغت
درد و رنج	الم
هزارها	ألف - جمع ألف
انیس - حبیس	ألیف
کنیزان	إماء - جمع امه
باید بر مخلوط شدن - وکی شدن	إمتزاج
بارانها	أمطار - جمع مطر
سرانگستان	آنابل - جمع انبله
سبز کردن و نمودادن	إنبات
خوشحالی - وسعت و فراخی	إنباط
بیدار و مستنبه شدن	انتباه
پراکنده شدن - پراکنده شد	إنتثار - إنتثرث
سر حال آمدن - شادی و مسرت	إنتعاش
اقسام - اطراف	أخاء جمع نحو

## حرف الف

معنی	لغت
تنزل - پائین آمدن	انخراط
اسم سابق بندر پہلوی	انزلی
ناسبتہ	انب
فرود رفتن - فرود رفت	انقعار انقعت
دردنا	اوجاع - جمع وجع
چرکھا - کثافات	اوساخ - جمع وسخ
با عظمت - خطیر - بزرگ - سخت	اوعر
موافق تر	اوفق
صاحبان عقل - عقلا	اولوالالباب
حرکت - فعالیت	اہتزاز
سعی و کوشش کردن	اہتمام
ریشہ ہا و دامن و قسمت پائین	آهداب - جمع ہذب
لباس و پارچہ و خیمہ	

## حرف الف - ب

معنی	لغت
اطفال بی پدر که در کودکی پدرشان مرده باشد	آیتام - جمع یتیم
آتش افروختن	ایقاد
بیدار کردن	ایفاظ
درخت بزرگ و پرشاخه	ایکه
	حرف ب
مغرب - غرب	باخر
اسم سابق بابل	بارفروش
تابان - درخشان	بارغ - بارغ
ناامیدی - وضع اسفناک	بأساء
کهنه - قدیمی - پوشیده	بالیه
آشکار واضح	باهر
گسترده - منتشر کردن	باش
شدت هر چیز و هر کار - وسط کار	بجوه

## حرف ب

معنی	لغت
خالص	بخت - بخت
ماه شب چهارده	بدر
اول ابتدا	بدو - بدو
تازه	بدیع
تخم - تخمیکه در زمین میکارند تا سبز شود	بذر
مردمان	برایا - جمع بریه
سرمای شدید	برد قارس
برق تند و سریع و خیره کننده - بگنایه از سرعت	برق خاطف
آشکار - علنی	بر ملا
سردی - کدورت	برودت
طلوع - اول تابش و طلوع	بزوغ
شجاعت	بالت
خندان - خنده رو و خوشرو	بسیم

## حرف ب پ ت

معنی	لغت
خبرهای خوب و خوش	بشایر - جمع بشارت
چشم	بصر
سرمایه کم و ناچیز	بضاعت مزجاة
قدرت - هیمنه - جرأت - هجوم	بطش
دشمنی - عداوت	بغضاء
لال ها	بکلم - جمع اکلم
شهرها	ببلاد - جمع بلد
اشخاص کم عقل و ساده و زود باور	ببلهاء - جمع ابله
خوشحالی - مسرت	ببیت
	حرف پ
برق - علم	پرچشم
	حرف ت
پیروی کردن	تأسی

## حرف ت

معنی	لغت
ایجاد دوستی و محبت - جمع کردن	تأیید
بشارتها - علامت اولیه	تأثیر جمع بشر
تضرع - انقطاع از غیر خدا	تبتل
تهذیب - پاک کردن	تثقیف
احراز - دوری کردن	تجنب
جستجوی خوب هر چیزی - تحقیق	تحرری
تطبیع - حریص کردن	تحریص
تشویق - ترغیب	تحریض
مغشوش کردن ذهن	تخدیش ذهن
خردس میخواند	تذلل الدیک
عیب - آراستن ظاهر بر خلاف واقع	تدلیس
اشکهای چشم من سرازیر میشود	تذرف دموعی
اشکهای چشم	(دموع - جمع دمع)

## حرف ت

معنی	لغت
آب میشود - آب شدن	تذوّب - ذوب
خاک	تُرَاب
روحیهسم انباشتن - کنایه از کثرت	تراکم
خواندن آیات والواح	تُرْتیل آیات
تزلزل میشود	تَرْجُفُ
دودلی - شک کردن	تُرَدُّ
بلند میشود	تُرْفُفُ
نغمه	ترنمات - جمع ترنم
پاک و تمیز کردن	تَنْزِیْهِ
تحقیر - خوار شمردن	تَنْزِیْفُ
بستن - جلوگیری کردن	تَسْدِیدُ
راه میرود - میشتابد	تَسْعَى
ظفره و تعلق - بنا خیر انداختن	تَسْوِیْفُ

## حرف ت

معنی	لغت
متفرق کردن	تَشْتِيت
برگها زرد میشود	تَصْفَرُّ الْأَوْرَاقُ
ساختگی - غیر واقعی	تَصْنَع
بوئیدن - استنمام	تَضْوَع
چپاول - غارت	تَطَاوَل
ترقی - بالا رفتن	تَعَارَج
بدبختی - بیچارگی - پستی	تَعَاث
بیکدیگر کمک کردن	تَعَاوَد
بیکدیگر کمک کردن	تَعَاوَن
زحمت - رنج	تَعَب
تنبیه - چوبکجاری	تَعْزِير
عزیز داشتن	تَعْزِيز
بدبختی - تیره روزی - خواری بر او باد	تَعَاَلَه



## حرف ت

معنی	لغت
عمومیت دادن	تعمیم
آواز خواندن	تغزو
آواز خواندن	تغنی
تحقیق - جستجو	تفحص
دقت کردن	تفرس
هر بابی کردن	تفقد
تجزیه - تفرد	تفکک
در کاری متخصّص شدن	تفنی
پاکی - پاک کردن	تقدیس
عوض کردن	تقلیب
شاگردان	تلامذه - جمع تلمیذ
رنگ بزرگ شدن - تغییرات	تلونات - جمع تلون
عکس - مجسمه - فرمان	تمثال

## حرف ت

معنی	لغت
محکم گرفتن - چنگ زدن	تَمَكَّتْ
تفکر دقیق - عمیقانه فکر کردن	تَمَعَّنَ
با یکدیگر مخالفت کردن - نفرت داشتن	تَنَافَرَا
کوهها فرو میریزد - از هم پاشیده میشود	تَنَدَّكَ الْجِبَالُ
پاکی - پاک کردن	تَنْزِيَهُ
میوه هایش میرسد	تَنْضِجُ الثَّمَارِ
اجرا کردن	تَنْفِيذُ
زایل میشود	تَنْقُصُ
آه و ناله	تَهْنَاتُ - جمع تهند
محکم کردن	تَوَطَّيْتُ
بزرگداشتن و احترام کردن	تَوَقَّرْتُ
ابهال دستی	تَهَاوَنَ
	حرف ث

## حرف ش ج

معنی	لغت
رو باہ ؟	شعالب - جمع ثعلب
اعتماد - اطمینان	ثِقَّة
ویران شدہ و اثر کون شد عرش او	ثَمَل شَعرشہ
جمعیت - گروہ	ثُمَّتہ
میوہ	ثَمَر
قیمتی - با ارزش	ثَمینہ ثَمین
اجر کار خوب	ثَوَاب
لباس	ثَوْب
	حرف ج
بنیان کن - خراب کنندہ	جَارِف
کوہ ؟	جِبَال - جمع جبل
ترسو	جَبَان
پیشانی	جَبین

## حرف ج

معنی	لغت
انکار کردن	جحد
دیوارها	جُدُران - جمع جَدْر
ریشه - اصل - میگردوب	جُرثوم - جرثوم
زخم - زخمی - مجروح	جرح - جرح
گناه - خطا	جرم
نام جزیره قبرس است	جزیره شیطان
بزرگ - زیاد	جزیل
بزرگ	جسیم - جسیمه
سرگین غلطان (نوعی سوسک که فضولات و کثافات را با حرص و ولع میرباید)	جَعَلْ
ساختگی	جَعْن
پوستها	جُلود - جمع جلد
عده زیاد - جمعیت فراوان	جَم غفیر

## حرف ج ح

معنی	لغت
آتش سوزان	جمره محرقة
بال و پر	جناح
قلب - امر پنهان	جنان
بهشت	جنان جمع جنت
آشکار	چهار - جهره - جهر
سعی و کوشش	جهد
نزدیکی - همسایه - پناهنگاه	جوار
عضو بدن - حیوانات و درختان شکاری	جوارح - جمع جارح
گریبان	جیب
لاشه	جیفه
شکر - سپاهیان	جوش - جمع جوش
	حرف ح
پا برهنه - بدون کفش	حافی الأقدام

## حرف ح

معنی	لغت
تاریک - سیاہ	حالک - حاکم
پاپ - رئیس مذہب کا تولید	حبر اعظم
رشتہ - ریمان	حبل
شادی - خوشحالی	حسب
دوستان	حسیبان
پردہ؟	حجابات - جمع حجاب
دلیل	حجت
سنگ بنا	حجر زاویہ
مانع شدن	حجر
باغنا - دارستانہا	حدائق - جمع حدیقہ
تازہ - حکایت و نقل و قول	حدیثہ - حدیث
محافظة	حراست
پناہگاہ	حرز

## حرف ح

معنی	لغت
محرومت - ناامیدی	حرمان
آزادی	حریت
کنایه از متجددان بسیدین	حزب شمال
کنایه از متدینین خرافی	حزب بعین
غمگین - محزون	حزین
حسد برندگان - حدکنندگان	حساد - جمع حاسد
تمرکز - منحصر کردن	حصر
زندانی - محبوس - غزب (یعنی بازن آمیزش نکرده)	حضور
قلعه	حصن
محکم	حصین
مرتبه نپت	حظیف
چوب خشک - همیزم	حطب

## حرف ح

معنی	لغت
حافظت کنندگان	حَفَظَه - جمع حافظ
حسارت	حِقْد -
آدم حسود	حَقُود
شیرینی	حَلَاوَت
هم پیمانها - بجهت شدگان - هم قسمها	خُلَفَاء جمع خلیف
زیوردا - زینت آلات	خُلَل - جمع خُلَّة
خودستائی - تعصب جاهلیه	خَمَاسَة
بار	خَمَل
تعصب	خَمِيَّة
گل	خَمْر - خمره
تلخ - هندوانه ابوجهل که خیلی تلخ می باشد	خَمْطَر
مهربان	خَنُون
زنده - کنایه از خدا	حَيّ



## حرف ح خ

معنی	لغت
مار	حیة
	حرف ح خ
نا امید - مأیوس	غائب
ترسو	خائف
متفرد	خاسر
سریع - خیره کننده - گریزان	خاطف
رو باز	خالقه العذار
قلم	خامه
مشرق - شرق	خاور
خائن - خیانتکار	خسوف
خواری - ترک یاری کردن و بخوردن <sup>سختن</sup> لذات	خذلان
پاره کردن - شکستن	خرق
ضرر و زیان	خسران

## حرف خ د

معنی	لغت
گرفتن ماه	خسوف
بزرگ - مهم	خطیر
پنهان	خفیہ
بہشت	خلد
افسردگی - پرمردگی	خمودت
افسردگی - گنہامی	خمول
بامعاق دریا فرو رفتن - کنایہ از تغر عمیق	خوض
ترس	خوف
نخ	خبط
	حرف د
دنبالہ و نس ظالمان	دابرا الاشیاء
ہوشمندی	درایت
یک نوع سنگ درخشان زمینی است	دُرّ جمع دُرّ

## حرف دذ

معنی	لغت
ستارگان درخشان و چشمک زننده	دُرّهرمه
حصه ها - توطئه ها	دسایش - جمع دسیه
مزرعه - سبزه زار	دَسکره
دعوت کنندگان - دعاگویان	دُعَاة - جمع داعی
خون ها	دِمَاء - جمع دَم
هلاکت - خرابی	دِمَار
اشکهای چشم	دُمُوع - جمع دَمْع
درخت بزرگ و پرشاخه	دُوم
ناریک	دِجُور
	حرف ذ
گرگها	ذآب - جمع ذَب
شایع شد	ذَاعَتْ
غافل - بنخبر	ذَاهِل

## حرف ذر

معنی	لغت
فتیله	ذباله
بلندترین نقطه - بلندی	ذروه
طلا	ذهب
	حرف ر
وسط روز	رابعه النهار
ثابتین - اشخاص پایدار در امر	رائحین - جمع رائح
بلندکنندگان	رائعین - جمع رافع
پیشرفته - ترقی کرده	رائیه - راقی
برق ما	رایات - جمع رایت
بو - بو	رایحه - روائح
خدای شکریمان - کنایه از خداوند	رب المجنود
وازالعاب حضرت بهاء الله است	
زمان پرده نشین	ربات حمال

## حرف ر

معنی	لغت
منفعت	رَبْح
بهار	رَبِيع
انجام دادن کار و حل و عقد امور	رَتَقَ وَفَتَقَ
گفته	رَشِيث
لرزه و تکان و شدید - حادثه بزرگ	رَجْفَةٌ كَبْرَى
راحتی و آسایش	رَخَاءٌ
لباس - بالا پوش	رِدَاءٌ
اشخاص پست - کارهای پست	رَذَائِلٌ - جمع رذیله
محکم - محکمگی	رِزَانَةٌ - رزین
نامه ها - نوشته ها	رِسَالٌ - جمع رساله
رستگاری - نجات - براه راست رفتن	رِشَادٌ
چوپانان	رِعَاةٌ - جمع راعی
بخاک مالیدن - مخالفت	رَغْمٌ

## حرف رز

معنی	لغت
مقام بسیار عالی و بلند	رُفوفِ اعلیٰ
مار خالدار و سیاه سفید	رُقطاء
صدای خفیف و خیلی آهسته	رُکرز
خاکستر	رِباد
قبر	رَمس
آواز - صدا	رَنه
طنین انداز	رَنان
نیمها - بوهای معطر	رَوحات جمع روضه
بزرگ - خوفناک	رَهیب
باغها - باغچه ها	ریاض - جمع روضه
شکت - دودلی - تردید	رَیب
	حرف ز
الواح - کتابها	زُبُر - جمع زبور

## حرف ز س

معنی	لغت
صفحات آہنیں - سد محکم	زبر حدید
مردم ہجوم و یورش آوردند	زحف الناس
آہ کشیدہا	زفوات - جمع زفرہ
پاکیزہ - تمیز	زکیہ - زکی
یاران و ہمران	زمراء - جمع زمیل
گرد بادما - طوفانہا	زواہج - جمع زوبعہ
درخشان	زہراء
چیز بسیار کوچک و حقیر	زہید
	حرف س
پیشگاہ - میدان	ساحت
جوہر و سرشتہ محبت	سازج حُب
قیامت	ساقہ
مرتفع - عالی	سامیہ - سامی

## حرف س

معنی	لغت
سوق دهنده - راننده	سائق
خواب عمیق و سنگین - بیهوشی	سبات
شناگران	سباحان
درندگان وحشی	سباع - جمع سبع
طبیعت با - عادات - خویشا	سجایا - جمع سجیه
ابر	سحاب
سبک - بمعنی - بنفایده	سخیف - سخیف
جلوگیری - سد معروف	سد
پنهانی	سراً
خمیه - سراپرده	سرادق
ابدی - همیشگی - بدون اول و آخر	سرمدی
آواز - ندا	سروش
جریان - جاری	سریان - باری



## حرف س

معنی	لغت
تخت - تخت ها	سُریر - سُرُر
همینه - قدرت	سَطوت
تابش	سَطوع
راه رفتن - کوشش	سعی
آبیاری - آبیار - ساقی معروف	سَیّات - ساقی
مریض - نادرست	سَعیِم - سَعیِمه
ازین بردن - کندن - لباس آوردن - تخت کردن	سَلَب
قدرت	سَلطه
تسلی و آرامش خاطر	سَلوَتی
سوراخ سوزن	سَم ابره
آسمانی	سَمَوِیّه
سهل و آسان	سَمَاء
گوش	سَمع

## حرف س ش

معنی	لغت
اسب	سُمند
بلندی و بزرگی مقام	سُمُو
زهره	سُموم - جمع سَم
نیزه	سِنان
سالها	سِنین - جمع سِنه
شریک	سَهِیم
شمشیر	سَیْف
جریان زیاد و ناگهانی آب - سیل معروف	سُیول - جمع سَیل
	حرف ش
جوان	شَاب
بارانها	شَآبیب - جمع شَوَابِیب
وسیع - بزرگ	شَاعِه
تیز و بُرنده	شَاهِر

## حرف ش

معنی	لغت
بلند و مرتفع	شاهق - شایقه
درخت	شجر - شجره
دشمنی - کینه	شمار
چشم خیره شد	شخصت
سختی	شدار - شدت
قطعه قطعه	شرم - شرم
طرف	شطر
خوشحالی	شعف
مهربان	شفوق
مهربان - دوست	شفیقه - شفیق
ینفاق - تفرقه	شفاق
لب باز کردن	ششق شفه
برادر	ششیق